کتاب مقدس ترسایان

((ترجمه خاص))

ارمیا

مقدمه و توضیحات طبق

ترجمه بین الکلیسایی کتاب مقدس



کتاب ارمیا

پیشگفتار

۱. تنهایی مرد کلام

ارمیا برای خوانندهٔ کتابی که نام او را بر خود دارد، همچون شخصیتی بسیار تنها نمودار می‌شود. «در کناری نشستم»: این اصطلاحی است که خود او به کار می برد تا نوع روابطش را با جامعه توصیف کند (۱۷:۱۵). همان کسانی که می بایست دورش را می گرفتند و تشویقش می کردند، یعنی اعضای خانواده اش، نه فقط او را درک نکردند و به او محبت نشان ندادند، بلکه آزارش نیز دادند (۶:۱۲؛ ۱۰:۲۰)؛ او نه در جشن های عروسی ایشان شرکت می کرد، نه در مراسم سوگواری شان (۱۶:۵-۹). او هیچگاه رفاه و مسئولیت زندگی زناشویی را تجربه نکرد و هرگز پدر نشد (۱۶:۱-۴). او را به زندان افکندند، مورد بدرفتاری قرار دادند، و بر خلاف میلش به مصر بردند؛ او عمر خود را در سرزمینی دوردست به پایان رساند، بی‌آنکه کسی خاطره‌ای از قبرش نگاه دارد.

اما در زمینه زندگی درونی اش اطلاعات خوبی در دست داریم. این را می‌دانیم که این تنهایی و انزوا نزد او، به هیچ وجه مربوط حالات سرشتی اش نمی‌گردد. این تنهایی از سوی نیرویی بیرونی بر او تحمیل شده، نیرویی که با او خشونت می ورزد، او را به ستوه می‌آورد، او را آکنده می سازد، دچار عذاب روحی اش می کند، و تبعیت کامل از اراده اش را مطالبه می نماید. این نیرو به انزوای او نیاز دارد تا آن را همچون ابزاری برای عمل در میان قوم یهودا به کار گیرد. این نیروی سختگیر همانا کلام خدا بود. هیچ یک از انبیا مانند ارمیا، از کلام خدا و شیوهٔ عمل آن، با چنین صراحت و دقت دردناکی سخن به میان نمی‌آورند. این عبارت که می گوید: «کلام یهوه به من فرا رسید»، نزد ارمیا به فراوانی یافت می شود که هم مقدمه ای بر خطابهٔ او است و هم توصیف کنندهٔ آن (ر.ک. توضیح ۲:۱). می فرماید: «آن هنگام که سخنانت عرضه می شد، آنها را می بلعیدم» (۱۶:۱۵)؛ این سخنان با این که موجب وجد و شادی او می شود (۱۶:۱۵)، اما اثراتش اغلب ویرانگر است، چنان که می فرماید: «دلم در اندرونم شکسته، تمامی استخوان هایم خم شده؛ همچون آدم مست هستم، همچون آدمی که مغلوب باده شده، به سبب یهوه و به سبب سخنان مقدس او» (۹:۲۳). او این کلام امتحان کننده را که همچون «آتش» است (۲۹:۲۳)، فقط در بارقه های تنویری که گویی طی تجربیاتی فی

نفسه پیش پا افتاده عرضه می شود، دریافت نمی دارد (ر.ک. ۱:۱۱-۱۴)؛ بلکه آن را در بارگاه خداوند آسمانی نیز می شنود (۱۸:۲۳، ۲۲؛ ر.ک. ۱:۵ و توضیح)، یعنی در مکانی که او در مقام نبی حق ورود به آن را دارد. به علاوه، خداوند آن را بر لبانش می گذارد (۹:۱) و بر آن نظارت می کند (۱۲:۱) تا از آن آتشی بسازد که قوم متمرد و نافرمان را از میان ببرد (۱۴:۵). گاه نیز به نظر می رسد که این کلام او را رها می کند و کمیاب می شود و برای اینکه بار دیگر بر او نازل شود، روزهایی طولانی او را چشم به راه نگاه می دارد (۷:۴۲). در زندگی این مرد، کلام همچون عاملی کلیدی، کانونی حکمفرما، بر هم زنندهٔ شادی، و نیز علت وجودی جلوه گر می شود؛ نوعی فرمانروای مستبد و خودکامه است که ظاهراً او را از خویشتن و همنوعانش بیگانه می سازد، تا بدینسان او را فی الواقع به قلب واقعیت فرو ببرد.

لذا درک می کنیم که ارمیا می بایست تلاشی دائمی کرده باشد تا این کلام را بر عهده بگیرد و خود را برای آن آماده سازد. آثار چنین تلاشی را در گفت گوهای متعدد که در سراسر کتاب مشاهده می شود، می یابیم؛ در این گفت وگوها، نبی با تندی با خدا در مورد معنی زندگی اش در مقام نبی بحث می کند. معروف ترین این گفت وگوها احتمالاً آن بخشی هایی است که مفسران امروزی.، آنها را «اعتراف ارمیا» نامیده اند (۱۸:۱۱-۲۳؛ ۱:۱۲-۶؛ ۱۰:۱۵، ۱۵-۲۰؛ ۱۴:۱۷-۱۸؛ ۱۸:۱۸-۲۳؛ ۷-۱۳، ۱۴-۱۸). در این بخش ها، نبی به تلخی از انزوا و «بیگانگی» و پوچی وضعیتش شکایت می کند، اما در جواب، می شنود که این وضعیت اجتناب ناپذیر است و جزیی از رسالت نبوتی اش می باشد. با این حال، این «اعترافات» یگانه گفت وگوها میان ارمیا و خدایش نیست. گفت وگوهای دیگری را در آغاز کتاب مشاهده می کنیم: صحنهٔ دعوتش به رسالت که طی آن، این مرد جوان به عبث می کوشد از نفوذ کلام طفره رود (۴:۱-۱۰)؛ و نیز رؤیاهای نخستین که تشکیل دهندهٔ رسالتش می باشد (۱۱:۱-۱۴). همچنین می توان به بخشی اشاره کرد که در آن، نبی واداشته می شود بنیاد راستین حکم الهی در خصوص وضعیت جامعه یهودیان را تصدیق کند (۱:۵-۶). در بخشی دیگر، باز به عبث می کوشد خشکسالی ای را که در مملکت بیداد می کرد، متوقف سازد (۱:۱۴ تا ۹:۱۵). در این گفت وگوها، کلام انسان با کلام خدا در حالت مبارزه قرار می گیرد، اما هر بار این کلام خدا است که غالب می آید. این گفت وگوها در هر شکل تاریخی که روی داده باشد (زیرا دشوار بتوان به عمق روان شناختی تجربهٔ نبی راه یافت)، به هر صورت گواه بر این است که کلام خدا دلمشغولی دائمی نبی را تشکیل می داده است.

۲. وثاقت و درستی دعوت نبی

از میان تمام مشکلاتی که چنین شخصیتی را تکان می داد، کثرت گرایی معتقدات نبوتی، قطعاً یکی از بارزترین آنها بوده است. منظور

این است که ارمیا یگانه کسی نبود که به نام یهوه سخن می گفت. خود کتاب ارمیا در زمینه فعالیت اشخاص دیگری شهادت می دهد که با عنوانی مشابه با عنوان او، و در کنار او، مدعی برخورداری از جایگاه و امتیازات انبیا بودند. در این میان، می توان از این افراد نام برد: اوریاهو پسر شَمَعیاهو (۲۶:۲۰-۲۴)، حنانیا پسر عَزّور (فصل ۲۸)، اخاب پسر قولایا و صدقیا پسر معَسیا (۲۹:۲۱)، و نیز انبیایی بی نام که در بخش های مختلف به آنان اشاره شده (۲:۸، ۲۶، ۳۰؛ ۴:۹؛ ۵:۱۳، ۳۱؛ ۶:۱۳-۱۴؛ ۲۶:۷-۱۶؛ ۲۷:۱۶-۱۸)، یا مورد خطاب قرار گرفته اند (۲۳:۹-۴۰) یا ارمیا از آنان نام برده (۱۴:۱۳)، شاید هم حتی با تأیید (ر.ک. توض ۴:۱۰)؛ انبیا نیز در میان تبعیدیان بابل بودند.

از متن کتاب به طور خاص درمی یابیم که ارمیا در آغاز هیچ تمایلی نداشت که خود را از همکاران نبی اش جدا و متمایز سازد (ر.ک. ۱۴:۱۳-۱۶؛ ۲۸:۶-۹؛ و نیز ۲۹:۱)؛ او هیچ دلیلی نمی دید که ایشان را یکبار «نبی دروغین» معرفی کند. ما در اینجا در مقابل جنبه ای بسیار ظریف از تنهایی و انزوای ارمیا قرار داریم. به غیر از معیارهای اخلاقی که کاربردی ظریف دارند (۲۳:۱۴، ۱۷، ۲۲؛ ۲۹:۲۳)، او هیچگاه از معیارهای عینی برخوردار نبود تا راستی را از دروغ متمایز سازد، و پیام خاص خود را از پیام بسیاری دیگر ممتاز بنمایاند، یعنی همان هایی که از پیام خود با همان اطمینانی دفاع می کردند که او می کرد (با این حال، ر.ک. ۲۸:۸). به هر حال، او نیز ممکن بود اشتباه کند، همان گونه که رقیبش حنانیا می توانست اشتباه کند (۲۸:۶-۹)، خصوصاً با توجه به این امر که نظر حنانیا با نظر اکثریت قاطع مسئولان سیاسی و نظامی همسو بود (ر.ک. مطالب بعدی و ۴ب).

لذا مسئلهٔ اصالت و معنی دعوت متمایز او در کانون گفت وگوهای او با خدا قرار دارد. اگر الهام کنندهٔ پیام ها خدا است، پس چرا پیام آوران یک صدا نیستند؟ اگر ارمیا را خدا فرستاده، چرا او تنها کسی می باشد که مدعی حقانیتی است که فقط خودش دریافت می داشته (سرنوشت شخصی مانند اوریاهو، ر.ک. ۲۶:۲۰-۲۴، که به دست یهویاقیم ترور شد، نمی توانست باعث تسلی ارمیا شود)؟ اگر خدا به نبی خود مأموریتی داده، چرا وی باید متحمل مصائب شود، آن هم از سوی کسانی که می بایست او را با خوشوقتی همچون همقطار یا همچون نمایندهٔ ذیصلاح خدا بپذیرند، آن خدایی که در مقام سرور خود تکریم می کردند؟ آنچه که مورد سؤال است، هویت و درستی مکاشفه است.

ارمیا سردرگمی خود را پنهان نمی سازد، تا آنجا که به خدمتش مربوط می شود، او خطایی در کار خود نمی یابد. مگر نه آنکه وفادارانه کلام را در وجود خود پذیرفته و آن را «بلعیده» بود (ر.ک. ۱۵:۱۶)؟ مگر نه آنکه همواره صداقت کامل داشته است (۱۷:۱۶ب)؟ مگر نه آنکه برای همنوعان خویش، حتی برای دشمنانش، شفاعت می کرده، همان کاری که هر نبی راستینی می کند (۱۸:۲۰؛ ر.ک.

۱۳:۱۴؛ ۱۶:۱۷)؟ پس چرا باید دچار سرنوشت حزن‌انگیز شخصی تنها، فردی ناسازگار، و طغیانگری ابدی گردد؟

پاسخ خدا، بی‌چون و چرا، هیچ گونه توضیح و توجیهی به دست نمی‌دهد. تمامی مصائب او را خدا پیش بینی کرده؛ حتی به تدریج سخت‌تر نیز خواهد شد (۵:۱۲)؛ این پیام‌آوری که مورد اعتراض قرار دارد، چاره‌ای ندارد جز اینکه خویشتنداری پیشه کرده، به راه خود ادامه دهد (۱۵:۱۹-۲۱)، و فقط تلاشی شخصی به خرج دهد تا پیام خود را هر چه کوبنده‌تر سازد (۱۵:۱۹). اما تا آنجا که به سایر انبیا مربوط می‌شود، خداوندی که ایشان را مأمور نکرده (۱۴:۱۴-۱۶)، شیاد بودن آنان را برملا می‌سازد (۲۳:۱۶). برای برطرف کردن تردیدهایی که روح نبی را در هم می‌نوردد، تنها راهی که باقی می‌ماند، تکیه به این اطمینان عبث است که کسی که با او سخن می‌گوید، خدای زنده می‌باشد.

عمر ارمیا کفاف نداد که ببیند فاجعه‌ای که اعلام داشته بود، تحقق یافته و سبب شده که مردمان یهودا به تقدیر خود بیندیشند: عده‌ای از علمای آگاه الهیات، نه فقط وحی‌های او را، بلکه سنت‌های مربوط به رسالت او را گردآوری کردند، و سرانجام او را همچون نبی واقعی خداوند مورد تصدیق قرار دادند (ر.ک. بخش ۵).

۳. چند داده در مورد شرح حال او

در مقایسه با این تنش بنیادین، شرایط بیرونی زندگی نبی می‌تواند فقط از جذبه‌ای ثانوی برخوردار باشد. در واقع، از این شرایط اطلاع دقیقی در دست نداریم و نتایجی که از برخی داده‌ها کسب می‌کنیم، اکثراً مبتنی است بر حدس و گمان.

بر اساس ۱:۱، نبی در اصل اهل عناتوت بود که شهرکی بوده نه چندان دور از اورشلیم؛ خانوادهٔ او در آنجا صاحب املاکی بودند (فصل ۳۲؛ ر.ک. ۱۲:۳۷)؛ در ضمن، او از خانوادهٔ کهانتی بود. برخی از این امر نتیجه گرفته‌اند که ارمیا احتمالاً از اعقاب دور ابیاتار کاهن، اهل شیلوه بود که در گذشته، سلیمان او را به عناتوت تبعید کرده بود (۱-پاد ۲۶:۲-۲۷) و لذا تربیت مذهبی او در خانوادهٔ پدری، و نیز خاطرات نیاکان و مجاورت با سرحدات حکومت فروپاشیدهٔ شمالی، می‌توانسته بر سبک و محتوای پیام او اثر گذاشته باشد. اما در این زمینه قطعیتی وجود ندارد.

طبق ۲:۱، ارمیا در سال ۶۲۶ ق.م. زمانی که هنوز بسیار جوان بود (۶:۱)، به خدمت نبوت دعوت شد. از این اشارات می‌توان حدس زد که وی احتمالاً در حدود سال‌های ۶۵۰-۶۴۵ ق.م. ولادت یافته باشد. با این حال، نمی‌توان از نظر دور داشت که رقم مذکور در ۲:۱ (که در ۳:۲۵ تکرار شده)، در خصوص تاریخ دعوت ارمیا به رسالت، مبتنی است بر سنتی متأخر و اینکه این تاریخ باید حول و حوش سال‌های ۶۰۹-۶۰۸ بوده باشد. این بدان معنا است که تعدادی از فرضیه‌های مربوط به سال‌های اولیهٔ خدمت نبوتی او، مبتنی است بر پایه‌هایی نسبتاً سست: ارمیا

احتمالاً از اصلاحات یوشیا در سال ۶۲۲ ق.م. با شادی استقبال کرده؛ حتی شاید با موعظه های خود، فعالانه در این کار شراکت داشته است (ر.ک. ۱۱:۱-۱۴)؛ این اصلاحات یوشیا که ارمیا احتمالاً اشاعه می داد (ر.ک. ۱۱:۲۱ و سایر «اعترافات» ارمیا).

لذا گزیری نیست جز آنکه بپذیریم که آگاهی ما در مورد مراحل آغازین خدمت ارمیا کمتر از آن است که مایلیم بدانیم. اما بر عکس، چند رویداد در مراحل بعدی زندگی او، با جزئیاتی قاطع، در بخش دوم کتاب شرح داده شده است. در سال ۶۰۸ ق.م. مشاهده می کنیم که او، در ورودی معبد، خطابه ای را ارائه می دهد که او را در شرایطی بسیار بد قرار می دهد (فصل ۲۶؛ ر.ک. ۷:۱ تا ۸:۳). در سال های ۶۰۵-۶۰۴ ق.م. برای نخستین بار وحی های خود را منتشر می سازد، وحی هایی که تا آن زمان، فقط در حافظه اش محفوظ داشته شده بود ـ شاید هم در حافظهٔ تعدادی از شنوندگان (فصل ۳۶). در سال ۵۹۴ ق.م. با سایر انبیا درگیر مشاجره می شود (فصل ها ۲۷-۲۸)، و اندکی بعد، نامه ای برای تبعیدیان به بابل می فرستد که برای تحول و تکامل روحانی پراکندگان یهود، نقشی تعیین کننده دارد (فصل ۲۹). و بالاخره، گفت وگوهایش با صدقیا پادشاه و خدمتگزارانش در طول محاصرهٔ اورشلیم در سال های ۵۸۸-۵۸۷ ق.م. و فعالیتش در میان رهایی یافتگان پس از سقوط شهر، موضوع فصل های ۳۲-۳۵، ۳۷-۴۴ را تشکیل می دهد. باید توجه داشت که این اطلاعات، با اینکه حاوی جزئیات است، شرح حال واقعی نبی را تشکیل نمی دهد ـ حتی ترتیب قرارگیری آنها در متن نیز، دقت ترتیب زمانی را زیر سؤال می برد؛ این اطلاعات فقط حالت مجموعه ای از رویدادهایی را دارا است که نحوهٔ عملکرد «کلام» در زندگی نبی در میان قومی را به نمایش می گذارد که دشوارترین دورهٔ تاریخ خود را طی می کند.

۴. خدمت «کلام» در طول زمان

تنهایی و انزوایی که وجه مشخصهٔ خدمت ارمیا از همان آغاز است، فقط ناشی از تجربهٔ مذهبی متمایز کننده نیست، بلکه از محتوای پیامی ناشی می شود که به او سپرده شده است. این پیام دائماً مردمان یهودا را در مقابل نیستی قرار می دهد، در مقابل ورطهٔ نابودی جامعه و نیز خلقت (ر.ک. ۴:۲۳-۲۶). انزوای ارمیا دارای بعدی سیاسی است چرا که وجود یا توقف وجود همه بستگی به پذیرش یا رد پیام او دارد. اگر انزوای او ادامه بیابد و مردمان یهودا در امتناع از گوش دادن لجاجت ورزند، نبی واقعاً تنها کسی خواهد بود که از این فاجعهٔ فراگیر جان سالم می برد؛ اما برعکس، اگر پیام نبی با نوعی از پذیرش روبه رو شود، خواهند توانست از فاجعه بپرهیزند یا دست کم دچار جنبه ای تخفیف یافته از آن شده، از شکلی جدید از رفاه بهره مند گردند. پیام ناسازگار ارمیا، به گونه ای آمرانه، تصمیماتی بنیادین را ایجاب می کند. همان گونه که در مورد اکثر انبیا صدق می کند، برای ارمیا «کلام» ضرورتاً

کلامی است کامل و مطلق و تمامی جنبه های زندگی بشر را در بر می گیرد، چه جنبه های شخصی و چه جنبه های اجتماعی را.

در خدمت ارمیا می توان سه دوره را تشخیص داد:

الف) دورهٔ نخست از دعوت ارمیا آغاز می شود (که تاریخش قطعی نیست) و تا حوالی سال ۶۰۵ ق.م. ادامه می یابد، یعنی زمان جنگ تعیین کنندهٔ کرکمیش. در دورهٔ حکومت یوشیا که در سال ۶۰۹ ق.م. در گذشت، یهودا ابتدا دوره ای از آرامش را پشت سر گذاشت که نسبتاً با رفاه و کامیابی همراه بود. آشور از ستم راندن بر جهان باز ماند و استقلال زیادی نصیب یهودا شد؛ یوشیا از این امر بهره جست تا قلمرو حکومتش را توسعه بخشد و دست به هر نوع اصلاحاتی بزند. پس از مرگ او، مملکت یهودا برای چندین سال جذب مدار مصر می شود، بی آنکه یوغ آن را چندان سنگین احساس کند. برای یهودا، این سال ها دورهٔ نسبتاً آرامی را تشکیل می داد، به جز جنگ مَجِدّو ـ اگر چنین چیزی اساساً وجود داشته! ـ که در نهایت گویا فقط برای یوشیا نابود کننده بود (ر.ک. ۲ـ پاد ۲۹:۲۳). درست در همین سال ها است که ارمیا وادار می شود پیامی کاملاً غریب را اعلام دارد؛ او طی اشعاری که نیرویی خارق العاده در تداعی امور داشت، آمدن لشکری مقاومت ناپذیر را توصیف می کند که از شمال سر بر می آورد و یهودا و اورشلیم را فرو می گیرد (ر.ک. خصوصاً فصل های ۴-۶)؛ این لشکر بی رحم امیدی برای مغلوبان باقی نمی گذارد ـ مگر آنکه اینان، پیش از آنکه دیر شود، به سوی خدا بازگشت کنند. ارمیا می داند که آن هشدار باور نکردنی که مأمور شده به هم میهنانش اعلام کند، از هیچ اقبالی برای مواجهه با واکنشی مساعد برخوردار نیست. قوم و رهبرانشان بیش از حد به خود اطمینان دارند و متقاعدند که نهادهایشان تزلزل ناپذیر می باشند (ر.ک. ۱۸:۱۸؛ ۸:۸). ایشان در مواقع ضروری، می توانند به معبد که پناهگاه نهایی شان می باشد، و به تجاوزناپذیری همیشگی آن، توسل جویند (ر.ک. ۴:۷، ۱۰). مضافاً، ارمیا پس از انجام تحقیقی جدی در میان طبقات مختلف مردم، لازم می بیند که تسلیم واقعیت شود، این واقعیت که تمام قوم، رهبر و افراد تحت رهبری، ستمکیش و ستمکش، همگی دچار انحطاط اند (ر.ک. ۵:۱-۶)، و به گونه ای درمان ناپذیر گمراه اند ـ آیا سیاهپوست می تواند پوست خود را عوض کند؟ آیا پلنگ می تواند رنگ پوست خود را تغییر دهد؟ و آیا یهودابیان که به بدی خو گرفته اند، می توانند نیکویی کردن پیشه کنند (۲۳:۱۳)؟ این پیام خشن که هیچ گونه تمایزی قائل نمی شود (یعنی اینکه یا تمامیت را می خواهد یا هیچ) جدی تلقی نمی شود؛ اندیشهٔ نبی بیش از حد انتزاعی است و با واقعیت تجانس ندارد، واقعیتی که هیچگاه نه کاملاً سیاه است و نه کاملاً سفید، بلکه همیشه اندکی سیاه است و اندکی سفید؛ این اندیشه بیش از حد وارد قلمروهای مه آلود شناخت خدایی می شود که با آنچه که سنت تعلیم می دهد، در تناقضی

آشکار قرار دارد ـ زیرا که خدا، خدایی است نزدیک و آشنا (ر.ک. ۲۳:۲۳)، خدایی که قوم خود را رها نمی‌سازد. حرکت پرصلابت یهویاقیم پادشاه که بی‌دغدغه، طوماری را که حاوی این متون باور نکردنی است قطعه قطعه می‌کند، به وضوح بیانگر شکست موعظهٔ ارمیا در طول این بخش نخست از رسالتش می‌باشد (ر.ک. ۳۶).

ب) دورهٔ دوم از ۶۰۵ ق.م. آغاز و تا به ۵۸۷ ق.م. ادامه می‌یابد، یعنی از جلوس نبوکدنصر بر تخت تا ویرانی اورشلیم؛ این دوره، مهم‌ترین دلمشغولی رسالت ارمیا را تشکیل می‌دهد. نبوت‌های او که مربوط به حملهٔ نظامی می‌شد، به ناگاه تحقق می‌یابد. پادشاه بابلی‌ها مصمم بود که ارادهٔ خود را بر تمام حکومت‌های کوچکی که بر سر راه خود می‌یابد تحمیل کند؛ از این رو، بارها سوریه و فلسطین را با لشکر پیروزمند خود در می‌نوردد. این به معنی پایان استقلال یهودا بود. با این حال، مسئولان سیاست‌گذاری یهود نمی‌توانند بر سر اقداماتی که باید اتخاذ شود، به توافق برسند. اکثریت ایشان قاطعانه خواهان اتخاذ سیاستی هستند که منجر به بازیابی استقلالشان گردد؛ ایشان به مسئلهٔ اتحاد با مصر می‌اندیشند که همواره مایل بوده بابلی‌ها را در فاصله‌ای امن، دور از خود نگاه دارد؛ همین گرایش به اتحاد، شامل همسایگان کوچکی نیز می‌شود که به همان شکل مورد تهدید بابلی‌ها قرار دارند. این سیاست سخت، به وضوح مورد تأیید رئیس حکومت، یعنی پادشاه سلسله داود می‌باشد. اما اقلیتی آماده‌اند تا به حاکمیت بابل تن در دهند، به این امید که استقلالی نسبی را در بطن امپراطوری نبوکدنصر حفظ کنند. نام چند تن از اعضای گروه طرفدار بابل به واسطهٔ کتاب ارمیا حفظ شده، یعنی اخیقام که پشتیبان نیرمند ارمیا بود (۲۴:۲۶)، و پسرش جدلیا که پس از سقوط اورشلیم به سمت حاکم ناحیه منصوب می‌شود، و باروک پسر نِریا، یعنی همان شخصی که ارمیا را یاری داد تا انتشار وحی‌هایش را متحقق سازد. اشتباه است که باروک را صرفاً «کاتب» ارمیا بپنداریم، یعنی شخصیتی صرفاً در خدمت ارمیا، یا فردی در حد یادداشت کننده‌ای که خود را در اختیار ارمیا گذارده تا کار او را تسهیل کند. او در واقع یک «سوفِر» بود، یعنی دبیر حکومت، لذا یکی از مقامات، در حد مهردار؛ لذا او شخصیتی نسبتاً بلند مرتبه بود، همان گونه که برادرش سرایا نیز سرانجام رئیس اردوگاه در دستگاه اداری بابلی‌ها گردید (ر.ک. ۵۹:۵۱). محبوبیت و شهرت باروک در واقع به گونه‌ای بود که او را همچون یکی از رهبران گروه طرفدار بابل، و محرک واقعی وحی‌های ارمیا به شمار می‌آوردند (۳:۴۳).

بدینسان، راه حل‌های سیاسی بسیار روشن به نظر می‌رسند: یا باید با ورق آزادی بازی کنند ـ آزادی ظاهری، چرا که مصر اگر به یهودا کمک کند، دیگر هرگز حاضر به رها کردن آن نخواهد بود ـ و در صورت شکست، خطر از دست دادن همه چیز را بپذیرند، یا اینکه تن در دهند که جذب نظام سیاسی بابل شوند.

ارمیا کاملاً بر خلاف میل خود، درگیر این مباحثات می شود. موضع او فاقد هر گونه ابهامی است؛ طبق موضوع او، باید برتری بابل را پذیرفت. اما نه به دلایل فرصت‌طلبانه، زیرا ارمیا فردی سیاسی نیست، بلکه به این دلیل که ارادهٔ خدا است. آنچه که خدا مشتاقش می باشد، وجود حکومتی مستقل و نیرومند در یهودا نیست که از سوی سلسله مراتبی دوگانه اداره شود، یعنی دستگاه مدنی و مذهبی، بلکه خدا مشتاق داشتن قومی است که به او وفادار باشد و به دعوت پدرانهٔ او پاسخ مثبت دهد (ر.ک. ۳:۲۲ تا ۴:۴)، و در پی دفاع از حق، و زیستن در هماهنگی با هم باشد (ر.ک. ۱۳:۲۲؛ ۵:۲۳-۶؛ و در دوره های قبلی ۵:۱-۳). در نزد او، وجه مشخصهٔ گروه استقلال طلب، خوار شمردن تمامی ارزش هایی است که نزد خداوند گرامی می باشند؛ و در این میان، پادشاه مقصر اصلی است (۱۳:۲۲-۱۷). به همین سبب، خدا نابودی حکومت را تقدیر نموده است. خدا طرحی کاملاً نوین تدارک می بیند: او در نظر دارد در بطن امپراطوری بابل، جامعه ای دگرگون شده و متشکل از آنانی تشکیل دهد که به داوری او گردن می نهند، جامعه ای که دیگر دغدغهٔ جلال خود را ندارد، بلکه آرزومند گسترش رفاه همگان است، چرا که کامیابی دیگران، شرط کامیابی خود او است (۵:۲۹-۷). این جامعه پس از بازگشت سعادتمندانه به سرزمین نیاکانش، سرانجام به این تجربه خواهد رسید که تعهداتی را که قبلاً در قبال خداوند داشت، اکنون در باطن خود خواهد یافت، تا آن حد که دیگر وجود هیچ سلسله مراتبی به عنوان واسطه میان خدا و انسان ضرورت نخواهد داشت (۳۱:۳۱-۳۴)؛ این پیام حتی به فراسوی پیام مذکور در ۱۵:۳ و ۶:۲۳ می رود که طبق آن، خداوند قصد داشت قوم خود را به کمک اشخاصی رهبری کند که به طور کامل وقف او باشند. این پیام تحقق کامل عهد را در اورشلیم آسمانی مدنظر دارد.

ج) سومین دورهٔ رسالت ارمیا، پس از سال ۵۸۷ ق.م. آغاز می شود، یعنی پس از ویرانی اورشلیم. اهمیت این دوره اغلب چندان مورد توجه قرار نمی گیرد زیرا از یاد می بریم که علی‌رغم تبعیدهایی که از سوی بابلی ها اعمال می شود (تبعیدهایی که فقط برخی از اقشار جمعیت را شامل می شد)، اکثریت اهالی یهودا در سرزمین خود باقی ماندند. در میان این جمعیت ره گم کرده، سه گرایش سر بر آورد. یکی که از سوی سردمداران گروه قدیمی طرفدار بابل، خصوصاً جدلیا تبلیغ می شد، این هدف را داشت که سرزمین را تحت حمایت بابل بازسازی کند. ارمیا به این دسته تعلق داشت. گروه دیگری به رهبری اسماعیل که مردی بی دغدغه و متکی به حمایت پادشاه عمّونی ها بود، بر خلاف گروه نخست، قصد داشتند پیکار را ادامه دهند و دست به اعمال توریستی بزنند (ر.ک. ۱:۴۱-۱۰) و بالاخره گروه سوم به رهبری شخصی به نام یوحنان پسر قاریح، ترجیح می دادند جلای وطن کنند و به مصر بروند.

این گروه علی رغم وحی ارمیا که چنین اقدامی را نهی می کرد، طرح خود را به موقع اجرا گذاردند و نبی را با خود بردند و در سرزمین دوردست مصر، دیگر اثری از او باقی نماند.

۵. شکل کتاب

تقسیم بندی کلی کتاب ارمیا نسبتاً ساده است:

۱:۱ تا ۱۴:۲۵، شامل وحی ها و اعمال نمادین ارمیا است که بر علیه یهودا ادا می شد؛

۱:۲۶ تا ۵:۴۵، شامل وحی های مربوط به نجات اسرائیل و یهودا و همچنین روایات مربوط به رسالت ارمیا می باشد؛

۱:۴۶ تا ۶۴:۵۱ (همراه با مقدمه ای در ۱۵:۲۵-۳۸) شامل وحی هایی بر علیه ملت های بیگانه است؛

۱:۵۲-۳۴، که ضمیمه ای تاریخی است که از ۲- پاد ۱۸:۲۴ تا ۳۰:۲۵ به عاریت گرفته شده (همراه با چند داده جدید) شامل سقوط اورشلیم می باشد.

در ترجمهٔ یونانی، وحی های مربوط به ملت های بیگانه بلافاصله بعد از ۱۳:۲۵ قرار گرفته است. این ترتیب احتمالاً بازتاب شکلی قدیمی تر طومار می باشد، زیرا مشاهده می کنیم که چندین کتاب نبوتی (اش ۱-۳۹؛ حزقیال؛ حبقوق؛ صفنیا) بر اساس طرحی سه بخشی شکل گرفته اند که در آن، وحی های مربوط به ملت ها، میان وحی های مربوط به مصائب اسرائیل و وحی های نجات اسرائیل قرار گرفته اند.

در داخل هر یک از این تقسیم بندی های عمدهٔ کتاب، بخش هایی کوچکتر، و تألیفات پیوسته و وحی هایی را می یابیم که ظاهراً از پیش به شکل برگه یا کتابچه هایی مستقل وجود داشته که بعداً در این کتاب بزرگ گردآوری شده اند. برای مثال، می توان به مجموعه هایی نظیر ۱۱:۲۲ تا ۸:۲۳ اشاره کرد که وحی های مربوط به «خاندان داود» را گرد هم می آورد؛ همچنین ۹:۲۳-۴۰ که «در مورد انبیا» است؛ ۱:۳۰ تا ۴۰:۳۱ تحت عنوان «کتاب» (۲:۳۰) که تفقد از اسرائیل احیا شده را اعلام می دارد. به علاوه، تألیفاتی نظیر فصل ۲؛ فصل های ۴-۶؛ ۱:۱۴ تا ۴:۱۵ و غیره را می توان جزو این جنگ های ارمیایی به شمار آورد که پیش از شکل گیری اثر نهایی وجود داشته اند.

در خصوص نگارش بخش اول کتاب (فصل های ۱-۲۵) ماجرای طوماری که به دست باروک نوشته شد و یهویاقیم آن را از بین برد و مجدداً تحت شکلی بسط یافته تألیف شده («و بسیاری سخنان مانند آنها باز به آنها افزوده شد»، ۳۲:۳۶)، نقش مهمی در تحقیقات مفسران بازی می کند. این طومار حاوی وحی های تهدید کننده بود که پیش از سال ۶۰۵ ق.م. اعلام شده بود، و احتمال بسیار دارد که محتوایش در مطالبی داخل شده باشد که اکنون در فصل های ۱-۲۵ کتاب ارمیا وجود دارد. مفسران برای تشخیص هویت این متون ذکاوت زیادی به کار برده اند، اما این تحقیقات منتهی به نتایجی متناقض گردیده و هیچ اتفاق نظری در حال حاضر وجود ندارد. عجالتاً بهتر است از تلاش برای

بازسازی این «طومار اولیه» چشم پوشید.

آنچه که موجب دشواری موضوع می شود، این است که فصل های ۱-۲۵، علاوه بر وحی های منظوم که اصالتشان در اثر تحقیقات متعدد اثبات شده، حاوی بخش های بسیار زیادی است که کم و بیش طولانی هستند و گاه فصلی کامل را تشکیل می دهند؛ این بخش ها به نثر می باشند و به دلیل واژگان و اندیشهٔ الهیاتی شان، یادآور آثار ویراستاران تثنیه ای هستند که در طول دورهٔ تبعید، تصویر تاریخی عظیمی را به نگارش درآورده اند که در شکل کنونی اش، در کتاب هایی توزیع شده که «کتاب های انبیای نخستین» نامیده می شوند (ر.ک. «مقدمه ای بر کتاب های نبوتی»). این بخش ها را در شکل فعلی شان، نمی توان همچون اثر شخصی ارمیا تلقی کرد و دست کم باید تصدیق کرد که منعکس کنندهٔ وحی های ارمیا هستند که ویراستاران متأخر بر آنها مجدداً کار کرده اند.

در بخش دوم کتاب، روایات مربوط به رسالت ارمیا معمولاً به باروک نسبت داده می شود. او را به این علت نگارندهٔ این بخش ها به حساب می آورند که آنها حاوی داده های دقیق است و بدون هیچ تردیدی، یادداشت های شاهد عینی رویدادها می باشد؛ همچنین به این دلیل که این بخش ها با وحی های شخصی خطاب به باروک خاتمه می پذیرد. این انتساب گرچه محتمل است، اما به هیچ روی قطعی نیست. نگارنده احتمالاً ارمیا را در مصر همراهی کرده (ر.ک فصل های ۴۳-۴۴) و از ۶:۴۳ پی می بریم که باروک، این رهبر قدیمی گروه طرفدار بابل، همراه با ارمیا به زور به مصر برده شده است.

لذا در آغاز تبعید، کتابچه ها و برگه ها و جنگ های پراکندهٔ متعددی در دسترس بود، و علاوه بر اینها، احتمالاً سنت هایی شفاهی مربوط به ارمیا وجود داشت. گردآوری تمامی این مطالب در یک مجلد کار ویراستاری ناشناس می باشد. هویت این ویراستار بر ما پوشیده است؛ با این حال، او حضور خود را در اضافات بی شمار و تألیفات پیوسته (خطابه و یک یا دو روایت) و تفسیرهایی به سبک نگارندهٔ تثنیه، نمودار می سازد؛ در زمینهٔ این تفسیرها کمی پیشتر اشاراتی ارائه دادیم؛ اینها تقریباً در تمام فصل های کتاب به چشم می خورد. ویراستار نهایی کتاب ارمیا کاملاً وابسته به مکتب «تثنیه نگار» است؛ باید تصدیق کرد که فعالیت گستردهٔ ادبی و الهیاتی در حوالی نیمهٔ دوم قرن ششم ق.م. در فلسطین در جریان بوده؛ این فعالیت شامل اندیشه و تحقیق و نشر می شده و معطوف بوده بر جمع آوری اسناد و مدارک و تفسیر آنها و گرد آوردن آنها در مجلدهای فشرده، و استخراج نتایجی که برای درک بهتر تقدیر اسرائیل مهم بوده است.

کتاب ارمیا

۱ [1]سخنان[a] ارمیا،
پسر حلقیاهو،
یکی از کاهنان عناتوت، در سرزمین بنیامین[b]. ۷:۳۲
[2]کلام یهوه در روزگار یوشیا، پسر آمون، پادشاه یهودا، در سال سیزدهم سلطنت او[d]، بر وی فرا رسید[c]. [3]همچنین در روزگار یهویاقیم، پسر یوشیا، پادشاه یهودا[e] بر روی فرا رسید، تا پایان سال یازدهم صدقیا، پسر یوشیا، پادشاه یهودا[f]، تا تبعید اَز اورشلیم در ماه پنجم[g]. ۱۵:۵۲

a منظور از «سخنان» فقط گفته های ارمیا نیست، بلکه برخی نقاط عطف زندگی و تاریخ روزگار او نیز هست؛ رسالت او در واقع به گونه ای تنگاتنگ به این تاریخ مرتبط است. «سخنان» را می توان «اعمال» یا «تاریخچه» یا «گفتار و کارها و حرکات» نیز ترجمه کرد. ر.ک. توضیحات لو ۶۵:۱؛ توضیحات اع ۲۲:۱۰.

b عناتوت شهر لاویان در سرزمین بنیامین بود (یوشع ۱۸:۲۱). خرابه های این شهر باستانی در مجاورت روستای فلسطینی عناته، واقع در ۵ کیلومتری شمال اورشلیم واقع است. ر.ک. مقدمه کتاب، بخش ۳.

d در مورد «روزگار یوشیا»، ر.ک. ۶:۳؛ ۲:۳۶؛ صف ۱:۱. یوشیا (ر.ک. ۲۲:۱۵-۱۶) از سال ۶۴۰ تا ۶۰۹ ق.م. سلطنت کرد (۲ـ پاد ۲۴:۲۱ تا ۳۰:۲۳) به سال سیزدهم سلطنت او در ۳:۲۵ اشاره شده است. در خصوص همکاری احتمالی ارمیا با اصطلاحات یوشیا، ر.ک. مقدمه کتاب.

c این فرمول را به همین شکل، در آغاز برخی وحی ها یا مجموعهٔ وحی ها، در ۱:۱۴؛ ۱:۴۶؛ ۱:۴۷ و ۳۴:۴۹ مشاهده می کنیم (در خصوص فرمول متداول تر، ر.ک. توضیحات ۳:۱۳). «کلام» شروع به آشکار کردن فعالیت شخصی خود کرد که همانا فعالیت خود خداوند می باشد؛ سپس در قبال نبی فعال شد؛ در زندگی او جریان یافت، و به واسطهٔ او، در تاریخ (ر.ک. توضیحات ۱:۵۰) و در لحظه ای معین از این تاریخ (ر.ک. مقدمه کتاب). در زمینهٔ «کلام» که وسیلهٔ عمل الهی است، ر.ک. یو ۱:۳ و توضیحات.

e یهویاقیم (۶۰۹-۵۹۸ ق.م. ر.ک. ۲ـ پاد ۳۴:۲۳ تا ۶:۲۴) بعد از حکومت کوتاه برادرش یهوآخاز یا شَلّوم بر تخت نشست (۱ـ توا ۱۵:۳) و به دست فرعون نکو به مصر تبعید شد (۲۲:۱۰-۱۲؛ ۲ـ پاد ۲۳:۳۰-۳۴؛ حزق ۴:۱۹). با سلطنت او، امیدهایی که در اثر اصلاحات یوشیا و انضمام بخشی از مملکت قدیمی شمال پدید آمده بود، بر باد رفت. یکی از مداخلت های چشمگیر ارمیا برای لرزندان پایه های سست مذهبی که تمامی رفتار انسان را شامل نمی شود (فصل ۷)، در آغاز سلطنت یهویاقیم رخ داد (فصل ۲۶)؛ میان نبی و این پادشاه خصومتی عمیق پدید آمد (فصل ۳۶) که به طور خاص در برخی از وحی ها بیان شده است (برای مثال ۲۲:۱۳-۱۹، و شاید ۱۱:۲۱ تا ۹:۲۲).

f صدقیا بر جای برادر زادهٔ خود کُنیاهو (۱:۳۷) یا یکُنیا یا همان یهویاکین که فقط از اواسط دسامبر ۵۹۸ تا ۱۶ مارس ۵۹۷ قَ.م. سلطنت کرد (۲ـ پاد ۶:۲۴-۱۷) و به بابل تبعید شد (۲۲:۲۴-۳۰؛ ۵۲:۳۱-۳۴)، بر تخت نشست. صدقیا در طول «یازده سال» پادشاهی خود (مارس ۵۹۷ تا ژوئیه ۵۸۷ ق.م. ر.ک. ۲ـ پاد ۱۷:۲۴ تا ۷:۲۵)، به نظر نمی رسد که بیش از یهویاقیم به پیام نبی گوش فرا داده باشد (۲:۳۷). با این حال، با رغبت با او مشورت می کرد، و نیاز داشت به او تکیه کند، و هر گاه که می توانست، از او حمایت به عمل می آورد (ر.ک. ۱:۲۱-۱۰؛ ۳۸:۳۷).

g آیه ۳ آید بعدها اضافه شده باشد تا تمام طول خدمت ارمیا را شامل شود.

وحی‌هایی بر علیه یهودا

فراخوان نبی

[۴]کلام یهوه به این مضمون به من فرا رسید[h]:

[۵]پیش از آنکه تو را در شکم [مادر] شکل بخشم،
تو را می‌شناختم[i]، (عا۳:۲؛ یو۱۰:۲۷)
پیش از آنکه از رحم بیرون آیی،
تو را وقف کرده بودم[j]،
تو را نبی برای ملت‌ها مقرر نموده بودم[k]. (اش۴۲:۱)

[۶]گفتم: «آه! خداوند یهوه، اینک من سخن گفتن نمی‌دانم؛ چرا که طفل هستم[l]!»
[۷]یهوه مرا گفت: «مگو: من طفل هستم!
زیرا به سوی تمامی آنان[m] که تو را نزد ایشان بفرستم، خواهی رفت، و هر آنچه تو را امر کنم، آن را خواهی گفت. (اش۶:۷-۸؛ حزق۲:۳-۷)
[۸]در برابر ایشان هراسان مباش،
زیرا من با تو هستم تا تو را برهانم[n] - (۱۹:۱)
وحی یهوه[o].»

h در مورد این فرمول یا شیوهٔ بیان، ر.ک. به توضیحات ۱۳:۱۳.

i خالق کل هستی (۱۶:۱۰؛ ۵۱:۱۹) که انسان اول را شکل داد و حیات بخشید (پید ۲:۷) هر انسانی را از لحظهٔ بسته شدن نطفه‌اش شکل می‌بخشد (۱۸:۶؛ مز ۳۳:۱۵؛ ۱۰۴:۳۰؛ ۱۳۹:۱۳-۱۶؛ ایوب ۱۰:۸-۱۲؛ حک ۷:۱؛ ۲-مک ۷:۲۲-۲۳). این عملی است مبتنی بر حکمت و محبت آن خدایی که آنانی را که به وجود فرا می‌خواند، از پیش «می‌شناسد» و ایشان را به «شناختی» متقابل و به رابطه‌ای نزدیک با خود دعوت می‌کند (ر.ک. روم ۸:۲۹). این امر در مورد آنانی که (چه فرد چه گروه) مقدر است نقشی مهم‌تر در تحقق طرح الهی برای کل بشریت ایفا کنند، به شکلی خاص واقع می‌شود (پید ۱۸:۱۹؛ اش ۴۴:۲، ۲۱، ۲۴؛ ۴۹:۱، ۵؛ ر.ک. امث ۸:۲۲-۲۳).

j نبی از سوی «قدوس اسرائیل» (۵۰:۲۹؛ ۵۱:۵) تقدیس یا کنار گذاشته شده (۲:۳؛ ۱۲:۳؛ لاو ۲۰:۲۶؛ مز ۱۰۵:۱۵؛ غلا ۱:۱۵) تا خدمت خاصی را به انجام برساند که به او صریحاً اعلام خواهد شد. این امر برای او مستلزم رابطه‌ای نزدیک با خداوند، و شناختی بلاواسطه از اندیشهٔ او خواهد بود (لو ۱:۷۵؛ یو ۱۷:۳، ۱۷، ۱۹، ۲۵-۲۶؛ افس ۱:۴). شمشون (داور ۱۳:۵)، یحیی تعمید دهنده (لو ۱:۱۵، ۴۱) پولس (غلا ۱:۱۵) و خصوصاً عیسی (لوقا ۱:۳۵؛ ر.ک. توضیحات ۱۰:۳۶) نیز این چنین پیش از ولادت تقدیس و وقف شده بودند (ر.ک. امث ۸:۲۳).

k این آمادگی غایی نبی است که از طریق دعوت خاص از او تحقق می‌یابد؛ پس از آنکه نبی در اثر طرح ازلی خدا انتخاب می‌شود و پیش از ولادت وقف می‌گردد، اینک باید در خدمت خود استوار گردد (ر.ک. لو ۳:۲۲) و رسالتش به او اعلام شود (ر.ک. آیات ۹ و ۱۰).

l ارمیا لب به اعتراض گشوده، می‌گوید که هنوز به سن لازم نرسیده (۳۰ سال، ر.ک. لو ۳:۲۳) تا بتواند فعالانه وارد زندگی اجتماعی شود (ر.ک. ۱-پاد ۳:۷؛ ایوب ۳۲:۴، ۶). منظور او نیست که مانند موسی، سخنور خوبی نیست، بلکه می‌خواهد بگوید که حق بیان کلام را ندارد. اما این اعتراض نمی‌تواند در برابر خدایی که می‌تواند به هر که می‌خواهد کلام را عطا کند، تاب آورد (خروج ۴:۱۱-۱۲؛ ۱-سمو ۳:۱۸-۲۰؛ ایوب ۸:۳۲؛ دانیال به زبان یونانی ۱۳:۴۵).

m این عبارت به گونه‌های مختلف قرائت شده است. در ترجمه آرامی و در «قیمهی» (؟)، «به هر جا» آمده. وولگات چنین قرائت می‌کند: «هر رسالتی که بر عهده‌ات بگذارم»؛ ترجمهٔ ما مطابق است با ترجمه یونانی و «راشی» (ر.ک. آیه ۸). این هر سه ترجمه در آن واحد صحیح است، به این معنا که ارمیا در همه شرایط و در برابر هر کسی، استوار و راسخ باقی خواهد ماند (ر.ک. ۲۶:۱۲-۱۵، و غیره).

n هر گاه خدا رسالتی بر دوش کسی می‌گذارد، او را مطمئن می‌سازد که همراه او است و «خدا-با» (عمانوئیل) می‌باشد: پید ۲۶:۲۴؛ ۲۸:۱۵؛ خروج ۳:۱۲؛ داو ۶:۱۲؛ اش ۷:۱۴؛ ۴۱:۱۰؛ مت ۲۸:۱۹-۲۰؛ روم ۸:۳۱-در نظر ارمیا، خدا همانقدر که مالک قدرتمند عالم هستی است، مالک هر یک از عناصرش نیز می‌باشد (۳۵:۱۱)؛ و همانقدر که مالک تاریخ است (ر.ک. آیه ۱۰؛ ۱۸:۷-۱۰)، مالک هر بشری نیز هست (۲۰:۱۱؛ ۳۹:۱۷-۱۸؛ ۴۵:۵).

o در مورد این فرمول، ر.ک. توضیحات ۵:۹.

[۹] یهوه دست خود را پیش آورد و با آن دهانم را لمس کرد، و یهوه مرا گفت: اینک سخنان خود را در دهانت گذارده ام[p].

حزق ۹:۲؛ اش ۷:۶؛ دان ۱۶:۱۰

[۱۰] ببین؛ امروز تو را مقرر می‌دارم
بر ملت‌ها و بر ممالک[q]،
برای بر کندن و برای کوفتن،
و برای از میان بردن و برای ویران کردن،
برای بنا کردن و برای کاشتن[r].

اع ۱۵:۹؛ بنسی ۷:۴۹

رؤیاها و مکاشفات نخستین

[۱۱] کلام یهوه به این مضمون به من فرا رسید: «ارمیا، چه می بینی؟» گفتم: «شاخه ای از [درخت] نگهبان می بینم[s].» [۱۲] یهوه مرا گفت: «درست دیدی؛ چرا که بر کلامم نگهبانی می کنم تا آن را به انجام برسانم[t].» [۱۳] کلام یهوه برای بار دوم به این مضمون بر من فرا رسید: «چه می بینی؟» عرض کردم: «دیگی جوشان می بینم که روی پیشین آن به سمت شمال است[u].» [۱۴] یهوه مرا فرمود:

عا ۲:۸
۲۸:۳۱؛ دان ۱۴:۹؛ بار ۹:۲

از شمال است که تیره روزی می‌جوشد[v]
بر علیه تمامی ساکنان سرزمین.
[۱۵] زیرا اینک فرا می‌خوانم
تمامی خانواده های ممالک شمال را ـ
وحی یهوه.
ایشان خواهند آمد، و هر یک تخت سلطنت خود را قرار خواهد داد
در مدخل دروازه های اورشلیم،
در برابر تمامی حصارهای اطراف،
در برابر تمامی شهرهای یهودا.
[۱۶] داوری های خود را بر علیه آنها اعلام خواهم داشت
به سبب همهٔ بدکاری هایشان، چرا که مرا ترک کرده اند،

۹:۲۵؛ اش ۲۶:۵
۳:۳۹؛ ۱۰:۴۳
۱۲:۴؛ ۱۳:۲
۳:۴۴

p این حرکت پرمفهوم و مؤثر، یکی از عناصر تثبیت ارمیا به مقام نبوت است (توضیح آیه ۵؛ ر.ک. اش ۷:۶؛ حزق ۸:۲ تا ۳:۳؛ دان ۱۶:۱۰)؛ ارمیا از این پس این قابلیت را یافته تا عین سخنان خدا را اعلام دارد (ر.ک. ۱۴:۵؛ ۱۹:۱۵؛ خروج ۱۲:۴، ۱۵؛ تث ۱۸:۱۸؛ اش ۱۶:۵۱). او تمامی محتوای آنچه را که باید از سوی خدا اعلام دارد، یکجا دریافت نمی کند، اما این قابلیت خاص را می یابد تا کلام خدا را خدمت کند.

q ارمیا عمدتاً برای یهودا و اورشلیم فرستاده شده بود. با این حال، در مجموعهٔ نبوت هایش، پیامی که خطاب به «ملت ها» است، محدود نمی شود به بخش هایی که منحصراً به ملت ها مربوط می گردد (یعنی ۲۵، ۱۵-۳۸؛ ۴۶-۵۱) بلکه در سایر بخش های کتاب نیز به چشم می خورد (مثلاً ر.ک. ۲۷:۱۲؛ ۳۰:۴۴). در ضمن، یهودا نیز خودش هم «ملت» است (۹:۵-۲۹؛ ۲۸:۷؛ ۸:۹) و هم مملکت.

r در خصوص این جفت فعل، ر.ک. ۲۱:۲؛ ۱۷:۱۱؛ ۱۴:۱۲-۱۷؛ ۷:۱۸، ۹؛ ۶:۲۴؛ ۲۸:۳۱؛ ۴۱:۳۲؛ ۱۰:۴۲؛ ۴:۴۵ و نیز ۸:۳۹؛ ۱۴:۵۲ کلام نبوتی این رویدادها را اعلام می دارد، آنها را فرا می خواند، و تحققشان می بخشد. در مقابل چهار فعل که بیانگر ویرانی است، فقط دو فعل بیانگر عمل بنا است؛ علت این امر این است که وظیفهٔ نخست ارمیا، اعلام مجازات است (ر.ک. ۲-۲۵؛ ۴۶-۵۱) و چشم اندازهای تفقد و بازسازی عمدتاً فقط در فصل های ۳۰ تا ۳۳ مشاهده می شود.

s در عبری، کلمهٔ «بادام» با «نگهبان یا مراقب» هم ریشه است و ما در اینجا آن را در معنای ریشه شناختی اش ترجمه کرده ایم؛ «بادام» به درختی اشاره می کند که بر سایر درختان نگهبانی می دهد زیرا پیش از هر درخت دیگری شکوفه می دهد (گاه در ماه ژانویه) (این توضیح بر اساس ترجمه اوستی تهیه شده /آرمان). خدا از آنچه نبی در حال مشاهده است، استفاده می کند تا چشمان او را به روی حضور خود که دائماً در حال عمل است، و نیز به روی طرح خود بگشاید، اما مشاهدات نبی می تواند صرفاً مکاشفه ای فوق طبیعی باشد، هم در اینجا و هم در آیه ۱۳.

t نام درخت «بادام» (در عبری: «شاقد») یادآور خداوند «مراقب» (در عبری: «شوقد») می باشد. کلام خداوند تماماً جامهٔ عمل خواهد پوشید: ۲۹:۲۳؛ ۲۹:۴۴؛ ۶۴:۵۱؛ یوشع ۱۴:۲۳؛ ۱ـ سمو ۱۹:۳؛ اش ۱۰:۵۵-۱۱؛ حب ۳:۲؛ مز ۵:۱۳۰؛ طو ۴:۱۴؛ مت ۱۸:۵؛ ۲ـ پطر ۹:۳.

u نشانگر تیره بختی میباشد که حاضراست روی یهودیه انداخته شود که از شمال (ساکاها یا بابل)خواهد امد.

v قرائت متن عبری: «از جانب شمال است که تیره روزی در می گشاید» قرائت ترجمه یونانی: «... زبانه می کشد» دیگ یادآور بدبختی است که از شمال بر یهودا فرو خواهد ریخت. ر.ک. توضیحات ۴:۲۰.

برای خدایان دیگر بخور سوزانده اند[w]
و در برابر عمل دستان خود سجده
کرده اند.
[۱۷]اما تو، کمر خود را ببند و بایست!
به ایشان خواهی گفت
هر آنچه را که به تو امر کنم.
به سبب ایشان هراسان مباش،
و گرنه، تو را در برابر ایشان هراس
خواهم ساخت[x].
[۱۸]و اینک امروز از تو شهری حصاردار
خواهم ساخت،
ستونی آهنین،
حصاری برنجین
در مقابل تمام سرزمین:
(یعنی در مقابل) پادشاه یهودا، رؤسای
او،
کاهنانش و مردم سرزمین[y].
[۱۹]با تو جنگ خواهند کرد،

۶:۲۵؛ ۲پا۱۷:۲۲

اش۵۰:۷؛ حز۳:۸؛ میک۳:۸

اما بر تو چیره نخواهند شد،
زیرا من با تو هستم
- وحی یهوه- تا تو را برهانم.

۲۰:۱۵؛ صف۳:۱۴-۱۸

محبت نخستین

۲ [۱]کلام یهوه به این مضمون به من
فرا رسید:
[۲]برو، به گوش های اورشلیم فریاد برآور
(که) یهوه چنین سخن می گوید:
وفاداری جوانی ات را برایت به خاطر
می آورم،
محبت دوران نامزدی ات را،
آن گاه که مرا در بیابان[z] دنبال می کردی،
در سرزمینی که در آن نمی کارند.
[۳]اسرائیل [مایملک] مقدس[a] یهوه بود،
نوبر حصاد او؛
جمله آنان که از آن می خوردند، مجرم
می شدند،

۳:۱۳

۱۲:۳

حز۱۶:۶۰

تث۲:۷؛ ۸:۲-۴

هو۲:۲۰

w ارمیا مانند هوشع (هو ۲:۱۵؛ ۱۳:۴؛ ۲:۱۱)، اغلب این عمل و سنت بت پرستی را تقبیح می کند (این امر ۱۸ بار در این کتاب ذکر شده که ۸ مرتبهٔ آن در فصل ۴۴ یافت می شود). در کتاب ارمیا، اصطلاح «بخور سوزاندن» به عنوان روشی برای عبادت خداوند، فقط در ۱۸:۳۳ به کار رفته است، اما این بخش احتمالاً مربوط به دوران بعد از ارمیا است.

x ر.ک. ۲:۱۰؛ ۳۰:۱۰. خداوند آنانی را که به او اعتماد نمی کنند رها می سازد (ر.ک. اش ۹:۷؛ مت ۲۵:۱۳)؛ ایمانی راسخ سبب پدیدآیی اطمینانی عظیم می گردد (ر.ک. توضیحات اع ۱۳:۴؛ ۳۱:۲۸).

y این اصطلاح در آن زمان، به مجموع شهروندانی اشاره می کرد که از تمام حقوق مدنی برخوردار بودند و وظایف خاصی نیز شامل حالشان می شد: ایشان می توانستند در امور اجتماعی مداخلت کنند (۲-پاد ۲۴:۲۱؛ ۳۰:۲۳؛ ر.ک. ۲-پاد ۲۱:۱۴) و همچنین موظف به انجام خدمت نظام بودند (۲۵:۵۲).

z ارمیا همانند هوشع (هو ۲:۱۶-۲۲)، به دورهٔ بیابان از دیدگاه معجزاتی که خدا به عمل آورد می نگرد، نه از دیدگاه سرکشی های اسرائیل (حزق ۱۳:۲۰؛ مز ۷۸:۴۰؛ ۹۵:۱۰؛ ۱۰۶:۱۴)؛ او فقط به وفاداری ایشان در پیروی از «راهنمایشان» در آن زمین لم یزرع («سرزمینی که در آن نمی کارند») توجه می کند: در چارچوبی چنین خشک و خشن، حضور الهی با قوت بیشتری حکمفرما بود و عبادت خدا بی پیرایه تر (ر.ک. ۲۲:۷؛ عا ۲۵:۵)؛ مذهب نیز در مقایسه با خیانت هایی که از همان آغاز استقرار و جایگیری در کنعان حاکم شد ناب تر بود (آیات ۲۰-۲۸)، و این جایگیری درست همان چیزی بود که رکابیان رد کردند (فصل ۳۵).

a قرائت تحت اللفظی: «چیز مقدس برای یهوه» (ر.ک. ۱۵:۱۱؛ ۴۱:۳۱؛ ۹:۲۳؛ ۳۰:۲۵؛ ۲۳:۳۱؛ خروج ۳۶:۲۸). فقط خداوند می تواند آن را مورد استفاده قرار دهد (ر.ک. ۲۶:۳۶؛ مز ۱۵:۱۰۵).

(و) دچار بلا می‌گردیدند[b]
-وحی یهوه.

رها کردن چشمهٔ آب زنده[c]

بار۳:۱۲

۴ای خـانـدان یـعـقـوب و ای تـمـامی خانواده‌های خاندان اسرائیل، کلام یهوه را بشنوید:

۲:۷؛ حز۶:۳؛ هو۴:۱

۵یهوه چنین سخن می‌گوید:
پدران شما در من چه بی‌عدالتی یافتند
که از من دور شدند،
(و) به دنبال «بطالت» رفتند
و خودشان نیز بطالت شدند[d]؟
۶و نگفتند: «کجا است یهوه
که ما را از سرزمین مصر برآورد،
که ما را در بیابان هدایت کرد،
در سرزمینی پر از صحراها و آبکندها،

تث۳۲:۴؛ اش۱:۱-۲؛ ایو۳۴:۱۰

۲پا۱۷:۱۵؛ یون۲:۹؛ حک۱۳:۱

اش۶۳:۱۱؛ ایو۳۵:۱۰

تث۳۲:۱۰-۱۲

در سرزمینی خشک و تاریک،
در سرزمـیـنی که هـیـچ‌کس از آن عـبـور نمی‌کند
و جـایی که هـیچ انـسـانی در آن سـاکن نمی‌شود؟»
۷شـمـا را به سـرزمـیـنی از بـاغ‌هـا داخل ساختم تا از میوه‌ها و مواهبش بخورید،
امـا چـون داخل شـدیـد، سـرزمـین مـرا ناپاک کردید
و میراث مرا نفرت‌انگیز ساختید.
۸کاهنان نگفتند:
«کجا است یهوه؟»
آنان که شریعت را نگاه می‌دارند، مرا نشناختند[e]،
چوپانان[f] به من بی‌وفا بودند،
انبیا[g] به واسطهٔ بعل نبوت کردند،

تث۳۲:۱۳-۱۸

۱۵:۲۳؛ اش۲۴:۵

۲پا۲:۱۴؛ لو۱۱:۵۲

۵:۵

b محبت خداوند باعث می‌شود که او کسانی را که خاصانش را لعنت می‌کنند، تحمل نکند (پید ۱۲:۳؛ اعد ۲۲-۲۴)؛ او خاصانش را در سختی‌ها محافظت می‌کند (پید ۳۵:۵؛ حک ۱۰:۱۱-۱۲)، و هر که را که بر آنان دست بگذارد (۱۰:۲۵ و توضیحات؛ پید ۱۲:۱۷؛ ۲۰:۳، ۷؛ مز ۱۰۵:۱۴)، یا هر کس را که رسالتی را که خداوند خودش موقتاً تعیین کرده، مورد سوء استفاده قرار دهد، مجازات می‌کند (ر.ک. اش ۱۰:۵-۱۹؛ ۴۷:۶-۸؛ زک ۱:۱۵) ر.ک. توضیحات زک ۱۱:۱۰.

c این وحی (آیات ۴-۱۳) پروندهٔ اتهامات اسرائیل را باز می‌کند؛ اسرائیل آن «همسری» است که متهم است کسی را که همه چیز او بود رها کرده (آیات ۲-۳) کسی را که «چشمهٔ آب زنده» بود (آیه ۱۳)، و اینک به دنبال سراب‌ها رفته است (ر.ک. آیه ۱۸). خداوند در آغاز ثابت می‌کند که نه او (آیه ۵) بلکه ایشانند (آیات ۶-۸) که خطاکارند. اتهاماتی که او وارد می‌سازد (آیه ۹) به شکل مقایساتی بسط می‌یابد ک برای اسرائیل طاقت‌فرسا است (آیات ۱۰-۱۳)؛ مجازات ایشان (وحی بعدی) چیزی جز نتیجهٔ ارتداد خودشان نیست (آیات ۱۷، ۱۹)؛ آری، به راستی که ایشان از راه منحرف شده‌اند (ر.ک. آیه ۱۸).

d انسان به هر آنچه دل ببندد، به شباهتش در می‌آید (هو ۹:۱۰؛ مز ۱۱۵:۸؛ ۱۳۵:۱۸؛ ۲ـقرن ۳:۱۸).

e در این آیه، ارمیا، پس از میکاه (میک ۳:۱۱)، خیانت مسئولان اصلی قوم عهد را افشا می‌کند؛ او نخست از خیانت کاهنان شروع می‌کند که نخست رسالتشان، نگاه‌داری و تفسیر مفاد عهد، و دادن رهنمودهای الهی بود (۱۸:۱۸؛ لاو ۱۰:۱۱؛ اعد ۲۷:۲۱؛ تث ۳۱:۹-۱۳؛ ۳۳:۱۰؛ حزق ۷:۲۶؛ هو ۴:۶؛ ملا ۲:۷؛ بنسی ۴۵:۱۷، ۲۶؛ ر.ک. اش ۲:۳؛ توضیحات ۸:۱۶). در زمینهٔ کهانت در اسرائیل، ر.ک. مقدمهٔ لاویان ـ «نگاه می‌دارند» = قرائت تحت‌اللفظی: «در دست حرکت می‌دهند» که اشاره‌ای است به روش‌های درخواست مشورت از خدا، ر.ک. توضیحات خروج ۲۸:۳۰؛ ۱ـسمو ۱۴:۳۶-۴۲.

f «چوپانان» که همان «بزرگان» در میک ۳:۱۱ می‌باشد، به پادشاهان اشاره دارد که در بخش مربوط به پادشاهان (۲۱:۱ تا ۲۳:۸) بیشتر در مورد آنان بحث می‌شود.

g این بدترین خیانت است که در آیات دیگر نیز افشا شده (یعنی ۵:۱۳، ۳۱؛ ۶:۱۳؛ ۸:۱۰؛ ۱۴:۱۳-۱۵؛ ۲۷:۹، ۱۴-۱۸؛ ۲۸:۲۹، ۸-۹، ۱۵؛ ۳۷:۹)، خصوصاً در بخشی که علیه انبیا است (۲۳:۹-۴۰). شباهت این آیه با ۲۳:۱۳ (همچنین ر.ک. ۱ـ پاد ۱۸)، ظاهراً حاکی از آن است که ارمیا در اینجا نه فقط انبیای یهودا را که همدورهٔ او می‌باشند، بلکه انبیای شمال را نیز مد نظر دارد. در ۱۸:۱۸ در کنار گروه کاهنان و انبیا، به گروه حکیمان نیز اشاره شده که قابلیت این را دارند که

به دنبال آنانی رفتند که به هیچ کار نمی‌آیند!
۱سمو۱۲:۲۱؛ ۲:۱۱

[۹] به این سبب است که بار دیگر شما را به جنایت متهم خواهم ساخت
- وحی یهوه -
پسران پسرانتان را نیز به جنایت متهم خواهم ساخت[h].
خروج۲۰:۵

[۱۰] پس به جزیره‌های کتّیم[i] گذر کنید و ببینید،
به قیدار[j] بفرستید و خوب دقت کنید؛
ببینید آیا چیزی مانند این وجود دارد!
[۱۱] آیا ملتی خدایان خود را معاوضه می‌کند[k]؟
- با اینکه آنها خدا نیستند.
۵:۷
اما قوم من «جلال»[l] خود را معاوضه کرده است
مز۱۰۶:۲۰
با چیزی که به هیچ کار نمی‌آید!
۱۶:۱۹؛ اش۴۴:۹

[۱۲] ای آسمان‌ها، از این امر متحیر باشید،
اش۱:۲
بلرزید و کاملاً حیران باشید
- وحی یهوه.
[۱۳] زیرا قوم من دو کار بد مرتکب شده است:
هو۱۰:۱۰
ایشان مرا، چشمهٔ آب زنده را، رها کرده‌اند
۱۷:۲؛ ۱۷:۱۳
تا برای خود آب انبارها بسازند،
یو۴:۱۰
آب انبارهای ترک دار
که آب را نگاه نمی‌دارند!

درد و تلخی

[۱۴] آیا اسرائیل برده‌ای خریداری شده است
یا خانه زاد[m]؟
چرا تبدیل به غنیمت شده است؟

مسائل را درست تبیین کنند، و اعتقادات عمومی و درس‌های تجربی را به موقع ابراز دارند، و نسبت به امور نگرشی درست داشته باشند؛ ایشان به واسطهٔ همین قابلیت‌ها، می‌توانند مانع گمراهی قوم شوند (امث ۲۹:۱۸).

h در نسخ خطی عبری و وولگات، فقط آمده: «پسرانتان را...»

i «کتیم» در آن زمان نه فقط به مردمان قبرس، بلکه به تمامی اهالی کناره‌های بخش شرقی حوزهٔ مدیترانه اشاره داشت (ر.ک. توضیحات اعد ۲۴:۲۴ و توضیحات اش ۲۳:۱).

j «قیدار» قبیله‌ای است در شمال عربستان (ر.ک. توضیحات اش ۲۱:۱۶) که در ۴۹:۲۸ نیز آن را باز می‌یابیم.

k مذهب نهادی دولتی بود و چنان وابسته به زندگی مردم بود که تغییر خدایان تقریباً غیرقابل تصور می‌نمود؛ اما افزودن به مجموعهٔ خدایان ملی امری بود که با رغبت انجام می‌شد. نعمان که یکی از نخستین گروندگان به خدای حقیقی بود و عهد عتیق ماجرای او را برای ما نقل می‌کند، این ضرورت را احساس می‌کرد که هرگاه می‌خواست خداوند را عبادت کند، مخفیانه از کشور خود خارج شود (۲ـ پاد ۵:۱۷ و توضیحات).

l خداوند برای قوم، گرانبهاترین بود؛ او ارزش واقعی ایشان بود، سرچشمهٔ زندگی‌شان (ر.ک. آیه ۱۳)، اساسی‌ترین جنبهٔ شخصیت ایشان و نیز هر فردی، یعنی جلال ایشان (مز ۸:۶؛ ایوب ۱۹:۹؛ ۲۹:۱-۲۰) یا جگر آنان (به عبری «کاود») که مشابه «کاوُد» = جلال است و گاه با آن اشتباه می‌شود، ر.ک. توضیحات مرا ۲:۱۱ و ر.ک. مز ۷:۶؛ ۱۶:۹؛ ۳۰:۱۳؛ ۱۰۸:۲)، ر.ک. توضیحات عا ۶:۸ در حالی که غیریهودیان بی‌چون و چرا به خدایانشان که «به هیچ کار نمی‌آیند» این چنین چسبیده‌اند، اسرائیل به خدا که «جلالشان» می‌باشد، خیانت کرده‌اند. در مورد خدای واقعی که جلال قوم خود می‌باشد، ر.ک. در عهد جدید: ۲ـ قرن ۳:۱۸؛ کول ۱:۱۱؛ ۱ـ پطر ۴:۴.

m ر.ک. پید ۱۴:۱۴؛ ۱۷:۱۲-۱۳، ۲۳، ۲۷؛ لاو ۲۲:۱۱. منظور برده یا غلامی است که با پول خریداری نشده، بلکه در خانهٔ ارباب، همچون برده زاده شده است. دردسر چنین برده‌ای کمتر است. آیات ۱۴-۱۷ گویی در حکم پرانتز است؛ آیه ۱۸ که آن را می‌توان به راحتی بعد از آیه ۱۳ آورد، روابطی را میان اسرائیل و مصر مفروض می‌گیرد که با روابط مذکور در آیه ۱۶ متفاوت است (جنگ نکوی دوم در سال ۶۰۹ ق.م.؟)

۴:۷؛ ۵۱:۳۸

[۱۵] شیربچگان بر علیه او می غرند[n]،
صدا برآورده اند؛
سرزمین او را به ویرانی سپرده اند،
شهرهایش سوزانده شده، سکنه ای
ندارد.
[۱۶] حتی پسران نوف و تَحفَنیس[o] سر تو
را تراشیده اند[p]!
[۱۷] آیا این بر تو واقع نشده

۲:۱۹؛ ۵:۷

از این سبب که یهوه، خدایت، را ترک
کرده ای،
در آن زمان که او تو را در راه هدایت
می کرد؟
[۱۸] و اینک چه کار داری که راه مصر را
در پیش می گیری
تا آب شیحور[q] را بنوشی؟
و چه کار داری که راه آشور را در پیش
می گیری[r]
تا آب «رود»[s] را بنوشی؟

اعد ۱۴:۳۴؛ مز ۱۰۷:۱۷؛ حک ۴:۲۰

[۱۹] بادا که بدکاری ات تو را اصلاح کند،
بادا که ارتدادت[t] تو را تنبیه کند.
پس بدان و ببین که چقدر بد و تلخ است

۲:۱۳؛ ۱:۱۶؛ ۵:۲۲

که یهوه، خدایت، را رها کنی
و از من ترسان نباشی[u]
ـ وحی خداوند یهوه لشکرها.

n منظور شیرهای کوچک نیس، بلکه مقصود شیرهایی است که در اوج قدرت جوانی خود هستند، در خصوص تصویر غرش شیر (۱۲:۸)، ر.ک. توضیحات اش ۲۹:۵.

o «نوف» و «تحفنیس» نام های عبری شهرهایی است که به یونانی «ممفیس» و «دافنه» خوانده می شود. «تحفنیس» در کنار دریاچهٔ «منزاله»، بین «تانیس» و «پلوز» (در شرق دلتای نیل) واقع شده است. در خصوص «نوف» (حزق ۱۳:۳۰، ۱۶) (همان ممفیس، در کنار نیل در نزدیکی قاهره) یا «موف» (هو ۶:۹) و «تحفنیس» (۷:۴۳، ۹؛ ۱:۴۴؛ حزق ۱۸:۳۰)، ر.ک. به توضیحات ۱۴:۴۶ و توضیحات اش ۱۳:۱۹.

p ر.ک. توضیحات ۴۵:۴۸ و ۶:۳؛ مز ۱۴:۸۰. ترجمهٔ احتمالی دیگر: «پوست سرت را کنده اند».

q «شیحور» (ر.ک. اش ۳:۲۳) نام شاخهٔ شرقی نیل است که به دریاچهٔ «منزاله» در نزدیکی «تحفنیس» ختم می شود.

r این کشور کوچک در معرض این وسوسه بود که به یکی از این دو قدرت بزرگ، یکی واقع در جنوب غربی و دیگری واقع در شمال شرقی، تکیه کند، و همواره میان آنها در کشاکش بود. انبیا در نقطه مقابل، موعظه می کردند که یهودا فقط باید به خداوند تکیه کند (ر.ک. آیه ۱۳؛ حزق ۱۶:۲۹ و توضیحات، و قبلاً در هو ۱۳:۵؛ ۱۱:۷؛ ۹:۸ و ۱۲:۲؛ ۴:۱۴ و توضیحات آنها). در پایان سدهٔ پیشین (توضیحات اش ۱:۳۰)، اشعیا همواره با اتحاد با مصر مخالفت کرده بود (توضیحات اش ۲:۲۰؛ توضیحات ۲:۲۸)، اتحادی که در نهایت برای حزقیا بسیار گران تمام شد. ناحوم که به دوره ارمیا نزدیکتر بود، شکنندگی قدرت آشور را اعلام می داشت (ر.ک. نا ۹:۱ تا ۳:۲ و توضیحات). در روزگار ارمیا، وضعیت اساساً مانند گذشته باقی ماند، با اینکه شرایط تغییر کرده بود. در شمال، بابل می رفت تا جای نینوا را بگیرد، و در جنوب، پس از فاجعه سال ۶۶۳ ق.م. که طی آن سلسلهٔ نوبیایی فرو پاشید، احیای ملی به واسطهٔ سایی ها، سلسلهٔ ۲۶، تحقق یافت؛ در برخی از دوره ها، تمام امیدهای یهودا در این سلسله تبلور می یافت (آیه ۳۷)، زیرا این سلسله توانسته بود مصر را از یوغ آشور رهایی دهد.

s منظور از «رود» همان رود فرات است (پید ۳۱:۲۱؛ خروج ۳۱:۲۳، و غیره) که «رود بزرگ» نیز نامیده شده است (پید ۱۸:۱۵؛ تث ۷:۱؛ یوشع ۴:۱)؛ این رود بر سر «راه آشور» قرار دارد (ر.ک. اش ۲۰:۷) که شهرهای بزرگش (نینوا، کالح، آشور) در امتداد رود دیگری، دورتر از این یک، قرار دارد، یعنی رود دجله (دان ۴:۱۰).

t علاوه بر امث: ۳۲:۱؛هو ۱۱:۷؛۱۴:۵این کلمه فقط درارمیا پیدا میشود .ار۸:۵:۳:۲۲؛۶:۵؛۱۴:۷:۳؛۶،۸؛۱۱:۱۲.

u قرائت تحت اللفظی: «و نه لرزشی (در مقابل) من نزد تو» منظور همانا فقدان ترس خداوند است که اصل حکمت می باشد: تث ۶:۴؛ ایوب ۲۸:۲۸؛ امث ۷:۱؛ ۹:۲۰؛ بنسی ۱۶:۱. یک روز، خداوند جامعهٔ «بازگشتی ها» را در این حالت ترس که برای زندگی کردن در عهد اساسی است، استوار خواهد ساخت (۴۰:۳۲).

رد استدلالات متهم[v]

[۲۰]آری، از دیرباز[w] یوغ خود را شکستی،
بندهایت را گسستی، ۵:۵؛
گفتی: «خدمت نخواهم کرد!» ۱۰:۱۱؛ مت۳۰:۱۱
آری، بر روی هر تپهٔ مرتفع
و زیر هر درخت سبزی
دراز کشیدی و روسپیگری کردی[x]!
[۲۱]اما من با مرغوب ترین[y] تاک ها تو را مز۸۰:۹-۱۰
غرس کرده بودم،
همه، با اصل و نسبی درست؛
پس چگونه به نهالی فاسد تبدیل شدی، تث۳۲:۳۲
به تاکی حرام زاده؟
[۲۲]اگرچه خود را با اُشنان پاک سازی، ایو۳۰:۹
اگرچه برای خود نمک قلیا را به فراوانی
به کار ببری،
خطایت در برابر من چسبیده است ۱:۱۷
ـ وحی خداوند یهوه.
[۲۳]چگونه توانی گفت: «خود را ناپاک ۱۴:۴۸
نساخته ام،
(و) در پی بعل ها نرفته ام؟»
راه خود را در «دره»[z] ببین،
آنچه را که کرده ای تصدیق کن.

v در این وحی، تصاویر فراوانی از بی بند و باری باور نکردنی قوم عهد به چشم می‌خورد، تصاویری که گاه فاقد نظم است. از ورای این تصاویر، می توان حالتی را حس کرد که مدت‌ها مهار شده بود، اما سرانجام به نقطهٔ انفجار می‌رسد؛ «شدت احساسات از انسجام تصاویر سنگین تر می نماید» (توضیحات هو ۱:۲). در اینجا است که بار دیگر شاهد از سرگیری دعوی می باشیم (آیه ۲۸، ر.ک. آیه ۲۶)، که از ابتدای فصل آغاز شده بود (ر.ک. توضیحات آیه ۴) و اغلب نیز تکرار می شود (مثلاً آیه ۳۵؛ ۵:۱-۹).

w یعنی از زمان ورود به سرزمین موعود (ر.ک. توضیحات آیه ۲)، یا حتی پیش از آن، از زمان خروج (حزق ۲۳:۲۰؛ اع ۵۱:۷). ارمیا مکرراً به فساد اسرائیل (مثلاً ۶:۲۷-۳۰؛ ۸:۴-۷؛ ۱۳:۲۳) و به نااطاعتی ایشان اشاره می‌کند؛ این نااطاعتی سبب می شود که ایشان کمترین قید و بندی را تحمل نکنند، و هر چه را که مانعی بر سر راه هوس هایشان قرار می‌دهد، خدمت در بردگی تلقی کنند. در اینجا نماد ازدواج هوشع را باز می یابیم، یعنی «زنی بی وفا که راه بازگشتی ندارد» (مقدمهٔ هوشع)، ر.ک. به توضیح بعدی.

x قوم اسرائیل بر این تصور بودند که می توانند همانند سایر ملت‌ها (ر.ک. توضیحات آیه ۱۱)، عبادت بعل های سرزمینی را که به تصرف درآورده بودند، در کنار عبادت خداوند خود انجام دهند؛ اعتقاد بر این بود که این بعل ها می توانند سبب حاصل خیزی زمین گردند؛ عبادت بعل ها در مکان هایی صورت می گرفت که یادآور حاصل خیزی بود (درختزارهایی که همیشه «سبز» بود: ۳:۶، ۱۳؛ تث ۱۲:۲ و توضیحات؛ ۱ـ پاد ۲۳:۱۴؛ ۲ـ پاد ۴:۱۶؛ ۱۰:۱۷؛ اش ۱:۲۹ و توضیحات؛ ۵:۵۷؛ حزق ۱۳:۶؛ هو ۱۳:۴؛ ر.ک. توضیحات ۱ـ پاد ۳:۲)؛ این عبادت با اعمالی همراه بود که انبیا آنها را مخالف احکام الهی می شمارند (ر.ک. هو ۱۵:۲). خداوند چنین اشتراکی را نمی پذیرد (ر.ک. توض [مخفف توضیحات/آرمان] نا ۱:۲؛ یع ۴:۴-۸). قوم او باید برای همه چیز به او چشم بدوزند، حتی برای حاصل خیزی زمینشان (مقدمه هو و توض ۱۴:۹؛ ر.ک. ار ۳:۳؛ ۱۱:۱۶)؛ هر عمل بت پرستانه، خاصه عبادت این بعل های منفور که خداوند نمی‌خواهد حتی نامشان بر زبان آورده شود (هو ۱۹:۲)، بی وفایی و خیانت به «شوهرش» (آیه ۲؛ اش ۵:۵۴؛ هو ۱۸:۲)، و زنایی به حساب می‌آید که اغلب در حد روسپیگری توصیف شده است (۱:۳-۴؛ ۵:۷؛ ۱۳:۲۷...؛ اش ۳:۵۷؛ حزق ۱۶؛ ۲۳؛ هو ۲:۷؛ ۴:۱۰؛ ر.ک. مت ۳۹:۱۲؛ ۴:۱۶؛ مر ۳۸:۸؛ یو ۴۱:۸؛ یع ۴:۴).

y قرائت تحت اللفظی به: «سرخ»، «لعل گون»، یا «سورق»، این نام گذاری شاید به این اشاره دارد که این نهال ها از «وادی سورق» می‌آمد (داور ۴:۱۶)؛ ر.ک. پید ۱۱:۴۹؛ اش ۲:۵؛ ۸:۱۶. در مورد تاک که نماد قوم عهد می باشد، ر.ک. توضیحات اش ۱:۵.

z احتمالاً منظور «دره ای» است که اورشلیم را از غرب و جنوب احاطه می کرد و از دروازهٔ «وادی» می شد به سوی آن رفت (توضیحات نح ۱۳:۳؛ ۱۳:۲، ۱۵؛ ۲ـ توا ۹:۲۶) و به نام وادی ابن هنّوم (۳۱:۷-۳۲؛ ۶:۱۹؛ ۳۵:۳۲؛ ر.ک. توضیحات یو ۸:۱۵) شناخته شده است. در مورد مراسم مذهبی نفرت انگیز که این دره محل نمایش آنها بود، ر.ک. توضیحات ۲ـ پاد ۱۰:۲۳. این دره تبدیل خواهد شد به نماد ملعون ترین مکان: توضیحات مت ۲۲:۵.

مـاده شـتـر سـبک که قـدم‌هـایش بـا هم تلاقی می‌کنند[a]،
۲۴ مـاده الاغ وحـشی که به صـحـرا خـو گرفته،
در شدت میلش، هوا را نفس می‌کشد؛
شهوت او را چه کس باز خواهد داشت؟
هر که او را بجوید، نیازی ندارد خود را درمانده سازد؛
او را در ماهش می‌یابند[b].
۲۵ مراقب باش که پایت، کفش خود را گم نکند
(و) گلویت تشنه نگردد.
اما تو می‌گویی: «نه! بی‌فایده است!
من بیگانگان[c] را دوست می‌دارم
و می‌خواهم در پی‌شان بروم.»
۲۶ به آن سان که دزد چون گرفتار آید، شرمسار گردد،
به همان سان، شرمسار خواهند گشت
آنان که از خاندان اسرائیل‌اند،
ایشان، پادشاهانشان، بزرگانشان،
و کاهنان و انبیایشان،
۲۷ (آنان) که به چوب می‌گویند: «تو پدر من هستی!»
و به سنگ (می‌گویند): «مرا تو زاده‌ای[d]!»
زیـرا ایـشـان پـشت خـود را به من برگردانده‌اند
و نه روی خود را.
آنگاه، به وقت تیره بختی‌شان می‌گویند:
«برخیز و ما را نجات ده!»
۲۸ پس کجایند خدایانی که برای خود ساخته‌ای؟
بادا که برخیزند، اگر می‌توانند تو را به وقت تیره بختی‌ات نجات بخشند!
زیرا خدایانت، این یهودا
به تعداد شهرهایت می‌باشند[e]!
۲۹ چرا مرا به جنایت متهم می‌کنید؟
شما همگی نسبت به من بی‌وفا بوده‌اید
-وحی یهوه.

هو۸:۹
۱۲:۱۸
۱۳:۳؛ تث۳۲:۱۶
۳:۹؛ تث۳۲:۶؛ حک۱۳:۱۷
۱۰:۸،۱۴؛ ۱۶:۲۰؛ تث۳۲:۳۷-۳۸؛ ۱-پا۱۹:۱۸؛ اش۲:۸؛ هو۱۴:۴؛ نامه ار۳۶

a تصویر بی‌ثباتی و بولهوسی (ر.ک. توضیحات آیه ۲۰) و نیز تصویر تشویش و نگرانی.
b منظور یا «ماه» میل جنسی اوست که طی آن، الاغان نر دچار زحمتی در یافتن او نمی‌شوند زیرا که او خودش به استقبال ایشان می‌آید، یا آخرین «ماه» بارداری اوست که می‌توانند به راحتی او را غافل‌گیر کنند، زیرا در آن زمان دیگر مانند دورهٔ میل جنسی‌اش، غیر قابل دسترس نیست.
c «بیگانگان» احتمالاً در وهلهٔ نخست، اشاره به مردان دارد، مانند ۵:۱۹؛ ۳۰:۸؛ ۵۱:۲، ۵۱؛ اش ۱:۷ و غیره. همچنین می‌توانند دلالت کند بر خدایان مانند ۱۳:۳ (ر.ک. مز ۴۴:۲۱؛ ۸۱:۱۰). منظور همیشه بی‌وفایی اسرائیل نسبت به «شوهر» خود می‌باشد (آیه ۲)، موضوعی که دائماً افشا می‌شود (ر.ک. توضیحات آیه ۲۰؛ ر.ک. حزق ۳۲:۱۶). این «بیگانگان» هر چقدر هم فریبنده باشند (ر.ک. حزق ۲۳)، رفتارشان نمی‌بایست در نظر اسرائیل پسندیده بیاید.
d اشاره‌ای جدید به عبادت در مکان‌های بلند (ر.ک. توضیحات ۱ـ پاد ۳:۲) که در آنجا ستون‌های مقدس، نماد خدایانی بود که از سوی خداوند رد شده بودند (تث ۷:۵؛ ۱۶:۲۱-۲۲). در خصوص پدر بودن خدایان نسبت به پیروانشان، ر.ک. اعد ۲۱:۲۹؛ ملا ۲:۱۱.
e ترجمهٔ یونانی حاوی این جملهٔ اضافی است: «و قربانی‌هایی که به بعل تقدیم می‌شود، به تعداد کوچه‌های اورشلیم است»؛ ر.ک. ۱۱:۱۳؛ هو ۸:۱۱. یوشیا با قدرت بر علیه کثرت و تعدد مکان‌های عبادت اقدام کرد، چرا که می‌توانست منجر به شرکت شود، ر.ک. توضیحات تث ۱۲:۵.

اعلام جرم[f]

[۳۰] پسران شما را بیهوده زدم:
ایشان[g] درس را نپذیرفتند؛ ۳:۵
شمشیرتان[h] انبیای شما را دریده است، اش۱:۲۰؛ نح۹:۲۶؛ ۱تسا۲:۱۵
همچون شیری ویرانگر.
[۳۱] شگفتا از این نسل شما! کلام یهوه را ببینید[i].
آیا من برای اسرائیل، بیابان بوده ام؟
یا سرزمینی با تاریکی غلیظ؟
چرا قوم من می گویند: «ما آزادیم، ۲:۲۰؛ ۲۳:۵
دیگر به سوی تو نخواهیم آمد»؟
[۳۲] آیا دختر جوان زینت خود را فراموش می کند،
یا عروس، کمربندهای خود را؟
اما قوم من مرا فراموش کرده است[j] ۲:۱۷؛ ۱۹:۶
از روزهای بی شمار پیشین!
[۳۳] راه های خود را چه خوب آماده می سازی
تا به دنبال عشق بگردی!
به همین سبب است که راه های خود را آشنا ساختی
حتی با بدی!
[۳۴] خون موجودات بی گناه را مراثی۴:۱۴
که به هنگام جرم ایجاد رخنه[l] گرفتار نکرده بودی،
تا به دستانت[k] می یابند!
اما با تمام اینها
[۳۵] می گویی: «من بی گناهم،
خشم او بی گمان از من برگشته است». ۵:۳
اینک با تو وارد داوری می شوم،
از این سبب که می گویی: «گناهی نکرده ام[m].»
[۳۶] چقدر برایت کم ارزش است[n] (؟)
که راهت را تغییر دهی!
از مصر نیز سرخورده خواهی شد، ۴۸:۱۳؛ اش۳۰:۳

f این فراخوانی است جدید و عاجل برای توجه به این حقیقت که ایشان خداوند را به شدت رد کرده اند، گرچه آن را انکار می کنند (آیه ۳۵). او دیگر نمی تواند بیش از این تحمل کند که ایشان در رفتار خود نسبت به خداوند، چنین بی توجهی واقعی یا ساختگی نشان دهند.
g ترجمهٔ یونانی: «شما نمی پذیرید».
h ترجمه های یونانی و سریانی: «شمشیر».
i این خطاب احتمالاً توضیح کاتبی است که می خواسته اهمیت «کلام یهوه» را برای هر دوره خاطرنشان سازد و روشن کند که آن را باید مجدداً درک کرد («ببینید»)؛ ر.ک. توضیحات ۱۴:۱۰.
j رَ،ک هو۲:۱۵وتث۸:۱۴.
k این ممکن است به این معنا باشد که این جنایات در ملاء عام صورت گرفته (مسودات داوید و ر.ک. ترجمه یونانی در خصوص «روی دستانت»). یا بر عکس، ممکن است به این معنا باشد که جنایت در خَفا انجام گرفته است (آرامی، تفسیر «قیمهی»).
l این عبارت، ترجمه ای است فرضی از متنی ناقص. در ضمن، بر اساس قرائت «قیمهی»، این عبارت را به آیهٔ بعدی متصل کرده ایم.
m واژهٔ عبری که در اینجا به کار رفته، اصطلاحی است متداول در واژگان مربوط به گناه؛ معنی آن چنین است: «به هدف نخوردن» (توضیحات مرا ۶:۴)؛ ر.ک. داور ۲۰:۱۶؛ مز ۳۹:۲ (در اینها، معنی آن «دور شدن» می باشد) و در امث ۸:۳۵-۳۶ در معنای مقابل «یافتن» به کار رفته است.
n یا: «چگونه به انحراف می روی».

همچنان که از آشور شدی[o].
[۳۷]از آنجا نیز بیرون خواهی آمد،
و دستانت بر سرت خواهد بود،
زیرا یهوه آنان را که بر ایشان اعتماد داشتی، رد کرده است،
و با آنان توفیق نخواهی یافت.

۲سمو۱۳:۱۹

روسپی نامدار

۳ [۱][کلام یهوه] به این مضمون[p] [به من فرا رسید]:
اگر مردی زن خود را طلاق دهد
و این زن پس از ترک وی،
از آن مرد دیگری باشد،
آیا می تواند به سوی وی باز گردد[q]؟
چنین زنی
آیا تماماً آلوده نیست[r]؟
اما تو که با فاسقان بسیار روسپیگری کرده ای،
آیا به سوی من باز خواهی گشت[s]!؟
-وحی یهوه.

۲:۷؛ ۳:۲،۹

[۲]چشمان خود را به سوی کوه های برهنه بر افراز و ببین:
چه جایی هست که خود را تسلیم نکرده باشی؟
بر سر راه ها برای آنان می نشستی،
همچون زن عرب در بیابان،
و سرزمین را آلوده ساختی
با روسپیگری خود و با بدکاری خویش.
[۳]لذا رگبار باز داشته شده
و باران بهاری نبارید.
و تو پیشانی روسپی داشتی:
از سرخ شدن امتناع ورزیدی.
[۴]آیا حتی در آن هنگام به سوی من فریاد نمی کردی که
«پدر من! تو دوست جوانی ام می باشی[t]!
[۵]آیا او [کینه] را برای همیشه نگاه خواهد داشت؟
آیا [خشمش] را تا به نهایت حفظ خواهد کرد[u]؟»
تو چنین سخن می گفتی
و بدی را گستاخانه به عمل می آوری[v]!

۲:۲۰
پید۳۸:۱۴؛ حز۱۶:۲۵؛ مز۷:۱۲؛ نامه ار۴۲
۵:۲۴-۲۵؛ ۱۴:۴؛ تث۲۸:۲۳؛ عا۴:۷
۳:۱۲؛ ۲:۳۵؛ اش۶۴:۸

o ر.ک توضیحات آیه ۱۸. اما این آیه ۳۶ به موقعیتی اشاره دارد که آشکارا مربوط به دوره ای بعد از فروپاشی مملکت آشور می گردد.
p این اصطلاح عبری، در متون مدرن و در وسط متن، معمولاً با علامت «:» نشان داده می شود.
q طبق رسم روزگار، بر مرد جایز نبود که زنی را که طلاق داده بود و به ازدواج مرد دیگری در آمده بود، مجدداً به همسری بگیرد؛ اگر چنین می کرد، باعث می شد که بر «زمین» (یعنی سرزمین) خطا وارد شود (تث ۲۴:۱-۴).
r ر.ک تث۲۴:۴؛اش۲۴:۵؛اعد۳۵:۳۳؛مز۱۰۶:۳۸.
s خدا نمی تواند قوم خود را که «مکروه» شده (تث ۲۴:۴) و خود را تسلیم خدایان دیگر کرده، بپذیرد. اما با این حال، چنین پذیرشی برای آنانی که حاضرند آبروی خود را ز دست بدهند، مجدداً میسر خواهد بود (آیات ۳:۱۳، ۲۵؛ لو ۱۵:۱۸-۱۹؛ ۱۸:۱۳-۱۴).
t واژگان مذهبی سنتی (ر.ک. آیه ۱۹ و خروج ۴:۲۲؛ تث ۳۲:۶؛ هو ۲:۱؛ ۱۱:۱؛ ملا ۱:۶) که می تواند بیانگر ایمانی اصیل باشد، اما در واقع، در پس خود، بی نظمی و ارتدادی واقعی را پنهان می سازد؛ این حالت مانع از آن است که ایشان نسبت به واقعیت هشیار گردند (ر.ک. توضیحات ۲:۳۰) و توبه کنند: نشانه های مجازات آشکار است اما ایشان مایل به خواندن آن نیستند؛ ر.ک. توضیحات آیه ۶.
u چه کسی سخنان این بیت را بیان می کند؟ مردم که اعتمادی سهل را به بخشایش الهی ابراز می دارند، مانند هو ۶:۱-۳؟ یا نبی که مردم را به این توبهٔ صمیمانه که فاقدش می باشند، فرا می خواند (ر.ک. دنبالهٔ آیه)؟
v می توان این گونه نیز استنباط کرد: «اما تو از گفتن بدی و عمل کردن به آن باز نمی ایستی»؛ ر.ک. ۲:۲۱.

اسرائیل مرتد و یهودای خیانت پیشه[w]

۲:۱ [۶]در روزگار شاه یوشیا، یهوه مرا گفت: آیا دیدی اسرائیل مرتد[x] چه کرده است؟ ۲:۲۰ بر روی هر کوه مرتفع و زیر هر درخت سبز می‌رفت؛ در آنجا روسپیگری کرده است. [۷]به خود می‌گفتم: پس از انجام تمام اینها، به سوی من باز خواهد گشت؛ اما باز نگشت! خواهرش، یهودای خیانت پیشه [این را] دید؛ [۸]او دید که من برای تمام زناکاری‌هایی که اسرائیل مرتد کرده بود، او را بیرون کردم و طلاق نامه‌اش را به او دادم[y]. اش۵۰:۱ اما خواهرش، یهودای خیانت پیشه، نترسید؛ او نیز رفت و روسپیگری کرد! [۹]و با روسپیگری پرهیاهویش، سرزمین را آلوده ساخت[z]؛ ۲:۲۷ با سنگ و با چوب زنا کرد. [۱۰]و حتی پس از تمام اینها، خواهرش، یهودای خیانت پیشه، هو۷:۱۳ با تمام دل خویش به سوی من باز نگشت، بلکه با دروغ[a]! - وحی یهوه.

خداوند از روی امانتش، اسرائیل توبه‌کار را باز خواهد گرداند[b]

[۱۱]یهوه مرا گفت: اسرائیل مرتد خود را عادل‌تر از یهودای خیانت پیشه نمایانده است. [۱۲]برو این سخنان را به سوی شمال ۲:۲ فریاد بزن. بگو: ۳:۱۸

باز گرد، ای اسرائیل مرتد - وحی یهوه - ۳:۱۴؛ تث۳۰:۲-۱۰
چهره‌ای سختگیر به شما نخواهم نمود[c]،
زیرا نیکخواه می‌باشم - وحی یهوه - ۳:۵؛ مز۱۰۳:۹؛ مراثی۳:۳۱
[کینه] را برای همیشه نگاه نمی‌دارم.
[۱۳]فقط خطایت را تصدیق کن: مز۲۸:۱۳؛ لاو۲۶:۴۰
تو نسبت به یهوه، خدایت، بی‌وفا بوده‌ای
با گام‌هایی شتابان به سوی بیگانگان رفتی، ۲:۲۵
زیر هر درخت سبز؛
و صدای مرا نشنیدید!
- وحی یهوه.
[۱۴]باز گردید، ای پسران مرتد، ۳:۲۲؛ هو۱۴:۲؛ ۲-توا۲۹:۶
- وحی یهوه -
زیرا صاحب شما منم.
شما را خواهم گرفت،

w برای ایماندار، بدبختی‌ها تبدیل به فراخوان‌هایی به بازگشت می‌شود، فراخوان‌هایی که خطاب به همه است (ر.ک. لو ۱۳:۱-۵ و توضیحات؛ نا ۳:۶ و غیره). بدبختی‌های اسرائیل درسی بود برای یهودا؛ اما اغلب دشوارتر است که انسان به جای اندیشیدن به بدبختی‌های خود، به بدبختی‌های دیگران بیندیشد (ر.ک. فصل ۲۴). حزقیال (فصل‌های ۱۶ و ۲۳) مقایسهٔ میان دو خواهر را بسط خواهد داد.

x مرتد: اسم خاص قوم برگزیده شد. ر.ک ۸:۱۱و۱۲.

y منظور سقوط سامره و تبعید مملکت شمالی در ۷۲۲-۷۲۱ ق.م است (۲-پاد ۱۷).

z ترجمهٔ ما مبتنی است بر قرائت ترجمه‌های سریانی، آرامی، و وولگات. با قرائت فعل با حروف صدادار متفاوت، می‌توان چنین ترجمه کرد: «خود زمین نیز آلوده شده است».

a یهودا در خیانت و بی‌وفایی و دروغ زندگی می‌کند. همه چیز در او نادرست است، حتی ادعاهایی که در مورد وابستگی‌اش، خطاب به خداوند ابراز می‌دارد: ۲:۲۳، ۲۷، ۳۵؛ ۳:۴؛ ۸:۸.

b ارمیا دعوت می‌شود تا با قدرت کلام نبوتی خود، به نوعی این بخش از قوم را که در شمال از میان رفته‌اند، باز آفرینی کند.

c تحت‌اللفظی: «چهرهٔ خود را بر شما نخواهم افکند» منظور از چهره، حضور خدا است، و این حضور دیگر سنگینی تهدید را به همراه نخواهد داشت.

یکی را از یک شهر، دو نفر را از یک خانواده،
و شما را به صهیون باز خواهم گرداند.
[۱۵] به شما چوپانانی مطابق دلم خواهم بخشید،
که شما را با دانش و فطانت خواهند چرانید.

۲۳:۴؛ ۱-سمو۳۵:۲

گردهمایی همگانی نزد پادشاه عظیم

[۱۶] و آنگاه که در سرزمین کثیر شده، بارآور شده باشید، در آن روزها ـ وحی یهوه ـ دیگر دربارهٔ صندوق عهد یهوه سخن نخواهند گفت، و به ذهن کسی خطور نخواهد کرد، و آن را به یاد نخواهند آورد، برای آن افسوس نخواهند خورد، و صندوق دیگری نخواهند ساخت[d].
[۱۷] در آن زمان، اورشلیم را «تخت سلطنت یهوه» خواهند نامید؛ تمامی

۲۳:۳؛ تث۶:۳؛ اش۱:۵۴؛ زک۸:۱۰؛ بارو۳۴:۲؛ اع۷:۶

حز۷:۴۳؛ مکا۳:۲۲؛ ار۱۶:۱۲

ملت‌ها در آنجا گرد خواهند آمد[e]، و دیگر لجاجت[f] دل بدکار خود را پیروی نخواهند کرد.
[۱۸] در آن روزها، خاندان یهودا به سوی خاندان اسرائیل خواهد رفت، و با هم از سرزمین شمال، به سرزمینی که ارث پدران شما ساختم، خواهند آمد.

۴:۵۰. ۱۲:۳؛ ۱۵:۱۶

بازگشت فرزند مُسرِف

[۱۹] و من به خود گفتم:
چگونه تو را در میان پسران قرار دهم[g]
و سرزمینی از لذت‌ها به تو ببخشم،
میراثی که گوهر گوهرهای[h] ملت‌ها باشد؟
به خود گفتم: مرا «پدر من» خواهد خواند[i]،
و از عقب من منحرف نخواهی شد[j].
[۲۰] اما به آن سان که زنی به همسر خود خیانت می‌کند،

حز۶:۲۰؛ دان۹:۸؛ ۱۶:۱۱

۴:۳؛ ۲۷:۲؛ اش۱۶:۶۳

d در مورد تاریخ دقیق ناپدید شدن صندوق عهد چیزی نمی‌دانیم. معبد به دست چندین فاتح غارت شد: فرعون شیشق (۱ـ پاد ۲۵:۱۴-۲۶)، یوآش اسرائیلی (۲ـ پاد ۱۴:۱۴)، نبوکدنصر (۲ـ پاد ۹:۲۵، ۱۳-۱۷؛ ار ۱۳:۵۲، ۱۷-۲۳). نیز ر.ک. داستانی که در ۲ـ مک ۵:۲ نقل شده است.

e متن عبری چنین آمده: «... گرد خواهند آمد، به نام یهوه، در اورشلیم». ما در این ترجمه، به تبع ترجمه یونانی، این عبارت را حذف کرده‌ایم. خداوند با تملک معبد خویش در صهیون، نام خود را در آنجا ساکن خواهد ساخت (۷:۱۰؛ تث ۵:۱۲، ۱۱، ۲۱ و غیره).

f در عبری، این کلمه را می‌توان به ریشه‌های مختلف مربوط ساخت؛ بر حسب این ریشه‌ها می‌توان معانی گوناگون اخذ کرد: پرخاشگری (آرامی)، رؤیاهای باطل، سختی دل، کشش، یا طرح‌ها. همین اصطلاح را در ۲۴:۷؛ ۱۳:۹؛ ۸:۱۱؛ ۱۳:۱۰؛ ۱۲:۱۶؛ ۱۲:۱۸؛ ۱۷:۲۳؛ تث ۱۸:۲۹؛ مز ۱۳:۸۱ بازمی‌یابیم.

g این گونه نیز می‌توان برداشت کرد: «چگونه تو را در ردیف پسران قرار دهم؟» (ر.ک. توضیحات اش ۲:۱)؛ در اینجا اسرائیل به دختر تشبیه شده و دختران حقی در ارث و میراث نداشتند، جز در موارد استثنایی (اعد ۴:۲۷، ۷).

h تحت‌اللفظی: «پرشکوه‌ترین میراث ملت‌ها؛ اگر نقطه‌گذاری ماسورت‌ها را دقیق‌تر رعایت کنیم، چنین قرائت خواهیم کرد: «میراثی پرشکوه، تمام شکوه ملت‌ها». اکثر ترجمه‌های کهن و تفسیرهای قدیمی، چنین برداشت کرده‌اند: «میراثی پرشکوه (مطلوب) برای لشکریان ملت‌ها».

i طبق قرائت ترجمه‌های یونانی و سریانی: «خواهید خواند». ماسورت‌ها مانند ترجمه آرامی و وولگات، این فعل را با ضمیر دوم شخص مفرد مؤنث قرائت کرده‌اند.

j ر.ک. توضیحات هو ۱:۱۱.

به همان سان شما به من خیانت
کرده اید، ای خاندان اسرائیل ۱۱:۵
- وحی یهوه.
[۲۱] بر روی کوه های برهنه، فریادی شنیده
می شود،
(یعنی) زاری و استغاثه های پسران ۳۱:۹،۱۸؛ ۵۰:۴
اسرائیل؛
زیرا گمراه شده اند
و یهوه، خدای خویش را از یاد برده اند.
[۲۲] باز گردید، ای پسران مرتد؛ ۱۴:۳
من ارتدادهای شما را شفا خواهم هو۱۴:۵
بخشید.
- لبیک؛ به سوی تو می آییم،
زیرا یهوه، خدای ما، تویی[k].
[۲۳] آری، دروغ هستند، تپه ها
و غرش کوه ها[l]!
آری، نجات اسرائیل
از یهوه، خدای ما است! مز۳:۹
[۲۴] شرم[m]، از دوران جوانی مان،
عایدات پدران ما را از میان برده است، تث۲۸:۳۳
[گوسفندان ایشان و گاوان ایشان را،
پسران ایشان و دختران ایشان را].
[۲۵] در شرم خویش بخوابیم عز۹:۶-۷
و بادا که خجالتمان ما را بپوشاند؛
زیرا که در حق یهوه، خدایمان، گناه
ورزیده ایم،
هم ما و هم پدران ما،
از جوانی مان تا به امروز، ۷:۲۵-۲۸؛ ۲۲:۲۱؛ ۲-پا۱۸:۱۲
و به صدای یهوه، خدای خویش گوش
نکردیم!

۴ [۱] ای اسرائیل، اگر باز گردی -وحی
یهوه-
باید که نزد من باز گردی. ۳:۴؛ یول۲:۱۲
اگر «کثافات»[n] خود را از میان ببری،
نیازی نخواهی داشت که از برابر من
بگریزی.
[۲] اگر با وفاداری و انصاف و عدالت ۱۲:۱۶؛ تث۶:۱۳
به حیات یهوه سوگند یاد کنی،
آنگاه ملت ها در او خود را مبارک اش۶۵:۱۶؛ مت۵:۱۶
خواهند ساخت[o]
و در او خود را جلال خواهند داد[p].

احیای کامل[q]

[۳] زیرا یهوه با مردمان یهودا و با اورشلیم
چنین سخن می گوید:

k ترجمهٔ احتمالی دیگر: «آری، یهوه، خدای ما، تویی».
l اشاره به آیین های بت پرستی که پرهیاهو و همراه با عیش و نوش بود. ر.ک. خروج ۳۲:۶؛ اعد ۲۵:۱-۳؛ ۱-پاد ۱۸:۲۶-۲۹؛ هو ۸:۱۴.
m اشاره ای است به نام بعل، ر.ک. هو ۹:۱۰ . برای اجتناب از تلفظ نام خدایان ملت ها (ر.ک. هو ۲:۱۹) آن را با اصطلاحاتی تحقیرآمیز جایگزین می ساختند؛ ر.ک. توضیحات ۵:۳۱؛ ۱۱:۱۳؛ هو ۹:۱۰.
n اشاره به تب ها است؛ ر.ک. توضیح n در ۱۶:۱۸؛ خروج ۲۰:۳.
o اگر در اینجا و در مصرع بعدی، حرف صدادار نادرستی را مفروض گیریم و آن را این چنین اصلاح کنیم، نکته ای معادل با پید ۲۲:۱۸ و ۲۶:۴ حاصل خواهد شد، یعنی «... در تو خود را...».
p آیه ۲ را به این شکل نیز می توان برداشت کرد: «به حیات یهوه سوگند یاد خواهی کرد و ... ملت ها خود را مبارک خواهند ساخت...»
q بخشی که در ۴:۳-۳۱ وجود دارد، مجموعه ای از شعرهایی است که در آنها خداوند و نبی به تناوب مطالبی را بیان می دارند. خداوند هجوم سپاهی سهمگین را اعلام می دارد که از شمال می آید (آیات ۳-۷، ۹، ۱۱-۱۸، ۲۲، ۲۷-۲۸) و نبی، سخنان او را انعکاس می دهد، خواه از طریق اندرز دادن به قوم (آیه ۸)، خواه از طریق شفاعت برای ایشان (آیه ۱۰)، و خواه با ابراز

زمین های بایر را برای خود آمادهٔ کشت کنید
و بر روی خارها بذر مپاشید.
[۴]خود را برای یهوه ختنه کنید، قَلَفهٔ دل خود را دور سازید[r]،
ای مردمان یهودا و ای ساکنان اورشلیم،
مبادا که خشم من به سان آتش، شعله ور شود
و بسوزاند و کسی نباشد که خاموش کند،
به سبب شرارت کارهایتان!

هو۱۰:۱۲؛ مت۵:۱۶
۹:۲۵؛ ۹:۱۷ ۲:۱۱
۱۳:۱۰؛ ۲۱:۱۲

اعلام خطر در یهودا

[۵]آن را در یهودا ندا کنید،
و در اورشلیم اعلامش نمایید!
در سرزمین کَرنا[s] بنوازید،
و با آوای بلند فریاد برآورید و بگویید:
گرد آیید و داخل شویم
به شهرهای حصاردار.
[۶]از جانب صهیون نشانه ای برافرازید،
پناهگاهی بجویید و توقف منمایید!
چرا که شوربختی را من از شمال[t] خواهم آورد،
و مصیبتی گران را.

۴:۱۹؛ ۵۱:۲۷
۸:۱۴
زک۹:۱۲

[۷]شیری[u] از بیشه اش برآمده،
ویرانگر ملت ها به راه افتاده است؛
از اقامت گاه خود خارج شده
تا سرزمین تو را به ویرانه تبدیل کند؛
شهرهایت ویران خواهند شد، بدون سکنه.
[۸]به سبب این، پلاس در بر کنید،
زاری کنید و زوزه بکشید؛
زیرا شدت خشم یهوه
از ما روی بر نتافته است!

نح۲:۱۲
۶:۸
۴:۲۹
۶:۲۶؛ اش۱۵:۳

سرگردانی عمومی

[۹]بنا بر این، در آن روز ـ وحی یهوه ـ
دل پادشاه فرو خواهد ریخت،
و دل بزرگان (نیز)؛
کاهنان مبهوت خواهند شد
و انبیا، متحیر.
[۱۰]گفتم: «آه، ای خداوند یهوه،
به راستی که تو این قوم و اورشلیم را خوب فریب داده ای
چرا که گفتی: از صلح برخوردار خواهید بود
حال آنکه شمشیر به گلوی ما رسیده است[v].»

درد و اندوهش (آیات ۱۹-۲۱) و نیز حیرت خود (آیات ۲۳-۲۶). ترتیب این شهرها به صورت گفت و گو، با خصلت بنیادین رسالت ارمیا سازگاری دارد، زیرا او همواره در کشاکش گفت و گو میان انسان و خدا قرار دارد.

r در خصوص ختنهٔ قلب که فکر و ارادهٔ انسان را برای اجرای وظایفشان آماده می سازد، ر.ک. تث ۱۰:۱۶ و توضیحات؛ ۳۰:۶؛ توضیحات روم ۲:۲۹؛ توضیحات فی ۳:۲. و در خصوص ختنهٔ گوش، ر.ک. ۶:۱۰ و توضیحات.

s ر.ک. توضیحات اش ۲۷:۱۳؛ توضیحات زک ۹:۱۴.

t مصیبت عموماً از شمال می آید (ر.ک. ۶:۱؛ ۱۵:۱۲؛ ۵۰:۳؛ توضیحات یول ۲:۲۰). در اینجا، مانند ۱:۱۳-۱۵، دقیقاً مشخص نیست که به کدام تهدید اشاره می شود. ارمیا برای یادآوری آن، کافی است آنچه را که از لشکریان آشور یا سکایی می داند، به کار برد؛ ر.ک. توضیحات ۲۰:۴.

u ر.ک. ۲:۱۵، ۲۹؛ ۵:۶؛ ۴۹:۱۹؛ ۵۰:۴۴؛ توضیحات اش ۵:۲۹.

v ارمیا یا هنوز بر این باور است که انبیایی که صلح و آرامش را اعلام می کنند، فرستادگان راستین خداوند هستند (ر.ک. توضیحات ۱۴:۱۳ و ۲۸:۶)؛ یا اینکه واکنش های قوم را که از سوی این انبیای دروغین فریب خورده اند، بر خود می گیرد. طبق برخی نسخ خطی ترجمه های یونانی و عربی، این جمله را «انبیای» آیهٔ قبل بیان می دارند تا خداوند را به فریبکاری متهم سازند.

آخرین اندرزها به اورشلیم تهدید شده

[11]در آن زمان، به این قوم و به اورشلیم خواهند گفت:
بادی سوزان از کوه های برهنه،
در بیابان، به سوی دختر قوم من[w] به راه افتاده
نه برای باد دادن و نه برای پاک کردن؛
[12]بادی شدید از برای من می‌آید[x].
اکنون خودم داوری ها را بر علیه آنان اعلام خواهم داشت.
[13]اینک او همچون ابر بر می‌آید،
ارابه هایش همچون تندبادند،
(و) اسبانش تندتر از عقاب ها!
وای بر ما زیرا از میان رفتیم!
[14]دل خود را از بدی بشوی، ای اورشلیم،
تا نجات یابی.
تا به کی در بطن تو مسکن خواهند گزید
اندیشه های گناه آلود تو؟
[15]زیرا شایعه ای آن را از دان (تا به این سو) ندا می دهد،
تیره بختی را از کوه افراییم (تا به این سو).
[16]آن را در یهودا خبر دهید،
آن را بر علیه اورشلیم اعلام دارید[y].
محاصره کنندگانی از سرزمینی دوردست فرا می رسند
و بر علیه شهرهای یهودا صدا می دهند.

۱:۵۱؛ هو۱۳:۱۵
۱۲:۱:۳۹:۵
حز۳۸:۹
نح۲:۵ حب۱:۸؛ مراثی۴:۱۹
اش۱:۱۶؛ حز۱۸:۳۱؛ یعقوب۴:۸
۱۵:۵

[17]به مانند نگهبانان مزرعه، اورشلیم را احاطه می کنند،
زیرا که بر علیه من طغیان کرده است - وحی یهوه.
[18]رفتارت و کارهایت
این را برایت به ارمغان آورده است؛
این شرارت تو است، چه تلخ!
به چه سان دلت را فرا گرفته است!

دلشکستگی نبی در برابر بدبختی های سرزمین

[19]احشایم، احشایم! لرزانم!
جداره های قلبم!
قلبم در درونم ناله سر داده است؛
خاموش نخواهم شد.
زیرا صدای کَرنا را شنیده ام،
هیاهوی نبرد را.
[20]فریاد می زنند «مصیبت روی مصیبت»
چرا که سراسر سرزمین ویران شده،
خیمه هایم به ناگاه ویران شده است،
و چادرهایم در یک آن.
[21]تا به کی نشانه را خواهم دید
و صدای کرنا را خواهم شنید؟

رأی الهی

[22]زیرا قوم من دیوانه اند،
مرا نمی شناسند؛
پسران ابله اند

۲:۱۷،۱۹؛ مز۱۰۷:۱۷
۱۳:۱۷؛ ۲-پا۸:۱۱؛ حب۳:۱۶؛ مراثی۱:۲۰
۶:۱۷
۴۹:۲
۱۴:۱۷؛ حز۷:۲۶
۱۰:۲۰
۴:۵
۵:۲۱؛ ۸:۷؛ تث۳۲:۲۸؛ اش۲۷:۱۱؛ هو۴:۶؛ مز۸۲:۵؛ لو۲۴:۲۵

w ر.ک. ۶:۲۶؛ ۸:۱۱، ۱۹، ۲۱-۲۳؛ ۹:۶؛ ۱۴:۱۷.
x یعنی اینکه «به خدمت من در می‌آید».
y تحت‌اللفظی: «(فرمان ها را) بر علیه اورشلیم اعلام دارید».
z «نیکی کردن» به معنی جستجوی خدا است (عا ۵:۴، ۶، ۱۴)، جستجوی حکمتی است که سرچشمهٔ تمام فضائل می باشد (حک ۸:۷) که بدون آن نمی توان مقبول خدا واقع شد (حک ۷:۱۴، ۲۸) و راه های او را درک کرد (۹:۱۱؛ هو ۱۴:۱۰؛ مز ۱۰۷:۴۳).

و بی‌خرد؛
در بدی کردن ماهرند،
اما نیکی کردن را نمی‌دانند[z].

بازگشت به هرج و مرج[a]

[۲۳]به زمین نگاه می‌کنم، و اینک هرج و مرج است،
و به سوی آسمان‌ها: دیگر روشنایی خود را ندارند. ۲۸:۴
[۲۴]کوه‌ها را می‌نگرم، و اینک می‌لرزند، داور۵:۵؛ نح۱:۵؛ مز۴۶:۳-۴
و تمام تپه‌ها تکان خورده‌اند.
[۲۵]می‌نگرم، و اینک انسانی نیست،
و جمله پرندگان آسمان گریخته‌اند. ۹:۹
[۲۶]می‌نگرم، و اینک باغ میوه، بیابان شده، لاو۲۶:۳۴؛ مز۱۰۷:۳۴
و همهٔ شهرهایش ویران شده است
در برابر یهوه،
در برابر شدت خشم او. ۸:۴؛ نح۱:۶

خدا بر آن شده تا قومش را مجازات کند

[۲۷]زیرا یهوه چنین سخن می‌گوید:
تمامی سرزمین ویرانه خواهد بود،
اما قلع و قمع نخواهم نمود[b]. ۱۰:۵
[۲۸]به سبب این، سرزمین در سوگواری خواهد بود ۴:۱۲
و آسمان در آن بالا، تاریک خواهد شد؛ اش۵۰:۳
زیرا سخن گفته‌ام و پشیمان نخواهم شد،
تصمیم گرفته‌ام و از آن باز نخواهم گشت. اعد۲۳:۱۹

صهیون را عاشقانش فریفته‌اند

[۲۹]از صدایی که سواران و تیراندازان به پا می‌کنند
تمامی سرزمین می‌گریزد؛
به جنگل‌های انبوه داخل می‌شوند،
به صخره‌ها بر می‌آیند،
تمامی شهرها رها شده،
در آنها سکنه‌ای نیست. ۷:۴
[۳۰] پس تو[c] چه خواهی کرد؟
آنگاه که ارغوان بر تن کنی،
آنگاه که با زیورهای طلا خود را بیارایی، ۲-پا۹:۳۰؛ ایو۴۲:۱۴
آنگاه که چشمانت را با سرخاب انبساط دهی،
بیهوده است که خود را زیبا سازی! ۱۴:۳۰؛ حز۲۳:۲۲
آنان که [برای تو] می‌سوختند، خوارت می‌شمارند
و در پی جانت هستند.
[۳۱]آری، فریادهایی همچون [زنی] در حال درد زایمان، به گوشم می‌رسد ۶:۲۴؛۴۸:۴۱
ناله‌هایی همچون دختر جوانی در حال وضع حمل؛

a پس از سر و صدای شدید فاجعه (آیات ۱۹-۲۱) ارمیا در رؤیایی نبوتی، بازگشت هولناک هرج و مرج اولیه را مشاهده می‌کند (پید ۱:۲؛ ر.ک. توضیحات نا ۷:۲).

b این فعل، با تغییر در حرف صدادارش، می‌تواند تبدیل به تأییدی مثبت گردد، یعنی: «آری، قلع و قمع خواهم نمود». این جمله با مضمون متن ترجمه ما هماهنگ می‌ماند.

c متن عبری موجود، در اینجا حاوی عبارت «ویران شده» می‌باشد که در ترجمه یونانی نیست. شاید چنین عبارتی، توضیحی باشد که جایش در این متن چندان مناسب نیست.

اینها فریادهای دختر صهیون[d] است که نفسش برنمی‌آید
(و) دست‌های خود را دراز می‌کند (و می‌گوید):
«آه! وای بر من! چرا که جانم در برابر قاتلان درمانده می‌شود».

اش ۱:۸،۱۵؛ مز ۸۸:۱۰؛ مرا ۱:۱۷

اعلام رأی محکومیت پس از تحقیق

۵ [1] در کوچه های اورشلیم بگردید،
ببینید و بدانید:
در میدان هایش جستجو کنید[e]
تا بلکه انسانی[f] را بیابید،
اگر کسی باشد که راستی را به عمل آورد
و صداقت را بجوید[g]،
و من [شهر] را خواهم بخشید[h].
[2] حتی آنگاه که می‌گویند: «سوگند به حیات یهوه»،
آن نیز برای این است که سوگندی دروغ یاد کنند.
[3] ای یهوه، مگر نه اینکه دیدگان تو به سوی صداقت[i] معطوف است؟
تو ایشان را زده‌ای، و نلرزیدند[j]،

۷:۲۸؛ میک ۷:۲؛ مز ۱۴:۲؛ مت ۲۳:۲۳؛ لو ۱۸:۸
۴:۲
۷:۹
۲:۳۰

ایشان را قلع و قمع کردی، و از پذیرفتن درس امتناع کردند؛
روی خود را از صخره سخت‌تر ساخته‌اند،
از بازگشت کردن امتناع ورزیده‌اند.
[4] و من می‌گفتم: «فقط کوچکان دیوانه‌وار عمل می‌کنند؛
زیرا طریق یهوه را نمی‌شناسند، «حق»[k] خدای خود را.
[5] پس نزد بزرگان خواهم رفت و با ایشان سخن خواهم راند؛
زیرا که ایشان طریق یهوه را می‌شناسند،
«حق» خدای خود را».
اما ایشان نیز یوغ را شکسته‌اند،
بندها را گسیخته‌اند.
[6] به این سبب است که شیر جنگل به ایشان حمله می‌کند،
گرگ بیابان ایشان را نابود می‌سازد،
پلنگ در برابر شهرهایشان در کمین است؛
هر که از آنها خارج شود، تکه تکه می‌شود.

۷:۲۸
حز ۳:۸
۸:۵
۵:۲۱؛ ۹:۲۳
میک ۳:۱
۲:۸،۲۰
۲:۱۵؛ حز ۲۲:۲۷؛ هو ۱۳:۷

d ر.ک. ۲:۶، ۲۳؛ ۴۶:۲۴؛ ۵۰:۴۲؛ ۵۱:۳۳؛ توضیحات ۴:۱۱.
e گویا خدا فرشتگان را مخاطب قرار می‌دهد و ایشان را مأمور بازرسی می‌کند (ر.ک. پید ۱۸:۱۶-۲۱؛ حزق ۹)؛ نبی نیز به شورای فرشتگان در آسمان پذیرفته می‌شود (۲۳:۲۲؛ ۱-پاد ۲۲:۱۹-۲۲؛ اش ۶؛ عا ۳:۷ و توضیحات). به این جهت است که ارمیا فرا خوانده می‌شود تا در تحقیق در مورد مجرمیت اورشلیم شرکت کند، تحقیقی که خدا می‌خواهد پیش از اعلام قطعی رأی خود انجام شود (ر.ک. ۶:۲۷-۳۰؛ پید ۱۱:۵-۷؛ ۱۸؛ ۱۹).
f «انسان» واقعی آن است که به راستی عمل کند، چه در رفتار شخصی خویش و چه در فعالیت‌های اجتماعی‌اش. خداوند در وهلهٔ اول چنین چیزی از او می‌طلبد (میک ۶:۸)؛ ر.ک. ۹:۲۳ و توضیحات ۲۲:۱۳.
g به چنین انسانی است که می‌توان اطمینان کرد، چرا که رفتارش، به خاطر راستی و امانتش، موجد اعتماد است. ر.ک. خروج ۱۸:۲۱؛ نح ۷:۲؛ یو ۳:۲۱ و توضیحات.
h در مورد انسان عادلی که انبوهی از گناهکاران را نجات می‌بخشد، ر.ک. پید ۱۸:۲۰-۳۳؛ اش ۵۳؛ حزق ۲۲:۳۰؛ ۱-یو ۲:۱ و توضیحات.
i یا «امانت و وفاداری» ر.ک. توضیحات آیه ۱.
j ر.ک. توضیحات ۳:۶.
k این کلمه می‌تواند به «نظمی» که خدا می‌خواهد برقرار سازد دلالت داشته باشد (ر.ک. ۸:۷).

زیرا خطاهایشان بی شمار است
و ارتدادهایشان بسیار. ۱۵:۳۰

هرزگی اخلاقی

۱:۵ [۷] پس چگونه تو را ببخشم؟
۱۶:۱ پسرانت مرا ترک کرده اند،
به چیزی سوگند یاد کرده اند که خدا
نیست. ۱۱:۲؛ خرو۲۳:۱۳؛ ۱-پا۱۹:۱۸؛ غلا۴:۸
من ایشان را سیر کرده بودم، ایشان
مرتکب زنا شده اند
و خانهٔ روسپی را محاصره می کنند.
۱۳:۲۷؛ حز۲۲:۱۱؛ ۲۳:۲۰ [۸] (این) اسب های نر شکم سیر و هرزه،
هر یک برای زن همسایه اش شیهه می زند.
۵:۲۹ [۹] و به سبب این، نباید مجازات کنم!
-وحی یهوه[l] -
و از چنین ملتی
آیا جان من نباید انتقام بکشد؟

کلام خداوند بلامنازع است

۸:۳۹ [۱۰] بر بامهایش برآیید و ویران سازید،
۲۷:۴ اما بالکل قلع و قمع مکنید[m]،
شاخه رَزهایش را قطع کنید
چرا که از آن یهوه نیستند.
۳:۸، ۲۰ [۱۱] زیرا خاندان اسرائیل و خاندان یهودا
جز خیانت به من، کاری نکرده اند
- وحی یهوه.
[۱۲] ایشان یهوه را انکار کرده اند،
حز۲۸:۱۵ به او گفته اند: «او نه!
۱۴:۱۳ و به ما هیچ بدی نخواهد رسید،
شمشیر و قحط را نخواهیم دید؛
[۱۳] انبیا چیزی جز باد نیستند
و «کلام»[n] در ایشان نیست».
[۱۴] به این سبب، یهوه چنین سخن
می گوید،
خدای لشکرها:
[۱۳ج] به ایشان چنین خواهد شد[o]،
[۱۴ج] از این رو که این را گفته اند:
اینک من سخنان خود را به سان آتش
۱:۹ در دهانت قرار خواهم داد،
حز۱۰:۱۷؛ مکا۱۱:۵ و این قوم چوبی خواهند بود
که [این آتش] آن را خواهد بلعید.

l این شیوه بیان، گواه بر این است که پیام از جانب خداوند می آید. لذا استفادهٔ نادرست از آن امری است بسیار جدی (حزق ۱۳:۱-۹؛ ر.ک. ار ۲۳:۳۱). این فرمول به طور خاص در ارمیا به کرات به کار رفته، خواه در شکل ساده اش مانند اینجا (۱۶۴ بار)، خواه با برخی اضافات مربوط به نام خدا مانند ۲:۱۵، ۲۲؛ ۴۶:۱۸؛ ۴۹:۵ (۱۱ بار). این فرمول در ترجمهٔ یونانی کمتر به کار رفته؛ در آن، این فرمول و فرمول کمیاب تر، تقریباً به یک شکل به کار رفته اند، یعنی فرمول «یهوه می گوید» (ر.ک. ۶:۱۵ و توضیحات) و نیز فرمول مجلل آغازین «یهوه چنین سخن می گوید» (ر.ک. ۶:۲۱ و توضیحات). این اصطلاح که مشخصهٔ واژگان نبوتی است و فقط در یونس و حبقوق یافت نمی شود، در سایر کتاب های نبوتی در زمینهٔ مداخلت انبیا به چشم می خورد. این اصطلاح خواه در جریان وحی می آید، خواه در خاتمهٔ آن، و خواه بسیار به ندرت در آغاز وحی (۹:۲۱؛ زک ۱۲:۱؛ مز ۱۱۰:۱).

m این مجازاتی است که منجر به انهدام کامل نمی گردد: آیه ۱۸؛ ۳۲۰:۱۱؛ لاو ۲۶:۴۴؛ حزق ۲۰:۱۷؛ حکم ۱۱:۲۰ تا ۱۲:۲۲؛ ر.ک. ۱-قرن ۱۰:۱۳.

n تحت اللفظی: «سخن گفتن در ایشان نیست». این اشاره ای است به فرمول آغاز وحی ها. قرائت ترجمهٔ یونانی: «کلام خداوند در ایشان یافت نمی شد».

o کلمهٔ «چنین»، نخستین کلمهٔ وحی های نبوتی را که معمولاً مصیبتی را اعلام می کنند، از سر می گیرد (ر.ک. ۸:۲۸).

ایشان با شمشیر و قحط و تبعید مواجه خواهند شد

[۱۵] اینک بر علیه تو خواهم آورد
ملتی دوردست را،
ای خاندان اسرائیل - وحی یهوه -
ملتی است زورآور،
ملتی است کهن،
ملتی که زبانشان را نمی‌دانی
و نمی‌فهمی چه می‌گویند.
[۱۶] ترکش او به سان قبری است گشاده[p]،
همگی ایشان مردمانی هستند شجاع.
[۱۷] او حصادت و نانت را از میان خواهد برد،
پسرانت و دخترانت را از میان خواهد برد،
گوسفندانت و گاوانت را از میان خواهد برد،
درخت مو تو و درخت انجیرت را از میان خواهد برد،
شهرهای حصاردارت را به شمشیر ویران خواهد ساخت
که بر آنها اعتماد داری.
[۱۸] با این حال، حتی در آن روزها
- وحی یهوه - شما را بالکل قلع و قمع نخواهم نمود.
[۱۹] و آنگاه که به تو گویند: «از چه سبب، یهوه، خدای ما، تمام اینها را بر ما وارد ساخته است؟» به ایشان بگو: «همان گونه که شما مرا ترک کرده و خدایان بیگانه را در سرزمین خود خدمت کرده‌اید، به همان شکل بیگانگان را در سرزمینی که از آن شما نیست، خدمت خواهید کرد».

۶:۲۲؛ تث۲۸:۴۹؛ حب۱:۶
مز۵:۱۰
لاو۲۶:۱۶؛ تث۲۸:۳۳،۵۱
۱۰:۵
۱:۱۶:۱۷:۱۳؛ ۱-سمو۷:۳

نظام آفرینش به سبب شناخت نادرست عمل الهی بر هم می‌خورد

[۲۰] این را در خاندان یعقوب ندا کنید
و در یهودا اعلام نمایید و بگویید:
[۲۱] پس به این گوش فرا دهید،
ای قوم ابله و بی‌عقل:
ایشان چشم دارند و نمی‌بینند،
گوش دارند و نمی‌شنوند!
[۲۲] آیا از من نمی‌ترسید؟ - وحی یهوه -
آیا در برابر من نمی‌لرزید[q]،
که شن را برای حد دریا قرار داده‌ام،
حدی ابدی و غیرقابل عبور[r]؟
موج‌هایش به حرکت در می‌آیند، اما ناتوانند[s]،
می‌خروشند (یا: می‌غرند)، اما از آن عبور نمی‌کنند.
[۲۳] اما این قوم دلی سرکش و نامطیع دارند،
دور شده‌اند و رفته‌اند؛
[۲۴] در دل خود نگفته‌اند:
«از یهوه، خدای ما، بترسیم،

۵:۴:۸:۷؛
مت۱۳:۱۵؛ مر۸:۱۸
۱۰:۷
مز۱۰۴:۹
۶:۲۳
۵:۲۱:۶:۲۸؛ تث۳۱:۲۷؛ هو۱۱:۷

p تیرهای بی‌شمار آنان، مرگی حتمی را به همراه می‌آورند.
q این همان نکته‌ای است که در ۱۹:۲ به چشم می‌خورد و با کلمهٔ دیگری در زبان عبری بیان شده است؛ ر.ک. آیه ۲۴ و توضیحات ۱۹:۲.
r اشاره‌ای است به تجلی خاص قدرت مطلق خدا که دریا را، فقط به واسطهٔ سدی شنی، در محدودهٔ خود نگاه می‌دارد.
s در اصل، به جای «موج هایش»، ضمیر سوم شخص به کار رفته. در عبری، این ضمیر به صورت جمع است و به «موج های دریا» اشاره دارد: در ترجمه های یونانی و سریانی، این ضمیر به صورت مفرد است و به دریا دلالت دارد.

که باران را می‌دهد، باران پاییزی را
و باران بهاری را، در وقتش،
که هفته‌های معین برای حصاد را برای ما نگاه می‌دارد».

تث۱۱:۱۴؛ یول۲:۲۳؛ زک۱۰:۱

[۲۵] خطاهای شما این را بر هم زده است،
گناهانتان شما را از این مواهب محروم ساخته است.

۳:۳؛ ۱۴:۱-۷؛ اش۵۹:۲

[۲۶] زیرا در قوم من، بدکارانی یافت می‌شود که در کمین می‌نشینند، پنهان همچون شکارچیان پرندگان، دام‌ها آماده می‌کنند، انسان‌ها را گرفتار می‌سازند.

مز۱۰:۹؛ امث۱:۱۱

[۲۷] بدان سان که قفس پر است از پرندگان[t]،
به همان سان خانه‌های ایشان پر است از تقلب؛
به همین سبب است که توانمند و دولتمند می‌گردند؛
[۲۸] ایشان فربه‌اند و درخشنده.
حتی از حدود بدی نیز فراتر می‌روند؛
عدالت را به جا نمی‌آورند،
عدالت برای یتیم را، و کامیاب می‌شوند[u]!

تث۳۲:۱۵؛ مز۷۳:۷

حتی مستمندان را ادا نمی‌کنند.
[۲۹] و به سبب این، نباید مجازات کنم!
- وحی یهوه -
و از چنین ملتی
آیا جان من نباید انتقام بکشد؟

۵:۹؛ ۹:۸

در طریق نادرستی

[۳۰] امری حیرت انگیز و هولناک
در سرزمین رخ می‌دهد:
[۳۱] انبیا دروغ[v] را نبوت می‌کنند
و کاهنان طبق میل خود حکومت می‌کنند[w].
و قوم من این را دوست می‌دارد!
اما در آخر چه خواهید کرد؟

۲۳:۱۴؛ هو۶:۱۰

۲۰:۶

میک۲:۱۱؛ یو۳:۱۹

آغاز حمله به اورشلیم

۶ [۱] در بیرون از اورشلیم، ای پسران بنیامین،
پناهگاهی بجویید[x].
در تقوع[y] کرنا بنوازید،
بر بیت‌هکّاریم[z] نشانه‌ای برافرازید!
زیرا از شمال[a] تیره روزی تهدید می‌کند
و مصیبتی عظیم.

یوشع۱۸:۲۸؛ لو۲۱:۳۱

t ترجمهٔ دیگر بر اساس ترجمهٔ آرامی: «به سان مرغی دانی که پر از مرغ است».
u اشاره‌ای است به رسوایی روش‌هایی ظالمانه که در عین حال، کمیاب است (ر.ک. مز ۷۳:۳-۱۲).
v ر.ک ۶:۲۰؛ ۹:۲۹؛ ۲۷:۱۵.
w تحت‌اللفظی: «کاهنان بر روی دستان خود می‌پذیرند»؛ این فعل در داور ۹:۱۴ در معنایی مشابه به کار رفته است. ترجمه‌های دیگر: «کاهنان در پهلوهای خود سلطه می‌رانند» یا با اندکی تصحیح: «کاهنان تحت اقتدار خود، رهنمودهایی می‌دهند».
x ارمیا قبلاً مردم را دعوت کرده بود که در اورشلیم پناه بگیرند (۴:۵-۶) اما اکنون که خود اورشلیم نیز مورد حمله قرار گرفته (۴:۲۹-۳۱)، باید در مناطق جنوبی‌تر پناه گرفت.
y از این شهرک نام برده شده، نخست به این علت که در جنوب اورشلیم واقع شده بود (ر.ک. توضیحات عا ۱:۱)؛ اما علت دیگر آن است که نام آن با فعل «زنگ بزنید» (تیقوعَه) شباهت دارد.
z محل این قریه را که در باغ‌ها محصور بود، نمی‌توان مشخص کرد (ر.ک. نح ۳:۱۴ و توضیحات).
a در شمال کوهی بود که مجمع خدایان کنعانی شمرده می‌شد (اش ۱۴:۱۳ و توضیحات)، و مشابه و قرینهٔ کوه صهیون، شهر پادشاه عظیم، بود (مز ۴۸:۳ و توضیحات). از این بلندی‌های شمال بود که مصیبت می‌رفت تا بر اورشلیم وارد آید (۱:۱۳-۱۵؛ ۴:۶؛ ۶:۲۲ و غیره).

۲ نابود می سازم آن دلربا و لطیف را.
دختر صهیون را؛
۳ به سوی او می‌آیند چوپانان
با گله هایشان؛
در برابر او، از همه سو، چادرهای خود را بر پا کرده اند،
هر یک، سهم خود را می‌چرانند.
۴ با تقدس بر علیه او وارد جنگ شوید،
بر پا! وسط ظهر برآییم.
وای بر ما! زیرا روز به پایان می‌رسد،
زیرا سایه های عصر طولانی می شود.
۵ بر پا! شب برآییم
و کاخ هایش را ویران سازیم.

۳۱:۴ — ۲۲:۷:۵۱:۲۷؛ یول۴:۹ — ۳۹:۸

داوری یهوه بر شهر محاصره شده

۶ زیرا یهوه لشکرها چنین سخن می گوید:
درختانش را فرو کوبید،
در مقابل اورشلیم خاکریزها[b] بر پا نمایید.
وای بر شهر دروغ[c]!
در بطن او، همه چیز ستم است.
۷ بدان سان که چاه آب خود را می‌جوشاند،
به همان سان او شرارت خود را می‌جوشاند؛
در آنجا جز خشونت و ویرانی چیزی به گوش نمی‌رسد،
در برابر من دائماً بیماری و زخم (هست)!
۸ بگذار که اصلاح شوی، ای اورشلیم،
مبادا که جانم از تو کنده شود
و از تو ویرانه ای بسازم،
زمینی غیرمسکون.
۹ یهوهٔ لشکرها چنین سخن می گوید:
خوشه چینی کن، خوشه چینی کن همچون درخت مو،
باقی اسرائیل را؛
دست خود را باز آور
به سان خوشه چین بر شاخه ها[d].
۱۰ «با چه کس باید سخن گفت،
به چه کس باید هشدار داد، تا گوش فرا دهند[e]؟
اینک گوش ایشان نامختون است[f]:
نمی توانند توجه کنند؛
اینک کلام یهوه برای ایشان تبدیل شده به رسوایی: آن را نمی‌خواهند!»
۱۱ اما من از خشم یهوه مملو هستم؛
از باز داشتن آن خسته شده ام!
آن را بر طفلی در کوچه خواهم ریخت
و بر حلقهٔ جوانان؛
زیرا مرد و زن گرفته خواهند شد،
سالخورده و آن که از روزها آکنده است.
۱۲ خانه هایشان به دیگران منتقل خواهد شد،

۴:۳۳؛ ۲-سمو۲۰:۱۵؛ دان۱۱:۱۵ — ۶:۲۹؛ ۴:۱۴ — ۲۳:۱۷ — هو۹:۱۲ — ۴:۷ — تث۲۴:۲۱ — اع۷:۵۱ — ۶:۱۷؛ ۲۰:۸ — ۲۰:۹ — ۸:۱۰-۱۲؛ تث۲۸:۳۰

b ترجمهٔ احتمالی دیگر: «جاده ای به سوی اورشلیم بسازید». ر.ک. ۳۲:۲۴ و توضیحات ۲-پاد ۱۹:۳۲.
c ترجمهٔ احتمالی دیگر: «این شهری است که تسلیم شده است». سنت یهود این عبارت را این چنین استنباط کرده است: «شهری که گناهش مجازات شده است».
d این گونه نیز می توان استنباط کرد: «بادا که دستت بار دیگر به سبدها باز گردد» (تا باز میوه هایش را ببری).
e تحت اللفظی: «با که سخن بگویم، (بر علیه) چه کس شهادت دهم تا گوش فرا دهند؟
f «گوش نامختون» قادر به شنیدن صدای خدا نیست؛ ر.ک. توضیحات ۴:۴.

مزارع و زن ها، جملگی،
زیــرا که من دست خــود را دراز خــواهم نمود
بر علیه ساکنان سرزمین - وحی یهوه.
[۱۳]زیـرا در میـان آنـان، از کـوچکـتـرین گرفته تا بزرگترین،
هــمــگی ســودی نــادرست به دست می‌آورند،
و از نبی گرفته تا کاهن،
همگی دروغ را به جا می‌آورند.
[۱۴]ایشـان شکسـتگی قـوم مرا به سهل انگاری درمان می کنند
و می گویند: «آرامش! آرامش!»
و آرامشی نیست.
[۱۵]آیا از اینکه مرتکب کراهت شده اند، شرمسارند؟
اما ایشان شرم هم ندارند،
حتی نمی‌دانند چگونه سرخ شوند.
به این سـبب است که در مـیــان آنــانی خواهند افتاد که می افتند،
آن هنـگـام که ایـشـان را مجـازات کـنم،
خواهند لغزید،
یهوه می فرماید[g].

اش۶:۲۷:۵؛ ۱۱:۵۶ — ۴:۱۰؛ ۱۳:۱۴؛ ۱۷:۲۳ — ۳:۳ — ۸:۹

ثمرهٔ دسیسه‌چینی‌های قوم

[۱۶]یهوه چنین سخن می گوید:
بر سر راه ها بایستید و ببینید،
از جاده های باستانی[h] اطلاع کسب کنید:
راه درست کــدام است؟ در آن ســالک شوید
و برای جان خود آرامی خواهید یافت.
امـا ایـشـان گـفـتـنـد: «در [آن] سـالک نخواهیم شد».
[۱۷]برای شما دیدبانان بر انگیختم[i]:
«مراقب صدای کرنا باشید!»
امـا ایـشـان گـفـتـنـد: «مـراقب نـخـواهـیم بود».
[۱۸]از این سبب، ای ملت‌ها، گـوش فـرا دهید،
و بدان، ای جامعه که چه چیز انتظار آنان را می کشد[j].
[۱۹]ای زمین، گوش فرا ده:
اینک من تیره بختی‌ای به سوی این قوم می‌آورم،
ثمرهٔ افکارش را؛
چرا که به سخنان من توجه نکردند،
و شریعت مرا خوار شمردند!

لو۲۸:۱۴ — بنسی۱:۳۹؛۹:۸ — مت۲۹:۱۱ — ۳۱:۲ — ۱۴:۴۲؛ ۱۰:۶ — اش۱:۳۴؛ میک۲:۱ — تث۱:۳۲ — ۱۱:۱۱؛ امث۳۱:۱؛ غلا۷:۶

g این شیوه بیان (ر.ک. توضیحات ۹:۵ و ۲۱:۶) در خاتمه یا در وسط وحی می‌آید (و استثنائاً در آغاز، ۱۱:۱۵)، تا شهادت دهد که این وحی از جانب خدا صادر شده است.

h تحت‌اللفظی: «جاده های همیشه». منظور تجربهٔ نسل های گذشته است که در کلام خدا تعلیم یافته بودند (ر.ک. ۱۵:۱۸؛ مز ۲۴:۱۳۹).

i اشاره به انبیایی است که موظف به اعلام مجازات بودند؛ ایشان نخستین کسانی بودند که می بایست مجازات را مشاهده کنند و مردم را به توبه دعوت نمایند: حزق ۳:۱۶-۲۱؛ ۳۳:۱-۹؛ ر.ک. اعد ۳:۲۳؛ اش ۲۱:۶-۱۲؛ هو ۸:۹؛ حب ۱:۲.

j این ترجمه ای است تحت‌اللفظی از متنی دشوار: بعضی این مصرع را این چنین استنباط می کنند: «و بدان ... که در آنان چه هست» که در این صورت، منظور گناهی است که قبلاً بدان اشاره شد. یا شاید هم طبق ترجمه ما، مجازات هایی است که در اثر این گناه نازل می شود، یا «جامعهٔ» اسرائیل دعوت می شود تا از توطئه هایی که نزد ملت ها چیده می شود، آگاهی و هشیاری یابد. ترجمهٔ یونانی چنین قرائت می کند: «به سبب این، ملت ها شنیده اند و نیز آنان که گله های خود را می چرانند».

۲۰ بخوری که از سبا[k] می‌آید، به چه کارم می‌آید،
و دارچین گرانبها که از سرزمینی دوردست (می‌آید)؟
قربانی‌های سوختنی شما مقبول من نیست
و قربانی‌های ذبحی شما خوشایند من نمی‌باشد.

اش۱:۱۱؛ ۲۳:۴۳
۲۱:۷؛ ۱۲:۱۴؛ عبر۱۰:۵-۶

دامهای سر راه

۲۱ به این سبب یهوه چنین سخن می‌گوید[l]:
اینک برای این قوم موانع قرار خواهم داد
که بر آنها خواهند لغزید؛
پدران و پسران همگی با هم،
همسایه‌ها و دوستان از میان خواهند رفت.

حز۳:۲۰

ویرانگر در راه است

۵۰:۴۱-۴۳

۲۲ یهوه چنین سخن می‌گوید:
اینک از سرزمین شمال قومی فرا می‌رسد،
ملتی عظیم از انتهای زمین سر بر می‌آورد.
۲۳ کمان و زوبین[m] را در دست دارند،
سنگدل و بی‌رحم‌اند،
صدایشان همچون دریا می‌خروشد،
بر اسبان برآمده‌اند،
همچون مردی واحد، برای نبرد صف‌آرایی کرده‌اند،
بر ضد تو، ای دختر صهیون.
۲۴ «آن گاه که خبر را شنیدیم،
دستانمان سست شد[n]،
اضطراب ما را فرا گرفت،
(و) لرزه، همچون زنی که می‌زاید.
۲۵ به صحرا بیرون مروید
و سر راه مروید،
زیرا که دشمن شمشیری دارد:
وحشت از همه سو!
۲۶ ای دخترقوم من[o]، پلاس در بر کن
و در خاکستر بِغَلت[p]،
سوگواری کن (همچون) برای پسری یگانه،
گریه و زاری پر از تلخی؛
چرا که ویرانگر به ناگاه بر ما می‌آید.

۴:۶،۱۶؛ حز۳۸:۱۴-۱۶
۵۱:۵۵؛ دان۷:۲
۴:۳۱
۱۳:۲۱
۲۰:۱۰؛ مرا۲:۲۲
۴:۸؛۴۸:۳۷
عا۸:۱۰؛ زک۱۲:۱۰

k در مورد «سبا»، ر.ک. توضیحات اش ۶۰:۶. در مورد بخور، ر.ک. توضیحات خروج ۳۰:۳۴؛ لاو ۱۶:۱۳ و توضیحات ـ خداوند یک بار دیگر (ر.ک. توضیحات ۳:۴)، توسل به ظواهر مذهب و ستم‌های عمیق را افشا می‌کند.
l یا: «اینک آنچه که یهوه می‌گوید» (ر.ک. ۴:۳؛ ۱۳:۱؛ ۲۳:۳۵، ۳۷؛ ۲۵:۱۵)؛ این فرمولی است که پیام‌های خداوند را آغاز می‌کند و کاربرد آن نزد ارمیا بسیار فراوان است (۷۸ بار در شکل ساده‌اش؛ به علاوه ۲۰ بار با عبارت الحاقی «خدای لشکرها»). در ترجمهٔ یونانی کمتر به کار رفته است.
m به عبارتی دقیق‌تر، اشاره به سلاحی است به شکل داس که دسته‌ای بلند دارد.
n تصویری است از دلسردی و نومیدی (۵۰:۴۳، ر.ک. ۳۸:۴؛ ۴۷:۳).
o ر.ک. توضیحات ۴:۱۱
p ر.ک. ۲۵:۳۴؛ حزق ۲۷:۳۰؛ یو ۳:۵-۶. این فراخوانی است غایی برای بازگشت و توبه؛ ر.ک. توضیحات یون ۳:۵؛ توضیحات متی ۱۱:۲۱.

اسرائیل، فلز تصفیه نشده

حز۲۲:۱۸-۲۲

[۲۷]من تو را در قوم خویش قرار داده‌ام تا
آن را بیازمایی[q]،
تا رفتار ایشان را بشناسی و بیازمایی. ۶:۹
[۲۸]همه سرکش‌اند[r] و افترا زننده؛ ۲۳،۲۱:۵
ایشان برنج یا آهن‌اند و همگی فاسد.
[۲۹]دم (آهنگری) خرناس می‌کشد،
سرب در اثر آتش تماماً ناپدید می‌شود؛ اش۱:۲۵
بیهوده تصفیه می‌کنند، تصفیه می‌کنند، ۶:۷؛ ۲۳:۱۳؛ مز۲۷:۲۲
تفاله (آن) زدوده نمی‌شود.
[۳۰]«نقرهٔ دفع شده» این است نامی که بر اش۱:۲۲
آنان گذارده‌اند؛
زیرا که یهوه ایشان را دفع کرده است.

ارمیا در دروازهٔ معبد، مردم را سرخورده می‌سازد[s]

۷ [۱]کلامی که از جانب یهوه به این مضمون به ارمیا فرا رسید: [۲]بر دروازهٔ خانهٔ یهوه بایست؛ در آنجا این کلام را فریاد بزن و بگو: به کلام یهوه گوش سپارید، ای تمامی اهالی یهودا که برای پرستش یهوه از این دروازه‌ها داخل می‌شوید. [۳]یهوهٔ لشکرها، خدای اسرائیل، چنین سخن می‌گوید: رفتار و کارهای خود را اصلاح کنید و من شما را در این مکان ساکن خواهم ساخت[t]. [۴]به این سخنان دروغین[u] اعتماد نکنید که «اینجا است[v] معبد یهوه، معبد یهوه، معبد یهوه! [۵]اما چنان چه رفتار و کارهای خود را به راستی اصلاح کنید، چنان چه راستی را به واقع در حق یکدیگر[w] به جا آورید، [۶]چنان چه از غریب و یتیم و بیوه بهره کشی نکنید، چنان چه در این مکان خون بی‌گناه را نریزید، چنان چه به دنبال خدایان دیگر برای تیره بختی خود نروید، [۷]آنگاه شما را در این مکان ساکن خواهم ساخت[x] در سرزمینی که از دیرباز و برای همیشه به پدران شما داده‌ام.

۲۰:۱۷؛ ۱۱:۱۸؛ عا۵:۱۴؛ ۳:۷؛ ۱:۵؛ ۳:۲۲:۲۸:۵؛ ۶:۲۵:۹:۷؛ ۳:۷؛ ۱۸:۳؛ عا۹:۱۵

[۸]اما اینک شما به سخنان دروغینی اعتماد می‌کنید که به هیچ کار نمی‌آید. [۹]دزدی، قتل، ارتکاب زنا، سوگند دروغ، بخور سوزاندن برای بعل، رفتن به دنبال

۴:۷؛ هو۴:۲؛ ۱۶:۱؛ ۱۰:۱۱؛ تث۲۸:۶۴

q ازمودن قوم مانند ذوب کردن .ر.ک۶:۹؛اش۱:۲۵؛حز۲۲:۱۸-۲۲؛ملا۳:۲و۳؛مز۱۷:۳؛۲:۲۵.

r این گونه نیز می‌توان استنباط کرد: «بزرگان سرکشان».

s سخنرانی بر دروازهٔ معبد (۱:۷ تا ۳:۸) در سال ۶۰۸ ق.م. انجام شد؛ موقعیت آن و عواقبش در فصل ۲۶ شرح داده شده است. با این حال، این مکان نیز هست که متن این سخنرانی به دست مؤلف‌های بسط داده شده باشد تا تمام موضوعات مهم موعظه‌های ارمیا در آن گردآوری شود؛ این موضوعات عبارتند از: بطالت اعتماد کورکورانه به معبد و به نهادهای مذهبی به جای اطاعت راستین از احکام خدا (آیات ۱-۱۵)، ممنوعیت وساطت برای قوم زیرا خدا ایشان را علی‌رغم مناسک مذهبی‌شان مجازات می‌کند (آیات ۱۶-۲۰)، امتناع سرسختانهٔ قوم از احترام به ارادهٔ خدا که بر کوه سینا و نیز به وساطت انبیا مکشوف شده (آیات ۲۱-۲۸)، و شدید بودن مجازات (۲۹:۷ تا ۳:۸).

t آکیلا و وولگات چنین قرائت می‌کنند: «تا بتوانم با شما ساکن شوم». ترجمهٔ ما مبتنی است بر متن عبری (به جز چند نسخه خطی) و ترجمه یونانی. این امر در آیه ۱۲ نیز صدق می‌کند.

u ر.ک. آیه ۸؛ توضیحات ۲۵:۱۳.

v این ترجمهٔ سه حرف است که تصور می‌شود مخفف عبارت «این مکان» باشد.

w تحت‌اللفظی: «میان یک شخص و یارش».

x ر.ک. توضیحات آیه ۳.

خدایان دیگری که نمی‌شناسید[y]، [۱۰] سپس می‌آیید و در این خانه که به نام من خوانده شده[z]، در برابر من حاضر می‌شوید و می‌گویید: «نجات یافته‌ایم!» به این منظور که تمام این مکروهات را به‌جا آورید! [۱۱] آیا در نظر شما این غار راهزنان[a] است، این جانه که به نام من خوانده شده است؟ من نیز آن را به روشنی می‌بینم[b] -وحی یهوه.

[۱۲] پس به مکان من در شیلو بروید که قبلاً نام خود را در آنجا ساکن ساخته بودم[c]، و ببینید به سبب شرارت‌های قومم اسرائیل، به آن چه کرده‌ام[d]. [۱۳] و اینک، از آنجا که تمام این کارها را مرتکب می‌شوید - وحی یهوه - از آنجا که بدون خستگی با شما سخن گفتم و گوش نگرفتید، از آنجا که شما را خواندم و جواب ندادید، [۱۴] به خانه‌ای که به نام من خوانده شده و به آن اعتماد دارید، و به مکانی که به شما و نیز به پدران شما داده‌ام، همان کاری را خواهم کرد که به شیلو کردم. [۱۵] شما را از روی خود دور خواهم انداخت، همان گونه که همهٔ برادرانتان، تمامی اعقاب افراییم را دور انداختم[e].

۱۹:۳۵ | ۱۴:۷ متی۲۱:۱۳ | ۷:۲۵:۳۵:۱۷؛ اش۵۰:۲؛ ۶۵:۱۲ | ۷:۳۰ | ۱پا۹:۷ | ۲۳:۳۹ | ۲-پا۱۷

خداوند دیگر گوش نمی‌دهد...

[۱۶] و تو، به نفع این قوم دعا مکن، به نفع ایشان نه فریادی ادا کن و نه دعایی؛ نزد من وساطت منما، زیرا گوش نخواهم داد. [۱۷] آیا نمی‌بینی در شهرهای یهودا و در کوچه‌های اورشلیم چه می‌کنند؟ [۱۸] پسران چوب جمع می‌کنند، پدران آتش بر می‌افروزند، زنان خمیر می‌سازند تا برای ملکهٔ آسمان[f] شیرینی درست کنند، و برای خدایان دیگر هدایای ریختنی می‌ریزند، تا مرا به خشم آورند. [۱۹] اما آیا واقعاً مرا به خشم می‌آورند؟ - وحی یهوه - آیا خودشان

۱۱:۱۴؛ ۳۷:۳؛ تث۹:۱۴ | ۱۹:۱۳ | ۱۱:۱۷

y یعنی خدایانی که بر سر راهتان قرار نگرفته بودند و شفقت آنان را تجربه نکرده بودید؛ ر.ک. ۴:۱۹؛ ۴۴:۳؛ تث ۳۲:۱۷.

z وقتی انسان جایی را که خدا برگزیده، به نام او می‌خواند، این کار در حکم این است که آن مکان را متعلق به حضور خدا اعلام می‌کند و آن را تحت حاکمیت انحصاری او قرار می‌دهد. لذا خدا حق دارد ایجاب کند که اشخاص برای حضور در آنجا، شرایط خاصی را رعایت کنند (ر.ک. مز ۱۵).

a همان گونه که راهزنان پس از ارتکاب دزدی در غاری پناه می‌گیرند، به همان گونه اسرائیلیان تصور می‌کنند که در معبد امنیت می‌یابند علی رغم اینکه رفتارشان نسبت به صاحب این مکان اهانت‌آمیز است. اما خداوند تمام زندگی ایشان را «می بیند» و می‌خواهد در آن حضور داشته باشد، و به ایشان خبر می‌دهد که تمام شور و شوق مذهبی‌شان چیزی جز «تزویر» نیست (۱۱:۱۵) و هدف آن سرپوش گذاشت بر بی‌عدالتی‌هایشان می‌باشد (ر.ک. توضیحات ۶:۲۰).

b یعنی «من نیز شما را در آنچه که تصور می‌کنید پناهگاه دزدان است، می بینم» (ر.ک. مز ۱۳۹:۱۲).

c این فرمولی است که در تثنیه برای معبد اورشلیم به کار رفته است (تث ۱۲:۱۱؛ ۱۴:۲۳؛ ۱۶:۲، ۶، ۱۱؛ ۲۶:۲؛ نح ۱:۹؛ ر.ک. تث ۱۲:۵؛ ۱۴:۲۴؛ ۱-پاد ۹:۳). قرائت وولگات: «در جایی که نام من ساکن است» ر.ک. توضیحات آیه ۳.

d شهر شیلو (ر.ک. توضیحات یوشع ۱۸:۱) و مکان مقدس آن که خدمتگزاران آن شاید نیاکان ارمیا بودند (ر.ک. مقدمه)، در حدود سال ۱۰۵۰ ق.م. به دست فلسطینیان ویران شد. خداوند مسئولیت این ویرانی را که دراثر خطاهای اسرائیل صورت گرفت، بر عهده می‌گیرد (ر.ک. مز ۷۸:۵۶-۶۷).

e اشاره به تبعید اسرائیلیان شمال (۷۲۲ ق.م.).

f منظور الههٔ ایشتار (عشتاروت یا آستارته) می‌باشد که خصوصاً در بین النهرین «ملکهٔ آسمان» نامیده می‌شد و با سیارهٔ زهره (ونوس) همسان انگاشته شده است (ر.ک. ۴۴:۱۷-۱۹).

نیستند، برای شرمساری روی خودشان؟ [۲۰]به همین سبب، خداوند یهوه چنین سخن می‌گوید: اینک خشم من و غضب من بر این مکان فرو خواهد ریخت، و بر مردمان و بر حیوانات، بر درختان صحرا و بر میوه‌های زمین، خواهد سوزاند و خاموش نخواهد شد!

۱۸:۴۲
۱۷:۲۷؛ ۲-پا۱۷:۲۲

...زیرا قوم گوش نمی‌دهند

[۲۱]یهوهٔ لشکرها، خدای اسرائیل، چنین سخن می‌گوید: قربانی‌های سوختنی خود را به قربانی‌های ذبحی خود بیفزایید و گوشت آن را بخورید[g]! [۲۲]زیرا در روزی که پدران شما را از سرزمین مصر بیرون آوردم، به ایشان درباره قربانی‌های سوختنی و قربانی‌های ذبحی هیچ حکمی به ایشان ندادم[h]. [۲۳]اما این است چیزی که به ایشان حکم کردم؛ به ایشان گفتم: به صدای من گوش فرا دهید؛ آنگاه من خدای شما خواهم بود، و شما قوم من خواهید بود و در تمامی طریقی که به شما امر نمایم، سلوک خواهید کرد، تا سعادت نصیبتان گردد. [۲۴]اما ایشان نشنیدند و گوش فرا ندادند؛ ایشان طبق مشورت‌های خودشان سلوک نمودند، طبق لجاجت دل بدکارشان؛ ایشان به عقب رفتند و نه به جلو[i]. [۲۵]از روزی که پدران شما از مصر بیرون آمدند تا به امروز، خدمتگزاران خود، انبیا را به سوی شما فرستادم؛ هر روز بدون خستگی آنان را گسیل داشتم. [۲۶]اما ایشان مرا نشنیدند و گوش فرا ندادند؛ پس گردن خود را سخت ساختند و بیش از پدران خود بدی کردند.

۶:۲۰؛ عا۴:۴-۵
هو۶:۶؛ میک۶:۶
۱۱:۴؛ خروج۱۹:۵؛ تث۶:۳؛ ۲۶:۱۷
۸:۶؛ ۳:۱۷
۲:۲۰؛ ۲-پا۲۱:۱۵
۲۵:۴
۷:۲۴؛ ۱۱:۸
۱۷:۲۳؛ ۲-پا۱۷:۱۴

[۲۷]تمامی این سخنان را به ایشان بگو، و ایشان به تو گوش نخواهند سپرد؛ آنان را خواهی خواند و تو را پاسخ نخواهند گفت. [۲۸]پس به ایشان بگو: «اینک ملتی که به صدای یهوه، خدایش، گوش فرا نداد، و درس را نپذیرفت. صداقت از میان رفته و از دهان ایشان بریده شده است».

۴۲:۱۳،۲۱؛ مت۲۱:۴۵
۶:۸

میوه‌های تلخ انحرافات مذهبی

[۲۹]موی خود[j]را بتراش و دور بیفکن،
بر کوه‌های برهنه سرود عزا سر بده؛
زیرا یهوه پس زده و دور افکنده
نسلی را که او را به خشم آورده است.

۳:۲

[۳۰]زیرا پسران یهودا آنچه را که در نظر من بد است، به جا آورده‌اند ـ وحی یهوه. ایشان «کثافات» خود را در خانه‌ای که به نام من خوانده می‌شود، گذارده‌اند، تا آن را نجس سازند؛ [۳۱]مکان بلند[k] توفَت را

۳۴:۳۵
۷:۱۰؛ ۲۵:۲۹

g در قربانی سوختنی، تمام قربانی که به خدا تقدیم می‌شد، در آتش می‌سوخت. اما خداوند قربانی‌های سوختنی اسرائیل بی‌وفا را نمی‌پذیرد؛ لذا به او پیشنهاد می‌کند که گوشت قربانی را که قرار بود بسوزد، بخورد، همان طور که گوشت قربانی‌های ذبحی را می‌شد خورد.

h ر.ک. توضیحات اش ۱:۱۱؛ توضیحات عا ۵:۲۵؛ مز ۵۱:۱۸.

i این گونه نیز می‌توان ترجمه کرد: «ایشان پشت خود را به من برگرداندند، به جای اینکه روی خود را بر گردانند».

j تحت‌اللفظی: «نذیرهٔ خود را بتراش. نتراشیدن مو نزد نذیره‌ها نشانهٔ تخصیص و وقف به خدا بود، ر.ک. اعد ۶:۵، ۹؛ داور ۱۳:۵، ۷؛ ۱۶:۱۷؛ ۱ـ سمو ۱:۱۱. اسرائیل دیگر قوم وقف شده نبود (ر.ک. آیات ۱:۱۵؛ ۲:۳).

k ر.ک. توضیحات ۱ـ پاد ۳:۲؛ در اینجا بیشتر منظور پشته‌ای است که بر قبرها بنا می‌کردند و مربوط می‌شد به نیایش‌های بت‌پرستانه ـ کلمهٔ «توفت» (نیز در ۱۹:۶-۱۴) احتمالاً به معنی «اجاق» یا «قربانگاه» می‌باشد (ر.ک. توضیحات اش ۳۰:۳۳). در خصوص «وادی ابن هنوم» ر.ک. توضیحات ۲:۲۳.

بنا کرده اند که در وادی ابن هِنّوم واقع است، تا پسران و دختران خود را در آتش بسوزانند، چیزی که امر نکرده بودم و به ذهنم خطور نکرده بود. ۳۲از این سبب، اینک روزهایی فرا می‌رسد[l] -وحی یهوه- که دیگر نخواهند گفت «توفت» یا «وادی ابن هنوم»، بلکه «وادی قتل عام»، و در اثر نبود جا، در توفت دفن خواهند کرد[m]. ۳۳جنازه های این قوم برای پرندگان آسمان و برای حیوانات زمین خوراک خواهد شد، بی‌آنکه کسی آنها را مضطرب سازد. ۳۴و من از شهرهای یهودا و از کوچه های اورشلیم فریاد وجد و فریاد شادی را، و سرود داماد و سرود عروس را محو خواهم ساخت؛ زیرا که سرزمین تبدیل به ویرانه خواهد شد.

۸ ۱در آن زمان -وحی یهوه- استخوان های پادشاهان یهودا را از مقبره های ایشان خارج خواهند ساخت، استخوان های بزرگان [سرزمین] را، استخوان های کاهنان را، استخوان های انبیا را و استخوان های ساکنان اورشلیم را. ۲آنها را در برابر خورشید پهن خواهند کرد، در برابر ماه و در برابر تمامی «لشکر» آسمان ها که آنها را دوست داشتند، آنها را خدمت کردند و در پی آنها رفتند، با آنها مشورت کردند و آنها را پرستیدند. (این استخوان ها) را نه جمع خواهند کرد و نه دفن؛ آنها بر روی زمین تبدیل به کود خواهد شد. ۳و برای بقیه، مرگ بر زندگی ارجح خواهد بود، (برای) آنان که از این تبار بد باقی خواهند ماند، در تمامی مکان هایی که ایشان را برانم - وحی یهوهٔ لشکرها.

(۱۹:۵؛ تث۱۸:۱۰؛ ۲پا۲۱:۶ — ۱۹:۶ — حز۶:۵ — ۱۶:۴ — ۲-سمو۲۱:۱۰ — ۱۶:۹؛ بار۲:۲۳؛ مکا۱۸:۲۳ — ۱-پا۱۳:۲۲؛ بار۲:۲۴ — ۷:۱۸؛ ۲-پا۱۷:۱۶؛ ۲۱:۳ — ۹:۲۱؛ ۲۵:۳۳ — ایو۳:۲۱؛ مکا۹:۶)

لجاجت بی مانند

۴به ایشان خواهی گفت: یهوه چنین سخن می گوید:
آیا کسی می افتد بدون اینکه برخیزد؟ (روم۱۱:۱۱)
آیا کسی روی بر می تابد بدون اینکه باز گردد؟
۵از برای چه این قوم مرتد شده است؟
از برای چه اورشلیم ارتدادی بی انتها شده است؟ (۲:۳۱)
ایشان در فریب پای می فشارند،
از بازگشتن امتناع می ورزند. (۵:۳)
۶من دقت کردم و شنیدم:
آنچه را که شایسته نیست می گویند، (۴۸:۳۰)
حتی یکی هم از شرارتش توبه نمی کند
و می گوید: «چه کرده ام!»
جملگی به مسیرهای خود[n] باز می گردند، (۷:۲۴)
به سان اسبی که به نبرد هجوم می برد.
۷حتی لک لک نیز در آسمان
موسم های خود را می شناسد؛
قمری و پرستو و کلنگ
زمان آمدن خود را ملاحظه می کنند. (۶:۱۰؛۹:۲۳؛ تث۳۲:۶)
و قوم من «حق» یهوه را نمی شناسند[o].

l این فرمولی است در سبک نبوتی که بر ویژگی خطاناپذیر پیام تأکید می گذارد؛ این عبارت اشاره به این دارد که وقایعی که اعلام شده، در آستانهٔ فرا رسیدن است. در ارمیا، ۱۵ بار این اصطلاح به کار رفته و هر بار، با عبارت «وحی یهوه» همراه است.
m بدینسان، محل عبادات در اثر تجمع اجساد نجس می شود.
n ترجمهٔ ما مبتنی است بر متن عبری خوانده شده. در متن مکتوب چنین آمده: «هر یک طبق میل خویش منحرف می شود».
o درنظر ارمیا و نیز اشعیا (اش ۱:۳)، اسرائیل آنچه را که برای درک عمیق «حق» و حقایق الهی لازم بود دریافت کرده بوده است؛ با این حال، درک غریزی حیوانات در سطح خودشان از دک قوم اسرائیل بیشتر است.

کلام و کلام ...

[۸]چگونه می‌توانید بگویید: «ما حکیم هستیم
و شریعت یهوه با ما است؟»
و اینک قلم دروغگوی کاتبان[p]
از آن دروغی ساخته است!
[۹]حکیمان را شرم خواهد پوشاند، (ایو۵:۱۳؛ روم۲:۱۷-۲۵؛ ۱-قر۱:۱۹-۲۰)
ایشان هراسان و گرفتار خواهند شد.
اینک ایشان کلام یهوه را خوار شمرده‌اند،
و چه حکمتی است حکمت ایشان[q]؟

بی‌توجهی انبیا و کاهنان[r]

[۱۰]به همین سبب است که همسرانشان را به دیگران خواهم داد،
مزرعه‌هایشان را به فاتحان؛
زیرا از کوچکترین گرفته تا بزرگترین، (حز۲۲:۲۷؛ حب۲:۹)
همگی سودی نادرست به دست می‌آورند؛
از نبی گرفته تا کاهن
همگی دروغ را به جا می‌آورند.
[۱۱]ایشان شکستگی دختر قوم مرا به سهل‌انگاری درمان می‌کنند[s] و می‌گویند: (۲۱:۸)
«آرامش! آرامش!»
و آرامشی نیست.
[۱۲]آیا از اینکه مرتکب کراهت شده‌اند شرم دارند؟
اما ایشان شرم هم ندارند
و نمی‌دانند چگونه سرخ شوند.
به همین سبب است که در میان آنان که می‌افتند خواهند افتاد،
(و) به هنگام مجازاتشان، خواهند لغزید، یهوه می‌فرماید. (۱۲:۲۳)

«زیر چوب رها شدهٔ او»

[۱۳]آن هنگام که می‌خواهم نزد ایشان درو کنم -وحی یهوه- (صف۱:۲)
انگوری بر روی تاک نیست، (حب۳:۱۷)
انجیری بر درخت انجیر نیست، (اش۱:۳۰)
و برگهایشان پژمرده شده[t].
[۱۴]چرا در اینجا بمانیم؟ گرد آیید و به شهرهای حصاردار داخل شویم (۵:۴)
تا در آنجا هلاک شویم، (۱۴:۹؛ مرا۳:۱۵،۱۹)
چرا که یهوه، خدای ما، ما را هلاک می‌سازد

p گویا منظور ارمیا، فعالیت کاتبان در تبدیل کتاب تثنیه به قانون حکومتی می‌باشد، فعالیتی که می‌بایست به طور خاص در احکامی که با قلم فلزی بر روی سنگ حک می‌شود ظاهر شود (یعنی روش اعلانات در قدیم). در ۳۳:۳۱، ارمیا اعلام می‌دارد که خداوند خودش احکام خود را در عمق وجود ما خواهد نوشت. به این ترتیب، هر نوع امکان تحریف از سوی کسانی که تحت سلطهٔ روح خدا نیستند، برطرف می‌شود.

q تحت‌اللفظی: «حکمت به آنان چه ربطی دارد؟» کلام خدا در قلب حکمت و آزادی قرار دارد (ر.ک. یو ۸:۳۱-۳۲)؛ لذا وقتی ایشان کلام خدا را که همیشه زنده است خوار می‌شمارند تا آن را منجمد سازند و کم و بیش تحریف کنند (آیه ۸)، در این صورت حکمتشان فرو می‌پاشد و آزادی واقعی را از دست می‌دهند (ر.ک. یو ۸:۳۴)، خصوصاً که این کلام از سوی شخصی چون ارمیا اعلام می‌شود.

r آیات ۱۰-۱۲ با چند اختلاف، مشابه ۶:۱۲-۱۵ می‌باشد.

s ر.ک. توضیحات ۴:۱۱.

t در متن عبری، مصرع دیگری پس از این مصرع آمده که بسیار مبهم است. ترجمه‌های احتمالی آن چنین می‌تواند باشد: «آنها را به کسانی که می‌گذرند، خواهم داد»، یا «و آنها را خواهم داد که ببرند» یا «به آنان غارتگرانی داده‌ام که غارتشان می‌کنند» ما طبق ترجمهٔ یونانی، این مصرع اضافی را حذف کرده‌ایم.

و به ما آب زهرآلود می نوشانند،
زیرا به یهوه گناه ورزیده ایم.
[۱۵]منتظر آرامش بودیم، و هیچ چیز نیکی نیست!... ۱۹:۱۴
زمان شفا، و اینک وحشت! حز۷:۲۵
[۱۶]از دان (به این سو) غرش اسبانش به گوش می رسد؛
از صدای شیهۀ اسبان جنگی اش
تمام زمین می لرزد؛
فرا می رسند و می درند سرزمین را مز۲۴:۱
و هر آنچه را که آن را پر می کند،
شهر و آنان را که در آن ساکن اند. ۸:۴۶
[۱۷]زیرا اینک مارها و افعی ها بر علیه شما می فرستم اعد۲۱:۶؛ تث۳۲:۲۴؛ حک۱۱:۱۵
که در مقابل آنها افسونی نیست؛
شما را خواهند گزید ـ وحی یهوه ـ
[۱۸الف]و شفایی نخواهد بود[u]!

شکایت نبی

[۱۸ب]محنت مرا فرا می گیرد،
قلبم به درد آمده.
[۱۹]اینک فریاد وحشت دختر قوم من[v]
از سرزمینی دور دست برمی آید:
«آیا یهوه دیگر در صهیون نیست؟ تث۳۱:۱۷
«پادشاهش» دیگر در آنجا نیست؟» میک۴:۹
ـ از چه سبب مرا با بت هایشان به خشم آورده اند،
با «بطالت های» بیگانه؟ ۸:۱۰
[۲۰]«حصاد گذشت، تابستان تمام شد،
اما ما نجات نیافته ایم!»
[۲۱]از شکستگی دخترقومم[w]، من خرد شده ام، ۴:۶،۲۰؛ ۶:۱؛۱۰:۱۹
اندوهگینم، بهت مرا فرو گرفته.
[۲۲]آیا در جلعاد روغن بلسان دیگر نیست؟ ۱۱:۴۶
آیا در آنجا پزشک دیگر نیست؟
پس چرا زخم دخترقومم نمی تواند التیام یابد؟
[۲۳x]چه کس سر مرا به آب تبدیل خواهد ساخت
و چشمانم را به چشمۀ اشک،
تا اینکه روز و شب گریه کنم ۱۳:۱۷؛ ۲-سمو۱:۱۹؛ مرا۱:۱۶
برای قربانیان دختر قومم؟

حقیقت از میان رفته[y]

۹ [۱]آه! کاش که در بیابان منزلگاهی ۱-پا۱۹:۳-۴؛ مز۵۵:۷-۹
برای مسافران می داشتم!
قوم خویش را رها می کردم
و از اینجا می رفتم، به دور از ایشان!
زیرا ایشان همگی زناکارند ۵:۷-۸؛۲۳:۱۰

u «شفایی نخواهد بود. محنت مرا فرا می گیرد» ترجمۀ اصلاح شدۀ متنی است مخدوش.
v ر.ک. توضیحات ۴:۱۱.
w ر.ک. توضیحات ۴:۱۱.
x در ترجمه های یونانی و وولگات، این آیه در آغاز فصل ۹ آمده است. به همین دلیل، شماره گذاری این دو ترجمه برای دنبالۀ فصل ۹، نسبت به متن عبری یک رقم جلوتر است.
y در راستای ۵:۱-۳ و ۷:۲۸، نبی (آیات ۱-۵) و خود خداوند (آیات ۶-۸ و آیه d2؟ و b5؟) به تناوب سخن می گویند تا بر نبود هر نوع حقیقت و راستی در روابط انسان ها دل بسوزانند (ر.ک. اش ۵۹:۱۵؛ هو ۴:۱-۲؛ مز ۵:۷؛ ۱۲:۳-۵؛ ۳۴:۱۴؛ امث ۱۲:۱۹، ۲۲؛ بنسی ۲:۲۴-۲۶).

(و) دسته ای خائن.
[۲]زبان خود را همچون کمان می کشند؛
آنچه بر سرزمین فرمان می راند
دروغ است و نه صداقت[z]،
زیرا از جنایت به جنایت می روند،
و مرا نمی شناسند!
- وحی یهوه[a].
[۳]هر یک از شما از دوست خود برحذر باشد
و هیچ کس به برادر خود اعتماد نکند؛
چرا که هر برادر کاری جز از میان بردن انجام نمی دهد
و هر دوستی افترا زنان می رود.
[۴]هر کس دوست خود را فریب می دهد
و حقیقت را نمی گویند،
زبان خود را آموخته اند تا دروغ را ادا کند؛
بدی می کنند،
[۵](و) قادر به بازگشت نیستند.
خشونت روی خشونت! فریب روی فریب[b]!

۲۳:۹؛ هو۴:۱ — ۶:۱۲؛ میک۷:۵؛ مز۴۱:۱۰ — ۲۸:۶ — مز۱۲:۱۲۰ — ۵:۸

از شناختن من سر باز می زنند - وحی یهوه[c].

خداوند مداخلت خواهد کرد

[۶]از این سبب، یهوهٔ لشکرها چنین سخن می گوید:
اینک ایشان را تصفیه و آزمایش خواهم کرد؛
زیرا در برابر شرارت[d] ایشان[e] چه توانم کرد؟
[۷]زبانشان تیر مهلک است[f]،
سخنان دهانشان جز فریب نیست؛
با دوست خود دربارهٔ آرامش سخن می گویند،
اما در دل خود برایش دامی مهیا می سازند.
[۸]و به سبب این، نباید مجازاتشان کنم[g]؟
- وحی یهوه -
و از چنین ملتی
آیا جان من نباید انتقام بکشد؟

یو۳:۱۱ — ۶:۲۷؛ اش۱:۲۵ — ۱۸:۱۸؛ مز۵۷:۵؛ ۶۴:۴؛ مز۲۸:۳؛ بنسی۱۲:۱۶؛ مت۲۶:۴۹ — ۱۸:۳۲؛ ۲۲:۴۴؛ روم۲:۲

z سنت یهود، متن عبری را این چنین استنباط کرده: «زبانشان را برای دروغ همچون کمان خم می کنند و ترقی شان در سرزمین، برای حقیقت نیست». ترجمهٔ ما مبتنی است بر ترجمهٔ یونانی.
a در ترجمهٔ یونانی، «وحی یهوه» حذف شده. شاید لازم باشد متن عبری را این چنین تعبیر کرد: «و خداوند را نمی شناسند» ر.ک. توضیحات آیه ۵.
b ترجمهٔ ما مطابق با ترجمهٔ یونانی است. سنت متأخر یهود، کلمات را به شکل دیگری تقسیم بندی کرده: «(انتهای آیه ۴) در تباهی، خود را خسته می سازند. (آیه ۵) مسکن تو در وسط فریب است. در فریب، از شناختن...»
c در ترجمهٔ یونانی، «وحی یهوه» حذف شده. شاید لازم باشد متن عبری را چنین تعبیر کرد: «از شناختن یهوه سر باز می زنند». ر.ک. توضیحات آیه ۲.
d کلمهٔ «شرارت» بر اساس ترجمه های آرامی و یونانی افزوده شده است.
e قرائت عبری: «دختر قوم من». ر.ک. توضیحات ۴:۱۱.
f در اینجا، موضوع آیات ۲-۵ تکرار می شود.
g این فعل (ر.ک. ۵:۹، ۲۹) بیانگر مداخلت الهی است به منظر برقراری نظم، خواه با مجازات کردن و مطالبهٔ حساب، خواه با ظاهر کردن روشی ملایم تر، یعنی نشان دادن نگرانی خود برای خاصانش (۱۵:۱۵؛ ۲۷:۲۲؛ ۲۹:۱۰؛ ۳۲:۵). این فعل به علت معنی چندگانه اش (ر.ک. توضیحات خروج ۳:۱۶؛ توضیحات عا ۳:۲؛ توضیحات لو ۱:۶۸) چند بار با عباراتی مترادف با «توجه داشتن» ترجمه شده است (ر.ک. ۲۳:۲ و نیز ۲۳:۱۲ و توضیحات).

حکیم است آنکه علت مصیبت را درک کند[h]

[۹] بر روی کوه ها، گریه و ناله را طنین افکن سازید
و بر چراگاه های بیابان، سرود عزا را!
چرا که سوخته اند، کسی از آنجا نمی گذرد
و صدای گله ها در آنجا به گوش نمی رسد؛
از پرندگان آسمان گرفته تا به بهایم
همه گریخته اند، همه رفته اند[i].
[۱۰] از اورشلیم توده ای از سنگ خواهم ساخت،
پناهگاه شغال ها؛
و از شهرهای یهودا ویرانه ای خواهم ساخت،
بدون هیچ ساکنی.
[۱۱] کدام است آن انسانی که اندکی حکمت دارد
تا این را درک کند؟
کدام است آنکه دهان یهوه با او سخن گفته باشد
تا آن را انتشار دهد؟
از برای چه سرزمین هلاک شده،
همچون صحرا سوخته،
بدون هیچ رهگذری؟
[۱۲] یهوه می گوید: به این سبب که شریعت مرا که در برابر ایشان قرار داده بودم ترک کرده اند؛ صدای مرا گوش نگرفتند و مطابق آن سلوک نکردند؛ [۱۳] اما لجاجت دل خود را پیروی کردند، در پی بعل ها که پدرانشان آنها را به ایشان شناساندند. [۱۴] به این سبب، یهوهٔ لشکرها، خدای اسرائیل، چنین سخن می گوید: اینک به این قوم[j] افسنتین خواهم خوراند، و آب مسموم به آنان خواهم نوشاند. [۱۵] ایشان را در میان ملت هایی پراکنده خواهم ساخت که نه خودشان می شناختند و نه پدرانشان، و شمشیر را به دنبال ایشان خواهم فرستاد تا آن زمان که آنان را بالکل قلع و قمع کنم!

۴:۴؛۲۵:۱۲؛ صف۱:۳
۲۶:۱۸؛۵۱:۳۷
تث۳۲:۲۹؛ هو۱۴:۱۰؛ مز۱۰۷:۴۳
۳:۳؛۵:۲۵
۳:۱۷؛ اش۶۵:۲
۲۳:۱۵
مکا۸:۱۱
۱۳:۲۴
۱۵:۱۴
۴۹:۳۷

دعوت از زنان نوحه‌سرا

[۱۶] یهوهٔ لشکرها چنین سخن می گوید:
توجه کنید! زنان نوحه سرا را بخوانید[k]،
و بادا که بیایند!
ماهرترین آنان را خبر کنید، و بادا که بیایند!
[۱۷] باشد که بشتابند و بر ما ناله ها ادا کنند؛
بادا که چشمانمان از اشک آکنده شود
و از پلکانمان آب جاری گردد!
[۱۸] زیرا صدای ناله از صهیون شنیده می شود:
«چگونه از میان رفتیم،
شرمسار گشته ایم!

جا۱۲:۵
۸:۲۳
۴:۱۳

h ر.ک. توضیحات ۳:۶.
i ر.ک. توضیحات ۵۰:۳ .ایه۹تا۲۱زیاد روشن نیست که در این قسمت به کدام اتفاق تاریخی اشاره میشود.احتمالا به هجوم نبوکد نصر طبق ۲پا۲۴:۱.
j عبارت «این قوم» که حالت توضیحی دارد، در متن عبری وجود دارد، اما در ترجمهٔ یونانی نیست.
k خداوند زنان نوحه سرا را فرا می خواند زیرا نسبت به مصائب قوم خود بی تفاوت نیست؛ شفقت او در این مرثیهٔ تکان دهنده تجلی می یابد. خداوند نهایت تلاش خود را کرد تا فرزندانش را از مصیبت دور نگاه دارد، اما وقتی ایشان راه سقوط را انتخاب کردند، او اینک رنج و محنت ایشان را شدیداً احساس می کند.

زیرا سرزمین را ترک می کنیم،
چرا که مسکن هایمان را فرو افکنده اند[l].»
۱۹پس ای زنان، کلام یهوه را گوش گیرید،
و گوشتان کلام دهان او را دریافت کند؛
به دختران خود ناله را تعلیم دهید
و هر یک از شما، سرود عزا را به دوست خویش:
۲۰«مرگ از پنجره هایمان برآمده است، یول۲:۹
به قصرهایمان داخل شده است،
کودک را از کوچه نابود کرده، ۶:۱۱؛ تث۳۲:۲۵؛ مرا۱:۲۰
جوانان را از مکان های عمومی.
۲۱[m]جنازه های مردم در کشتزارها افتاده است،
به سان کود،
به سان بافه ای که در پس درو کننده رها شده باشد، ۲:۸
و کسی نیست که [آنها] را جمع کند!» ایو۵:۲۶

شناخت خدا، یگانه حکمت واقعی[n]

۲۲یهوه چنین سخن می گوید:
حکیم به حکمت خود نبالد، امث۳:۵؛ ۳۰:۲۱؛ جا۹:۱۱
شجاع به شجاعت خود نبالد،
(و) دولتمند به دولت خود نبالد! بنسی۱۰:۲۲
۲۳اما آنکه می بالد، به این ببالد
که هوشمندی دارد و مرا می شناسد.
زیرا من یهوه هستم که وفاداری را به عمل می آورم، ۲۱:۱۶؛ ۱۶:۲۲؛ مز۳۴:۳؛ یو۱۷:۳؛ ۱-قر۱:۳۱؛ ۲-قر۱۰:۱۷
و انصاف و عدالت را بر روی زمین؛
زیرا این است آنچه دوست می دارم
- وحی یهوه.

ختنهٔ جسمانی، انسان را از مجازات دور نگاه نمی دارد

۲۴اینک روزهایی می آید - وحی یهوه - ۸:۹ که در آن هر مختونی را که نامختون است مجازات خواهم کرد: ۲۵بر علیه مصر، و بر علیه یهودا، و بر علیه ادوم، و بر علیه پسران عمّون، و بر علیه موآب، و بر علیه «شقیقه - تراشیده هایی» که در صحرا ساکن اند[o]؛ زیرا همهٔ ملت ها نامختون اند، و تمامی خاندان اسرائیل در دل، نامختون اند[p].

l قرائت ترجمهٔ یونانی: «مسکن های خود را رد کرده ایم». می توان همراه با مفسران یهود، متن حروف صدادار را مانند یونانی این چنین استنباط کرد: «از مسکن هایمان دور افکنده شده ایم».
m در متن عبری، این آیه با این عبارت آغاز می شود: «سخن بگو! اینک وحی یهوه». این فرمول در ترجمهٔ یونانی نیامده و ما نیز آن را نیاورده ایم. این فرمول به ندرت برای آغاز وحی به کار می رود؛ ر.ک. توضیحات ۹:۵.
n شناخت خداوند به معنی ملاقات با خدایی است که در زندگی انسان ها مداخلت می کند و ایشان را به راه وفاداری و دستگیری از یکدیگر، راستی و انصاف، و عدالت رهنمون می گردد.
o اشاره به قبایل عرب است (۲۵:۲۳؛ ۳۲:۴۹) که برای بریدن مو و ریش خود، رسومی را به جا می آوردند که در اسرائیل ممنوع بود (لاو ۲۷:۱۹). این قبایل، مانند نیای خود اسماعیل (پید ۲۳:۱۷)، رسم ختنه را رعایت می کردند، همان گونه که در زمان ارمیا، در میان سایر اقوام مذکور در این آیه، متداول بود.
p در این دو آیه، ارمیا تأیید می کند که خداوند تمام این ملت ها، و نیز یهودا را، با اینکه ختنه شده اند، مجازات خواهد کرد. بخش پایانی («زیرا همهٔ ... در دل نامختون اند») احتمالاً توضیحی متأخر می باشد: از آنجا که رسم ختنه جز در میان یهود، در میان سایر اقوام رواج خود را از دست می داد، این توضیح می کوشد، با اشاره به ۴:۴ (ر.ک. توضیحات)، تأیید ارمیا را با این وضعیت جدید انطباق دهد؛ تث ۱۶:۱۰؛ ۶:۳۰.

در برابر خداوند خدا، بتها چه هستند؟

۱۰ [۱]کلامی را که یهوه خطاب به شما می فرماید گوش گیرید، ای خاندان اسرائیل.
[۲]یهوه چنین سخن می گوید:
طریق ملت ها را نیاموزید،
و از علائم آسمان نهراسید؛
زیرا از آنها ملت ها می ترسند.
[۳]زیرا هراس قوم ها بطالت است؛
از چوبی است که در جنگل می برند،
اثری که با اسکنه با دست های تندیس ساز ساخته شده؛
[۴]با نقره و طلا، به آن زیبایی می بخشند،
با میخ ها و چکش ها آن را تثبیت می کنند
تا تلوتلو نخورد.
[۵]آنها همچون مترسک در مزرعهٔ خیار هستند،
و سخن نمی گویند؛
باید حملشان کرد زیرا راه نمی روند.
از آنها مترسید، زیرا ضرری نتوانند رساند،
خیر رساندن نیز در توانشان نیست.

[۶]هیچ کس[q] همچو تو نیست، ای یهوه؛
تو عظیمی
و نام تو در قوت، عظیم است.
[۷]کیست که از تو نترسد،
ای پادشاه ملت ها؟
آری، این است آنچه که تو را سزد؛
زیرا که در میان تمامی حکیمان ملت ها
و در تمامی مملکت های ایشان،
هیچ کس همچو تو نیست.
[۸]جملگی بدون استثنا ابله اند و احمق،
تعلیمشان بطالت[r] است؛ چوب است،
[۹]نقرهٔ کوبیده شده که از ترشیش آورده شده
و طلای اوفاز[s]،
اثر تندیس ساز و دست های ریخته گر،
که با ارغوان بنفش می پوشانندش و با ارغوان سرخ:
اثر صنعت گران، تمام اینها!
[۱۰]اما یهوه خدایی است حقیقی[t]،
او خدایی است زنده
و پادشاه ابدیت.
چون به خشم آید، زمین به لرزه آید،
و ملت ها را یارای تحمل غضب او نیست.

۴:۲؛ ۱۶:۱۲؛ روم۲:۱۲؛ حک۱۰:۱۷؛ ۹:۱۰؛ اش۱۹:۴۰؛ حک۱۳-۱۴؛ نامه ار۶۹؛ مز۱۱۵:۴-۷؛ حب۱۸:۲؛ ۱۹:۴۹؛ مز۸:۸۶-۱۰؛ ۲۲:۵؛ مکا۴:۱۵؛ روم۲۷:۱۶؛ زکر۲:۱۰؛ حک۲۲:۱۴-۳۱؛ ۳:۱۰؛ تث۲۶:۵؛ میک۷:۴؛ مز۸:۱۸؛ نح۶:۱

q متن عبری را بر اساس تفسیر ربی ها، این گونه نیز می توان ترجمه کرد: «با توجه اینکه هیچ کس همچو تو نیست...»
r این واژه (یعنی «بطالت» از جا ۲:۱، ر.ک توضیحات آن) گاه برای اشاره به بت ها به کار رفته است، خصوصاً در ۱۹:۸؛ ۱۵:۱۰؛ ۲۲:۱۴؛ ۱۹:۱۶؛ تث ۲۱:۳۲؛ ۱ـ پاد ۱۳:۱۶، ۲۶؛ یون ۹:۲؛ مز ۷:۳۱؛ اع ۱۵:۱۴؛ ر.ک. از ۵:۲. کلمهٔ «چوب» که در عبری، متصل به واژهٔ «بطالت» است، یادآور آیه ۳ می باشد که به روشنی بیان می دارد که مفهوم آن همین است (نیز ر.ک. آیه بعدی). ق.ت.ل: «این است تعلیم بطالت ها»، یعنی اگر بگذاریم آنها ما را تعلیم دهند، نتیجه اش چنین خواهد بود.
s محلی ناشناخته که در دان ۵:۱۰ نیز ذکر شده. در آرامی و سریانی: اوفیر، ر.ک. ۱ـ پاد ۲۸:۹ و توضیحات.
t این گونه نیز می توان ترجمه کرد: «... در حقیقت خدا است». نبی با استفاده از سبک جدلی نوشته های دورهٔ پس از تبعید بر علیه بت پرستی، خداوند و بتها را در تقابل قرار می دهد: بتها که هیچ اند، یا تقریباً هیچ اند، پیروان خود را به انحطاط اخلاقی و روانی و جسمانی سوق می دهند (آیه ۸؛ ر.ک. آیات ۲-۳) حال آنکه یهوه، خدای حقیقی است که می توان به او اعتماد کرد؛ او مؤمنان خود را به سوی حیات رهنمون می گردد.

[۱۱]اینک دربارهٔ آنها خواهید گفت:
«خدایانی که آسمان و زمین را نساخته اند،
اینها از زمین و از زیر آسمان ناپدید خواهند شد[u].»
[۱۲]او زمین را با قوت خویش ساخته،
جهان را با حکمت خود برقرار نموده،
و با هوشمندی خویش آسمانها را گسترده است.
[۱۳]اگر آوا دهد،
خروش آبها در آسمان است؛
ابرها را از اقصای زمین برمی‌آورد،
برق ها را برای باران پدید می‌آورد،
باد[v] را از خزانه های خویش می کشد.
[۱۴]هر بشری ابله است، به سبب نبود دانش،
هر ریخته گری شرمسار است از تندیس خویش؛
زیرا آنچه می ریزد، دروغ است،
در آن دمی نیست.
[۱۵]بطالت هستند، اثری مضحک،
در زمان مکافاتشان هلاک خواهند شد.
[۱۶]سهم یعقوب این چنین نیست:
همه چیز را «او» شکل بخشیده است،
و اسرائیل قبیلهٔ میراث او است،
یهوهٔ لشکرها نام او است.

نح۱:۱۴
۵۱:۱۵-۱۹
مز۱۰۴:۲۴؛ امث۳:۱۹
مز۱۳۵:۷؛ ۱۴۷:۸
۱۰:۸
۲۳:۱۲
تث۴:۲۰؛ مز۱۶:۵
۲۱:۱۶؛ خروج۱۵:۳؛ عا۴:۱۳

به سبب ترک خداوند، همه چیز فرو می پاشد

[۱۷]ای دختر محاصره شده[w]،
بار سفرت را از زمین جمع کن!
[۱۸]زیرا یهوه چنین سخن می گوید:
اینک این بار، ساکنان سرزمین را
به سان فلاخن پرتاب خواهم کرد؛
از نزدیک ایشان را خواهم فشرد،
تا [مرا] بیابند[x].
[۱۹]وای بر من به سبب شکستگی ام!
علاج ناپذیر است جراحت من!
و من می گفتم:
این رنج من است، آن را تحمل خواهم نمود.
[۲۰]خیمه ام ویران شده
و تمام طناب هایم گسیخته است.
پسرانم مرا ترک گفته اند: دیگر نیستند[y]
کسی نیست که خیمه ام را بگستراند
و پرده هایم را بر پا دارد.
[۲۱]زیرا که چوپانان احمق بودند
و یهوه را نجستند؛
به همین سبب است که کامیاب نشدند،
و تمام گله شان پراکنده شده است.
[۲۲]به شایعه گوش دهید! اینک فرا می رسد!

۴۶:۱۹؛ حز۱۲:۳
۲۲:۲۸؛ ۱سمو۲۵:۲۹
۱۴:۱۷
۱۵:۱۸
۴۹:۲۹
عا۹:۱۱
۵:۵
۳:۱۵
۲۳:۱؛ ۱-پا۲۲:۱۷

u آیه ۱۱ توضیحی است حاشیه ای به زبان آرامی، خطاب به ملت ها.
v قرائت یونانی: «نور»
w به نظر می رسد که نبی اورشلیم محاصره شده را مورد خطاب قرار می دهد. اما بخشی از سنت یهود، این آیه را به گونه ای کاملاً متفاوت استنباط می کند. طبق این استنباط، نبی بابل را مخاطب قرار می دهد و به او می گوید: «ای تو که در مکانی حصاردار ساکنی، دیگر سنگینی جهان گشایی خود را بر زمین وارد میاور».
x قرائت ترجمه یونانی و وولگات: «تا یافت شوند». معنی این مصرع را با قطعیت نمی توان تعیین کرد و تفسیر علمای یهود از آن بسیار گوناگون است؛ آنانی که ترجمهٔ ما را تأیید می کنند، آن را مقدمه ای بر آیهٔ بعدی به شمار می آورند. این فرض را نیز می توان در نظر داشت که کلمهٔ «گناه» (یا «مجازات گناه») در معنی مصرع مستتر است (ر.ک. پید ۱۶:۴۴)؛ در این صورت، مفهوم این مصرح چنین خواهد بود: «تا گناه خود را (مجازات خود را) بیابند» (ر.ک. آکیلا).
y ترجمهٔ یونانی چنین قرائت می کند: «فرزندانم و چارپایانم دیگر نیستند». سنت دیگری نزد علمای یهود، به جای «چارپایان»، شکلی از فعل مفرد را قرائت می کند که معمولاً به این گونه ترجمه می شود: «ایشان از من بیرون آمدند».

هیاهوی عظیمی از سرزمین شمالی می‌آید
تا از شهرهای یهودا
مکانی ویران بسازد، پناهگاه شغالها.

۶:۴
۱۰:۹

دعای نبی

[۲۳]می‌دانم، ای یهوه،
که طریق انسان از آن او نیست،
(و) نه از آن کسی که راه می‌رود،
هدایت گام‌های خویش!
[۲۴]مرا اصطلاح فرما، ای یهوه، اما بر حسب عدالت[z]،
نه بر حسب خشمت، چرا که ممکن است
مرا خوار سازی[a]!
[۲۵]غضبت را بر ملت‌هایی بریز
که تو را نمی‌شناسند،
و بر قبایلی که نام تو را نمی‌خوانند.

امث۱۶:۱،۹؛ ۲۴:۲۰؛ دان۵:۲۳؛ حک۷:۱۶
مز۶:۲؛ ۳۸:۲؛ ۱۴۳:۲

زیرا یعقوب را دریده‌اند،
او را دریده‌اند، او را قلع و قمع کرده‌اند،
اقامتگاهش را ویران ساخته‌اند[b].

۱۶:۳۰؛۱۶:۸؛ مز۱۴:۴

مجازات عدم وفاداری به عهد[c]

۱۱ [۱]کلامی که از سوی یهوه به این مضمون به ارمیا فرا رسید: [۲] با مردمان یهودا و ساکنان اورشلیم سخن بگو[d]؛ [۳] به ایشان خواهی گفت[e]: یهوه، خدای اسرائیل، چنین سخن می‌گوید: ملعون باد کسی که به سخنان این «عهد» گوش نگیرد، [۴](سخنانی) که به پدران شما امر فرمودم، در روزی که ایشان را از سرزمین مصر بیرون آوردم، از کورهٔ آهن[f]؛ به ایشان گفتم: صدای مرا گوش

۱:۴۴؛۱:۷
۲۰:۱۷
تث۲۷:۲۶؛ غلا۳:۱۰
۲۳:۷؛ یو۱۰:۲۷

z یعنی «مطابق میزان» یا طبق هنجارها.
a ترجمهٔ یونانی، این آیه را به صورت جمع قرائت کرده: «ما را اصلاح فرما، ... ما را خوار سازی». در واقع، بیشتر محتمل است که بتوان این درخواست (و خاصه درخواست آیه بعدی) را در دهان قوم گذاشت تا در دهان خود نبی. در این دعا، از خدا درخواست شود که در اصلاح خاصان خاصان خود، رعایت میزان و هنجار را بکند (ر.ک. توضیحات ۵:۱۵؛ ۳۰:۱۱). «عدالت» (یا میزان و هنجار)، جایگاه خاصی در کتاب مقدس دارد (پید ۱۳:۳۳؛ اش ۴۲:۲-۳؛ امث ۱۶:۲۵-۱۷؛ ۳۰:۷-۹؛ بنسی ۳۰:۱۸ تا ۳:۱۹؛ ۳۱:۲۷-۲۸؛ مت ۴:۵؛ ۱۱:۲۹-۳۰؛ روم ۳:۱۲؛ غلا ۲۳:۵؛ تیط ۲:۳؛ ۱-پطر ۱۶:۳؛ ۸:۵). در ضمن، از یهویاقیم انتقاد شده که طرح‌هایش خارج از هنجار بوده است (۱۴:۲۲).
b این دعا (که با مز ۷۹:۶-۷ موازی است) یکی از درخواست‌های متعدد از «خدایی غیور و انتقام گیرنده» است (نا ۲:۱ و توضیحات) تا به نفع خاصانش که خوار شده اند مداخلت کند (ر.ک. ۳۲ و توضیحات؛ ۱۴:۱۲؛ حزق ۲۵؛ یول ۲:۴). این نوع درخواست‌ها در مزامیر بسیار به چشم می‌خورد. دلمشغولی برای جلال خدا که الهام بخش چنین دعاهایی است، در بنسی ۳۶:۱-۱۷ (ر.ک. مز ۱۳۹:۲۱-۲۲) و دلمشغولی برای ستایش او در کتاب یونانی استر، فصل ۱۰، به روشنی مشاهده می‌شود.
c متن موجود در ۱۱:۱-۱۴ احتمالاً الگوی موعظه‌ای است که بدست مؤلفان تثنیه‌ای این کتاب نگاشته شده است (ر.ک. مقدمه) اگر سال بعثت نبی را ۶۲۶ ق.م. بدانیم، می‌توان تصور کنیم که این متن متکی است بر برخی اطلاعات مربوط به زندگی او. ارمیا در زمان یوشیا، احتمالاً در ترویج اصلاحات پادشاه شرکت جسته بود، اصلاحاتی که مبتنی بود بر کتاب «عهد» که در معبد یافت شده بود؛ اما بعدها احتمالاً در اثر شکست این اقدامات دچار دلسردی شده بود.
d در متن عبری، این آیه این چنین آغاز می‌گردد: «مفاد این عهد را بشنوید» در این ترجمه، ما بر اساس ترجمه یونانی و سریانی و تارگوم، این بخش را حذف کرده‌ایم. «عهدی» که به اسرائیل پیشنهاد شده بود، مستلزم تعهدی از جانب ایشان بود: این تعهد خودش پاسخی بود به تعهد اولیهٔ خداوند (آیه ۵)؛ ر.ک. توضیحات خروج ۵:۱۹.
e قرائت متن عبری: «به ایشان خواهید گفت». ترجمهٔ ما مطابق ترجمه یونانی و سریانی و آرامی است.
f ر.ک. توضیحات تث ۲۰:۴.

گیرید و مطابق هر آنچه که به شما امر می‌کنم، عمل نمایید[g]؛ آنگاه قوم من خواهید بود، و من خدای شما خواهم بود. [۵] بدینسان، به سوگند خود وفا خواهم کرد که برای پدران شما یاد کردم تا سرزمینی را به ایشان بدهم که در آن شیر و عسل جاری است، چنان که امروز [شده است]. پاسخ دادم و گفتم: «آمین[h]! ای یهوه».

[۶] یهوه مرا گفت: این سخنان را در شهرهای یهودا و در کوچه‌های اورشلیم فریاد بزن؛ بگو: سخنان این «عهد» را گوش گیرید و به آنها عمل کنید. [۷] زیرا به پدران شما، در روزی که ایشان را از سرزمین مصر برآوردم، با صلابت هشدار دادم و تا به امروز به ایشان بدون خستگی با این سخنان هشدار داده‌ام: «صدای مرا گوش گیرید!» [۸] اما ایشان نشنیدند و گوش نسپاردند؛ ایشان هر یک مطابق لجاجت دل بدکار خود سلوک کرده‌اند. آنگاه تمامی سخنان این «عهد» را بر آنان وارد ساختم، سخنانی که امر فرموده بود که بدان‌ها عمل کنند و ایشان عمل نکردند[i].

[۹] یهوه مرا گفت: نزد مردمان یهودا و نزد ساکنان اورشلیم، توطئه‌ای یافت شده است. [۱۰] ایشان به خطاهای پدران اولیه‌شان باز گشته‌اند که از گوش گرفتن به صدای من سر باز زدند؛ آنان نیز به دنبال خدایان دیگر رفتند تا آنها را خدمت کنند. خاندان اسرائیل و خاندان یهودا «عهد» مرا شکسته‌اند، عهدی که با پدرانشان بسته بودم. [۱۱] به همین سبب، یهوه چنین سخن می‌گوید: اینک بر ایشان مصیبتی خواهم آورد که نخواهند توانست از آن بیرون آیند؛ نزد من فریاد برخواهند آورد و به ایشان گوش نخواهم گرفت. [۱۲] شهرهای یهودا و ساکنان اورشلیم خواهند رفت تا به سوی خدایانی فریاد برآورند که برای آنها بخور سوزاندند، اما آنها نخواهند توانست ایشان را در زمان مصیبتشان رهایی دهند.

[۱۳] زیرا به تعداد شهرهایت، ای یهودا،
تعداد خدایانت می‌باشد!
به تعداد کوچه‌های اورشلیم،
تعداد قربانگاه‌هایی است که آماده کرده‌اید تا برای بعل بخور بسوزانید[j]!

[۱۴] و تو، به نفع این قوم دعا مکن، به نفع ایشان نه فریادی ادا کن و نه دعایی، زیرا آن زمان که به سبب[k] مصیبتشان نزد من فریاد برآورند، گوش نخواهم گرفت.

۷:۲۴؛ تث۴:۲۰؛ ۶:۷؛ حز۱۴:۱۱
تث۱۱:۸-۹؛ مز۱۰۵:۸-۱۱
۲:۲
۲۳:۷-۲۶
۱۵:۳۵
۳:۴۴؛۱۰:۱۳
۳۲:۳۱
۳:۱۹؛ ۱-پا۱۴:۱۰
۱۶:۱
۲۸:۲
۷:۱۶؛۱۴:۱۱؛ خرو۳۲:۱۰

g ر.ک. توضیحات مت ۲۴:۷.
h یعنی: «آری».
i هستهٔ آیات ۱-۱۴ را احتمالاً آیه ۶، و بخش آخر آیه ۸، و آیات ۹-۱۲ تشکیل می‌دهد. در واقع، چند جمله (آیات ۷-۸) در ترجمه یونانی وجود ندارد، و آیات ۲-۵ نیز به نظر می‌رسد که مجموعه‌ای از فرمول‌های تثنیه‌ای باشد. این امر برای برخی از مفسران نشانه‌ای است از همکاری ارمیا با اصلاحات یوشیا و شکست نهایی آن (اما ر.ک. مقدمه). متن فعلی می‌تواند بازتاب امیدها و ناامیدی‌های ناشی از این اصلاحات باشد؛ به این ترتیب که در آغاز، نبی به عهد سینا اشاره کرده، از معاصران خود می‌خواهد که نسبت به آن متعهد گردند (آیات ۲-۸؛ ر.ک ۲-پاد ۳:۲۳)؛ مدتی بعد، پس از ۶۰۹ ق.م. مشاهده می‌کند که اوضاع بدتر از گذشته شده است (آیات ۹-۱۴، ر.ک. آیات ۱۵-۱۷)؛ اما ر.ک. مقدمه.
j قرائت متن عبری: «تعداد قربانگاه‌هایی است که برای «شرم» برپا کرده‌اید، قربانگاه‌هایی برای سوزاندن هدایا برای بعل». در این حالت، برای «شرم»، ر.ک. توضیحات ۲۴:۳. ترجمهٔ ما مبتنی است بر قرائت ترجمهٔ یونانی.
k ترجمهٔ ما مبتنی است به دسته‌ای از نسخ عبری. برخی نسخ دیگر چنین قرائت می‌کنند: «زیرا آن زمان که به هنگام مصیبتشان...»

خداوند درخت زیتون خود را می‌زند

[۱۵]محبوبهٔ مرا در خانهٔ من چه کار است!
او دست به تزویر یازیده است.
آیا نذرها و گوشت‌های مقدس
مصیبت را از تو دور خواهند ساخت؟
اگر چنین می‌شد، می‌توانستی وجد نمایی[l].

۱۱:۷؛ اش۱:۱۲

[۱۶]«درخت زیتون سبز با قامتی زیبا»
این نامی است که یهوه به تو داده بود.
او به صدای هیاهویی عظیم
برگ‌هایش را به آتش می‌کشد،
شاخه‌هایش می‌سوزد.

هو۱۴:۷؛ مز۵۲:۱۰

[۱۷]یهوهٔ لشکرها که تو را کاشته بود، بر علیه تو (سخنان) بد گفته است، به سبب آن بدی که خاندان اسرائیل و خاندان یهودا مرتکب شده‌اند، تا با سوزاندن بخور برای بعل، مرا به خشم آورند[m].

۷:۲۵ ۹:۷

ارمیا از سوی اعضای خانواده‌اش تهدید می‌شود[n]

[۱۸]یهوه مرا آگاه ساخت و من می‌دانم؛ آنگاه تو کردار ایشان را به من نشان دادی[o]. [۱۹]و من همچون بره‌ای دست‌آموز بودم که برای ذبح می‌برند، و نمی‌دانستم که بر ضد من طرح‌هایی در سر می‌پروراندند: «درخت را در شیره‌اش ویران سازیم، آن را از زمین زندگان برکنیم، و نامش را از یادها محو سازیم!»

[۲۰]اما [تو] این یهوهٔ لشکرها که با عدالت داوری می‌کنی،
که دل‌ها و گرده‌ها را کاوش می‌نمایی[p]،
کاش انتقام تو را از آنان ببینم؛
چرا که داد خود را به تو سپرده‌ام[q].

[۲۱]به همین سبب، چنین سخن می‌گوید یهوه بر علیه مردمان عناتوت که در پی جان

۱-پا۱۴:۵؛ اش۵۳:۷؛ مز۱۰۹:۱۳؛ بنسی۴۱:۱۱؛ ۱-پط۲:۲۳؛ ۱-تسا۲:۴؛ مکا۲:۲۳؛ ۹:۸؛ ۲۹:۲۷

l این مصرع به صورت مبهم منتقل شده است. سنت یهود در قبال مفهوم آن موضعی نامشخص دارد. برخی دیگر این مصرع را چنین ترجمه کرده‌اند: «آیا در این شرایط می‌توانستی از آن رهایی یابی؟»

m بعضی دیگر چنین ترجمه کرده‌اند: «با سوزاندن بخور برای بعل، به او (یعنی به یهوه) اهانت کرده‌اند».

n این بخش (۱۸:۱۱ تا ۶:۱۲) شامل نخستین عناصری است از آنچه که به «اعترافات ارمیا» معروف است (ر.ک. مقدمه). این اعترافات چیزی بیش از یادداشت‌های شخصی نبی است؛ آنها وارد موعظهٔ او می‌شود و گواهی است بر این نکته که پیام‌آور خداوند بودند به چه بهایی تمام می‌شود (آیه ۱۹؛ ۱۲:۵-۶؛ ۱۵:۱۰، ۱۷-۱۸؛ ۱۸:۱۸؛ ۲۰:۱۰، ۱۴-۱۸؛ ۹:۲۳). دعوت نبی که ب هدور از هر گونه جاه طلبی‌های شخصی است، رسالتی است کاملاً وابسته به ارادهٔ آمرانه و متغایر شخصی دیگر (۲۰:۷-۹؛ ر.ک. ۱:۶؛ خروج ۴:۱۳). نبی واقعی به هنگام اجرای رسالت خود، چیزی از خود ندارد که انجام دهد (۲۸:۶، ۱۱؛ ر.ک. ۲۳:۱۶) و به طور کامل تحت هدایت تصمیم غیرقابل پیش بینی الهی است (۲۸:۱۲؛ اعد ۲۴:۱۲-۱۳؛ ر.ک. توضیحات ۱:۹). تصور بر این است که محرک توطئهٔ خویشان ارمیا (آیات ۱۸-۱۹، ۲۱؛ ۱۲:۶) همانا همکاری او با اصلاحات یوشیا بوده باشد (ر.ک. آیات ۲-۸)؛ مردمان عناتوت و خصوصاً کاهنان خانوادهٔ او، احتمالاً با سرکوب شدن آیین محلی‌شان مخالف بودند. اما این ماجرا احتمالاً بیشتر مربوط به دورهٔ حکومت یهویاقیم می‌باشد، مثلاً بعد از انتقاد تلخ نبی از آیین عبادی که در معبد اورشلیم به جا آورده می‌شد (فصل‌های ۷ و ۲۶). در این صورت، ارمیا قاعدتاً در عناتوت پناه گرفته و اغتشاشی که به وجود آورده بود، گریبان او را در انزوا نیز گرفت ـ این مجموعه شاید از عناصر متعلق به دوره‌های مختلف تشکیل شده باشد و الزاماً بر حسب ترتیب زمانی‌شان مرتب نشده‌اند. مثلاً جای تعجب است که چرا بخشی که در آن ارمیا سرخوردگی خود را از کامیابی بدکاران ابراز می‌دارد (۱:۱۲-۲)، بعد از بخشی قرار دارد که در آن، خداوند به او اعلام می‌دارد که مخالفانش به زودی مجازات خواهند شد (۲۱:۱۱-۲۳).

o قرائت ترجمهٔ یونانی: «آنگاه کارهای ایشان را کشف کردم».

p منظور امتحان کردن احساسات و افکار انسان است. ر.ک. ۱۰:۱۷؛ ۲۰:۱۲؛ ۱ـ سمو ۷:۱۶؛ مز ۱۰:۷؛ ۲۶:۲؛ ۱ـ توا ۹:۲۸.

q ر.ک. توضیحات ۱۲:۲۰.

تو هستند و می‌گویند: «اگر می‌خواهی به دست ما نمیری، نباید به نام یهوه نبوت کنی». [۲۲] به همین سبب، چنین سخن می‌گوید یهوهٔ لشکرها: اینک ایشان را تنبیه خواهم کرد: جوانانشان به شمشیر خواهند مرد؛ پسران و دخترانشان در اثر قحط خواهند مرد.

عا۲:۱۲

۸:۹

[۲۳] کسی برای آنان باقی نخواهد ماند، زیرا مصیبتی به سوی مردمان عناتوت خواهم آورد، همانا سال عقوبتشان را.

۲۹:۳۶:۹:۹

۱۲:۲۳

۱۲

[۱] تو بیش از آن عادلی، ای یهوه،
که تو را به جنایتی متهم سازم؛
با این حال دربارهٔ داوری‌ها است که می‌خواهم با تو سخن گویم.
چرا سرنوشت بدکاران کامیاب است؟
چرا در آرامش‌اند تمام مرتکبان خطای خیانت؟
[۲] آنان را می‌کارد و ریشه می‌دوانند،
بزرگ می‌شوند و میوه می‌آورند.
تو نزدیک دهان ایشان می‌باشی،
اما دور از گرده‌های[r] ایشان.
[۳] و تو، ای یهوه، مرا می‌شناسی و مرا می‌بینی،

مز۱۱۹:۱۳۷؛ مرا۱:۱۸

حب۱:۱۳؛ مز۷۳:۳-۱۲؛ ایو۱۲:۶

۷:۹؛مز۶۲:۵؛ مر۷:۶

۲۰:۱۱؛ مز۱۳۹

دل مرا می‌کاوی، آن نزد تو است.
ایشان را بکش، همچون گوسفندان به کشتارگاه،
ایشان را برای روز کشتار ذخیره نگاه دار[s].
[۴] تا به کی سرزمین در سوگواری خواهد بود
و تمام علفهای مزارع خشک خواهد بود؟
به سبب بدکاری ساکنان آن است
که چارپایان و پرندگان[t] هلاک می‌شوند.
زیرا می‌گویند:
«او راه‌های ما را نمی‌بیند[u].»
[۵] [v] گر دویدن با پیادگان تو را خسته می‌کند،
چگونه با اسبان رقابت خواهی کرد؟
و اگر در سرزمین که در آرامش است،
احساس امنیت نمی‌کنی،
در پرپشتی انبوه اردن چه خواهی کرد[w]؟
[۶] چرا که حتی برادرانت و خانهٔ پدرت،
خود ایشان به تو خیانت می‌کنند،
خود ایشان، پشت تو، با تمام گلو فریاد برمی‌آورند[x]؛

۷:۲۲

۲۳:۱۰؛ هو۴:۳؛ یول۱:۱۰

۹:۹

۲۵:۵؛ ۱۹:۶

لو۲۱:۱۶

r منظور اشاره به دل است.
s ر.ک. توضیحات ۲۵:۱۰.
t ر.ک۴:۲۵؛هو۴:۳؛صف۱:۳.
u ترجمهٔ ما مبتنی است بر ترجمهٔ یونانی. قرائت عبری: «آیندهٔ ما را نمی‌بیند».
v آیات ۵-۶ شامل پاسخ خداوند است به شکایت‌های مذکور در آیات ۱-۴. خداوند نه فقط نمی‌کوشد به نبی خود اطمینان ببخشد، بلکه به او اعلام می‌کند که مشکلات بزرگتری انتظارش را می‌کشد.
w ر.ک. ۱۹:۴۹. این مصرع را بخشی از سنت این چنین استنباط کرده است: «آن گاه که اردن بالا آید»، یعنی وقتی که رود اردن طغیان کند. منظور این است که «اگر کوچکترین سختی را نمی‌توانی تحمل کنی، چگونه سخت‌های شدیدتر را متحمل خواهی شد؟» «در پرپشتی انبوه اردن» منظور وفور گیاهان اطراف رود اردن است که منزلگاه حیوانات وحشی بود.
x این بخش از آیه را نمی‌توان با اطمینان ترجمه کرد. بخش عمدهٔ سنت یهود و نیز ترجمهٔ یونانی، این چنین قرائت می‌کنند: «خود ایشان پشت سر تو، مردمان بسیاری را احضار می‌کنند. این آیه اگر بعد از ۱۸:۱۱ بیاید، بیشتر قابل درک خواهد بود.

به ایشان اعتماد مکن
آنگاه که به تو سخنان نیکو می گویند.

خداوند میراث خود را رها می کند[y]

[۷]خانه خود را رها نموده ام[z]،
میراث خود را رد کرده ام،
آنچه را که جانم عزیز می داشت
به مشت دشمنانش سپرده ام.
[۸]میراث من برایم همچون شیری در بیشه بود،
او بر علیه من صدا داده است؛
به همین سبب نسب به او کینه دارم.
[۹]آیا میراث من پرنده ای است رنگارنگ
که پرندگان درنده احاطه اش می کنند؟
بروید، گرد آیید، ای تمام چارپایان مزارع،
برای خوردن گوشت مازاد بیایید.
[۱۰]چوپانان بسیار، به تاکستان من زیان رسانده اند،
قلمرو مرا لگدمال کرده اند،
از قلمرو لذات من
بیابانی ویران ساخته اند؛
[۱۱]آن را به ویرانه ای تقلیل داده اند،
سوگوار است، ویران در برابر من؛
تمام سرزمین خراب شده،
بی آنکه کسی به این امر اعتنا کند.
[۱۲]بر تمام کوه ها برهنه شدهٔ بیابان
ویرانگران فرا رسیده اند؛
زیرا یهوه شمشیری دارد که می درد
از یک انتهای زمین تا انتهای دیگر؛
برای هیچ بشری آرامش نیست!
[۱۳]گندم کاشته اند و خار درو کرده اند؛
بدون نفعی، خود را خسته ساخته اند؛
از برداشت خود شرمسار باشید،
به سبب شدت خشم یهوه.

درسی به ملت ها[a]

[۱۴]چنین سخن می گوید یهوه بر علیه تمام همسایگان بد من که به میراثی که قومم اسرائیل را وارث آن ساخته ام، دست می زنند: اینک آنان را از روی زمینشان برخواهم کند، و خاندان یهودا را از میان ایشن برخواهم کند. [۱۵]اما پس از کندن آنان، بار دیگر بر ایشان رحم خواهم فرمود و هر یک را به میراث خود، و هر یک را به سرزمین خود باز خواهم گرداند. [۱۶]و اگر بخواهند طریق های قوم مرا بیاموزند، آن سان که به نام من سوگند یاد کنند، به حیات یهوه، همان گونه که به قومم آموختند که به بعل سوگند یاد کنند، در میان قوم من

لو۱۷:۳۷
۷:۳۳؛ اش۵۶:۹
۶:۳
۳:۹
اش۴۲:۲۵؛ ۵۷:۱
۴:۱۱
۴۶:۱۰؛ اش۳۴:۵
۴:۲۶
۱:۱۰
۱-پا۸:۴۱
حز۲۹:۱۴
۱۰:۲
۲۳:۷

y در ۱۲:۷-۱۳ خداوند لب به شکایت می گشاید زیرا رنج می کشد از اینکه باید میراث خود را به ویرانگران بسپارد (ر.ک. هو ۱۱:۸-۹) این قطعه شعر درست بعد از گلهٔ ارمیا قرار داده شده (۱۲:۱-۶) شاید به این علت که آن را نوعی پاسخ به گلهٔ نبی به حساب می آوردند. در این صورت، می توان چنین استدلال کرد که خدا از اینکه باید بشر را مجازات کند رنج می برد، چرا که بر هر حال، ایشان را دوست می دارد؛ به همین دلیل، در اجرای مجازات تأخیر می کند.
z ر.ک. توضیحات هو ۱:۸؛ توضیحات زک ۹:۸؛ ۱ـ قرن ۳:۹.
a این وحی تکمیل کنندهٔ ۱۰:۲۵ (ر.ک توضیحات) در خصوص رفتار خداوند در قبال ملت ها است و تأیید می کند که او قطعاً برای همهٔ انسان ها، عملی نجات بخشی را پی می گیرد. ر.ک. ۳:۱۷؛ ۱۶:۱۹-۲۱؛ توضیحات ۲۳:۲۳ و توضیحات ۴۶:۲۶؛ توضیحات اش ۱۹:۱۶-۲۵؛ توضیحات عا ۹:۷.

بنا خواهند شد[b]. [۱۷]اما چنانچه گوش نگیرند، آن ملت را بر خواهم کند؛ آن را بر خواهم کند و هلاک خواهم ساخت ـ وحی یهوه.

درسی از کمربند[c]

۱۳ [۱]یهوه با من چنین سخن گفت: «برو و برای خود کمربندی کتانی بخر؛ آن را بر گرده هایت ببند و در آب آن را فرو مبر[d].» [۲]من مطابق کلام یهوه کمربند را خریدم و بر گرده هایم بستم.

[۳]کلام یهوه بار دوم به این مضمون به من فرا رسید[e]: [۴]«کمربندی را که خریده ای و بر کمرت تو است برگیر و سپس بر پا بایست! به فرات[f] برو و در آنجا آن را در شکاف صخره ای پنهان ساز». [۵]من مطابق آنچه که یهوه مرا امر فرموده بود، رفتم و آن را در نزدیکی فرات پنهان کردم.

[۶]باری، پس از روزهای بسیار، یهوه مرا گفت: «بر پا بایست! به فرات برو و از آنجا کمربندی را که تو را امر فرموده بودم که پنهان سازی باز برگیر». [۷]من به فرات رفتم، زمین را کَندم و کمربند را از مکانی که آن را پنهان کرده بودم باز برگرفتم. و اینک کمربند خراب شده بود؛ دیگر به هیچ کاری نمی آمد.

[۸]کلام یهوه به این مضمون به من فرا رسید: [۹]«یهوه چنین سخن می گوید: تکبر یهودا و تکبر عظیم اورشلیم را به همین شکل خراب خواهم ساخت. [۱۰]این قوم شرور که از گوش سپردن به سخنان من امتناع می ورزند، و مطابق لجاجت دل خود

۱۰:۱۱
۱۷:۳

b این نکته می تواند دو معنی داشته باشد: بازسازی شدن و برخورداری از نسل (ر.ک. پید ۱۶:۲؛ ۳۰:۳) و این امر از طریق قرار گرفتن در میراث خداوند میسر می گردد.

c این عمل نمادین در حکم مثلی است که با حرکات بیان می شود و یادآور رابطه میان خداوند و قومش می باشد. اول جذب قوم از سوی خدا و وابستگی او را به این قوم می بینیم (ر.ک. توضیحات آیه ۱۱)؛ دوم، گسستگی و قطع رابطه می آید (در اثر خطای قوم)؛ سوم، تجزیه و تخریب است که هم به مجازات الهی اشاره دارد (آیه ۹) و هم به عواقب این قطع رابطه؛ با نهایت تعجب مشاهده می کنیم که این امور «پس از روزهای بسیار» جامه عمل می پوشد. چنین اعمال و حرکاتی نمادین، هم برای عاملین آن و هم برای تماشاگران احتمالی شان، نه فقط ارزشی تصویری داشتند، بلکه واقعاً متضمن وقایع آینده بودند. با توجه به این نکته است که می توان واکنش شخصی به نام فشحور در ۲۰:۲ را درک کرد، چرا که حرکت نمادین ارمیا بسیار سنگین و سخت بود. نیز ر.ک. ۲۷-۲۸؛ ۳۲؛ ۴۳:۸-۱۳؛ ۵۱:۵۹-۶۴.

d یعنی اینکه نباید آن را بشوید. عرق بدن و چرک و کثافت باعث خرابی سریع پارچه می شود.

e این فرمول اغلب آغازگر تشریح آن چیزی است که خداوند بر نبی مکشوف ساخته (۱:۴، ۱۱، ۱۳، و غیره)؛ نیز آغازگر اعلام پیام هایی است که نبی موظف است از سوی خدا بیان دارد (۲:۱ و غیره). این امر خصوصاً در مورد کتاب های حزقیال و ارمیا و زکریا و حجی صدق می کند. این فرمول می تواند مانند اینجا حاکی از بیان راز خود نبی در مورد ملاقاتش با کلام زندهٔ خداوند باشد (۱:۴ و غیره)، یا می تواند شهادت ویراستار در مورد این امر در زندگی نبی باشد (۲۸:۱۲ و غیره). ساختار جمله قویاً بر خود کلام و عمل آن تأکید می گذارد (ر.ک. توضیحات ۱:۲). در اینجا شخصیت یافتن کلام مشخص تر است زیرا این فرمول هم ارزش است با فرمول آیه ۱ (ر.ک. ۷:۱۹) که در آن، فاعل فعل خود خداوند است (ر.ک. توضیحات ۶:۲۱).

f شاید منظور «وادی فرا» باشد که با عناتوت، یک ساعت پیاده فاصله دارد. اما کلمهٔ عبری «پرات» معمولاً در کتاب مقدس به رود فرات اشاره درد. این اشاره به رود فرات از ورای فِرا، عنصر دیگری را به این قیاس می افزاید. اما چگونه باید این را تفسیر کرد؟ آیا باید آن را اشاره ای دانست به اتحادهَا و ائتلاف های بیگانه (ر.ک. توضیحات ۲:۱۸) یا به اعتقادات اختلاطی آشوری ـ بابلی؟ یا همچون اشاره ای به تبعید؟ اما تبعید باعث «پوسیدگی» تبعیدشدگان نخواهد شد زیرا که به ایشان وعدهٔ آینده ای با سعادت داده می شود؛ لذا ایشان «به کار خواهند آمد» (ر.ک. فصل های ۲۴ و ۲۹). اما دست کم می توان در تمثیل کمربندی که در کنار فرات می پوسد، اشاره ای به مشکلات تبعید را مشاهده کرد.

۱۱:۱۶ سلوک می کنند، و به دنبال خدایان دیگر می روند تا ایشان را خدمت کنند و بپرستند، بادا که چون این کمربند باشند که دیگر به هیچ کاری نمی آید! [۱۱]زیرا به آن سان که کمربند به کمر انسان بسته می شود، به همان سان من تنها خاندان یهودا را به خود بسته بودم[g] - وحی یهوه - تا ایشان برای من قومی باشند، آوازه ای، افتخاری، و جلالی؛ و ایشان گوش نگرفتند!»

حز۱۵:۵

۱۱:۴:۳۳:۹؛ خرو۱۹:۵

ظرف غضب[h]

[۱۲]این کلام را به ایشان خواهی گفت: یهوه، خدای اسرائیل، چنین سخن می گوید: «هر سبویی باید از شراب پر شود». و اگر تو را گویند: «آیا نمی دانیم که هر سبویی باید از شراب پر شود؟» [۱۳]به ایشان خواهی گفت: یهوه چنین سخن می گوید: اینک جملهٔ ساکنان این سرزمین را از مستی پر خواهم ساخت، و پادشاهانی را که بر تخت سلطنت داود می نشینند، انبیا را، کاهنان را، و تمامی ساکنان اورشلیم را. [۱۴]ایشان را به هم کوفته، خرد خواهم ساخت، پدران و پسران را نیز - وحی یهوه - نه شفقت خواهم کرد، نه رحمت و نه ترحم: ایشان را نابود خواهم ساخت».

۵۱:۳۹؛ اش۵۱:۱۷؛ مرا۴:۲۱

۲۱:۷؛ ۵۱:۳

پیش از آنکه خیلی دیر شود، گوش فرا دهید

[۱۵]گوش کنید، گوش فرا دهید، متکبر مشوید، زیرا یهوه سخن گفته است.

[۱۶]یهوه، خدای خود را جلال دهید،
پیش از آنکه ظلمات فرا رسد،
و پیش از آنکه پایهایتان برخورد
به کوه های شامگاهان.
روشنایی را انتظار خواهید کشید،
و آن را به تاریکی تبدیل خواهد نمود[i]،
و از آن ابری سیاه خواهد ساخت.

اش۲۸:۲۳

یوشع۷:۱۹؛ یو۹:۲۴

جا۱۲:۱-۲؛ یو۱۱:۱۰؛ ۱۲:۳۵

اش۵:۳۰؛ ۸:۲۲؛ عا۸:۹

g پیوند (بسته شدن) قوم به خداوند وابسته است به پیوندیکه خداوند قبلا با قوم خویش به وجود آورده بود هر حکم دیگری در این پیوند خلاصه می شود و از آن بر می خیزد، یعنی ترس و خدمت و محبت و توجه به کلام او، حفظ احکامش، سلوک در طریق های او، و پیروی او (تث ۱۰:۲۰؛ ۱۱:۲۲؛ ۱۳:۵؛ ۳۰:۲۰). آنانی که به خداوند می پیوندند، مالک سرزمین موعود می شوند (تث ۱۱:۲۲-۲۵)، کامیاب می گردند (۲ـ پاد ۱۸:۶-۷)، از حیات برخوردار می شوند، حال آنکه کسانی که به دنبال بعل می روند نابود می گردند (تث ۴:۳-۴؛ ۳۰:۲۰). این پیوند و وابستگی، در واقع، مستلزم الصاق تمام وجود انسان است (ر.ک. پید ۲:۲۴) و نیز روح او (مز ۶۳:۹؛ ر.ک. پید ۳:۳۴ و توضیحات مرا ۱:۱۱)؛ و خود خداوند، حیات و تحرک شخصی و صمیمی ناشی از آن را در شخص تجدید می کند (۳۸:۱۶)، و این امر سبب می شود که انسان به ارادهٔ او (مز ۱۱۹:۳۱) و نیز به عبادت واقعی یعنی عبادت در تمام شئونات زندگی، ملصق و وابسته شود (ر.ک. روم ۱۲:۱ و توضیحات). از اینجا است که می توان به اهمیتی که برای این وابستگی به خدا قائل شده اند پی برد، اهمیتی که در مز ۷۳:۲۸ تجلی یافته است: «سعادت من این است که به خداوند بپیوندم» . نیز ر.ک. ۱ـ قرن ۶:۱۷.

h ر.ک. روم ۹:۲۲ و توضیحات. ارمیا پیش از آنکه به این تصویر بپردازد و آن را مورد بهره برداری قرار دهد، یک ضرب المثل عادی به کار می برد که بی چون و چرا مورد پذیرش شنوندگانش می باشد. اما ایشان درک نمی کنند این ضرب المثل، وقتی از زبان خداوند بیان می شود، که به طور کامل در معرض بادهٔ غضب خدا قرار بگیرند (ر.ک. ۲۵:۱۵ تا فصل ۲۹؛ ۴۹:۱۲؛ حزق ۲۳:۳۲؛ عو ۱۶؛ نا ۳:۱۱؛ حب ۲:۱۶ و توضیحات؛ مکا ۱۶) نبی با دنبال کردن تصویر سبو، می بیند که ایشان مست شراب اند و تلوتلو می خورند و با برخورد به یکدیگر، با صدای بلند در هم می شکنند.

i ر.ک. ۲:۶ و توضیحات ایوب ۳:۵.

[۱۷] اگر به این گوش فرا ندهید،
جانم در خفا خواهد گریست
به سبب تکبر [شما]؛
اشک از چشمم جاری خواهد شد،
چرا که گلهٔ یهوه به اسارت خواهد رفت.

۱۴:۱۷؛ ۴۸:۳۶

اینک مجازات بی‌وفایی

[۱۸] به پادشاه بگویید و به بانوی بزرگ[j]،
در جای پست بنشینید[k]،
زیرا که از سرتان[l] فرو افتاده است
تاج جلالتان.
[۱۹] شهرهای نگب مسدود شده
و کسی نیست که بگشاید!
یهودا یکسره تبعید شده،
به طور کامل تبعید شده است.
[۲۰] چشمان خود را برافراز، ای اورشلیم،
و ببین
آنان را که از شمال فرا می‌رسند.
کجا است گله‌ای که به تو داده شده بود،
گوسفندان جلالت؟
[۲۱] چه خواهی گفت آن گاه که کسانی را
که خو داده بودی تا نزدیکانت باشند[m]،
بر تو رئیس بگمارند؟
آیا درد تو را فرو نخواهد گرفت
به سان زنی که می‌زاید؟
[۲۲] و اگر در دل خود گویی:
«چرا این امر بر من واقع می‌شود؟»
به سبب بزرگی خطایت می‌باشد که
دامن‌های ردایت مکشوف شده،
و پاشنه‌هایت کوفته شده است[n].
[۲۳] آیا کوشی[o] می‌تواند پوست خود را عوض کند
و پلنگ خال‌های خود را؟
و شما، آیا ممکن است بتوانید نیکی کنید؟
شما که به بدی کردن خو گرفته‌اید!
[۲۴] من ایشان را پراکنده خواهم ساخت،
مانند کاهی[p] که در اثر باد صحرا می‌رود.
[۲۵] این است قسمت تو، سهمی که برایت وزن شده
از سوی من - وحی یهوه.
از آنجا که مرا فراموش کرده‌ای
تا به دروغ اعتماد کنی[q]،

مز۸۹:۴۰؛ مرا۵:۱۶
۴:۶
۲-پا۱۶:۷؛ ۲۰:۱۳
۲۲:۲۳
۱۳:۲۶؛ اش۴۷:۲-۳؛ حب۲:۱۶
۶:۲۹؛ مز۵۵:۲۰؛ مت۱۲:۳۴؛ ۳۰:۱۱
۲:۳۲:۳:۲۱؛ تث۸:۱۹

j احتمالاً یهویاقیم و مادرش؛ ر.ک. توضیحات ۳:۱. ملکهٔ مادر، آن زمان که پسرش جوانتر بود، قطعاً نقش مهمی ایفا می‌کرده است.
k ر.ک اش۶۲:۳؛حز۱۶:۱۲؛۲۳:۴۲؛امث۴:۹؛۱۶:۳۱.
l ترجمهٔ ما مطابق با قرائتی است که ترجمه‌های قدیمی از متن با حروف بی‌صدا کرده‌اند. قرائت عبری: «از بالینتان» (ر.ک. پید ۲۸:۱۱، ۱۸؛ ۱-پاد ۱۹:۶).
m در ترجمهٔ ما، از سنگینی متن کمی کاسته شده است ترجمه تحت اللفظی: «... تا نزدیکانت باشند و ایشان به سم تبدیل می‌شوند» (ر.ک. عا ۶:۱۲). می‌توان این گونه نیز ترجمه کرد: «به ضرر خودت، ایشان را خو داده بودی که دوستانت باشند و قدرت را به دست بگیرند» ر.ک. ۱-پاد ۲۰:۱۲-۱۹.
n تحت‌اللفظی: «پاشنه‌هایت مورد خشونت واقع شده است». این احتمالاً روشی مؤدبانه است برای مطلبی خلاف ادب.
o یعنی شخصی از سرزمین «نوب» یا حبشه. منظور سیاهپوست میباشد.
p ر.ک اش۲۹:۵؛صف۲:۲.
q همانند ۱۵:۲۸ و ۳۱:۲۹، منظور دروغ بعل‌ها یا بتها (توضیحات ۳۱:۵؛ ۱۴:۱۰؛ ۱۶:۱۹) و عبادت آنها است (۳:۲۳)، ارمیا این دروغ را افشا می‌کند، همانطور که به افشای دروغ بودن عبادت در خود معبد می‌پردازد (۷:۴، ۸)، و به افشای هر نوع ادعای دروغین در مورد وفاداری به خداوند (۳:۱۰ و توضیحات)، و دروغ‌ها و سوگندهای دروغ در زندگی اجتماعی (۷:۹؛ توضیحات ۹:۱؛ ۳۷:۱۴؛ ۴۰:۱۶)، منحرف کردن کلام خدا (۸:۸)، نادرستی رفتار کاهنان و انبیا (۶:۱۳؛ ۸:۱۰؛ ۲۳:۱۴)، انبیایی که به نام «دروغ» نبوت می‌کنند (۵:۳۱؛ ۲۰:۶؛ ر.ک. ۲:۸) یا اینکه به نام خداوند به

[۲۶]من به نوبهٔ خود، دامن های ردایت را
تا به چهره ات بلند خواهم کرد
تا رسوایی ات را ببینند.
[۲۷]زناکاری ها و شیهه هایت را،
روسپیگری مفتضح تو را،
بر روی تپه ها، در مزارع،
آنها را دیده ام، «کثافاتت» را!
وای بر تو، ای اورشلیم، که خود را طاهر نمی سازی[r]!
اما تا به کی؟

نح۳:۵؛ مکا۱۷:۱۶ — ۸:۵ — ۲۰:۲ — ۱۸:۱۶ — ۱۴:۴؛ حز۲۴:۱۳؛ هو۸:۵

خشکسالی

۱۴ [۱]آنچه که کلام یهوه بود، به ارمیا دربارهٔ خشکسالی[s].

۲:۱

درخواست

[۲]یهودا سوگوار است
و دروازه هایش ویران می شود؛
آنها تاریک اند و بر زمین قرار گرفته اند
و فریاد اورشلیم برمی خیزد.
[۳]بزرگانش زیردستان خود را به سر آب می فرستند؛
ایشان به نزد منبع ها می رسند،
آب نمی یابند[t]،
و با ظرف های خالی باز می گردند؛
شرمسار و پریشان،
سر خود را می پوشانند[u].
[۴]کار زمین متوقف شده
چرا که باران نبوده است؛
کشتکاران، شرمسار،
سر خود را می پوشانند.
[۵]آری، حتی گوزن ماده در صحرا،
بچه های خود را رها می کند،
چرا که سبزی ای نیست،
[۶]و گور خران که بر کوه های برهنه ایستاده اند،
هوا را مانند شغال ها استنشاق می کنند؛
چشمانشان ضعیف می شود[v]
چرا که علفی نیست.
[۷]اگر خطاهایمان بر علیه ما شهادت می دهد،
ای یهوه، به خاطر نامت عمل کن!
زیراکه ارتدادهای ما بسیار است،
ما در حق تو گناه کرده ایم.

۴:۱۲؛ مرا۱:۴ — ۳:۳ — یول۱:۱۱ — ۲۵:۵؛ مز۱۰۷:۳۴ — ۲۱:۱۴؛ دان۳:۳۴

دروغ چیزهای نادرست و رؤیاها و خواب های غلط نبوت می کنند (۱۴:۱۴؛ ۲۳:۲۵-۲۶، ۳۲؛ ۲۷:۱۰، ۱۴-۱۵؛ ۲۹:۲۱، ۲۳) و کاری می کنند که مردم به تکیه گاه های نادرست اعتماد کنند (۲۸:۱۵؛ ۲۹:۳۱؛ ر.ک. ۲:۱۸، ۳۷). همچنین ر.ک. ۵:۱.

r متن عبری مبهم است. قرائت ترجمه یونانی وولگات: «افسوس، ای اورشلیم، تو نمی خواهی با پیروی از من، خود را طاهر سازی...»

s این آیه کتاب مقدسی عنوان ویراستاری بخش ۱۴:۱ تا ۱۵:۴ را تشکیل می دهد. این بخش، گفت و گویی طولانی است میان نبی و خدایش. پس از تشریح خشکسالی و دعای نبی که از طرف قوم ادا می شود (۱۴:۱-۹)، خداوند پاسخی منفی می دهد (۱۴:۱۰). به دنبال آن، گفت و گویی دربارهٔ شفاعت و موعظهٔ سایر انبیا می آید (۱۴:۱۱-۱۶)، و بعد از آن، دعایی جدید که بخشی از آن از طرف جامعه ادا می شود (۱۴:۱۹-۲۲)؛ و بالاخره پاسخ نهایی خداوند را می یابیم (۱۵:۱-۴). موقعیت اصلی که باعث نگارش این بخش شده، حادث شده خشکسالی ای سخت بود؛ اما به مصائب دیگری نیز اشاره رفته است، خصوصاً جنگ (۱۴:۱۷-۱۸).

t در ارمیا ۲:۱۳همان کلمه بود که استفاده کرد:تا برای خود اب انبارها بسازند ،اب انبارهای ترک دار که اب را نگاه نمیدارند.

u این تصویر بیانگر سرخوردگی و دلسردی شدید است. (۲سمو۱۵:۳۰؛استر۶:۱۲)

v ر ک مز۶۹:۴؛۱۱۹:۸۲؛۱۲۳:۲؛ایو۱۱:۲۰؛۱۷:۵؛مرا۲:۱۱.

۱۴:۲۰:۳:۲۵؛ ۱۴:۸

[8]ای یهوه، ای امید اسرائیل،
۱۳:۱۷
تو که ایشان را در زمان تنگی نجات می‌بخشی،
چرا در سرزمین باید همچو بیگانه باشی،
همچو مسافری که شب را خیمه می‌زند؟
[9]چرا باید همچو مردی حیران باشی،
همچو قهرمانی که قادر به نجات دادن نیست؟
با این حال، تو ای یهوه، در میان ما می‌باشی،
خرو۲۹:۴۵؛ یو۱:۲۶
و ما به نام تو خوانده شده‌ایم[w]:
ما را رها مکن!
تث۲۸:۱۰؛ اش۴۳:۷

حکم بدون فرجام

[10]یهوه در مورد این قوم چنین سخن می‌گوید: آری، ایشان پرسه زدن را دوست دارند؛ پای خود را باز نمی‌دارند. اما یهوه از ایشان راضی نیست؛ اینک او خطاهای آنان را به یاد خواهد آورد و گناهانشان را مکافات خواهد رساند. [11]یهوه مرا گفت: به نفع این قوم، برای خیریت ایشان دعا مکن. [12]اگر روزه بدارند، به فریادشان گوش نخواهم گرفت[x]؛ اگر قربانی سوختنی و هدیهٔ آردی تقدیم کنند، از آنها راضی نخواهم شد؛ اما با شمشیر و با قحط و با طاعون، ایشان را قلع و قمع خواهم کرد.

۳۱:۲ — ۱۴:۱۱ — ۶:۲۰؛ هو۹:۴

[13]گفتم: «آه، ای خداوند یهوه، اینک انبیا به ایشان می‌گویند[y]: «شمشیر را نخواهید دید و قحطی نخواهید داشت، زیرا به شما در این مکان، آرامشی[z] استوار عطا خواهم کرد». [14]یهوه مرا گفت: آنچه که انبیا به نام من نبوت می‌کنند، دروغ است؛ من ایشان را نفرستاده‌ام، به ایشان امر نکرده‌ام، و با ایشان سخنی نگفته‌ام. رؤیایی دروغین، فال بینی نیست، فریب دل خودشان، این است آنچه که ایشان برای شما نبوت می‌کنند! [15]به این سبب، یهوه بر ضد انبیایی که به نام من نبوت می‌کنند چنین سخن می‌گوید، حال آنکه من ایشان را نفرستاده‌ام، و می‌گویند: «شمشیر و قحط، چنین چیزها در این سرزمین نخواهد بود»؛ این انبیا با شمشیر و با قحط بالکل نابود خواهند شد! [16]اما مردمانی که آنان برای ایشان نبوت می‌کنند، آنان در اثر قحط و شمشیر، در کوچه های اورشلیم افکنده خواهند شد، بی آنکه کسی باشد که دفنشان کند، ایشان را، زنانشان را، پسرانشان را، و دخترانشان را. من شرارتشان را بر ایشان فرو خواهم ریخت.

۵:۱۲؛ پید۳:۴ — ۱۳:۲۵ — ۲۳:۳۲ — ۸:۲ — ۶:۹؛ مز۷:۱۷

[w] ر.ک. ۱۵:۱۶ و توضیحات ۷:۱۰

[x] در مورد ارتباط میان شکایت و روزه، ر.ک. یول؛ مز ۶۹.

[y] ر.ک. توضیحات ۴:۱۰؛ ۶:۱۴؛ ۲۳:۱۷.

[z] ر.ک. ۵:۱۶؛ ۷:۲۹، ۱۱؛ ۳۳:۶، ۹. این کلمه را می‌توان «کامیابی» نیز ترجمه کرد. واژهٔ عبری «شالوم» مفاهیم ذیل را به ذهن می‌آورد: مفهوم کمال (ر.ک. ۱۳:۱۹، «تبعید کامل»)؛ مفهوم آسایش و به روزی (۶:۱۴؛ ۸:۱۵؛ ۱۴:۱۹؛ ۱۵:۵؛ ۲۳:۱۷؛ ۳۰:۵؛ ۳۸:۴؛ ۴۳:۱۲) ناشی از روابط اجتماعی کاملاً متعادل؛ مفهوم صلح (۲۸:۹ که در اینجا در مقابل «جنگ و قحطی و طاعون» است؛ ۴:۱۰؛ ۹:۷؛ ۱۲:۵، ۱۲؛ ۳۴:۵) و در نتیجهٔ آن، مفهوم دوستی (۲۰:۱۰؛ ۳۸:۲۲). نیز ر.ک. توضیحات ۱ـ پاد ۵:۲۶.

درخواست جدید

[۱۷] این کلام را به ایشان بگو[a]:
بادا که از چشمانم اشک جاری شود،
بادا که شب و روز مجال نداشته باشند؛ ۱۹:۴؛
زیرا شکستگی عظیمی است که آن اش۴:۲۲؛ لو۴۱:۱۹
باکره، دختر قوم من، با آن شکسته شده ۱۲:۳۰
است[b]،
جراحتی بی نهایت لاعلاج!
[۱۸] اگر به صحرا بیرون روم،
اینک قربانیان شمشیر؛ حز۱۵:۷
اگر به شهر داخل شوم،
اینک رنج های گرسنگی.
آری، حتی نبی، حتی کاهن،
سرزمین را می پیمایند و هیچ نمی فهمند.
[۱۹] آیا به راستی یهودا را پس زده ای؟
آیا جانت از صهیون بیزار شده است؟ مرا۲۲:۵
چرا ما را زده ای بی آنکه برایمان شفایی ۸:۱۲
باشد؟
چشم انتظار آرامش بودیم، و هیچ چیز ۱۸:۱۵
نیکو!... ۱۵:۸
زمان شفا، و اینک هراس!
[۲۰] ای یهوه، ما شرارت خود را
می شناسیم، دان۹:۴-۱۹
خطای پدرانمان را؛
زیرا در حق تو گناه کرده ایم. ۷:۱۴؛

[۲۱] به خاطر نام خویش، خوار مساز، حز۲۲:۳۶؛ مز۱۱:۲۵
سرافکنده مکن تخت سلطنت جلالت را؛
به یادآور! عهدت را با ما مگسل. ۱۲:۱۷
[۲۲] در میان «بطالت های»[c] ملت ها، آیا
کسی هست که باران بباراند؟
آیا آسمان است که رگبار می دهد؟
آیا تو نیستی، ای یهوه، خدای ما؟
به این سبب، به تو امید می داریم؛
زیرا تو هستی که همهٔ اینها را انجام
می دهی. ۲۴:۵؛ ایو۱۰:۵؛ نامه ار۵۲؛ اع۱۷:۱۴

مجازات تغییرناپذیر

۱۵ [۱] یهوه مرا گفت: حتی اگر موسی و سموئیل در برابر من می ایستادند[d]، مز۶:۹۹
جان من به سوی این قوم [بر نمی گشت].
ایشن را از (مقابل) «روی» من دور بینداز ۱۴:۱۱
و باشد که بروند! [۲] و اگر به تو گویند: «به کجا برویم؟» به ایشان بگو: یهوه چنین سخن می گوید:
آنکه برای مرگ است، به مرگ!
آنکه برای شمشیر است به شمشیر!
آنکه برای قحط است، به قحط! ۱۲:۱۴؛ ۱۱:۴۳؛ مکا۱۰:۱۳
آنکه برای اسارت است، به اسارت!
[۳] من بر ایشان چهار دستهٔ منفور را خواهم
گماشت ـ وحی یهوه ـ شمشیر را برای حز۲۱:۱۴

a دعای شفاعت نبی (آیات ۱۹-۲۲) در اینجا بعد از یادآوری مصائبی ذکر شده که بر قوم فرو می آید (آیات ۱۷-۱۸). این یادآوری همچون وحی ای از سوی خداوند بیان شده است. این می توان به معنی آن باشد که خداوند خودش نیز از دیدن در هم کوفتگی قومش رنج می برد، ر.ک. توضیحات ۱۶:۹؛ توضیحات ۷:۱۲؛ ۱۷:۱۳.
b ر.ک. توضیحات ۱۱:۴؛ ۱۳:۱۸؛ ۴:۳۱، ۲۱؛ ۱۱:۴۶.
c ر.ک. توضیحات ۸:۱۰
d ارمیا در احاطهٔ نمایندگان قومش می باشد (ر.ک. آیه ۲) اما خودش نیز مأمور است تا با شفاعت های خود، نمایندهٔ ایشان در حضور خداوند باشد (ر.ک. توضیحات آیه ۱۹). اما دیگر دیر شده و خداوند هر شفاعت کننده ای را رد می کند (ر.ک. توضیحات عا ۲:۷) حتی اگر کسی در مقام موسی (خروج ۱۱:۳۲-۱۴؛ ۹:۳۴؛ اعد ۲:۱۱ و غیره) یا سموئیل بوده باشد (۱ـ سمو ۷:۸-۱۰؛ ۱۲:۱۹-۲۳؛ بنسی ۱۶:۴۶). سنت در شخص ارمیا، شفاعت کننده ای آسمانی را مشاهده می کند (۲ـ مک ۱۵:۱۲-۱۶)، در ردیف فرشتگان (ر.ک. ایوب ۲۳:۳۳ و توضیحات؛ دان ۱۳:۱۰ و توضیحات؛ خنوخ حبشی ۵:۳۹).

کشتن، سگ‌ها را برای کشیدن، پرندگان آسمان و حیوانات زمین را برای دریدن و نابود کردن. [۴]من از ایشان وحشتی برای تمام ممالک زمین خواهم ساخت[e]، به سبب منسی، پسر حزقیا، پادشاه یهودا، برای تمام آنچه که در اورشلیم کرده است.

۹:۲۴؛ نح۳:۶

خدا اورشلیم را رها کرده چون اورشلیم خدا را رها کرده است

[۵]زیرا چه کس بر تو شفقت خواهد داشت، ای اورشلیم،
و چه کس بر تو دل خواهد سوزاند؟
چه کس از راه خویش منحرف خواهد شد
تا از وضع تو خبر گیرد[f]؟
[۶]این تو هستی که مرا پس زده ای -وحی یهوه-
تو به عقب رفته ای؛
آنگاه دستم را بر علیه تو دراز کردم و نابودت ساختم؛
از ترحم کردن خسته بودم!
[۷]ایشان را در دروازه های سرزمین،
با غربال باد داده ام؛
از فرزند محروم کرده ام و نابود ساخته ام
قومم را،

۱۴:۱۳

نح۳:۷؛ مز۶۹:۲۱

۲۵:۵۱:۱۲:۶

۲۲:۴۴؛ عا۷:۸

به سبب رفتار بد ایشان که از آن بر نمی گردند[g].
[۸]بیوه هایش را افزون تر از ریگ دریا ساخته ام[h]؛
بر مادران و جوانان جنگجو، در میانهٔ ظهر،
ویرانگری را آورده ام.
اضطراب و وحشت را
به ناگاه بر ایشان فرود آورده ام.
[۹]آن زن که هفت جوان جنگجو زاده بود،
ضعف می کند و جان را تسلیم می نماید؛
آن گاه که هنوز روز بود، خورشیدش غروب کرده است،
او شرمسار و پریشان است.
و آنچه که از ایشان بر جای ماند، آن را به شمشیر خواهم سپرد،
در حضور دشمنانشان ـ وحی یهوه.

۴:۶

رسالت ارمیا علی رغم شکایت‌هایش، تأیید می‌شود[i]

[۱۰]وای بر من، ای مادر من که مرا زاده ای
من که مرد مجادله و مرد منازعه برای تمام سرزمین هستم.

۱۴:۲۰

e این تهدید کاملاً به سبک ارمیا است (ر.ک. ۹:۲۴؛ ۱۸:۲۹؛ ۱۷:۳۴)، اما موضوع هایش (ر.ک. ۲ـ پاد ۲۱؛ توضیحات ۴:۲۴) با چارچوب کتاب همخوان نیست. در واقع، برای ارمیا، خطاهایی که موجب مکافات می شود، فقط خطاهای پدران نیست، بلکه ناتوبه کاری فعلی شنوندگانش می باشد (۱۶:۱۰-۱۳ و غیره؛ ر.ک. ۳۱:۲۹-۳۰).

f تحت اللفظی: «برای کسب اطلاع از آرامشت»؛ ر.ک. توضیحات ۱۳:۱۴.

g در اینجا موضوع مجازات و دعوت به بازگشت مطرح می شود (۳۵؛ ۹:۹-۱۱؛ ۱۴:۱۲-۱۷؛ ر.ک. توضیحات ۴:۳، ۶ و توضیحات نا ۴:۳). منظور در اینجا جوانانی است که کشته می شوند یا به هنگام جنگ در مرزها، به اسارت در می آیند (ر.ک. اش ۱۶:۴۱؛ نا ۱۳:۳).

h این تصویری است کلاسیک برای اشاره به تعداد انبوه (ر.ک. ایوب ۳:۶؛ ر.ک. مز ۲۷:۷۸). اغلب تصریح می شود که منظور ریگ های «کنارهٔ» دریا است (پید ۱۷:۲۲؛ یوشع ۴:۱۱ و غیره) ر.ک. ۲۲:۳۳.

i آیه های ۱۰-۲۱ بخشی جدید از «اعترافات» است (ر.ک. مقدمه، قسمت اول؛ توضیحات ۱۸:۱۱؛ توضیحات ۱۲:۱۷؛ توضیحات ۷:۲۰) که در آن قطعاتی از وحی ها گنجانده شده است (آیات ۱۱ و ۱۲-۱۴).

نه قرض داده ام و نه قرض گرفته ام،
[با این حال] همگان مرا نفرین می کنند.
[۱۱]ای یهوه، به راستی آیا تو را برای نیکی خدمت نکرده ام[j]؟
آیا برای دشمنم نزد تو وساطت نکرده ام[k]،
به هنگام مصیبتش، به هنگام پریشانی اش؟ ۸:۱۴
[۱۲]آیا آهن آهن شمال می شکند
و برنج را[l]؟
[۱۳]ثروتت و گنجهایت را
به یغما خواهم سپرد،
نه در مقابل پرداخت، بلکه برای تمام گناهانت[m]، ۱۹:۶؛ ۱۶:۱۴
در تمامی خطه ات.
[۱۴]کاری خواهم کرد که دشمنانت را خدمت کنی[n]
در سرزمینی که نمی شناسی؛
زیرا که آتشی در بینی من افروخته شده[o]،
و بر روی شما خواهد سوخت[p].
[۱۵]تو این را می دانی[q]!
ای یهوه، مرا به یاد آور[r]، از من مراقبت نما
و انتقام مرا از آزارکنندگانم بگیر؛
با شکیبایی خویش، مگذار که مرا بر دارند[s]؛
بدان که برای تو است که متحمل رسوایی می شوم. مز۶۹: ۸
[۱۶]آن هنگام که سخنانت عرضه می شد[t]،
آنها را می بلعیدم،

j متن این آیه در شرایط مناسبی نیست. ما بر اساس ترجمهٔ یونانی بازسازی کرده‌ایم. با تغییر اعراب دو کلمه، می توان چنین استنباط کرد: «گفتم: ای یهوه، تو را به بهترین وجه خدمت کردم؛ آری، برای دشمنم نزد تو وساطت کردم، به هنگام ...» ر.ک. ۲۰:۱۸. این آیه را به این دو شکل نیز می توان استنباط کرد: «یهوه گفت: سوگند می خورم، آنچه که از تو باقی می ماند، برای سعادت است»، یا «آری، تو را برای خیریت آزاد می کنم».
k متن این آیه ابهام انگیز است و فکر مفسران را بسیار مشغول ساخته است. بعضی از ایشان، «دشمن» را نبوزردان تلقی می کنند، بعضی دیگر، یهودیانی که مخالف ارمیا بودند. ـ آکیلا و وولگات این گونه استنباط کرده اند: «من با تو بر علیه دشمنانت متحد شده ام». ترجمهٔ احتمالی دیگر: «سوگند می خورم، کاری می کنم که دشمن از تو تقاضا کند، به هنگام ...»
q این بخش از آیه ۱۵، از نظر معنی به این بخش مربوط می شود . این عبارت در ترجمهٔ یونانی نیامده است.
l آیا این خداوند است که به این شکل مجازات سختی را که از شمال می آید (ر.ک. ۶:۱؛ توضیحات ۶:۴) و قاطعیت کسی را که مأمور اعلام آن می باشد (ر.ک. آیه ۲۰) به یاد می آورد؟ یا این شکایت خود نبی است که انگاری می گوید: چگونه می توانم به مقاومت قومی سخت دل به سان سخت ترین فلزات و به سان برنج، خاتمه دهم؟
m ر.ک. اش ۱:۵۰؛ ۳:۵۲؛ مز ۱۳:۴۴. ترجمهٔ احتمالی دیگر: «این است مزد تمامی خطاهایت».
n ترجمهٔ ما منطبق است با برخی نسخ خطی، و ترجمه های یونانی و سریانی؛ ر.ک. ۴:۱۷. قرائت سایر نسخ خطی عبری: «دشمنانت را عبور خواهم داد (!)».
o تحت اللفظی: «آتش از بینی ام می جهد» ر.ک. ۴:۱۷؛ تث ۲۲:۳۲؛ مز ۹:۱۸.
p یا طبق چند نسخه خطی، و مانند ۴:۱۷ «برای ابد خواهد سوخت».
r ر.ک. توضیحات ۸:۹.
s یعنی اینکه «به سبب شکیبایی ات (در حق دشمنانم یا در تحقق تهدیدهایت، ر.ک. ۱۵:۱۷)، مرا (از روی زمین) بر مدار». ر.ک. ۲ـ مک ۱۴:۶.
t تحت اللفظی: «آن هنگام که سخنانت یافت می شد (قابل یافت شدن بود)»؛ منظور کلامی است که خداوند مستقیماً خطاب به او می فرمود (ر.ک. ۹:۱) و شاید هم کلام مکتوب خدا.

سخنانت برای من وجد بود و شادی دلم[u]؛
زیرا که به نام تو خوانده شده ام[v]،
ای یهوه، خدای لشکرها.
مز۱۹:۹،۱۱؛ ۱۱۹:۱۱۱،۱۳۱؛ یو۴:۳۴؛ عبر۶:۵
[۱۷]در محفل خندانان برای خوش گذراندن ننشستم[w]؛
من که زیر دست تو [تحت انقیاد در آمده بودم]، در کناری نشستم؛
زیرا مرا از غضب آکنده ساخته بودی!
[۱۸]از چه سبب دردم پایان نمی پذیرد،
و جراحتم علاج ناپذیر است و از شفا یافتن سر باز می زند؟
۱۰:۱۹؛ ۴۶:۱۱؛ میک۱:۹
پس آیا برای من همچون [جویباری] فریبنده خواهی بود،
همچون آبی که بر آن نمی توان حساب کرد[x]؟
[۱۹]به همین سبب، یهوه چنین سخن می گوید:
اگر بازگردی، تو را باز خواهم گرداند[y]، ۳۱:۱۸
و در برابر من خواهی ایستاد[z]؛ ۷:۱۰
و اگر چیز ارزشمند را از چیز بی بها جدا سازی[a]،
همچو دهان من خواهی بود.
ایشان به سوی تو باز خواهند گشت،
اما تو به سوی ایشان باز نخواهی گشت.
[۲۰]تو را برای این قوم حصاری از برنج تقویت شده خواهم ساخت.
با تو پیکار خواهند کرد، ۱:۱۸-۱۹
اما بر تو پیروز نخواهند شد؛
زیرا من با تو هستم
تا تو را نجات بخشم و تو را رهایی دهم ۱:۸
- وحی یهوه. ۲۰:۱۳
[۲۱]تو را از دست بدکاران رهایی خواهم داد، ۳۸:۹،۱۳
و از چنگ مردمان خشن آزادی خواهم بخشید.

ارمیا، مرد تنها

۱۶ [۱]کلام یهوه به این مضمون به من فرا رسید: [۲]زن نخواهی گرفت و در این مکان پسران و دختران نخواهی داشت. [۳]زیرا چنین سخن می گوید یهوه دربارهٔ پسران و دربارهٔ دخترانی که در این مکان زاده می شوند، دربارهٔ مادرانی که ایشان را

حز۲۴:۱۶؛ مت۱۹:۱۲؛ ۱-قر۷:۲۶

u ر.ک. توضیحات غزل ۳:۱۱.
v ر.ک. ۱۴:۹ و توضیحات ۷:۱۰.
w ر.ک. ۱۶:۸.
x ر.ک. ایوب ۶:۱۵-۲۰.
y ترجمهٔ احتمالی دیگر: «اگر باز گردی و تو را باز گردانم» (یا: اگر تو را اجازه دهم که باز گردی»).
z این حالتی است که خدمتکار در مقابل اربابش دارد و خصوصاً حالت مرد خدا در مقابل خداوندش، به هنگام شفاعت و ستایش و گوش دادن به کلام؛ ر.ک. ۱۸:۲۰؛ ۱-پاد ۱۷:۱؛ مز ۱۰۶:۲۳.
a تحت اللفظی: «اگر چیزهای سنجیده و نه بی ارزش را بیان کنی» (یعنی اگر سخنانت را بسنجی، به جای اینکه هر چه به زبانت آمد بگویی). مفسران یهود مطابق ترجمه آرامی چنین استنباط می کنند: «اگر از بی بها، شریف را خارج سازی» (یعنی اگر بدکاران را به عدالت باز گردانی). - «همچون دهان ...» یعنی اینکه سخنان نبی بار دیگر کلام خدا خواهد بود. نبی فقط سخنگو نیست، او «حامل صدای» کس دیگری است. آنچه که از نظر ترتیب زمانی و ماوراء الطبیعی، برای او قبل از هر چیز دیگری قرار دارد، وابستگی اش به آن کسی است که باید کلامش را منتقل سازد، ر.ک. ۱:۹؛ ۵:۱۴؛ خروج ۴:۱۶؛ ۱-پاد ۱۷:۲۴ و توضیحات.

می‌زایند و دربارهٔ پدرانی که ایشان را در این سرزمین تولد می‌کنند: [۴] به مرگی بد خواهند مرد[b]؛ نه برایشان خواهند گریست و نه دفن خواهند شد؛ بر روی سطح زمین تبدیل به تپاله شده، در اثر شمشیر و در اثر قحط قلع و قمع خواهند شد، و اجسادشان خوراکی برای پرندگان آسمان و حیوانات زمین خواهد گشت.

[۵] آری، یهوه چنین سخن می‌گوید: به خانه‌ای که در آن غذای عزا می‌دهند داخل مشو، و برای سوگواری مرو بر آنان دل مسوزان؛ زیرا آرامش خود را از این قوم باز گرفته‌ام[c] ـ وحی یهوه ـ وفاداری و شفقت را. [۶] بزرگ و کوچک در این سرزمین خواهند مرد؛ دفن نخواهند شد و برایشان نخواهند گریست؛ برای آنان نه خود را مجروح خواهند ساخت و نه سر خواهند تراشید[w]. [۷] برای کسی که در سوگ است نان را تکه نخواهند کرد[e] تا او را برای شخص متوفی تسلی دهند[f]؛ به او[g] جام تسلی به سبب پدر یا مادرش نخواهند نوشانید.

[۸] به خانهٔ ضیافت نیز داخل نخواهی شد تا با ایشان برای خوردن و نوشیدن بنشینی. [۹] زیرا چنین سخن می‌گوید، یهوهٔ لشکرها، خدای اسرائیل: اینک از این مکان، در مقابل چشمان شما و در روزگار شما، فریاد وجد و فریاد شادی را، و آواز داماد و آواز عروس را نابود خواهم ساخت.

[۱۰] و چون همهٔ اینها را به این قوم اعلام کنی و تو را گویند: «به چه سبب یهوه دربارهٔ تمام این مصیبت بزرگ بر ضد ما سخن گفته است؟ خطای ما چیست و چه گناهی در حق یهوه، خدایمان، مرتکب شده‌ایم؟ [۱۱] به ایشان خواهی گفت: به این سبب است که پدران شما مرا رها کرده‌اند ـ وحی یهوه ـ و در پی خدایان دیگر رفته‌اند و آنها را خدمت کرده‌اند و در مقابل آنها سجده نموده‌اند؛ و مرا و شریعت مرا رها کرده‌اند و آن را حفظ ننموده‌اند! [۱۲] اما شما بدتر از پدران خود کرده‌اید، و اینک هر یک از شما لجاجت دل شرور خود را پیروی می‌کند، آن چنان که مرا نشنود. [۱۳] بنابراین، شما را از این سرزمین دور خواهم انداخت، به سرزمینی که نشناخته‌اید، نه شما و نه پدرانتان، و در آنجا روز و شب خدایان دیگر را خدمت خواهید کرد؛ زیرا بر شما لطف نخواهم نمود[h].

۸:۲؛۱۴:۱۶
۱۲:۹؛۱۹:۷؛ مز۷۹:۲-۳
اعد۶:۲۶
۱۴:۱۳
۲۲:۱۸؛ حز۲۴:۲۳
۱۵:۱۷
۲۵:۱۰؛ اش۲۴:۸
۵:۱۹؛ ۵۸:۲
۲:۵،۱۷
۷:۶،۹
۲۵:۶
۳:۱۷
۱۷:۴
۵:۱۹؛ تث۴:۲۸؛ ۲۸:۶۴

b مفسران یهود این گونه تفسیر می‌کنند: «در اثر شکنجهٔ گرسنگی خواهند مرد»، ر.ک. ۱۴:۱۸.
c یا «کامیابی خود را ...» (ر.ک. توضیحات ۱۴:۱۳). بلافاصله بعد از این عبارت، تصریح می‌شود که باز پس گرفتن این عطیه که حاوی همه عطیه‌های دیگر است، نتیجهٔ گسستن «عهد» است. در واقع، سایر عطیه‌ها، یعنی «وفاداری» (۳۱:۳؛ ۳۳:۱۱؛ ۹:۲۳؛ ۳۲:۱۸) و «شفقت»، دو صفت بنیادین خدای عهد هستند (ر.ک. خروج ۳۴:۶)؛ او خود را کنار می‌کشد چون قوم خاصش او را رها کرده‌اند (آیات ۱۱-۱۲)؛ «آرامش» جز در حضور او میسر نیست (ر.ک. توضیحات یو ۱۴:۲۷).
d ر.ک. ۴۷:۵؛ توضیحات تث ۱۴:۱.
e برخی از نسخ خطی عبری، به جای «نان»، قرائت کرده‌اند: «برای ایشان».
f اشاره به مراسمی است که در خانهٔ افراد عزادار انجام می‌شد. آیین تقدیم نان و شراب همچون هدیه، با این هدف صورت می‌گرفت که خانوادهٔ سوگوار خاصه رئیس جدید خانواده را به نوعی به دنیای زندگان باز گردانند و ایشان را «تسلی» بخشند.
g قرائت متن عبری: «به ایشان»؛ «به او» مطابق است با قرائت ترجمه یونانی.
h تحت‌اللفظی: «به شما شفقت نخواهم کرد».

بازگشت[i]

[۱۴] به این سبب، اینک روزهایی می‌آید ـ وحی یهوه ـ که دیگر نخواهند گفت: «سوگند به حیات یهوه که بنی اسرائیل را از سرزمین مصر برآورد!» [۱۵] بلکه: «سوگند به حیات یهوه که بنی اسرائیل را از سرزمین شمال و از تمام سرزمین‌هایی که ایشان را به آنها رانده بود، برآورده است!» ایشان را به زمینشان که به پدرانشان داده‌ام، باز خواهم گرداند.

تمام مقصرین گرفته خواهند شد[j]

[۱۶] اینک صیادان بیشمار خواهم فرستاد ـ وحی یهوه ـ و ایشان را صید خواهند کرد؛ بعد از آن، شکارچیان بی‌شمار خواهم فرستاد، و ایشان را از هر کوهی و هر تپه‌ای، و از شکاف‌های صخره‌ها شکار خواهند کرد. [۱۷] زیرا چشمانم بر تمام رفتار ایشان است؛ آن از من پنهان نیست[k]، و خطایشان از دیدگانم مخفی نمی‌ماند. [۱۸] [l] خطا و گناه ایشان را دو برابر[m] به ایشان خواهم پرداخت، زیرا با جنازه‌های «کثافاتشان» به سرزمین من اهانت کرده‌اند و میراث مرا به «کراهت‌های»[n] خویش پر ساخته‌اند.

انتشار شناخت خداوند در سراسر جهان[o]

[۱۹] ای یهوه، قوت من و قلعهٔ من،
و پناهگاه من در روز تنگی،
به سوی تو ملت‌ها خواهند آمد
از اقصا نقاط زمین، و خواهند گفت:
پدران ما چیزی جز دروغ به ارث نبردند،
و بطالتی[p] که به هیچ کار نمی‌آید.
[۲۰] آیا انسان می‌تواند خدایان بسازد[q]؟
اما اینها خدایان نیستند!
[۲۱] به همین سبب، اینک من ایشان راخواهم شناسانید،

i پس از تهدید در مورد تبعید، این نیاز احساس شده که وعده‌هایی در مورد بازگشت در اینجا گنجانده شود؛ این وعده‌ها مربوط به ۲۳:۷-۸ می‌شود که تغییر چندانی نیز در آن داده نشده است.

j آنچه که در جاهای دیگر گفته می‌شود که مستقیماً به دست خداوند انجام می‌پذیرد (حزق ۱۲:۱۳؛ ۱۷:۲۰؛ ۲۹:۴؛ ۳۲:۳ و توضیحات؛ ایوب ۱۹:۶)، در اینجا به دست فرستادگان او تحقق می‌یابد (آیه ۱۶؛ ر.ک. حب ۱:۱۵-۱۷).

k ر.ک. ۱۱:۲۰؛ مز ۱۳۹؛ بنسی ۱۷:۱۵، ۱۹-۲۰؛ ۲۳:۱۹-۲۱.

l در متن عبری، در اینجا اصطلاح «ابتدا» یا «اول» آمده و به این ترتیب، امیدی برای وقایع بعدی باقی می‌گذارد. این اصطلاح در ترجمه یونانی نیست.

m ترجمهٔ ما منطبق است با استنباط ترجمه آرامی؛ ر.ک. ۱۷:۱۸؛ اش ۴۰:۲؛ ۶۱:۷؛ زک ۹:۱۲؛ مکا ۱۸:۶. ترجمه‌های یونانی و وولگات این چنین استنباط کرده‌اند: «کاری خواهم کرد که جنایت مضاعف و خطای خود را پرداخت کنند»، ر.ک. ۲:۱۳؛ ۱۶:۱۱-۱۲.

n متن عبری به شکل دیگری نقطه گذاری می‌کند: «... به سرزمین من اهانت کرده‌اند. میراث مرا با جنازه‌های کثافاتشان و با کراهت‌های خویش پر ساخته‌اند». «کثافات» و «کراهت‌ها» در اینجا به بت‌ها اشاره دارد، ر.ک. ۱۳:۲۷؛ ۲-پاد ۲۳:۱۳؛ اش ۴۴:۱۹؛ نا ۳:۶. در مورد نجس شدن سرزمین، ر.ک. لاو ۱۸:۲۴-۳۰؛ ۲۶:۳۰؛ حزق ۳۶:۱۸.

o ر.ک. ۳:۱۷؛ توضیحات ۱۲:۱۴.

p ر.ک. توضیحات ۸:۱۰؛ ۳:۲۳.

q ر.ک. ۲:۱۱. ترجمه‌های قدیمی بر اساس بخشی از سنت یهود، این چنین قرائت می‌کنند: «آیا انسان‌ها می‌توانند برای خود خدایان بسازند، آنها که خدایان نیستند؟ (نیز ر.ک. حک ۱۵:۱۶-۱۷).

این بار، به ایشان خواهم شناسانید
دست خود و قدرت خویش را،
و خواهند دانست که نام من یهوه می باشد!

۳۵:۳۱؛ حز۵:۱۳

گناهکاران دیرینه در اثر خشم خدا از اموالشان محروم می‌شوند

۱۷ [۱]گناه یهودا با قلمی فلزی نوشته شده،
با نوکی از الماس بر لوح دلشان حک شده

ایو۱۹:۲۴

[۲]و بر شاخ های قربانگاه هایشان[r]
بر ستون های یادبودشان و بر تیرهای مقدسشان،
بر هر درخت سبزی،
بر تپه های مرتفع،
[۳]بر کوه ها، در دشت[s].
ثروتت را و تمامی گنجهایت را

۲:۲۲؛ ۷:۶،۲۹؛ ۱۳:۲۳

۲:۲۰؛

به یغما خواهم داد،
مکان های بلند گناهت را[t]
در تمامی خطه ات.
[۴][u]تو از دست خواهی داد میراثت[v] را
که به تو داده بودم.
کاری خواهم کرد که دشمنانت را خدمت کنی
در سرزمینی که نمی شناسی؛
زیرا آتشی که در بینی ام برافروخته اید
برای همیشه خواهد سوخت[w].

اش۱:۲۹

تث۲۸:۴۸

۱۵:۱۴:۱۶:۱۳

آنچه که فریب می‌دهد و آنچه که فریب نمی‌دهد[x]

[۵]یهوه چنین سخن می گوید[y]،
ملعون باد کسی که بر انسان اعتماد می کند
و گوشت را قوت خویش می سازد[z]،
اما دلش از یهوه دور می شود!

مز۱۴۶:۳

r قرائت برخی نسخ خطی دیگر: «قربانگاه هایتان». در مورد «شاخ های قربانگاه ها»، ر.ک. توضیحات خروج ۲۷:۲. خطای قوم غیرقابل انکار است و در کثرت مکان های عبادت بت ها ظاهر می شود (ر.ک. آیات ۲-۳: ۱۱:۱۳؛ توضیحات ۱:۲۷) و در اعماق وجود هر شخص ریشه دارد. در نتیجه، خداوند برای تجدید «عهد»، باید رهنمودهای خود را در همین اعماق ثبت کند (۳۱:۳۳؛ ر.ک. حزق ۳۶:۲۵-۲۷). در خصوص تصویر «لوح دل»، ر.ک. امث ۳:۳؛ ۷:۳؛ ۲ـ قرن ۳:۳؛ تث ۶:۴-۹.
s تحت اللفظی: «کوه نشین در دشت». ترجمهٔ ما مبتنی است بر تفسیر مفسران یهود.
t متن عبری را می توان این چنین نیز استنباط کرد: «مکان های بلندت را به یغما خواهم داد، به سبب خطایی که در تمامی خطه ات (انتشار می یابد).» بعضی نیز به پیروی از ترجمهٔ آرامی و بخشی از سنت یهود که دو کلمهٔ عبری را جابه جا می کنند، این آیه را چنین ترجمه می کنند: «ثروت ها و تمامی گنج هایت را به یغما خواهم داد، به سبب خطای مکان های بلندت». دستهٔ دیگری از مفسران یهود چنین استنباط کرده اند: «مکان های بلندت که در خطا درست شده اند...»
u این متنی است معماگونه که مفسران یهود و نیز آکیلا و وولگات این چنین ترجمه می کنند: «تو آن «عفو» بزرگ را به جا خواهی آورد، تنها، دور شده از میراثی که به تو داده ام» طبق این ترجمه، ایشن چون قانون «عفو» را طبق اقتضای تورات به جا نیاورده اند (تث ۱۵:۹)، میراث خود را نیز از دست می دهند.
v با فرض اینکه کلمه ای در متن عبری دچار خدشه شده، می توان بر اساس تث ۱۵:۳، این عبارت را این چنین ترجمه کرد: «تو میراثت را از خویش خلع ید خواهی کرد» (یعنی از حق خود بر میراثت دست خواهی کشید).
w ر.ک. توضیحات ۱۵:۱۴.
x در امتداد وحی پیشین، موضوع امنیت کاذب و واقعی (ر.ک. توضیحات ۲:۱۸؛ اش ۳۰:۱۵؛ ۳۱:۱-۳) بار دیگر بسط می یابد (آیات ۵-۸)، اما به شکلی جهان شمول تر که به موضوع دو طریق مرتبط می گردد (تث ۳۰:۱۵-۲۰؛ مز ۱؛ امث ۴:۱۸-۱۹؛ ۱۲:۲۸؛ ۱۵:۲۴؛ بنسی ۱۵:۱۷؛ ۳۳:۱۴؛ مت ۳:۱۳-۱۴). دو ضمیمه (آیات ۹-۱۰ و ۱۱) این را تکمیل می کند.
y این فرمول در ترجمهٔ یونانی نیامده، و همچنین آیات ۱-۴.
z تحت اللفظی: «بازوی خود را از گوشت (بشر) می سازد».

۲توا۳۲:۸

[۶]او همچون سرو کوهی در صحرا است
و آمدن سعادت را نمی بیند؛
در مکان های سوخته، در بیابان اقامت
می کند،
در شوره زاری که در آن ساکن نمی شوند.

مز۳۴:۱۳؛ ایو۲۰:۱۷؛ ۳۹:۶

[۷]فرخنده باد کسی که به یهوه اعتماد
می کند
و اعتمادش یهوه می باشد!

مز۱۸:۱۹؛ ۳۴:۹؛ ۸۴:۱۳؛ امث۱۶:۲۰؛ بنسی۳۴:۱۵

[۸]او همچو درختی است که نزد آبها
کاشته شده
و ریشه هایش را به سوی جریان (آب)
می فرستد؛
چون گرما فرا می رسد، نمی ترسد
و برگ هایش سبز باقی می ماند؛
از خشکسالی نگران نمی شد
و از میوه دادن غافل نمی ماند.

حز۴۷:۱۲

[۹]دل[a] خائن است، بیش از هر چیزی،
و شفاناپذیر: چه کس آن را می شناسد؟
[۱۰]من، یهوه، دل را تفتیش می کنم
و گرده ها[b] را می کاوم،

۱۷:۱

تا به هر کس مطابق رفتارش بدهم،
مطابق ثمرهٔ اعمالش.

ایو۳۴:۲۱؛ عبر۴:۱۲-۱

[۱۱]کبکی که بر تخمی که نگذارده
می خوابد،
همچنان است آن کس که ثروت را با
نادرستی کسب کند؛
در وسط روزهایش باید آن را رها
سازد
و در آخر، او چیزی جز شخصی بی عقل[c]
نیست.

۳۲:۱۹؛ حز۱۸:۳۰؛ هو۱۲:۳
مز۳۹:۷؛ ۵۵:۲۴؛ مز۲۸:۸
لو۱۲:۲۰

دعا[d]

[۱۲]تخت سلطنت جلال، که از آغاز در
مکانی بلند قرار داشت،
مکان قدس ما[e]!
[۱۳]ای امید اسرائیل، ای یهوه،
جمله آنان که تو را رها می کنند، شرمسار
خواهد گشت،
آنان که از تو[f] دور می شوند، از سرزمین
ریشه کن خواهند شد[g]؛

۱۴:۲۱
۵۰:۷
۲:۱۳؛۵:۱۹؛ مز۳۶:۱۰؛

a ر.ک. بنسی ۱۷:۶؛ ۲۱:۲۴.
b ر.ک. ۱۱:۲۰؛ ۲۰:۱۲؛ ۱ـ پاد ۸:۳۹؛ مز ۱۳۹:۲۳؛ روم ۸:۲۷.
c یا «دیوانه»، اما در معنایی که در توضیحات ایوب ۲:۱۰ آمده است.
d لااقل از آیه ۱۴، بخش جدیدی از «اعترافات ارمیا» را می یابیم (ر.ک. توضیحات ۱۱:۱۸). مانند قطعهٔ بعدی (۱۸:۱۸-۲۳)، در این بخش توالی احساساتی متضاد که دل ارمیا را ریش می سازد، ظاهر می شود. نبی که از اعلام بی وقفهٔ پیام مجازات دلزده شده (آیه ۱۶؛ ۱۵:۱۷-۱۸؛ ۱۸:۲۰؛ ۲۰:۹، ۱۴-۱۸، ر.ک. توضیحات ۲۰:۸)، و آماده است تا خوش بینی سایر انبیا را بپذیرد (۴:۱۰؛ ۱۴:۱۷؛ ۲۸:۶)، و به خاطر رنج های کنونی و آتی قومش پر از دلسوزی است (۸:۱۸-۲۲؛ ۱۳:۱۷؛ ۱۴:۱۷)، در اثر طعنه ها یا توطئه های بی ایمانان (آیه ۱۵؛ ۱۱:۱۸-۱۹؛ ۱۵:۱۰؛ ۱۸:۱۸؛ ۲۰:۷-۸، ۱۰)، ناگهان به نقطه ای می رسد که آرزوی تحقق آنی تهدیدات الهی را می کند (۱۵:۱۵) و خواهان شرمساری و مصیبت دشمنان خودش (۱۸:۲۱-۲۳) و نیز دشمنان قومش (۱۰:۲۵ و توضیحات) می گردد، و می خواهد که بدکاران نابود شوند (۱۲:۳). این انتظار ناشی است از رها ساختن خود در دست های خداوند (۱۱:۲۰؛ ۲۰:۱۱-۱۳)، و ایمانش به قدرت مطلق و نجات بخش الهی (ر.ک. آیات ۱۳-۱۴)، ایمانی که شامل جنبه های دیگری نیز می باشد (ر.ک. خصوصاً توضیحات ۱۲:۱۴)؛ او هم چنین تصدیق می کند که در اثر این صمیمیت با خداوند، از شادی عمیقی برخوردار شده است (۱۵:۱۶).
e ر.ک. ۳:۱۷؛ توضیحات مکا ۱۱:۱۹.
f قرائت عبری: «از من». ترجمهٔ ما مبتنی است بر وولگات.
g تحت اللفظی: «در سرزمین ثبت شده اند»، یعنی «در سرزمین بی بازگشت» که اقامت گاه مردگان باشد و محلش در اعماق زمین پنداشته می شد (ر.ک. توضیحات یون ۲:۷). در لو ۱۰:۲۰ اصطلاحی متضاد را می یابیم: «در آسمان ها ثبت شده است».

بار۳:۱۲

چرا که یهوه، چشمهٔ آب زنده را رها کرده‌اند.

[۱۴]شفایم ده، ای یهوه، و شفا خواهم یافت،

مرا نجات بخش و نجات خواهم یافت؛
زیرا تو ستایش من هستی.

۱۸:۳۱؛ ۲پا۷:۵؛ مز۶:۳؛ ۳:۱۰۳؛ ۳:۱۴۷

[۱۵]اینک ایشان به من می‌گویند:
«کجا است کلام یهوه؟ بادا که برسد[h]!»

[۱۶]اما من تو را برای بدی نشتاباندم[i]،
روز مهلک را آرزو نکردم،
تو این را می‌دانی! آنچه که از دهانم بیرون می‌آمد
در برابر «روی» تو بود.

[۱۷]برای من وحشت مباش،
تو، ای پناهگاه من در روز مصیبت!

۱تسا۲:۱۰

[۱۸]باشد که آزارکنندگانم شرمسار گردند،
و من شرمسار نگردم!
بادا که ایشان هراسان شوند،
و من هرسان نشوم!
روز مصیبت را بر ایشان بیاور،
و ایشان را به شکستگی مضاعف بشکن[j]!

۱۵:۱۵؛ ۱۱:۲۰؛ مز۳۵:۴

سَبَّت، روز استراحت برای خداوند[k]

[۱۹]یهوه این چنین با من سخن گفت: برو و بر دروازهٔ پسران قوم[l] بایست که پادشاهان یهودا از آنجا داخل می‌شوند و از آنجا خارج می‌شوند، و بر تمامی دروازه‌های اورشلیم. [۲۰]به ایشان خواهی گفت: به کلام یهوه گوش فرا دهید، ای پادشاهان یهودا و ای تمامی یهودا، و همگی شما، ای ساکنان اورشلیم که از این دروازه‌ها داخل می‌شوید. [۲۱]یهوه چنین سخن می‌گوید: خود را نگاه دارید ـ به خاطر زندگی خودتان ـ از حمل بار در روز سبت و داخل کردن آن از دروازه‌های اورشلیم. [۲۲]در روز سبت باری از خانه‌های خود خارج مسازید، و هیچ کاری مکنید. روز سبت را تقدیس نمایید، مطابق آنچه که به پدران شما امر فرمودم. [۲۳]اما ایشان گوش نکردند و گوش نسپردند؛ گردن خود را سخت ساختند تا گوش فرا ندهند و درس را نیاموزند.

۳:۱۹

۵:۱۹؛ ۳:۵؛ صف۳:۲

[۲۴]اگر به راستی به من گوش فرا دهید ـ وحی یهوه ـ و در روز سبت باری از دروازه‌های این شهر داخل نسازید، و اگر روز سبت را تقدیس نمایید و در آن هیچ کاری نکنید، [۲۵]آنگاه از دروازه‌های این

h ر.ک. توضیحات اش ۱۹:۵.

i ر.ک. ۱۸:۲۰ و توضیحات ۱۱:۱۵. متن عبری بسیار مبهم است. بر اساس ترجمهٔ آرامی، می‌توان چنین قرائت کرد: «نشتابیدم تا به دنبال تو چوپان نباشم» (یعنی امتناع نکردم که به دنبالت چوپان باشم). قرائت ترجمه یونانی: «از دنبال کردن تو خسته نشدم»، قرائت وولگات: «پریشان نشدم از اینکه به سان چوپان تو را دنبال کنم».

j ر.ک. توضیحات ۱۸:۱۶.

k خروج ۲۳:۱۶. بسط این موضوع که به نح ۱۳:۱۵-۲۲ نزدیک است، تنها بخش از کتاب ارمیا است که در آن از سَبَّت سخن به میان آمده است. این امر بیشتر تجلی تفکری «کهانتی» از شخصی مانند حزقیال است (۲۰:۲۰؛ ۲۲:۲۶؛ ۲۴:۴۴...)؛ نیز ر.ک. اش ۵۶:۲-۶؛ ۵۸:۱۳.

l یعنی دروازه‌ای که بیش از بقیه مورد استفاده است.

شهر، پادشاهانی که بر تخت سلطنت داود می نشینند داخل خواهند شد، سوار بر ارابه ها و بر اسبان، هم ایشان و هم بزرگانشان، هم مردمان یهودا و هم ساکنان اورشلیم. این شهر برای همیشه مسکون خواهد بود، [۲۶]و از شهرهای یهودا و از حوالی اورشلیم خواهند آمد، از سرزمین بنیامین، از زمین های هموار و از کوهستان و از نگب، و قربانی سوختنی و قربانی ذبحی، و هدیه آردی و بخور خواهند آورد، و قربانی ستایش را به خانهٔ یهوه خواهند آورد.

[۲۷]اما اگر از گوش فرا دادن به من و تقدیس روز سبت امتناع ورزید و به هنگام دخول از دروازه های اورشلیم در روز سبت، باری حمل کنید، آنگاه آتشی بر دروازه هایش بر خواهم افروخت؛ و قصرهای اورشلیم را خواهد بلعید و خاموشی نخواهد پذیرفت.

۱۱:۱۸؛ ۲-پا۲:۲۳ — ۷:۷؛ یول۴:۲۰ — ۱۱:۳۳ — ۱۴،۱۲:۲۱

خاك رس و کوزه گر[m]

۲۰:۷

۱۸ [۱]کلامی که از سوی یهوه به این مضمون به ارمیا فرا رسید: [۲]«بر پا بایست! به خانهٔ کوزه گر فرود آ و در آنجا سخنانم را به تو خواهم شنوانید» [۳]به خانهٔ کوزه گر فرود آمدم، و اینک او با چرخ کار می کرد. [۴]و چون ظرفی که می ساخت خراب می شد، همان گونه که برای گل رس زیر دست کوزه گر [رخ می دهد]، ظرفی دیگر می ساخت، بر حسب آنچه که مورد پسندش بود که بسازد.

بنسی۲۹:۳۸

[۵]کلام یهوه به این مضمون به من فرا رسید: [۶]این خاندان اسرائیل، آیا من نمی توانم مانند این کوزه گر در حق شما عمل نمایم؟ ـ وحی یهوه. آری، همان گونه که گل رس در دست کوزه گر است، شما نیز ای خاندان اسرائیل، در دست من می باشید. [۷]گاه بر علیه ملتی و بر علیه مملکتی سخن می گویم برای بر کندن و کوبیدن و هلاک ساختن؛ [۸]اما اگر این ملتی که بر علیه آن سخن گفته ام، از شرارتش باز گردد، آنگاه از بدی ای که تدبیر کرده بودم که به او برسانم، پشیمان می شوم. [۹]و گاه بر علیه ملتی و بر علیه مملکتی سخن می گویم برای بنا کردن و کاشتن [۱۰]اما اگر [این ملت] آنچه را که در نظر من بد است انجام دهد، به گونه ای که به صدایم گوش فرا ندهد، آنگاه از نیکی ای که درباره اش سخن گفته بودم که برایش انجام دهم، پشیمان می شوم.

پید۲:۷؛ اش۶۴:۷؛ ایو۱۰:۷-۹ بنسی۳۳:۱۳ — ۳:۲۶

[۱۱]و اکنون با مردمان یهودا و با ساکنان اورشلیم به این مضمون سخن بگو: یهوه چنین می گوید: اینک من بر علیه شما مصیبتی شکل می بخشم و بر علیه شما طرحی می ریزم. پس هر یک، از راه بد خویش بازگشت کنید، و رفتارتان و

پید۶:۶-۷ — ۳۲:۳۲

m خود خداوند از نبی می خواهد که نزد کوزه گر برود (آیه ۱)، و خود خداوند نیز معنای نمادین اموری را که او مشاهده می کند، بر او آشکار می سازد (آیه ۵)؛ ابتکار عمل در دست ارمیا نیست و او هیچ چیزی را به واسطهٔ هوشمندی بشری اش کشف نمی کند. این است آنچه که خداوند بر او مکشوف می سازد: کوزه گر صاحب و مالک مواد خود می باشد؛ او می تواند ظرفی را که مطابق طرحش نیست خراب کند و ظرفی دیگر بسازد. به همان شکل، خداوند نیز می تواند حاکمانه قوم ها را بر پا دارد و از میان ببرد. آیات ۷-۱۲ این نماد را با اندکی تفاوت تعبیر می کند و شاید بعدها اضافه شده باشد.

۲۵:۵:۲۵؛۱۳:۲۶؛ ۱۵:۳۵؛ زک۱:۴

اعمالتان را اصلاح نمایید. [۱۲]اما ایشان خواهند گفت: «بی فایده است! ما می‌خواهیم افکار خود را دنبال کنیم، و هر یک مطابق سرسختی دل بد خویش عمل خواهیم نمود».

۲۵:۲

۱۷:۳

خطایی هولناک

[۱۳]به این سبب، یهوه چنین می گوید:
از ملت‌ها سؤال کنید:
چه کس چنین چیزی شنیده است؟
او کارهای بسیار زشت مرتکب شده است،
آن باکرۀ اسرائیل!
[۱۴]آیا برف لبنان
صخره های سریون را رها می سازد؟
یا آب‌های کوهساران خشک می شود
(آن آبهای) گوارا و جاری[n]؟
[۱۵]اما قوم من مرا از یاد برده‌اند!
برای «نیستی» بخور سوزانده‌اند،
در راه‌های خویش لغزش خورده‌اند،
بر جاده های کهن[o]،

۱۱-۱۰:۲
۲۱،۴:۳۱ ۳۰:۵
۳۲:۲
۱۶:۱
۱۱:۲

تا در راه‌های تنگ ره بسپارند،
بر راهی که ترسیم نشده،
[۱۶]تا سرزمین خود را تبدیل به ویرانه سازند،
به ریشخند، برای همیشه[p].
هر کس که از کنار او بگذرد، حیرت خواهد کرد
و سر خواهد جنباند.
[۱۷]به سان باد شرقی، ایشان را پراکنده خواهم ساخت
از برابر دشمن.
در روز شوربختی شان،
پشت خود را به ایشان نشان خواهم داد،
نه «روی» خود را[q].

۹:۲۵؛ ۱۸:۲۹؛ ۳۷:۵۱
۲۴:۱۳؛۱۱:۴

«آیا نیکی را با بدی پاسخ گویند[r]؟»

[۱۸]ایشان گفته‌اند: «بیایید تدبیرها بر علیه ارمیا بیندیشیم؛ زیرا کاهن تعلیم کم نخواهد آورد، و حکیم مشورت، و نبی کلام[s]. بیایید او را با زبان خودش بزنیم و

۲پا۳:۱۲

n متن لطمه دیده و تا حدی به کمک حدس و گمان بازسازی شده ست. «سریون» (تث ۹:۳؛ مز ۶:۲۹) نامی است که مردم صیدون به کوه حرمون داده بودند. قرائت ترجمۀ یونانی: «آیا زبری از سنگ محو می شود یا برف از لبنان؟ آیا آبی که دراثر باد برده می شود، می تواند مقاومت کند؟» قرائت ترجمۀ آرامی: «همان گونه که امکان ندارد آب برفی که بر صحراهای لبنان نازل می شود باز ایستد، به همان گونه بارانی که می بارد و آبی که از چشمه می جوشد، باز نخواهد ایستاد».

o تحت‌اللفظی: «جاده های همیشگی» ر.ک. دد ۶:۱۶.

p تحت‌اللفظی: «به سوت زدن، برای همیشه». این سوت زدن و تکان دادن سر بیشتر بیانگر حیرت و وحشت است تا تقبیح یا تحقیر (ر.ک. مرا ۱۵:۲)؛ این حرکات همچنین به منظور دور کردن تأثیرات نحس و شیطانی انجام می شد.

q این پاسخی است به ۲۷:۲ (نیز ر.ک ۶:۱۵)، قرائت عبری: «من پشت سر را می بینم و نه صورت را» (یعنی اینکه ایشان در حال فرار هستند، ر.ک. خروج ۲۷:۲۳). ما طبق قرائت ترجمه های یونانی و آرامی و سریانی و وولگات و مفسران یهود، فعل عبری «دیدن» را در وجه سببی قرائت کرده‌ایم.

r ر.ک. توضیحات ۱۲:۱۷.

s تحت‌اللفظی: «تعلیم (به عبری: تورات، ر.ک. توضیحات اش ۳:۲) نزد کاهن از میان نخواهد رفت، نه مشورت نزد حکیم، و نه کلام نزد نبی». معاصران ارمیا بر این باورند که در نقش سه گانۀ کاهنان و حکیمان و انبیا، وسیله‌ای در دست دارند برای شناخت ارادۀ خدا در هر زمان (ر.ک. توضیحات ۸:۲؛ مرا ۹:۲-۱۰). فکر می کنند می توانند ارمیای نبی و پیامش را رد کنند بی‌آنکه لطمه‌ای بخورند. اما ر.ک. مز ۲۲:۱۱۸. بعضی از مترجمان، این آیه را چنین استنباط کرده‌اند: «اگر کاهن نباشد تعلیم از میان نمی رود، اگر حکیم نباشد...»

به هر یک از سخنانش توجه کنیم[t].» ۷،۲:۹

[۱۹]ای یهوه، به من توجه فرما،
و بشنو صدای آنان را که مرا به جنایت متهم می‌سازند.
[۲۰]آیا نیکی را با بدی پاسخ گویند مز۳:۵
که چاهی[u] می‌کنند تا زندگی [را از من بگیرند]؟ مز۱۲:۳۵
به یادآور که من در برابر تو ایستادم[v]
تا دربارهٔ ایشان نیکویی بگویم[w]،
تا خشم تو را از ایشان برگردانم[x].
[۲۱]به این سبب، پسرانشان را به قحطی بسپار ۱۱:۶
و آنان را به قدرت شمشیر رها ساز.
بادا که زنانشان از فرزند و شوهر محروم گردند!
بادا که مردانشان قربانی طاعون شوند و بمیرند! مز۹:۱۰۹
بادا که جوانانشان در جنگ به شمشیر زده شوند!
[۲۲]بادا که فغان از خانه هاشان بیرون آید، ۲۰:۹
آن گاه که به ناگاه غارتگران را بر ایشان می‌آوری.
چرا که چاهی برای گرفتنم حفر کرده‌اند
و دام‌های زیر پایهایم پنهان ساخته‌اند.
[۲۳]اما تو، ای یهوه، تو آگاهی مز۶:۱۴۰
از جمیع طرح‌های مهلک ایشان بر علیه من. ۳:۱۲؛ حب۱۳:۱؛ مز۲۲:۳۵
خطای ایشان را میامرز،
و گناهشان را از برابر خویش محو مساز!
بادا که در برابر تو بلغزند
و به هنگام خشمت، بر علیه آنان عمل نما! مز۱۴:۱۰۹؛ نح۳۷:۳؛ ۱۴:۶

سخت‌دلی ایشان را مصیبت مکافات خواهد داد

۱۹ [۱]آنگاه یهوه [به ارمیا] گفت: برو و سبویی از گل رس بخر[y]. همراه خود، مشایخ قوم و چند کاهن بر دار، [۲]و به سوی وادی ابن هنّوم که در مدخل دروازهٔ «خرده سفال[z]» است خارج شو. در آنجا، سخنانی را که به تو خواهم گفت، فریاد زده، [۳]خواهی گفت: ای پادشاهان یهودا و ای ساکنان اورشلیم، به کلام یهوه گوش فرا دهید. یهوهٔ لشکرها، خدای اسرائیل چنین سخن می‌گوید: اینک بر این مکان مصیبتی ۲:۲ ۱۱:۲۱

t ترجمهٔ ما مبتنی است بر ترجمه های یونانی و سریانی. قرائت متن عبری: «او را با افتراها نابود کنیم و به سخنانش هیچ توجهی نکنیم».
u ر ک مز۷:۱۶؛۷:۵۷؛۸۵:۱۱۹؛امث۲۷:۲۶و...
v ر.ک. توضیحات ۱۹:۱۵.
w یا «تا برای ایشان سعادت بطلبم».
x ر.ک. ۱۶:۷؛ توضیحات ۱:۱۵؛ توضیحات ۱۲:۲۰.
y در متن عبری، این توضیح اضافی وجود دارد: «...بخر، از کسی که خاک رس را شکل می بخشد».
z این دروازه، مانند دروازهٔ «دره» (ر.ک. توضیحات ۲۳:۲) و دروازهٔ «تپاله» (نح ۱۴:۳) که احتمالاً باید آن را با همین دروازه یکی دانست، ظاهراً مشرف به درهٔ ابن هنوم بود. پس حرکت نمادینی که در آیه ۱۰ توصیف می شود (ر.ک. توضیحات ۱:۱۳)، در مقابل این دره انجام شده است؛ ویراستاران در اینجا با تغییراتی اندک، سخنانی را که بر علیه این مکام ملعون بیان شده و قبلاً ذکر گردیده (۳۰:۷ تا ۳:۸)، تکرار کرده‌اند.

خواهم آورد که هر کس آن را بشنود، گوشهایش زنگ خواهد زد[a]؛ [۴]زیرا مرا رها کرده اند و این مکان را منتقل ساخته اند، و در آنجا برای خدایان دیگر که نه خودشان می شناختند، نه پدرانشان، و نه پادشاهان یهودا[b]، بخور سوزانده اند، و این مکان را از خون بی گناهان پر ساخته اند. [۵] ایشان برای بعل مکان های بلند بنا کرده اند تا پسران خود را همچون قربانی سوختنی برای بعل، در آتش بسوزانند، چیزی که نه امر کرده بودم و نه گفته بودم، و به فکرم خطور نکرده بود[c]. [۶]به همین سبب، اینکه روزهایی می آید - وحی یهوه - که این مکان دیگر «توفت[d]» و «وادی ابن هِنّوم» نامیده نخواهد شد، بلکه «وادی قتل عام» [۷]در این مکان، طرح یهودا و اورشلیم را تخلیه خواهم کرد؛ ایشان را به شمشیر و به دست آنان که قصد جانشان را دارند، در برابر دشمنانشان فرو خواهم انداخت، و جنازه هایشان را برای خوراک به پرندگان آسمان و به حیوانات زمین تسلیم خواهم کرد. [۸]این شهر را به ویرانه و به ریشخند[e] تبدیل خواهم نمود؛ هر که از نزدیک آن بگذرد، حیرت خواهد کرد و در مقابل تمامی بلاهایش سوت خواهد زد[f]. [۹] به ایشان گوشت پسرانشان و گوشت دخترانشان را خواهم خوراند، و یکدیگر را خواهند خورد، در تنگی و در اضطرابی که دشمنانشان و آنان که قصد جانشان را دارند برایشان پدید خواهند آورد.

[۱۰]آن سبو را در مقابل چشمان مردانی که با تو آمده اند، بشکن، [۱۱]و به ایشان بگو: یهوهٔ لشکرها چنین سخن می گوید: به این شکل است که این قوم و این شهر را خواهم شکست، همان گونه که ظرف کوزه گر را می شکنند که دیر قابل مرمت نباشد. و در توفت دفن خواهند کرد، زیرا جایی برای دفن کردن نخواهد بود. [۱۲] به این مکان همچنین خواهم کرد - وحی یهوه - و به ساکنانش، آنگاه که این شهر را مانند توفت بسازم. [۱۳]خانه های اورشلیم و خانه های پادشاهان یهودا، به مانند مکان توفت، نجس خواهد بود، (یعنی) تمام این خانه ها که بر بام هایشان برای تمام «لشکر» آسمان ها بخور سوزانده اند و برای خدایان دیگر هدایای ریختنی ریخته اند!

[۱۴]هنگامی که ارمیا از توفت بازگشت که یهوه او را به آنجا فرستاده بود تا نبوت کند، در صحن خانهٔ یهوه ایستاد، و به تمام قوم گفت: [۱۵] «یهوهٔ لشکرها، خدای اسرائیل، چنین سخن می گوید: اینک بر این شهر و بر همهٔ شهرهای [تابع] آن، مصیبتی را که در مورد آن سخن گفته ام خواهم آورد، زیرا گردن خود را سخت کرده اند تا به سخنانم گوش فرا ندهند».

۵:۴۵
۱۶:۱
۳۱،۶:۷؛ ۳:۲۲؛ مز۳۸:۱۰۶؛ ۲پا۳:۱۶؛ ۱۷:۱۷
۳۲:۷
اش۳:۱۹
لا۱۷:۲۶
۲۰:۳۴
۱۷:۴۹
لا۲۹:۲۶؛ ۲-پا۲۹:۶؛
حز۱۰:۵؛ با۳:۲
اش۱۴:۳۰؛ مرا۲:۴
۱:۱۶:۳۲:۲۹؛ ۱۹-۱۷:۴۴
۱۳:۴۹

a تحت اللفظی: «دو گوشش زنگ خواهد زد» (۱-سمو ۱۲:۳؛ ۲-پاد ۱۲:۲۱).
b ر.ک. توضیحات ۹:۷؛ ۳:۴۴.
c ر.ک توص حزق ۲۵:۲۰.
d ر.ک. توضیحات ۳۱:۷.
e ر.ک. توضیحات ۱۶:۸.
f تحت اللفظی: «بر تمامی ضرباتش سوت خواهد زد»، ر.ک. توضیحات ۶:۱۸.

۷:۲۶؛ تث۱۰:۱۶؛ اع۷:۵۱

مصیبت به دست پادشاه بابل خواهد آمد

۲۰

[۱]فَحشور کاهن، پسر امّیر، رئیس ناظران خانهٔ یهوه، شنید که ارمیا این چیزها را نبوت می کند. [۲]فشحور دستور داد تا ارمیا نبی را بزنند و او را در دروازهٔ «عالی بنیامین» که در خانهٔ یهوه[h] است، در کُنده[g] بگذارند. [۳]اما روز بعد، فشحور دستور داد تا ارمیا را از کنده برگیرند، ولیکن ارمیا به او گفت: «یهوه دیگر تو را با نام فشحور نخواهد خواند بلکه با نام «ماگور ـ مسّابیب» [وحشت از هر سو]. [۴]زیرا یهوه چنین سخن می گوید: اینک تو را به وحشت تسلیم خواهم کرد، تو و همهٔ دوستانت را؛ ایشان به شمشیر دشمنانشان خواهند افتاد، و چشمانت این را خواهد دید! و تمام یهودا را به دست پادشاه بابل[i] تسلیم خواهم نمود و او آنان را به بابل تبعید خواهد کرد و به شمشیر خواهد زد. [۵]تمام ثروت های این شهر، تمام عایدات آن، و هر چیز ارزشمندی را که دارد تسلیم خواهم نمود؛ و تمام گنج های پادشاهان یهودا را به دست دشمنانشان تسلیم خواهم کرد؛ ایشان آنها را غارت کرده، خواهند گرفت و به بابل خواهند برد. [۶]اما در مورد تو، ای فشحور، و تمام ساکنان خانه ات، شما به اسارت خواهید رفت؛ به بابل خواهی رسید و در آنجا خواهی مرد، و در آنجا دفن خواهی شد، تو و تمام دوستانت که برای آنان دروغ را نبوت کرده ای[j]!

۶:۲۰ — ۲پا۱۵:۳۵ — ۱۰:۲۰ — مز۳۱:۱۲ — اش۳۹:۶ — ۲۵:۱۳

خداوند بدون رقت جنگ را برمی انگیزد ...[k]

[۷]تو مرا فریفتی، ای یهوه، و فریب خوردم،
مرا گرفتی و پیروز شدی!
تمامی روز موضوع خنده می باشم،
همگان مرا استهزاء می کنند.
[۸]زیرا هر بار که سخن می گویم باید هیاهو کنم

۱:۷ — مز۴۴:۱۴؛ مرا۳:۱۴؛ حک۵:۴

h بدینسان این دروازه را از دروازه شهر که به همین نام وجود دارد، متمایز می سازند (۳۷:۱۲؛ ۳۸:۷).

g کلمهٔ عبری می تواند به تیری اشاره کند که مجرم را به آن می بستند و می آویختند، گاه نیز شاید وارونه. از متن مشخص است که این عمل در ملأ عام صورت می گرفت (ر.ک. ۲۹:۲۶).

i این نام سرنوشت ساز برای نخستین بار در اینجا از سوی ارمیا به کار می رود. شاید بلافاصله بعد از نبرد کرکمیش به سال ۶۰۵ ق.م. (ر.ک. توضیحات ۴۶:۲) باشد که نبی هویت این دشمنان مشهور را که از شمال می آیند، افشا می کند؛ ر.ک. توضیحات ۴:۶؛ ۶:۱.

j ر.ک. توضیحات ۵:۳۱. این فشحور که کاهن و نبی بود (با فشحوری که منصب مذهبی نداشت فرق دارد، توضیحات ۲۱:۱)، احتمالاً در همان سال ۵۹۷ ق.م. به تبعید رفت، زیرا در سال ۵۹۴ ق.م. می بینیم که مسئول محافظان معبد، کاهنی است به نام صفنیا، پسر مَعَسیا که خود نیز پس از یهویاداع به این مقام رسیده بود (۲۹:۲۵-۲۶). منظور از «رئیس ناظران» فرمانده محافظان یا نیروی انتظامی معبد است.

k آیات ۷-۱۸ آخرین عناصر «اعترافات ارمیا» است (ر.ک. توضیحات ۱۲:۱۷). این عناصر بیش از پیش به ۱۵:۱۰-۲۱ نزدیک می شود (ر.ک. توضیحات آیه ۱۴)؛ اما در آیات ۷-۹، شهادتی اصیل در مورد مصائب مربوط به رسالت نبوتی وجود دارد (ر.ک. توضیحات ۱۱:۱۸). نبی با آزادی بسیار، خداوند را مسئول قلمداد می کند و اساساً به او می گوید: «مرا فریب دادی و حالا دچار چنین وضع اسف باری شده ام (آیات ۷-۸). اما مقاومت کردن دیگر ممکن نیست، زیرا کلام تو در من نیرویی است قابل انفجار (آیه ۹)». ر.ک. ۵:۱۴؛ ۲۳:۲۹؛ عا ۳:۸.

و فریاد کنم به خشونت و به ویرانی[l]!
زیرا که کلام یهوه برای من[m]
رسوایی و استهزاء است تمامی روز.
[۹]گفتم: دیگر از او ذکری به میان نخواهم آورد
و دیگر به «نام» او سخن نخواهم گفت.
اما آن در دلم همچون آتشی سوزان بود،
محبوس در استخوان هایم؛
از خودداری خسته شدم
و دیگر قادر به آن نبودم.
[۱۰]زیرا سخنان شرارت‌آمیز از مردم می شنیدم:
«وحشت از هر سو!
افشا کنید! او را افشا خواهیم کرد!
همهٔ دوستان نزدیکم[mm]
در کمین بودند که بیفتم:
«شاید فریب بخورد و بر او پیروز شویم،
از او انتقام خواهیم گرفت».

۱۸:۲۰؛ ۱۵،۱۰:۱۵
یون۱:۳
مز۳۹:۴؛ ایو۳۲:۱۸-۱۹
۱۱:۶؛ عا۳:۸
۵:۴۶؛ مز۳۱:۱۴
مر۳:۲

...اما او نزدیک می‌ماند

[۱۱]اما یهوه همچو قهرمانی با هیبت با من است،
به همین سبب است که آزارکنندگانم خواهند لغزید
به جای اینکه پیروز شوند.
از اینکه موفق نشده اند، کاملاً خجل خواهند شد:
شرمساری ابدی و فراموش نشدنی!
[۱۲]اما [تو] ای یهوهٔ لشکرها، که عادل را تفتیش می کنی،
که گرده ها و دل[n] را می بینی،
کاش که انتقام تو را از آنان ببینم!
چرا که داد خود را به تو سپرده ام[o].
[۱۳]برای یهوه بسرایید،
یهوه را بستایید،
زیرا از دست بدکاران
جان مستمند را رهایی داده است.

«چرا از بطن مادر بیرون آمدم[p]؟»

[۱۴]لعنت بر آن روز
که در آن زاده شدم!
آن روز که مادرم مرا زایید،
بادا که فرخنده نباشد!
[۱۵]لعنت بر آن کس که برای پدرم خبر آورد و گفت:

۱۸:۳۲؛ اش۴۲:۱۳؛
۱۸:۱۷؛ مز۴۰:۱۵
۴۰:۲۳
۲-تو۱۶:۹
۲۰:۱۱؛ مز۳۷:۵؛ مز۹۶:۱
مز۱۴۸:۱
۲۱:۱۵؛ ۱۸:۳۹؛ مز۹۷:۱۰
ایو۳:۳

l این گونه نیز می توان ترجمه کرد: «باید درخواست کمک کنم و فریاد بزنم: «خشونت، ستم!» به دلیل بدرفتاری هایی که بلافاصله بر نبی وارد می‌آید (ر.ک. ۲۰:۲؛ ۲۶)، شاید چنین برداشتی درست باشد.
m تحت اللفظی: «از آنجا که کلام یهوه به من فرا رسید...» ر.ک. ۳:۲۵؛ توضیحات ۳:۱۳.
mm تحت اللفظی: «مردمان آرامش من»؛ ر.ک. توضیحات ۱۳:۱۴.
n ر.ک. توضیحات ۲۰:۱۱.
o ارمیا می داند که هر جرمی باید مجازات شود و هر عمل بدی با رنج مکافات خواهد شد (ر.ک. توضیحات ۲۵:۱۰ و توضیحات ۱۲:۱۷)؛ این اصل تعادل اعمال باید در همه جا و در همه وقت بر رفتار متقابل میان اعضای جامعه حاکم باشد. اما ارمیا خودش اقدام به عمل تنبیهی نمی کند؛ او این امر را به خداوند واگذار می کند (ر.ک. تث ۳۲:۳۵؛ روم ۱۲:۱۹) ـ عیسی و به تعبیت از او، استیفان، تلویحاً این اصل را تصدیق خواهند کرد، اما برای اعدام کنندگان خود دست به شفاعت خواهند زد (لو ۲۳:۳۴؛ اع ۷:۶۰؛ نیز ر.ک. ارمیا در ۱۷:۱۶؛ توضیحات ۱۵:۱۱).
p ایوب ۳:۲۳. آیات ۱۴-۱۸ (نیز ر.ک. ۱۵:۱۰) ممکن است الهام بخش فصل ۳ ایوب بوده باشد. در مقابل این سخنان مردی که دیگر توان خود را از دست داده، باید ۱۵:۱۹-۲۱ را به یاد آورد، یعنی پاسخ خداوند به ۱۵:۱۰، ۱۵-۱۸ را.

«برایت پسری زاده شد»،
[و] اورا سرشار از شادی کرد.
[۱۶] بادا که این شخص همچون شهرهایی باشد
که یهوه بدون پشیمانی واژگون ساخت؛
بادا که بامدادان فریادها بشنود
و هیاهویی به گاه ظهر!
[۱۷] زیرا مرا از همان بطن مادر نمیراند؛
آنگاه مادرم گور من می بود
و بارداری‌اش برای همیشه به درازا می‌کشید!
[۱۸] پس چرا از بطن مادر بیرون آمدم
تا رنج و محنت را ببینم،
و روزهایم در خجالت تلف شود؟

۲۲:۱۸ ۲:۴۹ ایو۳:۱۱ ایو۳:۱۰،۲۰

در مورد پادشاهان یهودا[q] پاسخی به صدقیا[r]

۸:۲۰

۲۱ [۱] کلامی که از سوی یهوه به ارمیا فرا رسید، آن هنگام که صدقیا پادشاه، فشحور، پسر مَلکیا[s]، و صفنیا کاهن، پسر مَعَسیا[t] را نزد او فرستاد تا [به او] بگویید: [۲] «از یهوه برای ما مشورت نما، زیرا نبوکدنصر، پادشاه بابل، بر علیه ما می‌جنگد؛ شاید یهوه تمام کارهای شگفت انگیز خود را برای ما تجدید کند، طوری که این شخص از نزد ما دور شود». [۳] ارمیا به ایشان گفت: «با صدقیا چنین سخن خواهید گفت: [۴] این چنین سخن می‌گوید یهوه، خدای اسرائیل: اسلحهٔ جنگ که در دست دارید و با آنها با پادشاه بابل و کلدانیانی که شما را محاصره کرده‌اند می‌جنگید، اینک آنها را از بیرون دیوارها باز آورده، در میان این شهر گرد خواهم آورد[u]. [۵] من خودم با دستی دراز شده و با بازویی نیرومند[v] بر علیه شما خواهم جنگید، با خشم و غضب و غیظی عظیم؛ [۶] ساکنان این شهر را، از انسان گرفته تا حیوان، با طاعونی سخت خواهم زد و از آن خواهند مرد. [۷] پس از آن -وحی یهوه- صدقیا، پادشاه یهودا، و خدمتگزارانش و جمعیتی که بعد از طاعون و شمشیر و قحط در این شهر مانده باشند، ایشان را به دست نبوکدنصر، پادشاه بابل، و به دست دشمنانشان، و به دست آنانی که قصد جانشان را دارند، تسلیم خواهم نمود؛ او ایشان را با لبهٔ تیز شمشیر خواهد زد[w] و

۱:۱۸ ۷:۳۷؛ ۲پا۱۳:۲۲ مز۱۰۵:۲،۵ ۳۷:۳۲

q این مجموعه ای است از وحی های مختلف دربارهٔ آخرین پادشاهان یهودا. در بخش نتیجه گیری (۲۳:۱-۸)، خداوند اعلام می‌دارد که برای قومش چوپانان (۲۳:۴) یا بلکه چوپانی (۲۳:۵-۶) مهیا می‌سازد که تجسم عدالت خودش بوده، و بالاخره «مطابق دلش» خواهد بود (ر.ک. ۳:۱۵) ـ نبوتی مشابه در حزق ۳۴ یافت می‌شود.

r ر.ک. توضیحات ۱:۳.

s این شخصیت را (ر.ک. ۳۸:۱) نباید با کاهنی به همین نام که پسر اِمّیر بود (۲۰:۱، ر.ک. توضیحات ۲۰:۶) اشتباه کرد.

t این شخصیت را در ۲۹:۲۵؛ ۳۷:۳؛ ۵۲:۲۴ نیز می‌یابیم.

u متن مبهم است. این عبارت می‌تواند به دو معنا باشد؛ یکی اینکه خدا اسلحهٔ اسرائیلیان را بر می‌گرداند و در میان شهر گرد می‌آورد؛ یا اینکه خدا اسلحهٔ ایشان را منحرف می‌سازد. بعضی نیز این گونه برداشت کرده‌اند که خدا کلدانیان را در وسط شهر گرد خواهد آورد، ر.ک. ۳۹:۳.

v ر.ک. توضیحات ۳۲:۱۷؛ تث ۴:۳۴؛ اش ۴۴:۱۲؛ ۶۲:۸؛ مز ۸۹:۱۱.

w تحت‌اللفظی: «او ایشان را با دهان شمشیر خواهد زد». مطابق ۳۴:۵، صدقیا «در آرامش خواهد مرد» (ر.ک. ۳۲:۵)؛ این امر باعث ایجاد این فکر می‌شود که این آیه که مجموعه ای از فرمول‌هایی است نه چندان اصیل، ممکن است توضیح ویراستار باشد، ر.ک. «مقدمه».

نسبت به آنان بدون ترحم و بدون شفقت و بی‌رحم خواهد بود».

۱۴:۱۳؛ ۵:۱۵؛ ۵:۱۶

[۸] و به این قوم بگو: «یهوه چنین سخن می‌گوید: اینک در مقابل شما راه حیات و راه مرگ را قرار می‌دهم[x]. [۹] آن کس که در این شهر بماند، با شمشیر و با قحط و با طاعون خواهد مرد؛ آن کس که از آن خارج شود و به جانب کلدانیانی برود که شما را محاطره کرده‌اند، خواهد زیست و زندگی خود را به غنیمت خواهد برد[y]. ۱۰ـ زیرا «روی» خود را به سوی این شهر ثابت نگاه داشته‌ام برای شوربختی و نه برای خوشبختی ـ وحی یهوه ـ و آن به دست پادشاه بابل تسلیم خواهد شد که آن را با آتش خواهد سوزاند».

۲:۳۸؛ ۱۱:۴۴؛ لاو ۳:۲۰؛ حز ۸:۱۴؛ عا ۹:۴

پادشاهان، قصرهایشان، و شهرشان

[۱۱] و برای خاندان پادشاه یهودا:
و به کلام یهوه گوش فرا دهید،
[۱۲] ای خاندان داود!
یهوه چنین سخن می‌گوید:
از بامداد عدالت را به اجرا درآورید
و ستمکش را از دست ستمگر رهایی دهید،

۱۳،۳:۲۲؛ ۴:۴

مبادا که خشمم مانند آتش شعله ور شود
و بسوزاند و کسی نباشد که خاموش کند،
به سبب شرارت اعمالتان!

۲۰:۷؛ عا ۶:۵؛ نا ۶،۲:۱

[۱۳] من اینک به ضد تو هستم، ای دختری که ساکن وادی هستی،
ای صخرهٔ دشت[z] ـ وحی یهوه ـ
شما که می‌گویید: «چه کسی بر ما فرو خواهد آمد،
چه کس به عزلت‌گاه‌های ما داخل خواهد شد؟»

۳۱:۵۰؛ نا ۱۴:۲؛ ۵:۳

[۱۴] من بر ضد شما مجازات را به‌جا خواهم آورد
مطابق ثمرهٔ اعمالتان ـ وحی یهوه ـ
در جنگلش[a] آتش خواهم افروخت،
و تمامی حوالی‌اش را خواهد سوزانید.

۴:۴۹؛ عو ۳؛ ۸:۹؛ ۱۰:۱۷؛ ۱۲:۲۱

۲۲ [۱] یهوه چنین سخن می‌گوید: به خانهٔ پادشاه یهودا فرود آ[b]؛ در آنجا این کلام را خواهی گفت؛ [۲] بگو: ای پادشاه یهودا که بر تخت سلطنت داود می‌نشینی، به کلام یهوه گوش فرا ده، تو و خدمتگزارانت و قومت که از این دروازه‌ها داخل می‌شوید. [۳] یهوه چنین سخن

۱۴:۴۶؛ ۲:۷:۲۹:۲۲؛ ۴:۳۴:۲۰:۱۷

x ر.ک. ۵:۱۷

y تحت‌اللفظی: «زندگی‌اش برایش تبدیل به غنیمت خواهد شد»، مانند ۳۸:۲؛ ر.ک ۳۹:۱۸؛ ۴۵:۵.

z در این مجموعهٔ وحی‌ها که مربوط به خانوادهٔ سلطنتی است، این عبارت باید اشاره‌ای باشد به کاخ پادشاه (مانند ۲۲:۶-۷) و نه به اورشلیم در کلیت آن. دشمن که از سمت شمال می‌آید (ر.ک. توضیحات ۶:۴)، برای رسیدن به کاخ که در آن سوی معبد قرار داشت، می‌بایست یک سرازیری را طی کند. صخره‌ای واقعی، جلو دشت (یعنی محوطهٔ معبد) را می‌گرفت و مشرف بر وادی قدرون بود.

a منظور از «جنگل» احتمالاً (مانند ۲۲:۶-۷) اشاره‌ای است به ستون‌ها و چوبکاری‌های دیوارهای کاخ، ر.ک. ۱ـ پاد ۷:۲. بعضی از مترجمان پیشنهاد کرده‌اند که بر اساس قرائت متفاوت ترجمه یونانی در ۴۶:۱۴، مصرع بعدی این چنین ترجمه شود: «و تمامی چوبکاری‌هایش را خواهد سوزانید».

b قصر سلطنتی نسبت به معبد در ناحیه‌ای پست‌تر قرار دارد، ر.ک. توضیحات ۲۱:۱۳؛ ۲۶:۱۰؛ ۳۶:۱۲؛ ۲ـ پاد ۱۱:۱۹؛ ۲۰:۵.

می‌گوید: انصاف و عدالت را به‌جا آورید؛ ستمکش را از دست ستمگر رهایی دهید؛ غریب و یتیم و بیوه‌زن را آزار مرسانید و با آنان شدت مکنید؛ و خون بی‌گناه را در این مکان مریزید. [۴] زیرا اگر به راستی این کلام را به‌جا آورید، آنگاه از دروازه‌های این خانه، پادشاهانی که بر تخت سلطنت داود می‌نشینند داخل خواهند شد، سوار ارابه‌ها و بر اسبان، هم ایشان، و هم خدمتگزارانشان، و هم قومشان. [۵] اما اگر به این سخنان گوش فرا ندهید، به (ذات) خویش سوگند[c] - وحی یهوه - این خانه تبدیل به ویرانه خواهد شد.

[۶] زیرا یهوه دربارهٔ خانهٔ پادشاه یهودا چنین سخن می‌گوید:

تو برای من یک جلعاد[d] بودی،
قله‌ای در لبنان؛
سوگند که از تو بیابانی خواهم ساخت،
شهری غیرمسکون.
[۷] بر علیه تو ویرانگرانی اختصاص خواهم داد،
هر یک را با ابزارهایش؛
سدرهای مرغوبت را فرو خواهند کوفت
و آنها را در آتش خواهند افکند.

۱۲:۲۱ / ۶:۷؛ خرو۲۲:۲۰-۲۱ / ۱۷:۲۲؛ تث۱۹:۱۰، ۱۳ / ۲۵:۱۷ / ۱۰:۹ / زک۱۰:۱۰ / ۴:۶؛ ۱۲:۳؛ اش۱۳:۳ / ۲۲:۱۵، ۲۳؛ اش۳۷:۲۴

[۸] ملت‌های بسیار از کنار این شهر خواهند گذشت، و مردمان به یکدیگر خواهند گفت: «از چه سبب یهوه با این شهر چنین کرده است؟» [۹] و خواهند گفت: «به این سبب که عهد یهوه، خدای خویش را رها کردند، و در برابر خدایان دیگر سجده کرده، آنها را خدمت کردند.»

در مورد شَلّوم[e]

[۱۰] مگریید برای آن کس که مرده است
و بر او دل مسوزانید.
بگریید، بگریید برای آن کس که رفته است؛
چرا که دیگر او را بازنگشتی نخواهد بود،
زادگاه خویش را نخواهد دید.

[۱۱] زیرا این چنین سخن می‌گوید یهوه دربارهٔ شَلّوم، پسر یوشیا، پادشاه یهودا، که در جای پدرش یوشیا سلطنت کرده است: آن کس که از این مکان بیرون رفته، به آن باز نخواهد گشت؛ [۱۲] زیرا در مکانی که به آن تبعید شده، در آنجا خواهد مرد، و این سرزمین را دیگر نخواهد دید.

۸:۱۹ / ۱۹:۵؛ تث۲۹:۲۳-۲۵ / ۱۰:۱۳ / ۲توا۳۵:۲۴-۲۵

c خداوند برای اینکه استحکام عزم خود را بیان کند، نمی‌توانست سوگند یاد کند مگر به خودش (۱۳:۴۹؛ پید ۱۶:۲۲؛ اش ۲۳:۴۵؛ عبر ۶:۱۳)، یا به حیات خود (۱۴:۵۱؛ عا ۸:۶)، یا به قدوسیت خویش (عا ۲:۴؛ مز ۳۶:۸۹)، یا به نام عظیم خود (۲۶:۴۴)، یا به دست راست و بازوی نیرمند خویش (اش ۸:۶۲)، و به وفاداری و امانت خود (مز ۸۹:۵۰).

d جلعاد و لبنان هر دو نماد فراوانی و زیبایی بودند: اشاره به جنگل‌های جلعاد (ر.ک. ۲-سمو ۶:۱۸، ۸-۹) و لبنان، شاید اشاره‌ای باشد به چوبکاری‌های خانهٔ پادشاه (ر.ک. توضیحات ۱۴:۲۱).

e ر.ک. توضیحات ۳:۱. آیه‌های ۱۱-۱۲ به منزلهٔ توضیح آیه ۱۰ به شکل نثر می‌باشد. این وحی سه ماه پس از رویداد مَجدّو بیان شده است (۶۰۹ ق.م.، ر.ک. ۲-پاد ۲۹:۲۳). عزای ملی برای یوشیا هنوز پایان نیافته بود که ارمیا مردم را به سوگواری برای رفتن کس دیگری فرا می‌خواند. - شَلّوم نام دیگر یهوآحاز می‌باشد، مانند یدیدیا - سلیمان (۲-سمو ۲۵:۱۲)، عزریا - عزیا (توضیحات ۲-پاد ۱۳:۱۵)، الیاقیم - یهویاقیم (۲-پاد ۳۴:۲۳)، مَتَنیا - صدقیا (۲-پاد ۱۷:۲۴).

بر علیه یهویاقیم[f]

[۱۳]وای بر آن کس که خانهٔ خود را بسازد[g]
بدون [رعایت] عدالت،
و اتاق های بلند خود را، بدون [رعایت] انصاف[h]،
که همسایهٔ خود را برای هیچ به کار وا می دارد
و بهای کارش را به او نمی دهد[i]؛
[۱۴]او که می گوید: «برای خویش خانه ای وسیع بنا خواهم کرد
و اتاق های بلند جادار»،
که در آن پنجره ها[j] تعبیه می کند،
آن را با سقفی از سدر می پوشاند
و با شنگرف اندود می کند.
[۱۵]آیا نمی توانی پادشاه باشی
مگر آنکه با سدر رقابت کنی[k]؟
آیا پدرت[l] نخورد و ننوشید؟
او انصاف و عدالت را به جا می آورد،
لذا همه چیز برای او نیکو بود!
[۱۶]او به داد فقیر و مستمند می رسید،
لذا همه چیز نیکو بود!
آیا شناخت من این نیست؟[m] - وحی یهوه.
[۱۷]اما تو چشمانت و دلت فقط به دنبال منافع ات می باشد،
به دنبال خون بی گناه تا آن را بریزی[n]،
به دنبال ستم و خشونت، تا آنها را به جا آوری.
[۱۸]به این سبب، این چنین سخن می گوید یهوه دربارهٔ یهویاقیم، پسر یوشیا، پادشاه یهودا:
وای بر این مرد!
برای او نوحه سرایی نخواهند کرد (و نخواهند گفت):
«برادرم، افسوس! خواهرم، افسوس!»
برای او نوحه سرایی نخواهند کرد (و نخواهند گفت):

میک۳:۱۰؛ حب۲:۱۲؛ بنسی۲۱:۸؛ یع۵:۴
۲۳:۹؛هو۶:۶
مز۱۱۹:۳۶
۱۵:۲۶؛ ۲پا۲۱:۱۶
۱۶:۶؛ مز۷۸:۶۴

f ر.ک. توضیحات ۳:۱.
g احتمالاً در یکی از اتاقهای جدید «خانهٔ شاهانه» است که یهویاقیم نخستین مجموعهٔ وحی های ارمیا را می سوزاند (۳۶:۲۲).
h دفاع از انصاف و عدالت وظیفهٔ اولیهٔ پادشاه (آیت ۳ و ۱۵؛ ۲۳:۵؛ ۳۳:۱۵؛ توضیحات پید ۱۸:۱۹؛ میک ۳:۱؛ امث ۱۶:۱۲-۱۳؛ ۲۹:۴، ۱۴ و توضیحات) و نیز هر انسانی است (ر.ک. ۱:۵ و توضیحات). پادشاه که بر روی زمین جایگزین خدایی است که انتقام گیرندهٔ ستمکشان است (۵:۲۸-۲۹؛ ۹:۲۳؛ عا ۲:۶-۸ و غیره؛ توضیحات نا ۱:۲؛ مز ۹۴:۱-۲، ۵-۶...) به طور خاص مسئولیت مطرودان و فقیران و ضعفا را بر دوش می کشد (آیه ۱۶، ر.ک. مز ۷۲:۲-۴، ۱۲-۱۴؛ ۱۳۲:۱۵). اما یهویاقیم همچون بیدادگری بی دین (آیات ۱۳، ۱۷) با ادعاهایی اغراق آمیز (آیه ۱۴، ر.ک. توضیحات ۱۰:۲۴) عمل می کند.
i ر.ک. تث ۲۴:۱۴-۱۵. پادشاه در دین موسی، حاکمی مستبد تلقی نمی شد که مجاز باشد به دلخواه خود از مردم برای امور شخصی خود بیگاری بکشد؛ او نیز مانند هر فرد دیگری، می بایست حق الزحمه کارگران خود را بپردازد.
j یا بالکن های سقف دار به سبک مصری که در طبقات جدیدی که به قصرش اضافه کرده بود، ساخته بود.
k تحت اللفظی: «آیا به این سبب حکومت خواهی کرد که با سدر وارد رقابت می شوی» این گونه نیز می توان استنباط کرد: «آیا با وارد شدن به رقابت با سدر، حکومت خواهی کرد؟» ر.ک. ۵:۱۲.
l برخی از مفسران بر این باورند که منظور اشاره به سلیمان یا داود می باشد؛ اما بیشتر تصور می رود که منظور یوشیا باشد. در مورد یوشیا (پدر یهویاقیم)، ر.ک. توضیحات ۲:۱ و ۲ـ توا ۳۴-۳۵؛ بنسی ۴۹:۱-۴.
m ر.ک. توضیحات ۹:۵، ۲۲. این شناخت راستین خدا که در اجرای عدالت متجلی می شد، شرط کامیابی مادی برای یوشیا (و نیز برای سلیمان) بود (آیه ۱۵).
n مثلاً قتل اوریاهو (۲۶:۲۳).

«ای سرورم، افسوس! افسوس، ای اعلیحضرت[o]!»

[۱۹] تدفین خر، تدفین او خواهد بود؛
او را کشیده، خواهند انداخت
به آن سوی دروازه های اورشلیم[p].

۳:۱۵؛ ۲-سمو۱۳:۱۷

دختر نامطیع غمزده[q]

[۲۰] به لبنان بر آن و فریاد برآور،
در باشان صدا بزن،
از اباریم[r] فریاد بزن؛
زیرا جمله عاشقانت[s] له شده اند!
[۲۱] به هنگام آسودگی ات با تو سخن گفتم؛
گفتی: «گوش نخواهم داد».
از جوانی ات رفتارت این چنین است؛
تو به صدای من گوش فرا ندادی[t].

۱۲:۱۸

[۲۲] همهٔ چوپانانت را باد خواهد فرستاد که بچرند،
عاشقانت به اسارت خواهند رفت؛

۲۵:۳؛ ۱۹:۳۱

آنگاه خجل و شرمسار خواهی بود
از تمامی شرارتت[u].

۲۰:۲۲
۱۹:۳۱

[۲۳] ای تو که در لبنان ساکنی،
و در سدرها لانه داری[v]،
آن هنگام که دردها بر تو آیند، چه ناله ای خواهی کرد،
لرزشی، به سان زنی که می زاید.

۱۲:۷
۷:۲۲

در مورد کُنیاهو[w]

۶:۳۰؛ حز۱۴:۴۲

[۲۴] به حیاتم سوگند ـ وحی یهوه ـ حتی اگر کُنیاهو، پسر یهویاقیم، پادشاه یهودا، انگشتری بر دست راستم می بود، حتی از آنجا او را بر می کندم[x]! [۲۵] تو را به دست آنانی که قصد جانت را دارند خواهم سپرد، به دست آنانی که از ایشان می ترسی، به دست نبوکدنصر، پادشاه بابل، و به دست کلدانیان. [۲۶] تو و مادرت را که تو را زاده است، به سرزمین دیگری خواهم افکند که در آنجا زاده نشده اید، و در آنجا خواهید

۲۸:۲۲؛ ۱۳:۱۶؛ ۲-پا۱۵:۲۴

o اینها عیناً اصطلاحات مراسم نوحه خوانی و عزاداری است؛ ر.ک. ۵:۳۴؛ ۱ـ پاد ۳۰:۱۳.

p ر.ک. ۳۰:۳۶. اما ظاهراً هیچ امر غیرعادی به هنگام مرگ او رخ نداده است (ر.ک. ۲ـ پاد ۶:۲۴ و خصوصاً ترجمهٔ یونانی ۲ـ توا ۸:۳۶ که تصریح می کند که یهویاقیم با پدرانش دفن شد). اما شاید نبوکدنصر قبر او را هتک حرمت کرده، و بقایای جسد او را پراکنده کرده باشد، ر.ک. ۱:۸-۲ و توضیحات اش ۱۹:۱۴. نیز ر.ک. ۲ـ توا ۶:۳۶.

q اورشلیم که به شکل شخص معرفی شده (ر.ک. حزق ۱۶)، دعوت شده تا به رفیع ترین قله ها برآید تا پریشانی خود را فریاد زند، پریشانی ای که مجازات بی وفایی خودش می باشد. اگر این وحی مربوط به اورشلیم، در مجموعهٔ وحی های علیه پادشاهان و در کنار وحی مربوط به یهویاکین قرار داده شده، احتمالاً به این علت است که به «چوپانان» (آیه ۲۲)، و نیز ظاهراً به تبعید ۵۹۷ ق.م. اشاره می کند.

r ر.ک. توضیحات اعد ۱۲:۲۷. قرائت برخی از ترجمه های دیگر: «همه جا فریاد برآور». طبق تفسیر یهود، ر.ک. ۳۲:۴۹، و ترجمه های یونانی و سریانی: «از آن سوی دریاها فریاد کن»؛ قرائت وولگات: «به رهگذران...».

s «عاشقانت» احتمالاً اشاره به خدایان بیگانه نیست (هو ۷:۲-۱۵؛ زک ۶:۱۳؛ ر.ک. توضیحات ار ۲۰:۲ و ۲۵)، بلکه به متحدین یهودا در مبارزه اش بر علیه بابل (ر.ک. ۱۴:۳۰؛ حزق ۳۳:۱۶، ۳۶-۳۷؛ ۵:۲۳، ۹، ۲۲؛ مرا ۱۹:۱).

t ر.ک. توضیحات ۲۰:۲

u قرائت ترجمه یونانی (قرائت دیگر متن حرو بی صدا): «به سبب تمام آنان که تو را دوست می دارند».

v تصویری شاعرانه برای اشاره به تکبر اورشلیم و خانه های زیبایش از چوب سدر.

w در مورد کنیاهو (یا یکنیا یا یهویاکین)، ر.ک. توضیحات ۳:۱.

x تحت اللفظی: «تو را از آن برخواهم کند». در مورد تصویر انگشتری، ر.ک. توضیحات حجی ۲۳:۲.

مرد. [۲۷] و اما دربارهٔ سرزمینی که آرزوی[y] بازگشت به آن را دارند، به آنجا باز نخواهند گشت.

[۲۸] آیا این مرد، کُنیاهو،
ظرفی است قابل تحقیر و خرد شده،
یا شی ئی که هیچ کس آن را نمی خواهد؟
چرا افکنده شده اند، او و اعقابش،
افکنده شده در سرزمینی که نمی شناختند؟

۱۱:۱۹؛ ۳۸:۴۸؛ مز۱۳:۳۱؛ بنسی۱۴:۲۱
۱۸:۱۰

[۲۹] ای زمین! ای زمین! ای زمین!
به کلام یهوه گوش فرا ده[z].
[۳۰] یهوه چنین سخن می گوید:
نام این مرد را این چنین ثبت کنید:
«بی اولاد، مردی که در روزگار خود توفیق نمی یابد»؛
چرا که از اعقاب او هیچ کس توفیق نخواهد یافت
که بر تخت سلطنت داود جلوس کند
و بار دیگر در یهودا سلطه براند.

۲۰:۲۹
۲۲:۲۲؛ ۳۰:۳۶؛ ۱-توا۳:۱۷-۲۴

گلهٔ رها شده بار دیگر چوپانانی نیکو می یابد[a]

۲۳ [۱] وای بر چوپانانی که گلهٔ چراگاه مرا هلاک ساخته، پراکنده می سازند - وحی یهوه. [۲] به این سبب است که یهوه، خدای اسرائیل، بر علیه چوپانانی که قوم مرا می چرانند چنین سخن می گوید: این شما هستید که گوسفندان مرا پراکنده ساختید، و آنها را رانديد، و نسبت به آن هیچ توجهی نشان نداده اید. بسیار خوب! من به شرارت اعمالتان توجه نشان خواهم داد، بر علیه شما - وحی یهوه.

۲۱:۱۰؛ ۶:۵۰

[۳] و من بازماندهٔ گوسفندانم را از تمام سرزمین هایی که ایشان را به آنها رانده ام گرد خواهم آورد، و ایشان را به چراگاهشان باز خواهم گرداند؛ آنان ثمر آورده، کثیر خواهند شد. [۴] بر سر آنان شبانانی بر خواهم انگیخت که ایشان را خواهند چراند؛ دیگر نخواهند ترسید و هراسان نخواهند گشت، و از ایشان چیزی کم نخواهد شد[b] - وحی یهوه.

۲۲:۲۳
۶:۲۴
۱۹:۳۰
۱۵:۳

[۵] اینک روزهای می آید -وحی یهوه-
که در آن برای داود جوانه ای عادل[c] بر خواهم انگیخت؛
در مقام پادشاه فرمان خواهد راند و با حزم عمل خواهد کرد،
و انصاف و عدالت را در سرزمین به علم خواهد آورد.
[۶] در روزگار او، یهودا نجات خواهد یافت
و اسرائیل در امنیت ساکن خواهد شد؛
و این است نامی که با آن او را خواهند خواند:
«یهوه - عدالت - ما[d].»

۲-سمو۷:۱۲
میک۵:۳
اش۹:۶
۳۷:۳۲

y ر.ک. ۱۶:۲۷؛ ۱۵:۲۸؛ ۲۹:۳۱.
z تحت اللفظی: «ای سرزمین، این سرزمین، ای سرزمین، گوش فرا ده». می توان از خود پرسید که آیا این فراخوان که مضمون متن را بر هم می ریزد، در جای خود قرار دارد یا نه. اما هیچگاه نمی توان به اصالتش شک کرد (ر.ک. ۲:۳۱).
a ر.ک. توضیحات ۱:۲۱
b یادآوری سعادت مربوط به دوران مسیحایی، ر.ک. ۱۵:۳؛ ۲۹:۱۰-۱۴؛ ۳۰:۱۰.
c «جوانه» یا «شاخه» ر.ک. زک ۸:۳ و توضیحات؛ ۱۲:۶؛ اش توضیحات ۲:۴. «عادل» یا «شرعی»، ر.ک. به آنچه که بلافاصله در مورد اعمال این پادشاه و نام او گفته شده است.
d وقتی «چوپانان» در وظایف خود قصور می ورزند، (ر.ک. توضیحات ۱۳:۲۲)، خداوند خودش امور را در دست می گیرد

ملا۳:۲۰؛ روم۴:۱۰

[e]۷ به این سبب، اینک روزهایی می‌آید ـ وحی یهوه ـ که در آن دیگر نخواهند گفت: «سوگند به حیات یهوه که بنی اسرائیل را از سرزمین مصر برآورد!» ۸ بلکه: «سوگند به حیات یهوه که اعقاب خاندان اسرائیل را از سرزمین شمال و از تمام سرزمین هایی که ایشان را به آنها رانده بود، برآورده، و آورده است تا در زمین خودشان ساکن شوند!»

۱۸:۳؛ اش۴۳:۶

کتابچه مربوط به انبیا

۹ برای انبیا[f].

عمومیت یافتن بی‌نظمی

دلم در اندرونم شکسته،
تمامی استخوان هایم خم شده؛
همچون آدم مست هستم[g]،
همچون آدمی که مغلوب باده شده،
به سبب یهوه
و به سبب سخنان مقدس او[h].

۱۰ چرا که سرزمین پر است از زناکاران[i]، (۸:۲۰)
ـ آری، به سبب این مردمان، سرزمین در عزا است[j]،
مرتع های صحرا خشک شده اند ـ (۲۸:۴)
مسیر ایشان بدی را دنبال می کند،
و رشادتشان، آنچه را که مناسب نیست. (۴:۱۲)
۱۱ آری، حتی نبی، حتی کاهن، بی دین اند،
شرارت ایشان را تا به «خانهٔ» خود یافته ام (مرا۴:۱۳)
ـ وحی یهوه.
۱۲ به همین سبب طریق ایشان برای ایشان
به سان زمینی لغزنده خواهد شد؛
در ظلمات رانده خواهند شد (مز۳۵:۶)
و در آنجا خواهند افتاد.
زیرا بر آنان مصیبتی خواهم آورد، (۱۶:۱۳)
در سال مجازات ایشان[k] ـ وحی یهوه.

بدتر از انبیای سامره[l]

۱۳ نزد انبیای سامره بطالتی دیدم:

(صف ۳:۳-۵؛ ر.ک. توضیحات لو ۳:۱۵). او این کار را به واسطهٔ نسل داود که انتظارش را می کشند، انجام خواهد داد (توضیحات حزق ۲۳:۳۴). این شخص که وسیله ای فرمانبردار پادشاه واقعی اسرائیل می باشد (۱ـ سمو ۱۲:۱۲)، نظم کامل اجتماعی را تأمین خواهد کرد و عدالت خود خداوند برای دو بخش قوم (ر.ک. ۳۱:۲۷-۲۸؛ ۳۳:۷) دوباره برقرار شده، به دست او به اجرا درخواهد آمد، دو بخشی که سرانجام با هم متحد می شوند (ر.ک. توضیحات ۵۰:۴) طبق عهد جدید، این عدالت به واسطهٔ مسیحای موعود به تمام اعضای قوم برگزیده اعطا خواهد شد (روم ۱:۱۷؛ ۱ـ قرن ۱:۳۰؛ ۲ـ قرن ۵:۲۱؛ فی ۳:۹). در ۳۳:۱۶، این نام که یادآور آن پادشاه موعود است (یهوه ـ عدالت ـ ما) به اورشلیم جدید داده شده است.

e ر.ک. توضیحات ۱۶:۱۴.

f این بخش (آیات ۹-۴۰؛ ر.ک. توضیحات ۲:۸) متشکل است از عناصری متنوع و مربوط به زمان های مختلف، که نخستین آن (آیات ۹-۱۲)، شکایت نبی است. ارمیا از آنچه که بر او منکشف شده، منقلب و مبهوت است، یعنی از فساد اخلاقی قوم و خصوصاً بزرگان مذهبی (انبیا و کاهنان) که بهای سنگینی برای آن خواهند پرداخت.

g ر.ک اش۱۹:۱۴؛۲۴:۲۰؛مز۶۵:۷۸؛۱۰۷:۲۷؛ایو۱۲:۲۵.

h آنچه که باعث منقلب شدن نبی می شود، صرفاً محتوای مکاشفه نیست، بلکه خود مکاشفه نیز (ر.ک. مقدمه؛ دان ۱۰:۸).

i ر.ک. ۵:۸؛ ۹:۱. این فساد اخلاقی نزد انبیا نیز بیداد می کرد (آیه ۱۴؛ ۲۹-۲۳).

j قرائت متن عبری: «به سبب نفرین ...» قرائت وولگات: «به سبب لعنت ...» چند نسخه خطی و ترجمه های یونانی و سریانی: «به سبب این...»

k ترجمهٔ احتمالی دیگر: «آن گاه که به حسابشان برسم (برای مجازاتشان)» ر.ک. آیه ۲. اسم موصوفی که در عبری به کار رفته، از ریشهٔ همان کلمه ای می‌آید که دو بار در آیه ۲ به کار رفته (ر.ک. توضیحات ۹:۸) این کلمه را ۸ بار در ارمیا می یابیم (۸:۱۲؛ ۱۰:۱۵؛ ۱۱:۲۳؛ ۲۳:۱۲؛ ۴۶:۲۱؛ ۴۸:۴۴؛ ۵۰:۲۷؛ ۵۱:۱۸) و همیشه در معنای مجازات و رسیدگی به حساب ترجمه شده است، ر.ک. ۴۹:۸؛ ۵۰:۳۱.

l در آیات ۱۳-۱۵، ارمیا بر وخامت خطای انبیای اورشلیم تأکید می گذارد؛ این انبیا فساد اخلاقی را به انحرافات مذهبی انبیای سامره افزوده اند.

ایشان به بعل نبوت کرده اند
و قوم من، اسرائیل را گمراه ساخته اند؛
[۱۴]اما نزد انبیای اورشلیم
چیزهایی ترسناک دیده ام:
مرتکب زنا می شوند و در دروغ زندگی می کنند[m]،
به بدکاران دست می دهند،
به آن گونه که کسی از شرارت خود باز نمی گردد،
ایشان همگی برای من چون سدوم می باشند
و ساکنان [شهر]، همچون عموره!
[۱۵]به همین سبب، یهوهٔ لشکرها بر علیه انبیا چنین سخن می گوید:
اینک به ایشان افسَنتین خواهم خوراند
و آب مسموم به ایشان خواهم نوشاند؛
زیرا بی دینی از انبیای اورشلیم آمده
و تمام سرزمین را فرا گرفته است.

اینان انبیای دروغین‌اند

[۱۶]یهوهٔ لشکرها چنین سخن می گوید:
به سخنان انبیایی که برای شما نبوت می کنند، گوش فرا مدهید؛
ایشان شما را با توهمات مشغول می سازند،
و آنچه ادا می کنند، رؤیاهای دل خودشان می باشد،
نه [آنچه که] از دهان یهوه [بیرون می آید].
[۱۷]ایشان جرأت می کنند که به آنان که کلام یهوه را خوار می شمارند بگویند[n]:
«آرامش خواهید داشت!»
و به تمام آنان که مطابق لجاجت دل خود سلوک می کنند، می گویند:
«هیچ بدی بر شما وارد نخواهد آمد».
[۱۸]اما چه کس در شورای یهوه حضور داشته[o]
تا کلام او را ببیند و بشنود؟
چه کس به کلام[p] او توجه نموده و آن را شنیده است؟

خشم یهوه[q]

[۱۹]اینک گردباد یهوه؛ ترس بیرون آمده

۵: ۳۰-۳۱؛ ۱۳:۱۸
۲۲:۲۳
تث۳۲:۳۲
۱۴:۹
۱۴:۸
۲:۳:۷:۲
۱۴:۱۴؛ مرا۱۴:۲
۱۴:۶
۱۷:۳

m ر.ک. توضیحات ۲۵:۱۳.
n ترجمهٔ ما مبتنی است بر ترجمهٔ یونانی. قرائت متن عبری: «... به آنانی که مرا خوار می شمارند بگویند: (یهوه سخن می گوید! برای شما همه چیزآرامش خواهد بود)».
o نبی پیش از آنکه سخنگو باشد (آیه ۲۲؛ توضیحات ۱۹:۱۵)، باید در «شورای» خداوند خداوند حضور داشته باشد زیرا در آنجا «طرح» خداوند تعیین می شود (آیه ۲۰؛ توضیحات عا ۷:۳؛ ر.ک. پاد ۲۲:۱۹-۲۲؛ اش ۶؛ ایوب ۱:۶؛ ۲:۱؛ ۸:۱۵) و در آنجا می تواند به طور مؤثر وساطت کند (پید ۱۸:۲۳-۳۲؛ عا ۷:۱-۶؛ ر.ک. توضیحات ۱۵:۱؛ ۱۸:۲۰). او آن دوستی است که می داند اربابش چه می خواهد بکند (پید ۱۸:۱۷؛ یو ۱۵:۱۵). چیزی نظیر این نزد مدعیان نبوت که مورد اشارهٔ ارمیا هستند، وجود ندارد.
p مطابق متن خوانده شده. متن مکتوب: «کلام من».
q مجازاتی که گریبان خطاکاران را می گیرد، نه بارقهٔ مهارنشدهٔ خشم الهی است، نه نتیجهٔ عدالتی تغییر ناپذیر، بلکه تحقق طرحی است که به دقت تهیه شده و درک کامل آن فقط بعداً میسر خواهد شد (یونانی: «در انتهای ایام»، آیه ۲۰؛ توضیحات هو

۱۱:۴؛ ۲۲:۲۲؛ اش۲۹:۶؛ نا۱:۳

و طوفان با شدت آغاز می‌شود،
و بر سر بدکاران فرو می‌ریزد
[۲۰]خشم یهوه باز نخواهد گشت
مگر آنکه طرح های دلش را به اجرا درآورده باشد
و به آنها تحقق بخشیده باشد؛
در دنبالهٔ روزها، این را به روشنی درک خواهید کرد.

می‌دوند بی‌آنکه فرستاده شده باشند

[۲۱]این انبیا را من نفرستاده‌ام،
اما می‌دوند!
با ایشان سخن نگفته‌ام، (۲۳:۳۲؛ ۲۷:۱۵)
اما نبوت می‌کنند.
[۲۲]لیکن ایشان اگر در شورای من حضور داشته‌اند،
بادا که سخنان مرا به گوش قومم برسانند[r] (۲۳:۱۸)
و ایشان را از راه بدشان
و از شرارت اعمالشان باز گردانند.

(۲۵:۵)

یهوه عالم هستی را پر می‌سازد

[۲۳]آیا من خدایی نزدیک هستم - وحی یهوه - (حک۱:۷)
و نه خدایی دور[s]؟
[۲۴]آیا کسی می‌تواند خود را در نهانگاه‌های خویش پنهان سازد
بی‌آنکه من او را ببینم؟ وحی یهوه.
آیا من آسمان و زمین را پر نمی‌سازم؟ (مز۱۳۹:۷-۱۲)
- وحی یهوه.

(اع۷:۴۹)

«کاه با گندم چه وجه اشتراکی دارد؟»

[۲۵]شنیدم آنچه را که انبیا می‌گویند و به نام من دروغ را نبوت می‌کنند و می‌گویند: [۲۶]«خوابی دیدم! خوابی دیدم!» تا به کی این چنین خواهد بود در دل انبیایی که دروغ را نبوت می‌کنند و فریب دل خود را نبوت می‌کنند، [۲۷]که می‌پندارند با خواب‌هایی که برای یکدیگر بازگو می‌کنند، نام مرا از یاد قومم خواهند برد، همان گونه که پدرانشان نام مرا برای بعل[t] از یاد بردند؟ (۱۴:۱۴) [۲۸]آن نبی که خوابی دارد، خواب را بازگو کند، و آن که کلام مرا دارد، باشد که کلام مرا با وفاداری بگوید.
کاه با گندم چه وجه اشتراکی دارد؟ - وحی یهوه.
[۲۹]آیا کلام من همچون آتش[u] نیست -

۵:۳؛ ر.ک. یو ۱۳:۷، ۳۶)، آن هنگام که به هدفش رسیده باشد، یعنی به آرامش واقعی (توضیحات ۱۶:۵؛ روم ۵:۱ و توضیحات؛ ۱-قرن ۱۴:۳۳). - حضور آیات ۱۹-۲۰ (که در ۳۰:۲۳-۲۴ تکرار شده) در میان وحی‌های بر علیه انبیای دروغین، حاکی از این واقعیت است که ایشان از طرح الهی ناآگاه‌اند، زیرا اعلام می‌کنند که آرامش بلافاصله محقق خواهد شد.

r برداشت ترجمهٔ یونانی: «و اگر سخنان مرا می‌شنیدند، آنگاه ایشان را از راه‌های بدشان باز می‌گرداندند...»

s ر.ک. ۲-پاد ۵:۲۶ و توض. معنای آزاد این عبارت: «آیا من خدای خانگی می‌باشم و نه خدای عالم هستی؟» یهوه خدایی نیست که بتوان او را در مکان و زمان محدود، محبوس کرد؛ او خدای همهٔ مکان‌ها و همهٔ زمان‌ها است. اگر مانند ترجمهٔ آرامی و قیمهی، تأکید را بر جنبهٔ دنیایی بگذاریم، می‌توانیم چنین ترجمه کنیم: «آیا من فقط خدای لحظهٔ حال می‌باشم و خدای همهٔ اوقات نمی‌باشم؟» ر.ک. تث ۳۲:۱۷.

t تحت‌اللفظی: «با بعل».

وحی یهوه ـ همچون چکشی که صخره را خرد می‌سازد؟

[۳۰] به همین سبب، اینک من بر علیه انبیایی هستم ـ وحی یهوه ـ که سخنان مرا از یکدیگر می‌دزدند. [۳۱] اینک من بر علیه انبیایی هستم ـ وحی یهوه ـ که زبان خود را برای ادای وحی‌ها به کار می‌گیرند. [۳۲] اینکه بر علیه انبیایی هستم که خواب‌های دروغین نبوت می‌کنند ـ وحی یهوه ـ و آنها را بازگو می‌کنند، و قوم مرا با دروغ‌ها و لاف‌زنی‌هایشان گمراه می‌سازند، حال آنکه من نه ایشان را فرستادم و نه اوامرم را بر عهدهٔ ایشان گذاردم، و ایشان به هیچ کار این قوم نمی‌آیند ـ وحی یهوه.

۲۱:۲۳؛ ۱۴:۱۴-۱۵

۳۲:۲۹:۸:۷

«بار» واقعی یهوه[v]

[۳۳] و چون شخصی از این قوم، یا نبی‌ای، یا کاهنی از تو سؤال کند و بگوید: «بار یهوه چیست[w]» به ایشان بگو: «بار، شما هستید، و من شما را رد خواهم کرد ـ وحی یهوه». [۳۴] و آن نبی، و آن کاهن، یا آن شخص ازاین قوم که بگوید: «بار یهوه»، من این شخص و خانه‌اش را مجازات خواهم کرد.

[۳۵] این است آن گونه که باید با یکدیگر، در میان خود، سخن گویید: «یهوه چه پاسخ داده است؟» و «یهوه چه گفته است؟» [۳۶] اما از «بار یهوه» دیگر ذکری به میان میاورید؛ زیرا بار برای هر کس، سخن خودش خواهد بود، چرا که معنی سخنان خدای زنده، یهوهٔ لشکرها، خدای ما را منحرف می‌سازد. [۳۷] با نبی چنین سخن خواهی گفت: «یهوه به تو چه پاسخ داده است؟» و «یهوه چه گفته است؟»

مت۱۵:۶

۱۰:۱۰

[۳۸] اما اگر بگویید: «بار یهوه». بسیار خوب! یهوه چنین سخن می‌گوید: از آنجا که می‌گویید: «بار یهوه»، حال آنکه من شما را فرستاده‌ام که بگویید: مگویید «بار یهوه»، [۳۹] بسیار خوب! اینک من شما را بلند خواهم کرد[x] و از «روی» خود به دور خواهم افکند، شما را و شهری را که به شما داده‌ام، به شما و به پدران شما. [۴۰] بر شما ننگی ابدی وارد خواهم ساخت، شرمساری ابدی، فراموش نشدنی!

۱۱:۲۰

u ر.ک. ۱۴:۵؛ توضیحات ۱۴:۱۵؛ ۲۰:۹.

v این بخش (آیات ۳۳-۴۰) حول بازی‌ای با کلمات می‌چرخد. واژهٔ عبری که «بار» ترجمه شده، هم به معنی «وحی» است (که اعلام کنندهٔ ویرانی دشمنان و نجات اسرائیل می‌باشد، ر.ک. توضیحات اش ۱۳:۱) و هم به معنی «بار». خداوند کاربرد این اصطلاح را که مورد استفادهٔ فراوان مخالفان ارمیا است، منع می‌کند. هر که در این امر لجاجت کند، تبدیل به «بار» یهوه خواهد شد.

w ترجمهٔ ما مبتنی است بر ترجمه های یونانی و وولگات. قرائت متن عبری: «بار چیست».

x سایر نسخ خطی عبری چنین قرائت می‌کنند. «شما را فراموش خواهم کرد» یا «شما را قرض خواهم داد».

قوم آینده در تبعید آماده می‌شود[y]

۲۴ [۱] یهوه دو سبد انجیر به من نشان داد که در مقابل معبد یهوه گذاشته شده بود. این بعد از آن بود که نبوکدنصر، پادشاه بابل، یکنیاهو، پسر یهویاقیم، پادشاه یهودا، و نیز بزرگان یهودا، و آهنگران، و قفل سازان را از اورشلیم تبعید کرده و به بابل برده بود. [۲] یک سبد [حاوی] انجیرهای بسیار خوب بود، مانند انجیرهای نوبر، و سبد دیگر، انجیرهای بسیار بد که نمی شد خورد، آنقدر که بد بودند. [۳] یهوه مرا گفت: «ارمیا، چه می بینی؟» گفتم: «انجیر؛ انجیرهای خوب، بسیار خوب است و انجیرهای بد، بسیار بد، و نمی توان آنها را خورد آنقدر که بد است».

[۴] کلام یهوه به این مضمون به من فرا رسید: [۵] یهوه، خدای اسرائیل، چنین سخن می‌گوید: به سان این انجیرهای خوب، به همان سان به تبعیدی‌های یهودا خواهم نگریست، برای خیریتشان[z]، هم آنان را که از این مکان به سرزمین کلدانیان فرستاده‌ام. [۶] چشمانم را برای خیریتشان به سوی ایشان خواهم افکند و ایشان را به این سرزمین باز خواهم گرداند؛ آنان را بنا خواهم نمود و ویرانشان نخواهم ساخت؛ ایشان را خواهم کاشت و بر نخواهم کند[a]. [۷] به ایشان دلی خواهم بخشید تا بشناسند که من یهوه هستم. ایشان قوم من خواهند بود، و من خدای ایشان خواهم بود؛ زیرا با تمام دلشان به سوی من بازگشت خواهند کرد. [۸] اما مانند انجیرهای بد که نمی توان خورد، آنقدر که بد هستند -آری، یهوه چنین سخن می‌گوید- من به همین شکل رفتار خواهم کرد با صدقیا، پادشاه یهودا، با بزرگانش و بقیه اورشلیم، با آنان که در این سرزمین مانده‌اند و آنان که در سرزمین مصر سکونت دارند[b]. [۹] من از ایشان برای تمامی ممالک زمین وحشتی[c] خواهم ساخت، رسوایی و افسانه، استهزاء و لعنت در تمام مکان‌هایی که ایشان را به آنجا برانم[d]. [۱۰] نزد ایشان شمشیر را خواهم فرستاد، قحطی و طاعون را، تا بالکل از روی زمینی که به ایشان و نیز به پدرانشان داده‌ام، نابود شوند.

عا۸:۱
۲۸:۲۲؛ ۲پا۲۴:۱۵
۱۷:۲۹
۱۱:۱
۱۱:۲۹
۲۲:۲۷؛ ۳:۳۰
۳۹:۳۲:۲۳:۹
۲۲:۳۰؛ خرو۶:۷؛ تث۲۶:۱۸
۱۸:۲۹
۱۳:۴۹:۸:۴۴
۱۷:۲۹
۵:۲۵

y پس از ۵۹۷ ق.م. آنانی که در اورشلیم باقی مانده بودند، می‌پنداشتند که فقط تبعیدی‌ها خطاکار هستند و خودشان بی گناهند. رؤیای ارمیا مسائل را در جای درست خود قرار می‌دهد: خداوند بر آنانی که ظاهراً مطرودند، با نظر لطف می نگرد (ر.ک. اش ۵۳: مز ۲۲:۱۱۸)، همانطور که بارها نظر لطف خود را نسبت به فرزندان کوچک‌تر خانواده نشان داده بود (یعقوب، یوسف، داود...) و انتظار زنان نازا را برآورده ساخته بود (۱-سمو ۵:۲؛ مز ۹:۱۱۳). با این حال، تمامیت قوم کماکان متعلق به خداوند باقی می‌ماند (سبدها هر دو در مقابل معبد قرار دارند) و برای آنانی که باقی مانده‌اند نیز امیدی وجود خواهد داشت (ر.ک. ۳۲:۱۵؛ ۳۳:۱-۱۸).

z تحت‌اللفظی: «برای خیریت»، برای خیریت خود او و برای خیریت ایشان. همین امر در آیه بعد نیز مصداق دارد.

a ر.ک. توضیحات ۱:۱۰.

b شاید منظور آن دسته از اهالی یهودا باشد که به هنگام نزدیک شدن نبوکدنصر، به مصر پناه برده بودند.

c ر ک ۱۵:۴؛ ۲۹:۱۸؛ ۳۴:۱۷؛ ۲توا۲۹:۸.

d ر.ک. ۱۸:۲۵؛ توضیحات ۶:۲۶؛ ۲۹:۱۸، ۲۲.

خلاصهٔ موعظهٔ ارمیا پیش از تبعید[e]

۲۵ [۱]کلامی که در سال چهارم یهویاقیم، پسر یوشیا، پادشاه یهودا، دربارهٔ تمام قوم یهودا به ارمیا فرا رسید ـ این در سال اول نبوکدنصر، پادشاه بابل بود[f] ـ [۲]آنچه ارمیای نبی دربارهٔ تمامی قوم یهودا و به تمامی ساکنان اورشلیم، به این مضمون گفت:

[۳]از سال سیزدهم یوشیا، پسر آمون، پادشاه یهودا، تا به امروز[g]، اینک بیست و سه سال است که کلام یهوه به من فرا رسیده و من بدون خستگی با شما سخن گفته‌ام، و شما گوش فرا نداده‌اید! [۴]یهوه تمام خدمتگزاران خود، انبیا را، بدون خستگی، به سوی شما گسیل داشته، و شما گوش نگرفتید و گوش خود را فرا نداشتید تا بشنوید. [۵]او به شما می‌گفت: هر یک از شما از راه بد خویش و از شرارت اعمال خود بازگشت کنید، و بر زمینی که یهوه به شما و به پدران شما، از دیرباز و برای همیشه داده است ساکن خواهید بود. [۶]و در پی خدایان دیگر نروید تا آنها را خدمت کنید و در برابرشان به سجده در آیید، و مرا با عمل دست‌های خود به خشم میاورید[h]؛ آنگاه به شما بدی نخواهم نمود. [۷]اما شما به من گوش فرا ندادید ـ وحی یهوه ـ تا با عمل دست‌های خود، برای تیره روزی خویش، مرا به خشم آورید.

[۸]به همین سبب، چنین سخن می‌گوید یهوهٔ لشکرها: از آنجا که به سخنان من گوش فرا ندادید، [۹]اینک می‌فرستم تا تمامی قبیله‌های شمال را ـ وحی یهوه ـ برای نبوکدنصر، پادشاه بابل، خدمتگزارم، بگیرم، و ایشان را بر علیه این سرزمین خواهم آورد، بر علیه ساکنانش و بر علیه تمام این ملت‌های اطراف؛ آنان را برای لعنت نذر خواهم نمود[i] و به ویرانی و استهزاء و به خرابه‌های ابدی تبدیل خواهم نمود[j]. [۱۰]از میان ایشان فریاد شعف و

۵:۲۶
۱۵:۳۵
۱۸،۶:۷
۲۹:۳۲؛ تث۲۹:۳۱
۱۵:۱
۶:۲۷

e قسمت اول این بخش (آیات ۱-۱۱)، شامل تمام عناصر مهم موعظهٔ ارمیا پیش از تبعید است، و یک عنصر جدید نیز در آن ظاهر می‌شود: طول مدت مجازات محدود به ۷۰ سال است (ر.ک. توضیحات آیه ۱۱). قسمت دوم اعلام می‌دارد که پس از این مدت، ابزار اجرای غضب الهی خودش نیز مورد مجازات قرار خواهد گرفت (ر.ک. توضیحات ۳:۲). در ترجمهٔ یونانی، هویت این ابزار (آیات ۹ و ۱۲) مورد تصریح قرار نگرفته است. چنین به نظر می‌رسد که موضوع این قسمت دوم حدود ده سال بعد از تاریخ تعیین شده در آیه ۱، در موعظهٔ نبی ظاهر می‌شود.

f در اینجا منظور سال جلوس او می‌باشد (۶۰۵ ق.م.) که در تخمین تقویمی ۵۲:۲۸-۲۹ همچون سال اول سلطنتش به حساب نیامده، اما در تخمین ۵۲:۱۲ به حساب آمده است. نبوکدنصر عملاً در ۶ سپتامبر ۶۰۵ ق.م. به قدرت رسید، یعنی پس از نبرد کرکمیش (ر.ک. توضیحات ۴۶:۲)؛ او در این نبرد، در مقام ولیعهد، سپاهیان پدرش، نبوپُلَصر، را فرماندهی می‌کرد. مرگ پدرش در ماه اوت آن سال، او را واداشت تا با شتاب به بابل باز گردد و تاجگذاری کند. اما بدون درنگ، پیشروی خود را به سوی فلسطین از سر گرفت (ر.ک. توضیحات ۲۰:۴).

g ر.ک. ۱:۲ و توضیحات، و ۳۶:۲.

h منظور احتمالاً اعمال بت‌پرستانه است. ر.ک. آیه ۷ و ۱۴؛ ۳۲:۳۰؛ ۴۴:۸؛ در مورد «عمل دست‌های خود» ر.ک. ۱:۱۶.

i اشاره به آیینی است بسیار قدیمی که طی آن، مردم آنچه را که به کمک خدا به تصرف درآورده بودند (ر.ک. توضیحات ۵۰:۲۱؛ توضیحات ۱ـ سمو ۱۵:۱۵؛ توضیحات اش ۳۴:۲)، به خداوند، «مالک تمامی زمین» (میک ۴:۱۳) «وقف می‌کردند»، یا به او «تقدیم می‌نمودند» (۵۰:۲۱، ۲۶؛ ۵۱:۳).

j ر.ک. آیه ۱۸؛ توضیحات ۱۸:۱۶؛ ۴۹:۱۳. ترجمهٔ یونانی به جای آخرین تهدید این آیه، عبارت تهدیدآمیز مذکور در ۲۳:۴۰ را قرائت کرده، چنین آورده: «ایشان را برای همیشه با حقارت خواهم پوشاند».

۱۱:۳۳؛۹:۱۶ فریاد شادی را نابود خواهم ساخت، سرود داماد و سرود عروس را، صدا آسیاب و روشنایی چراغ را.
[۱۱] تمام این سرزمین تبدیل به خرابه و ویرانه خواهد شد[k]، و ایشان در میان ملت‌ها به مدت هفتاد سال[l] در بندگی به سر خواهند برد.

[۱۲] اما آن هنگام که این هفتاد سال به انجام رسد، پادشاه بابل و این ملت را ـ وحی یهوه ـ خطایشان را تنبیه خواهم نمود، و نیز سرزمین کلدانیان را؛ آن را ویرانه‌ای ابدی خواهم ساخت. [۱۳الف] تمامی سخنانی را که بر علیه این سرزمین گفته‌ام و تمام آنچه را که در این کتاب نوشته شده، بر آن

۲۹:۱۰؛ ۲تو۲۱:۳۶

۸:۱۱

وحی‌ها بر علیه ملت‌ها

وارد خواهم ساخت.
[۱۳ب] آنچه که ارمیا بر علیه تمامی ملت‌ها نبوت کرد[m]. [۱۴] زیرا که ملت‌های نیرومند و پادشاهان بزرگ، ایشان را نیز بندگی خواهند کرد؛ و به آنان مطابق رفتارشان و مطابق عمل دست‌هایشان عوض خواهم داد[n].

۱۷:۱۰؛ مز۲۸:۴؛ ۶۲:۱۳

[۱۵] زیرا یهوه، خدای اسرائیل، با من چنین سخن گفته است: «این جام بادهٔ غضب[o] را از دست من بگیر و به تمامی ملت‌هایی که تو را به سوی ایشان می‌فرستم بنوشان؛ [۱۶] ایشان خواهند نوشید و تلوتلو خواهند خورد و دیوانه خواهند شد، به سبب شمشیری که به میان ایشان می‌فرستم.
[۱۷] من جام را از دست یهوه گرفتم و به تمامی ملت‌هایی[p] که یهوه مرا نزد آنها

۲۵:۲۷؛ ۵۰:۳۵-۳۷

k ر.ک. آیه ۱۸؛ ۴۴:۶، ۲۲.

l به گونه‌ای ناگهانی (و شاید چند سال بعد، ر.ک. توضیحات آیه ۱)، درخششی از امید در شبانگاه «ابدی» (آیه ۹) به چشم می‌خورد: به این ترتیب که مدت مجازات از طول عمر انسان فراتر نخواهد رفت (مز ۹۰:۱۰؛ ر.ک. توضیحات زک ۱:۱۲)، زیرا مالک تاریخ تفوق بابل را به همین مدت محدود ساخته است (ر.ک. توضیحات ۱:۱۰). در خصوص تفسیر این هفتاد سال توسط نویسندهٔ تواریخ (۲ـ توا ۳۶:۲۱)؛ ر.ک. توضیحات لاو ۲۶:۳۵ (ر.ک. ار ۴:۱۷ و توضیحات). دانیال نیز سرانجام به این رقم توجه نشان خواهد داد (ر.ک. دان ۹ و توضیحات).

m در ترجمهٔ یونانی، مجموعهٔ وحی‌های بر علیه ملت‌ها (یعنی فصل‌ها ۴۶-۵۱) در دنبالهٔ این آیه قرار داده شده و آیات ۱۵-۳۸ در انتهای این مجموعه قرار می‌گیرد. این ترتیب منطقی‌تر از ترتیب و توالی ابتدایی متن عبری به نظر می‌رسد. فصل‌های ۲۶-۴۵ و ۵۲ متن عبری نیز طبعاً بخش آخر ترجمهٔ یونانی را تشکیل می‌دهد.

n ر.ک. توضیحات آیه ۶. این آیه که در ترجمهٔ یونانی نیست، مطلبی تازه‌ای در مورد مجازات کلدانیان بیان نمی‌دارد؛ در خصوص بخش اول آیه، ر.ک. ۷:۲۷ و برای بخش دوم، ر.ک. ۵۰:۲۹؛ ۵۱:۶، ۲۴، ۵۶.

o قرائت ترجمهٔ یونانی: «این جام باده، بادهٔ لذت بخش را ...»؛ قرائت متن عبری: «این جام باده، (یعنی) غضب (یا زهر) را...» ترجمهٔ ما مبتنی است بر وولگات و سریانی. البته کلمهٔ «غضب» را می‌توان همچون توضیح متن تلقی کرد. اما به هر حال، جام شراب نماد مجازاتی است که خدا برای آنانی نگاه داشته که از اطاعت او سرپیچی می‌کنند.

p برشماری ملت‌ها که در پی می‌آید، ظاهراً اثر خود ارمیا نیست. احتمالاً ین امر کار ویرایشی کاتبی متأخر است که می‌خواسته نوعی فهرست مطالب برای مجموعهٔ وحی‌های مربوط به ملت‌ها، پیش از آغاز آنها، تهیه کند. سبک این برشماری از هیچ ادعای ادبی برخوردار نیست، اما نوعی هدف الهیاتی در آن مشاهده می‌شود، به این ترتیب که نویسنده می‌خواهد گسترهٔ جهانی

فرستاده بود، نوشاندم: [۱۸]اورشلیم و شهرهای یهودا، پادشاهانش و بزرگانش، تا از آن خرابه و ویرانه و استهزاء و لعنتی بسازم[q]، به سان [آنچه که] امروز [شده است][r]؛ [۱۹]فرعون، پادشاه مصر، خدمتگزارانش، بزرگانش و تمام قومش؛ [۲۰]تمام [قوم] مختلط؛ تمام پادشاهان سرزمین عوص؛ تمام پادشاهان سرزمین فلسطینیان؛ (یعنی) اشقلون، غزه، عقرون، و بقیهٔ اشدود؛ [۲۱]ادوم، موآب، بنی عمون؛ [۲۲]تمام پادشاهان صور، تمام پادشاهان صیدون، پادشاهان جزیره هایی که در آن سوی دریا هستند؛ [۲۳]ددان، تیما، بوز[s]، تمام «شقیقه ـ تراشیده ها[t]»؛ [۲۴]تمام پادشاهان عربستان که در صحرا ساکنند؛ [۲۵]تمام پادشاهان زمری[u]، تمام پادشاهان عیلام تمام پادشاهان ماد؛ [۲۶]تمام پادشاهان شمال، آنان که نزدیکند و آنان که دورند، یکی پس از دیگری و تمام ممالک زمین که بر سطح زمینند. و پادشاه شیشک[v] پس از ایشان خواهد نوشید.

حز۲۳:۳۲ ۱۲:۴۹ نا۳:۱۱

[۲۷]به ایشان بگو: چنین سخن می گوید یهوهٔ لشکرها، خدای اسرائیل: بنوشید، مست شوید، قی کنید و بیفتید که دیگر برنخیزید، به سبب شمشیری که به میان شما می فرستم. [۲۸]و اگر از گرفتن جام از دست تو و نوشیدن آن سر باز زنند، به ایشان بگو، یهوهٔ لشکرها چنین سخن می گوید: باید که بنوشید؛ [۲۹]زیرا اینک در شهری که به نام من نامیده شد[w]، شروع می کنم به وارد ساختن مصیبت، و شما آیا بدون مجازات خواهید ماند؟ بی مجازات نخواهید ماند؛ زیرا من شمشیر را بر علیه تمام ساکنان زمین فرا می خوانم ـ وحی یهوهٔ لشکرها.

۶۴:۵۱ ۱۲:۴۹ ۳۸:۲۵ ۴۷:۶-۷

[۳۰]و تو تمامی این سخنان را برای ایشان نبوت کن؛ به ایشان بگو:

یهوه از بالا می غرد،
از جایگاه مقدسش صدا می دهد[x]،
می غرد، می غرد بر علیه قلمرو خویش،
فریاد می کشد، فریاد آنانی را که انگور را لگدمال می کنند،
بر علیه تمامی ساکنان زمین.
[۳۱]هیاهویی تا به انتهای زمین می رسد؛
زیرا یهوه با ملت ها محاکمه ای دارد،
او با تمامی بشر وارد داوری می شود،
بدکاران را به شمشیر می سپارد
ـ وحی یهوه.
[۳۲]چنین سخن میگوید یهوهٔ لشکرها:
اینک مصیبتی خواهد گذشت

یول۴:۱۶؛ عا۱:۲ ۱۰:۲۵ ۵۱:۱۴ هو۴:۱؛ مز۵۰:۶

عمل خداوند را آشکار سازد. از این رو، او سرزمین های واقع در چهار گوشهٔ جهان را برمی شمارد.

q ر.ک. ۴۴:۲۲ و توضیحات؛ توضیحات ۱۸:۱۶.

r این عبارت احتمالاً توضیحی است که بعد از رویدادها، به دست یکی از شاگردان ارمیا نوشته شده است؛ ر.ک. ۴۴:۶، ۲۲.

s در عربستان شمالی، در نزدیکی تیما.

t ر.ک. ۹:۲۵ و توضیحات.

u مکانی ناشناس. بعضی از دانشمندان آن را به صورت «گیمری» اصلاح می کنند، در این صورت، این اشاره ای خواهد بود به «سیمریان» که در متون خط میخی و نیز در پید ۱۰:۲-۳ مذکور است («جومر»)، قومی متعلق به کوهستان های ارمنستان. بعضی دیگر نیز به صورت «زیمکی» اصلاح می کنند و می گویند که نامی است رمزی برای عیلام.

v طبق ترجمهٔ آرامی، نامی است رمزی برای بابل.

w یعنی «شهری که از آن من است»، ر.ک. توضیحات ۷:۱۰.

x احتمالاً منظور آسمان و معبد آسمانی است، و نه فقط اورشلیم.

از ملتی به ملتی،
و طوفانی عظیم پدید خواهد آمد ۱۹:۲۳
از انتهای اعماق زمین.
[۳۳]در آن روز، قربانیان یهوه وجود خواهد داشت، از یک گوشهٔ زمین تا گوشه ای دیگر؛ نه بر آنان خواهند گریست، نه جمع آوری خواهند شد، و نه دفن خواهند گردید: بر سطح زمین تبدیل به تپاله خواهند شد. اش۶۶:۱۶ ۴:۱۶
[۳۴]زوزه بکشید، ای چوپانان، فریاد برآورید، ۳:۶
[بر زمین] بغلطید، ای بزرگان گله؛
زیرا روزهایتان برای ذبح به کمال رسیده است،
به سان قوچ های مرغوب خواهید افتاد.
[۳۵]دیگر برای چوپانان پناهگاهی نخواهد بود، عا۲:۱۴
دیگر برای بزرگان گله نجاتی نخواهد بود!
[۳۶]گوش فرا دهید به فریاد چوپانان،
به زوزهٔ بزرگان گله؛
زیرا یهوه چراگاه آنان را ویران می سازد،
[۳۷]مرتع های آرام از میان رفته اند مز۹۴:۱۷
به سبب شدت خشم یهوه.
[۳۸]شیربچه ای بیشهٔ خود را ترک گفته است[y]؛ ۴۹:۱۹
آری، سرزمین ایشان تبدیل به ویرانه شده، ۲۵:۱۶،۲۹؛ ۴۶:۱۶
به سبب شمشیر ویرانگر، و به سبب خشم او ۴:۲۶:۵۱:۴۵

وحی های مربوط به نجات اسرائیل - یهودا

مخالفت مقامات معبد با پیشگویی های ارمیا[z]

۲۶ [۱]در ابتدای سلطنت یهویاقیم، پسر یوشیا، پادشاه یهودا، این کلام از سوی یهوه به این مضمون [به ارمیا] فرا رسید: [۲]یهوه چنین سخن می گوید: در صحن خانهٔ یهوه بایست، و همهٔ سخنانی را که به تو امر کرده ام که به آنان بگویی، بر علیه تمام [مردمان] شهرهای[a] یهودا که برای پرستش به خانهٔ یهوه می آیند، بگو؛ کلمه ای از آن کم مکن. [۳]شاید گوش فرا دهند و هر یک از راه های بد خویش بازگشت کنند؛ آنگاه از مصیبتی که در ذهن دارم که به سبب شرارت اعمالشان بر ایشان برسانم، پشیمان خواهم شد. [۴]به ایشان تث۲۸:۱۵ مکا۲۲:۱۹ ۲۵:۵ ۲۶:۱۳؛ ۱۸:۸ ۲۶:۱۵

y ترجمهٔ این جمله دشوار است. دو ترجمهٔ مختلف از این قرار است: «مردم می روند به سان شیری که بیشه اش را ترک میگوید»؛ یا «بیشهٔ خود را به سان شیری ترک می گوید» (بدون آنکه مشخص کنند چه کسی ترک می کند: خداوند؟ یا پادشاه ویرانگر؟) ترجمهٔ ما با حذف یک حرف صدادار صورت گرفته، و در آن، باز هویت «شیربچه» نامعین است.

z این فصل، چارچوب تاریخی را برای اتهاماتی که ارمیا بر مذهب دروغین وارد می آورد، به دست می دهد (ر.ک. توضیحات ۲۵:۱۳)، اتهاماتی که در آغاز سلطنت یهویاقیم (۶۰۹-۶۰۸ ق.م.، ر.ک. توضیحات ۳:۱) اعلام شد. ارمیا که از اطمینان مطلق به رسالت الهی خود نیرو گرفته (آیه ۱۵)، با مقامات مذهبی به مقابله می پردازد (ر.ک. ۱:۱۸؛ ۱۵:۲۰). در اینجا است که مردم و مقامات مملکتی (آیه ۱۶) و مشایخ (آیات ۱۷-۱۹) واقع بینی بیشتری از خود نشان می دهند تا کاهنان و انبیا (آیات ۸-۹ و ۱۱) ر.ک. توضیحات ۷:۱.

a تحت اللفظی: «علیه تمام شهرها»؛ قرائت ترجمه یونانی: «تمامی اهالی یهودا».

بگو: یهوه چنین سخن می‌گوید: اگر به من گوش نسپارید و مطابق شریعتی که در برابرتان گذارده‌ام سلوک ننمایید، ۵و به سخنان خدمتگزارانم، انبیا، گوش دهید، که بدون خستگی برای شما می‌فرستم و شما به ایشان گوش فرا نداده‌اید، ۶این «خانه» را همانند شیلوه خواهم کرد[b] و از این شهر نفرینی[c] برای تمامی ملت‌های زمین خواهم ساخت.

۷کاهنان و انبیا و تمام قوم شنیدند که ارمیا این سخنان را در خانهٔ یهوه گفت. ۸پس چون ارمیا از گفتن هر آنچه که یهوه به او امر کرده بود که به تمام قوم بگوید، فارغ شد، کاهنان و انبیا[d] او را گرفتند و گفتند: «یقیناً خواهی مرد. ۹چرا به نام یهوه نبوت کردی و گفتی: این «خانه» مانند شیلوه خواهد شد، و این شهر به ویرانه تبدیل شده، خالی از سکنه خواهد گردید؟» تمام قوم نزد ارمیا در خانهٔ یهوه گرد آمدند.

۱۰بزرگان یهودا با شنیدن این سخنان، از خانهٔ پادشاه به خانهٔ یهوه برآمدند[e]، و در مدخل دروازهٔ «نو» در خانهٔ خداوند نشستند. ۱۱کاهنان و انبیا به بزرگان و به تمامی قوم گفتند: «این مرد سزاوار مرگ است؛ زیرا بر علیه این شهر نبوت کرده است، چنان که با گوش‌های خود شنیدید!» ۱۲اما ارمیا به بزرگان و به تمام قوم گفت: «مرا یهوه فرستاده تا خطاب به این «خانه» و خطاب به این شهر، تمام سخنانی را که شنیدید نبوت کنم. ۱۳اینک رفتار و اعمال خود را اصلاح کنید، و به صدای یهوه، خدای خویش، گوش فرا دهید، و یهوه از مصیبتی که بر علیه شما گفته است، پشیمان خواهد شد. ۱۴و اما من، اینک من در دست‌های شما هستم؛ آن سان که در نظرتان نیک و منصفانه است، با من عمل کنید. ۱۵با این حال، این را خوب بدانید، اگر مرا به مرگ بسپارید، خونی بی‌گناه را بر خود، و بر این شهر، و بر ساکنانش خواهید نهاد. زیرا به راستی که مرا یهوه نزد شما فرستاده، تا تمامی این سخنان را به گوش‌های شما برساند».

۱۶بزرگان و تمامی قوم به کاهنان و انبیا گفتند: «این مرد سزاوار مرگ نیست، زیرا با ما به نام یهوه، خدای ما، سخن گفته است» ۱۷آنگاه چند تن از میان مشایخ قوم برخاسته و به تمامی مجمع قوم گفتند: ۱۸«میکاه اهل مورَشت در روزگار حزقیا، پادشاه یهودا، نبوت می‌کرد و به تمامی قوم یهودا گفت:

چنین سخن می‌گوید یهوهٔ لشکرها:
صهیون مزرعه‌ای خواهد بود که شخم می‌زنند،
اورشلیم توده‌ای از ویرانه‌ها خواهد بود،
و کوه «خانه» تبدیل به بلندی‌ای پر از

۲۵:۷
۲۲،۱۲،۸:۴۴
۵،۳:۷
۱۹:۲۶؛ ۱۰:۴۲
یوشع۹:۲۵
۴:۱۹؛۶:۷
۹:۱۰؛۲۲:۵

b ر.ک. توضیحات ۱۲:۷؛ توضیحات لو ۲۱:۶؛ توضیحات ۲۱:۲۲.
c فرمولی مشابه با اعد ۲۱:۵؛ مفهوم آن به روشنی از ۲۲:۲۹ مشخص می‌شود (ر.ک. توضیحات)؛ ر.ک. ۲۴:۹.
d در متن اصلی، بعد از «انبیا»، عبارت «و تمام قوم» وجود دارد. این عبارت احتمالاً در حکم یک توضیح است. مردم در واقع نسبت به ارمیا نظر مساعد داشتند، ر.ک. توضیحات آیه ۱.
e ر.ک. توضیحات ۲۲:۱.

درخت خواهد شد[f].

[۱۹]آیا حزقیا، پادشاه یهودا، و تمامی یهودا او را به مرگ سپردند؟ آیا او از یهوه نترسید و روی یهوه را آرام نساخت، آن سان که یهوه از مصیبتی که بر علیه آنان گفته بود، پشیمان شد؟ و ما، آیا باید به خودمان چنین بدی بزرگی بنماییم؟»

۳:۲۶

اع۵:۳۹

رقیب ارمیا همچون او مورد محافظت قرار نگرفت

[۲۰]شخص دیگری نیز بود که به نام یهوه نبوت می‌کرد، (یعنی) اوریاهو، پسر شَمَعیاهو، از قِریت یعاریم[g]. او به همان مضمون ارمیا برعلیه این شهر و بر علیه این سرزمین نبوت کرد. [۲۱]یهویاقیم پادشاه و همهٔ شجاعانش و همه بزرگانش سخنان او را شنیدند، و پادشاه قصد آن کرد تا او را بکشد. اوریاهو چون از این آگاهی یافت، بترسید؛ او گریخت و به مصر رسید. [۲۲]اما یهویاقیم پادشاه، الناتان، پسر عکبور[h]، و چند تن را با او به مصر فرستاد. [۲۳]ایشان اوریاهو را از مصر خارج ساختند و نزد یهویاقیم پادشاه آوردند؛ او وی را به شمشیر زد و جسدش را به گودال عمومی افکند.

۱۷:۲۲

[۲۴]با این حال، اخیقام، پسر شافان[i]، دست (کمک) به ارمیا داد و مانع شد که او به دستان قوم سپرده شود و به قتل برسد[j].

فرمانبرداری یا مصیبت

۲۷ [۱]در ابتدای سلطنت صدقیا[k]، پسر یوشیا، پادشاه یهودا، این کلام از سوی یهوه به این مضمون به ارمیا فرا رسید: [۲]یهوه این چنین با من سخن گفته است: برای خود بندها و تیرک‌های یوغ بساز و آنها را بر گردن خود قرار بده[l]. [۳]سپس [پیامی] برای پادشاه ادوم و پادشاه موآب و پادشاه بنی عمّون و پادشاه صور و پادشاه صیدون، به واسطهٔ پیام‌آوران ایشان[m] که به

f ر.ک. میک ۳:‏۱۲ و توضیحات. حتی یک قرن پس از روزگار میکاه، هنوز سخنان او در یادها بود.
g یا «قریت بعل»، ر.ک. یوشع ۱۵:‏۶۰؛ ۱۸:‏۱۴.
h چهار سال بعد، الناتان خواهد کوشید تا نسخهٔ خطی باروخ را از خطر نابودی رهایی دهد (۳۶:‏۱۲-۲۵) در مورد عکبور، ر.ک. ۲-پاد ۲۲:‏۱۲، ۱۴.
i به نظر می‌رسد که ارمیا روابط بسیار نزدیکی با خانوادهٔ شافان داشته است؛ شافان «کاتب» (یعنی منشی) یوشیا بود که «کتاب شریعت» را در سال ۶۲۲ ق.م. در معبد کشف شده بود، بلافاصله برای پادشاه قرائت کرد و یوشیا نیز او را همراه با پسر او، اخیقام، فرستاد تا از حُلده نبیه مشورت بطلبد (۲-پاد ۲۲:‏۸-۱۴). ارمیا پس از آنکه به دست کلدانیان در ماه ژوئیه ۵۸۷ ق.م. از حبس آزاد شد، به جَدَلیا، پسر اخیقام پیوست (۴۰:‏۶؛ ر.ک. ۳۹:‏۱۴). پسر دیگر شافان، یعنی العاسه، بود که در حدود سال ۵۹۴ ق.م. نامه ارمیا را برای تبعیدی‌های ۵۹۷ ق.م. برد (۲۹:‏۳)؛ یکی از نوه‌های شافان نیز، به نام میکایاهو، در سال ۶۰۵ ق.م. آنچه را که از قرائت وحی‌های ارمیا توسط باروخ به یاد سپرده بود، به وزرایی که تشکیل جلسه داده بودند گزارش داد (۳۶:‏۱۱-۱۳).
j به نظر می‌رسد که مردم، در این ماجرا، نسبت به ارمیا نظر مساعد داشتند (آیه ۱۶ و توضیحات آیه ۱).
k نام صدقیا بر اساس چند نسخه خطی عبری و سریانی و ترجمه عربی آورده شده، ر.ک. آیات ۳ و ۱۲؛ ۲۸:‏۱. در بقیهٔ سنت نسخ خطی، «یهویاقیم» آمده است. در مورد مسئله تاریخ، ر.ک. توضیحات ۲۸:‏۱.
l عملی است نمادین، ر.ک. توضیحات ۱۳:‏۱، توضیحات اش ۲۰:‏۳.
m «ایشان» طبق قرائت یونانی است. قرائت عبری فقط «پیام‌آوران» دارد. حضور این «پیام‌آوران» (در واقع سفیران) یا به علت جلوس پادشاهی جدید بر تخت در اورشلیم بوده، یا صرفاً به علت طرح‌هایی در زمینهٔ ایجاد اتحادی علیه بابل.

اورشلیم، نزد صدقیا، پادشاه یهودا آمده‌اند بفرست. [۴] به ایشان امر کن که این را به سرورانشان بگویند: «چنین سخن می‌گوید یهوهٔ لشکرها، خدای اسرائیل: به سرورانتان چنین بگویید: [۵] زمین و انسان و حیواناتی را که بر سطح زمین‌اند، من با قوت عظیم خود و بازوی دراز شده‌ام آفریده‌ام، و آن را به هر کس که به نظرم پسند آید، می‌دهم. [۶] و اینک من تمام این سرزمین‌ها را به دست‌های نبوکدنصر، پادشاه بابل، خدمتگزارم، تحویل داده‌ام؛ حتی حیوانات صحرا را نیز به او داده‌ام تا او را خدمت کنند. [۷] تمامی ملت‌ها او را، و پسرش را، و پسر پسرش[n] را خدمت خواهند کرد، تا آنکه زمان سرزمین او نیز فرا برسد و ملت‌های بی‌شمار و پادشاهان بزرگ او را به بردگی درآورند. [۸] لذا آن ملت یا مملکتی که او را خدمت نکند، (یعنی) نبوکدنصر، پادشاه بابل را، و به یوغ پادشاه بابل گردن نگذارد، من آن ملت را با شمشیر و قحط و وبا مجازات خواهم کرد ـ وحی یهوه ـ تا آن زمان که آن را به طور کامل به دست او نابود سازم. [۹] پس شما به انبیا و غیبگویان و بینندگان خواب[o] و طالع بینان و جادوگرانتان گوش فرا ندهید که به شما می‌گویند: پادشاه بابل را خدمت نخواهید کرد. [۱۰] زیرا برای شما دروغ را نبوت می‌کنند[p] تا شما را از زمینتان دور سازند، تا من شما را برانم و هلاک شوید. [۱۱] اما ملتی که به یوغ پادشاه بابل گردن نهند و او را خدمت کنند، من ایشان را در زمینشان مستقر خواهم ساخت ـ وحی یهوه ـ آن را کشت خواهند کرد و در آن ساکن خواهند شد.»

[۱۲] و به صدقیا، پادشاه یهودا، به همان مضمون سخن گفتم: «به یوغ پادشاه بابل گردن نهید و او را خدمت کنید، هم او را و هم قومش را، و زنده خواهید ماند. [۱۳] به چه سبب تو و قومت، با شمشیر و قحط و وبا بمیرید، مطابق آنچه یهوه خطاب به ملتی که پادشاه بابل را خدمت نکند، گفته است؟ [۱۴] گوش مگیرید و سخنان انبیایی که به شما می‌گویند: پادشاه بابل را خدمت نخواهید کرد. زیرا ایشان دروغ را برای شما نبوت می‌کنند[q]. [۱۵] چرا که من ایشان را نفرستاده‌ام ـ وحی یهوه ـ و ایشان به دروغ به نام من نبوت می‌کنند تا من شما را برانم و هلاک شوید، شما و انبیایی که برای شما نبوت می‌کنند».

[۱۶] و با کاهنان و تمامی قوم به این مضمون سخن گفتم: «یهوه چنین سخن می‌گوید: گوش مگیرید به سخنان انبیایتان که برای شما نبوت کرده، می‌گویند: اینک اشیا خانهٔ یهوه از بابل باز گردانده خواهد شد، و زود! زیرا که دروغ را برای شما نبوت می‌کنند. [۱۷] به ایشان گوش مگیرید؛ پادشاه بابل را خدمت کنید و زنده خواهید ماند. چرا باید این شهر ویرانه شود؟ [۱۸] اما

۱۲:۱۰ ۱۷:۳۲ دا۱۴:۴ ۱۰:۴۳ ۱۴:۲۸ حب۲:۵ ۲۶:۲۵ با۲۲:۲ ۱۰:۲۴ ۱۲:۴۲ ۸:۲۷ ۳۲،۲۱:۲۳ ۱۸:۲۶

n یعنی معادل حدود ۷۰ سال (ر.ک. توضیحات ۱۱:۲۵؛ ۱۰:۲۹). چشم انداز نجات در آیه ۲۲ تصریح شده است.
o متن ما مطابق ترجمه ها است. قرائت عبری: «خواب های شما».
p ر.ک. توضیحات ۲۵:۱۳. توضیحات حزق ۱:۱۳.
q ر.ک. توضیحات ۲۵:۱۳.

ایشان اگر نبی هستند و اگر کلام یهوه با ایشان است، بادا که نزد یهوهٔ لشکرها وساطت کنند[r] آن سان که اشیایی که در خانهٔ یهوه و در خانهٔ پادشاه یهودا[s] و در اورشلیم باقی مانده، به بابل نرسند. [۱۹]زیرا چنین سخن می‌گوید یهوهٔ لشکرها دربارهٔ ستون‌ها و دریا و پایه‌ها[t] و سایر اشیایی که در این شهر باقی مانده است. [۲۰]و آنچه که نبوکدنصر، پادشاه بابل، نگرفته است آن گاه که یکنیا، پسر یهویاقیم، پادشاه یهودا، و تمام شریفان یهود و اورشلیم ر از اورشلیم به بابل تبعید کرد: [۲۱]آری، این چنین سخن می‌گوید یهوهٔ لشکرها، خدای اسرائیل، دربارهٔ اشیایی که در خانهٔ یهوه و در خانهٔ پادشاه یهودا و در اورشلیم باقی مانده است: [۲۲]به بابل برده خواهند شد[u]، و در آنجا خواهند ماند تا روزی که به آنها رسیدگی کنم - وحی یهوه. آنگاه آنها را برخواهم آورد و به این مکان باز خواهم گرداند».

۳:۳۰؛ عز۱:۷-۱۱

«آنچه که باید بگویید، در همان ساعت به شما داده خواهد شد»[v]

۲۸ [۱]باری، در همان سال، در آغاز سلطنت صدقیا، پادشاه یهودا، در سال چهارم[w]، ماه پنجم، حنانیا، پسر عَزّور، نبی‌ای که از جَبَعون بود، با من در خانهٔ یهوه، در حضور کاهنان و تمامی قوم، چنین سخن گفت: [۲]«چنین سخن می‌گوید یهوهٔ لشکرها، خدای اسرائیل: من یوغ پادشاه بابل را خرد کرده‌ام! [۳]پس از دو سال، تمام اشیاء خانهٔ یهوه را که نبوکدنصر، پادشاه بابل، از این مکان گرفته و به بابل برده است، به این مکان باز خواهم آورد. [۴]یکنیا[x] پسر یهویاقیم، پادشاه یهودا را نیز و تمام تبعیدی‌های یهودا را که به بابل رفته‌اند، ایشان را به این مکان باز خواهم آورد - وحی یهوه - زیرا یوغ پادشاه بابل را خرد خواهم ساخت!»

r نبی واقعی، شفاعت کننده نیز هست؛ ر.ک. توضیحات ۱۵:۱.
s ر.ک. توضیحات ۲۶:۱۰. این عبارت در آیه ۲۱ نیز تکرار شده است.
t ر.ک. ۱ـ پاد ۲۱:۷، ۲۳، ۲۷ و توضیحات.
u ر.ک. ۲ـ پاد ۱۳:۲۵-۱۵.
v متی ۱۹:۱۰. ارمیا هیچگاه از وقت پیشی نمی‌گیرد؛ او که تماماً تسلیم خداوند است، منتظر می‌ماند تا پاسخی در منزلت نبی بدهد، یعنی پاسخی به نام خداوند (ر.ک. توضیحات ۱۷:۱۵)، و صبر می‌کند تا کلام خداوند بار دیگر بر او نازل شود (آیه ۱۲، ر.ک. ۷:۴۲). او نخست فقط به آنچه که رفیقش تحت عنوان کلام الهام شده اعلام می‌دارد گوش فرا می‌دهد. آیا ممکن است خداوند از مصائبی که او را مأمور اعلامش داشته بود، چشم پوشی کند (فصل ۲۷)؟ ارمیا آرزو می‌کند که چنین شود (آیه ۶، ر.ک. توضیحات ۱۲:۱۷)، گرچه با نهایت ادب، اعتراضی مطابق با عقل سلیم مطرح می‌سازد (آیات ۷-۹): از آنجا که انبیا تا کنون مصیبت را اعلام داشته‌اند - گاه نیز نجات را، اما فقط پس از عبور از بوتهٔ آزمایش (ر.ک. توضیحات ۱۹:۲۳؛ توضیحات ۱:۲۴) -، مردم ناخودآگاه در مقابل کسی که نجاتی فوری را اعلام می‌دارد، جنبهٔ احتیاط را رعایت می‌کنند (آیه ۹). اما ارمیا که وسیله‌ای مطیع در دستان خداوند است، به محض اینکه کلام را دریافت می‌دارد (آیات ۱۲-۱۴، ر.ک. متی ۱۹:۱۰)، شروع به حمله می‌کند، اما نه بر اثر انگیزش های شخصی، بلکه بر اثر انگیزش کسی دیگر (آیات ۱۵-۱۶، ر.ک. توضیحات ۱۸:۱۱؛ توضیحات ۷:۲۰؛ متی ۲۰:۱۰).
w در این آیه، دو تاریخ متناقض ذکر شده است: یکی «در آغاز سلطنت» یعنی سال ۵۹۷ ق.م. است، و دومی «سال چهارم» یعنی ۵۹۴ ق.م. است؛ ترجمهٔ یونانی فقط شامل تاریخ دوم است که به نظر ارجح می‌آید. با توجه به اینکه فصل ۲۸ دنبالهٔ فصل ۲۷ است، شاید لازم باشد تاریخ مذکور در ۱:۲۷ را اصلاح کرد.
x این نبوت حنانیا، نبوت ارمیا در ۲۷:۲۲ را نقض می‌کند.

[۵]ارمیای نبی به حنانیای نبی، در حضور کاهنان و در حضور تمام قوم که در خانهٔ یهوه حاضر بودند، گفت؛ [۶]ارمیای نبی گفت: «آمین! بادا که یهوه چنین کند! بادا که یهوه سخنانی را که نبوت کردی جامهٔ عمل بپوشاند و اشیاء خانهٔ یهوه و تمام تبعیدی‌ها را از بابل به این مکان باز آورد. [۷]با این حال، این سخن را که به گوش‌های تو و به گوش‌های تمام قوم می‌گویم، بشنو: [۸]انبیایی که پیش از ما بوده‌اند، پیش از من و تو، از دیرباز خطاب به سرزمین‌های بی‌شمار و بر علیه ممالک عظیم، دربارهٔ جنگ و قحطی[y] و طاعون نبوت کرده‌اند. [۹]آن نبی که دربارهٔ آرامش نبوت می‌کند، زمانی همچون نبی‌ای که به راستی از سوی یهوه فرستاده شده مورد تصدیق قرار می‌گیرد که سخن آن نبی روی دهد.»

[۱۰]حنانیای نبی تیرک ر از روی گردن ارمیای نبی برگرفت و آن را خرد کرد[z]. [a۱۱]حنانیا در حضور تمام قوم گفت: «یهوه چنین سخن می‌گوید: این چنین است که پس از دو سال، یوغ نبوکدنصر، پادشاه بابل را از روی گردن تمام ملت‌ها خرد خواهم ساخت» ارمیای نبی به راه خود رفت.

[۱۲]پس از آنکه حنانیای نبی تیرک را از روی گردن ارمیای نبی خرد کرد، کلام یهوه به این مضمون به ارمیا فرا رسید: [۱۳]«برو و به حنانیا بگو: یهوه چنین سخن می‌گوید: تو تیرک‌های چوبی را شکستی؛ بسیار خوب! من به جای آنها تیرکهای آهنین خواهم ساخت[b]. [۱۴]زیرا چنین سخن می‌گوید یهوهٔ لشکرها، خدای اسرائیل: من بر گردن تمام این ملت‌ها یوغی آهنین گذارده‌ام تا نبوکدنصر، پادشاه بابل را خدمت کنند، و او را خدمت خواهند کرد؛ و حتی حیوانات صحرا را به او داده‌ام».

[۱۵]ارمیای نبی به حنانیای نبی گفت: «حنانیا، خوب گوش کن: یهوه تو را نفرستاده است، و تو این قوم را به واسطهٔ دروغ مطمئن ساخته‌ای[c]. [۱۶]به همین سبب، یهوه چنین سخن می‌گوید: اینک من تو را به دور از سطح زمین می‌فرستم: امسال خواهی مرد، چرا که در مورد یهوه پیمان شکنی را موعظه کرده‌ای[d].»

[۱۷]حنانیای نبی در همان سال، در ماه هفتم، مرد[e].

(حاشیه: ۱-پا ۳۶:۱؛ ۱۸:۲۶؛ تث ۲۲:۱۸؛ ۲:۳۴؛ تث ۴۸:۲۸؛ ۶:۲۷؛ یهودیه ۷:۱۱؛ ۱۵:۲۷)

y قرائت برخی نسخ خطی دیگر: «جنگ و مصیبت و طاعون». دو اصطلاح آخر در ترجمهٔ یونانی نیست. و وولگات چنین قرائت می‌کند: «مصیبت و قحطی».
z حنانیا نیز عملی نمادین انجام می‌دهد و اگر به امر خداوند گفته شده بود، می‌بایست آینده را تعیین کند (ر.ک. توضیحات ۲:۲۷).
a یادداشتی در متن ماسورتی چنین آورده: «وسط کتاب بر اساس شمارش آیات».
b قرائت عبری: «تو به جای آن، تیرک‌های آهنین خواهی ساخت». ترجمهٔ ما مطابق است با ترجمهٔ یونانی.
c ر.ک. توضیحات ۲۵:۱۳.
d این موضوعی است که در تثنیه ۶:۱۳ به همین شکل مورد اشاره قرار گرفته و در ترجمهٔ یونانی وجود ندارد؛ ر.ک. ۳۲:۲۹.
e یعنی دو ماه بعد از نبوت ارمیا؛ ر.ک. آیه ۱.

نامه به نخستین تبعیدی‌ها[f]

۲۹ [1]و این است مضمون نامه‌ای که ارمیای نبی از اورشلیم برای آنچه که از مشایخ تبعید باقی مانده بود، و برای کاهنان و انبیا و تمام قومی که نبوکدنصر از اورشلیم به بابل تبعید کرده بود، فرستاد. [2]پس از آنکه یکنیای پادشاه، و بانوی بزرگ، و خواجه سرایان، و بزرگان یهودا و اورشلیم، و آهنگران، و قفل سازان از اورشلیم خارج شدند. [3][آن] به دست العاسه، پسر شافان[g]، و جَمَریا، پسر حلقیا[h] [برده شد] که صدقیا، پادشاه یهودا، ایشان را به بابل، نزد نبوکدنصر، پادشاه بابل گسیل داشته بود. [نامه] می‌گفت:

نامه ار ۲پا۲۴:۱۵

در این فاصله، مستقر شوید!

[4]چنین سخن می‌گوید یهوهٔ لشکرها، خدای اسرائیل، با تمام تبعیدی‌هایی که از اورشلیم به بابل تبعید کرده‌ام: [5]خانه‌ها بسازید و در آنها ساکن شوید؛ باغ‌ها بکارید و از میوه‌هایش بخورید؛ [6]زن بگیرید و پسران و دختران تولید کنید؛ برای پسرانتان زن بگیرید و دخترانتان را شوهر دهید؛ باشد که پسران و دختران تولید کنند؛ در آنجا کثیر شوید و کاهش میابید[i]! [7]و طالب کامیابی سرزمینی[j] باشید که شما را به آن تبعید کرده‌ام و نزد یهوه برای آن دعای خیر کنید، چرا که کامیابی شما وابسته به کامیابی آن است[k].

[8]زیرا یهوهٔ لشکرها، خدای اسرائیل، چنین سخن می‌گوید: مگذارید انبیایتان که در میان شما هستند فریبتان دهند، و نه غیبگویانتان؛ و به خواب‌هایی که می‌بینند گوش فرا مدهید. [9]زیرا ایشان به نام من به دروغ نبوت می‌کنند؛ من ایشان را نفرستاده‌ام[l] –وحی یهوه.

[10]زیرا یهوه چنین سخن می‌گوید: به محض اینکه هفتاد سال برای بابل تکمیل شود[m] شما را ملاقات خواهم کرد[n] و با باز گرداندن شما به این مکان، سخن نیکوی

۱۹:۳۰؛ بید۱:۲۸؛ ۹:۱،۷ عز۶:۱۰؛ ۱با۱:۱۱ مت۷:۱۵ ۱۵:۲۷:۳۱:۲۹ ۱۴:۳۳

f این نامه احتمالاً اندکی بعد از تبعید سال ۵۹۷ ق.م. ارسال شد. تبعیدی‌ها میان ناامیدی و امید به بازگشتی آتی سرگردان بودند. این امید را انبیایی بر می‌انگیختند و تداوم می‌بخشیدند که در میان ایشان می‌زیستند. ارمیا به ایشان می‌گوید که تبعید طولانی خواهد بود و اینکه باید شرایط جدید زندگی را بپذیرند و در مورد آینده، برداشتی سیاسی و ملی‌گرایانهٔ افراطی نداشته باشند. او ضمن اینکه چشم انداز بازگشتی آتی را حفظ می‌کند (آیات ۱۰-۱۴، ۳۲)، ایشان را فرا می‌خواند تا فکر نکنند که هموطنانشان که در سرزمین باقی مانده‌اند، افرادی ممتازند (آیات ۱۶-۲۰)، بلکه بدون افکاری پنهانی در وطن جدیدشان مستقر شوند (آیات ۴-۷) و از این امر خوب آگاه باشند که کلام خداوند برای ایشان است (آیه ۲۰). این نامه به منزلهٔ آغاز مرحلهٔ مهمی است که همانا منشور یهودیان پراکنده است. این فصل بیانگر این است که میان اورشلیم و تبعیدی‌ها ارتباط بسیار وجود داشت.

g ر.ک. توضیحات ۲۶:۲۴.

h حلقیا احتمالاً آن کاهنی است که در سال ۶۲۲ ق.م. «کتاب شریعت» را در معبد یافت (ر.ک. ۲ـپاد ۲۲).

i تمام اینها بر این نکته تأکید می‌گذارد که استقرار قوم در سرزمین تبعید چقدر باید مهم و پایدار بوده باشد: ارمیا دست کم دو نسل را پیش بینی می‌کند؛ ر.ک. ۲۷:۷.

j قرائت عبری: «شهر». ترجمه ما مبتنی است بر قرائت یونانی.

k ارمیا تا آنجا پیش می‌رود که طالب شفاعت برای حکومتی مشرک می‌شود؛ ر.ک. ۱ـ تیمو ۲:۱-۲.

l ر.ک. ۲۸:۱۵؛ توضیحات ۱۳:۲۵؛ توضیحات حزق ۱۳:۱.

m ر.ک. توضیحات ۲۵:۱۱.

n مانند ۲۷:۲۲.

خود برای شما تحقق خواهم بخشید. [۱۱]زیرا من طرح هایی را که برای شما می ریزم می دانم ـ وحی یهوه ـ طرح های کامیابی و نه تیره روزی، تا به شما آینده و امیدی بدهم. [۱۲]آن زمان، هر گاه مرا بخوانید و بیایید[o] و به من دعا کنید، به شما گوش خواهم داد؛ [۱۳]هر گاه مرا جستجو کنید، مرا خواهید یافت، زیرا مرا با تمامی دل خود جستجو خواهید کرد؛ [۱۴]خواهم گذارد تا مرا بیابید ـ وحی یهوه ـ بخت شما را تغییر خواهم داد و شما را از تمامی ملت ها و همهٔ مکان هایی که شما را به آنجا رانده ام گرد خواهم آورد ـ وحی یهوه[p]. شما را به مکانی که شما را از آن تبعید کرده ام باز خواهم آورد. [۱۵]از آنجا که می گویید: «یهوه برای ما در بابل انبیایی برانگیخته است[q].»

۵:۲۴ — ۱۷:۳۱ — ۳:۳۳ — تث۴:۲۹؛ اش۵۵:۶ ـ ۲؛ توا۱۵:۴؛ حگ۶:۱۳ — ۳:۳۰

اهالی یهودا که در سرزمین مانده‌اند، به نوبهٔ خود مجازات خواهند شد[r]

[۱۶]زیرا چنین سخن می گوید یهوه خطاب به پادشاهی که بر تخت سلطنت داود نشسته، و خطاب به تمام قومی که در این شهر ساکن اند، (یعنی) برادرانتان که با شما به تبعید نرفته اند؛ [۱۷]یهوهٔ لشکرها چنین سخن می گوید: اینک من شمشیر و قحطی و طاعون را نزد ایشان خواهم فرستاد[s]؛ [۱۸]ایشان را با شمشیر و با قحطی و با طاعون دنبال خواهم کرد، و ایشان را مایهٔ وحشت برای تمامی ممالک زمین خواهم ساخت، و نفرین[t] و ویرانی و استهزاء[u] و رسوایی[v] در همهٔ ملت هایی که ایشان را به آنجا برانم، [۱۹]از آنجا که به سخنان من گوش نگرفتند ـ وحی یهوه ـ حال آنکه خدمتگزارانم، انبیا را بدون خستگی نزد ایشان فرستادم؛ و شما گوش نگرفتید[w]! ـ وحی یهوه.

۱۰:۲۴ — ۱۷:۳۴ — ۵:۲۶

o تحت‌اللفظی: «راه خواهید رفت». با توجه به شور و شوق مذهبی این مضمون، می توان حدس زد که منظور، اشاره به مراسم زیارتی است. نظر مفسران یهودی نیز می تواند درست باشد که این عبارت را این گونه برداشت می کنند: «طریق مرا دنبال خواهید کرد».

p «بخت شما را تغییر خواهم داد». این ساختاری است سامی که از واژگان سیاسی عاریت گرفته شده و معنی آن، استقرار مجدد سلسله سلطنتی یا بازسازی شهر است. این فرمول نزد ارمیا مکرراً به کار رفته (۳:۳۰، ۱۸؛ ۲۳:۳۱؛ ۴۴:۳۲؛ ۷:۳۳، ۱۱، ۲۶؛ ۴۷:۴۸؛ ۶:۴۹، ۳۹؛ ر.ک. یول ۱:۴). در جاهای دیگر، منظور همان «تغییر بخت و سرنوشت» است (تث ۳:۳۰؛ حزق ۵۳:۱۶؛ ۱۴:۲۹؛ ۲۵:۳۹؛ هو ۱۱:۶؛ عا ۱۴:۹)؛ و نیز در معنای «نظم بخشیدن به امور» (ایوب ۱۰:۴۲)، یا «باز گرداندن اسیران» (مز ۷:۱۴؛ ۷:۵۳؛ ۲:۸۵؛ ر.ک. توضیحات یول ۱:۴)، یا «باز گرداندن محبوسان» (مرا ۱۴:۲) به کار رفته است. اگر روی معنای کلمات آن بازی کنیم، می توانیم گاه این گونه نیز ترجمه کنیم: «بازگشتن با اسیران» مز ۴:۱۲۶ (ر.ک. آیه ۱) و توضیحات نا ۳:۲.

q این آیه مقدمه ای است بر وحی ای که در آیات ۲۱-۲۳ آمده. آیات ۱۶-۱۹ تداوم موضوع را قطع می کند و در ترجمه یونانی نیز نیامده، با این حال در استدلال نامه نقش خاص خود را ایفا می کند (ر.ک. توضیحات آیه ۱).

r این وحی به همان موضوعی می پردازد که در رؤیای دو سبد ذکر شده (فصل ۲۴)؛ احتمالاً مربوط به همان دوره نیز می شود.

s تکرار تصویر مذکور در ۸:۲۴.

t ر.ک. توضیحات ۶:۲۶؛ ۱۸:۴۲؛ ۱۲:۴۴.

u ر.ک. توضیحات ۱۶:۱۸.

v تحت‌اللفظی: «و ناسزا»؛ ر.ک. ۹:۲۴.

w ترجمهٔ ما مبتنی است بر قرائت عبری. ترجمه سریانی و نسخ خطی یونانی چنین قرائت می کنند: «اما ایشان گوش نمی گیرند».

از انبیای دروغین برحذر باشید[x]!

۱۰:۳۱ [۲۰] و امـا شـمـا، به کلام یـهـوه گـوش بسپارید، ای تمامی تبعیدی‌هایی که از اورشلیم به بابل فرستاده‌ام. [۲۱] چنین سخن می‌گوید یهوهٔ لشکرها دربارهٔ اخاب، پسر قولیا، و صدقیاهو، پسر مَعَسیا که به نام من برای شما دروغ را نبوت می‌کنند: اینک ایشان را به دست نبوکدنصر، پادشاه بابل تسلیم می‌کنم و او ایشان را در برابر چشمان شما خواهد زد. [۲۲] و از ایشان لعنتی برای تمام تبعیدی‌های یهودا که در بابل هستند خواهند ساخت؛ خواهند گفت: «بادا که یهوه تو را مانند صدقیاهو و مانند اخاب بسازد که پادشاه بابل ایشان را در آتش کباب کرد[y]!» [۲۳] زیرا که ایشان حماقتی در اسرائیل[z] مرتکب شده‌اند چرا که با زنان یاران خود مرتکب زنا شده‌اند[a] و به نام من سخنانی بیان کرده‌اند بی‌آنکه من آن را به ایشان امر کرده باشم. من این را می‌دانم ۱۵:۱۵ و شاهد آن می‌باشم! وحی یهوه.

اعتراض کننده به این نامه، مورد لعنت قرار می‌گیرد

[۲۴] و به شَمَعیاهوی نَحَلامی بگو: [۲۵] «چنین سخن می‌گوید یهوهٔ لشکرها، خدای اسرائیل: از آنجا که تو به نام خویش، نامه‌هایی به تمام قومی که در اورشلیم هستند، و به صَفَنیای کاهن، پسر مَعَسیا[b]، و به تمام کاهنان فرستاده‌ای تا بگویی: [۲۶] یهوه تو را به جای یهویاداع کاهن، به مقام کاهنی قرار داده تا در خانهٔ یهوه بر هر دیوانه‌ای که نبوت کند نظارت کنی، و او را در کُنده و زنجیر[c] بگذاری؛ [۲۷] پس چرا ارمیای عناتوتی را توبیخ نکرده‌ای که برای شما نبوت می‌کند؟ [۲۸] زیرا اینک او به ما در بابل کتباً خبر داده ۷:۳۲ که: طولانی خواهد بود! خانه‌ها بسازید و در آنها ساکن شوید؛ باغ‌ها بکارید و از میوه‌هایش بخورید...»

[۲۹] صفنیای کاهن این نامه را به سمع ارمیای نبی خواند. [۳۰] کلام یهوه به این مضمون بر ارمیا فرا رسید: [۳۱] این پیام را برای تمامی تبعیدی‌ها بفرست: «یهوه دربارهٔ شمعیاهوی نحلامی، چنین سخن می‌گوید: از آنجا که شمعیاهو برای شما نبوت کرده، حال آنکه من او را نفرستاده بودم، و به واسطهٔ دروغ به شما اطمینان ۹:۲۹ داده است[d]، [۳۲] بسیار خوب، یهوه چنین سخن می‌گوید: اینک شمعیاهوی نحلامی و نسلش را تنبیه خواهم نمود: هیچ یک از

x متی ۱۵:۷. مذمت‌هایی که به انبیایی دروغین خطاب شده، همان مذمت‌های ۹:۲۳-۴۰ می‌باشد (ر.ک. توضیحات ۱۹:۲۳).
y این آیه معنای فرمول «نفرین و لعنت و رسوایی» (ر.ک. آیه ۱۸ و توضیحات) را به خوبی روشن می‌سازد. نیز ر.ک اش ۱۵:۶۵؛ برای برکت، ر.ک. پید ۲۰:۴۸.
z این اصطلاح در پید ۷:۳۴؛ تث ۲۱:۲۲؛ یوشع ۱۵:۷؛ داور ۶:۲۰؛ ۲ـ سمو ۱۲:۱۳ یافت می‌شود.
a در خصوص فساد اخلاقی انبیا، ر.ک. توضیحات ۱۰:۲۳.
b ر.ک. توضیحات ۶:۲۰ و توضیحات ۱:۲۱. بر اساس آیات ۲۶ و ۲۹، این پیام خطاب به شخص او بوده است. لذا به نظر می‌رسد که اشاره به سایر گیرندگان، در محل درست خود قرار نداشته باشد؛ این اشاره در ترجمه یونانی نیز نیامده است.
c ر.ک. توضیحات ۲:۲۰.
d ر.ک. توضیحات ۲۵:۱۳.

خویشانش در میان این قوم ساکن نخواهد شد و نیکویی را که به قوم خود خواهم نمود نخواهد دید ـ وحی یهوه ـ چرا که در مورد یهوه پیمان شکنی را موعظه کرده است[e].»

۶:۱۷

احیای قوم اسرائیل[f]

مقدمه

۳۰ [۱]کلامی که از سوی یهوه به این مضمون به ارمیا فرا رسید: [۲]چنین سخن می گوید یهوه، خدای اسرائیل: تمامی سخنانی را که به تو گفته ام، در کتابی بنویس[g]؛ [۳]زیرا روزهایی می آید ـ وحی یهوه ـ که در آن بخت قوم خود، اسرائیل و یهودا را تغییر خواهم داد[h] ـ یهوه می گوید[i] ـ و در آن ایشان را به سرزمینی که به پدرانشان داده ام باز خواهم گرداند و ایشان مالک آن خواهند شد.

۱:۲۱؛ ۱۴:۲۹؛ ۳۷:۳۲؛ زک ۱۰:۱۰

[۴]پس این است سخنانی که یهوه خطاب به اسرائیل و خطاب به یهودا گفته است:

یادآوری مجازات[j]

[۵]«یهوه چنین سخن می گوید:
فریاد وحشت شنیده ایم؛
ترس است، نه آرامش!
[۶]پس بپرسید و بنگرید:
آیا ذکور می زاید؟
چرا می بینم جمله مردان را
دست ها بر کمر، بسان زنی که می زاید؟
چرا جمله رخسارها
به کبودی گراییده است؟
[۷]وای که بزرگ است آن روز[k]،
مانند آن نیست!
برای یعقوب زمان پریشانی است
اما از آن رهایی خواهد یافت.

۱۵:۸؛ ۱۳:۱۸؛ دان ۱۲:۱؛ مکا ۱۶:۱۸؛ ۸:۱۴

e ر.ک. توضیحات ۱۶:۲۸.

f فصل های ۳۰-۳۱ شامل تعدادی وحی است که همگی به توصیف آیندهٔ عالی قوم خدا می پردازد: ایشان گرچه در حال حاضر پراکنده و در سختی هستند، اما به فلسطین باز خواهند گشت و در شرایطی کاملاً جدید، پیرامون صهیون گرد خواهند آمد (۳۱:۶، ۱۲) به نظر می رسد که قدیمی ترین این وحی ها خطاب به اسرائیل شمالی یا افرایم بوده باشد (ر.ک. ۳۱:۵-۶، ۱۸، ۲۰)، که «نخست زادهٔ» خدا (۳۱:۹، ۲۰) و نسل راحیل است (۳۱:۱۵) و در آرزوی بازگشت به سامره می باشد (۳۱:۵)؛ لذا این وحی ها متوازی است با ۳:۱۱-۱۸ و احتمالاً مربوط به همان دوره می گردد (ابتدای خدمت ارمیا). محتمل است که این وحی ها، پس از ویرانی اورشلیم، بر اساس شرایط جدید مورد تفسیر مجدد قرار گرفته باشد، یعنی اینکه به یهودا نیز نسبت داده شده باشد (ر.ک. ۳۰:۳-۴؛ توضیحات ۳۰:۱۷؛ ۳۱:۲۳-۲۷، ۳۱) و با اضافه شدن عناصری جدید، غنای بیشتری یافته باشد (ر.ک. ۳۱:۳۸-۴۰)، که بعضی از آنها یادآور سبک و اندیشهٔ اشعیا ۴۰-۵۵ است (ر.ک. ۳۰:۱۰؛ ۳۱:۱۰). این فصل ها بر خصوصیت اجتناب ناپذیر رنج تأکید می گذارد. این رنج برای تربیت قومی نافرمان (۳۰:۱۴-۱۵؛ ۳۱:۱۹، ۳۲، ۳۷) ضروری است (۳۰:۱۱، ۱۴؛ ۳۱:۱۸). اما علاوه بر این، در این فصل ها بر عمق محبت الهی (۳۱:۳، ۲۰، ۳۲) و فیضی که ارادهٔ خدا را در اعماق وجود انسان ثبت می کند (۳۱:۳۱-۳۴) نیز تأکید می شود.

g نظیر ۳۶:۲، ارمیا دستور می یابد تا سخنان خدا را به نوشته درآورد؛ آیات ۱-۳ احتمالاً مقدمه ای است از سوی ویراستاران بر «کتاب تسلیات» (فصل های ۳۰-۳۱)، اما مقدمهٔ اولیه در ۳۰:۴ یافت می شود.

h ر.ک. توضیحات ۲۹:۱۴.

i ر.ک. ۶:۱۵.

j آیات ۵-۷ حاوی یادآوری کلی است در مورد «آن روز بزرگ» تأدیب (ر.ک. توضیحات آیه ۷)؛ نبی شرایط اسف بار اسرائیل شمالی پس از پراکنده شدنشان در سال ۷۲۲ را به این شکل تفسیر می کند. «دردهای زایمان» پیش درآمدی است ضروری بر استقرار مجدد؛ ر.ک. آیات ۱۲-۱۷؛ توضیحات ۲۳:۱۹؛ یو ۱۶:۲۱.

k اشاره ای است به «روز خداوند»، یعنی روز ظهور پرجلال خداوند که نیروهای آسمانی گردش را گرفته اند، روز تجلی (تئوفانی) که نابودی هر آنچه را که با قدوسیت خداوند ناسازگار است در پی دارد؛ ر.ک. یول ۱:۱۵؛ ۲:۱؛ توضیحات عا ۵:۱۸؛ صف ۱:۱۴-۱۸.

رهایی یافته برای خدمت کردن[l]

[۸]پس در آن روز ـ وحی یهوهٔ لشکرها ـ یوغ را از روی گردنشان خواهم شکست و بندهاشان را خواهم گسست[m]. دیگر بیگانگان را بردگی نخواهند کرد، [۹] بلکه یهوه، خدایشان و داود پادشاهشان را که برایشان بر خواهم انگیخت، خدمت خواهند کرد[n].

لاو۲۶:۱۳؛ اش۱۴:۲۵؛ حز۳۴:۲۷؛ نا۱:۱۳؛ مز۱۰۷:۱۴

زخم و شفا

۴۶:۲۷-۲۸

[۱۰]و تو، ای خدمتگزارم یعقوب، مترس
ـ وحی یهوه ـ و ای اسرائیل، مهراس!
زیرا اینک تو را از دوردست‌ها رهایی خواهم داد،
و اعقابت را از سرزمینی که در آن اسیرند.
یعقوب بازگشته، در آرامی خواهد زیست،
آسوده، بی‌آنکه کسی او را مضطرب سازد.
[۱۱]زیرا من با تو هستم ـ وحی یهوه ـ تا تو را برهانم،
زیرا در میان تمامی ملت‌ها که تو را در آنها پراکنده ساخته‌ام.
قلع و قمع خواهم کرد؛

اش۴۴:۲؛ ۱:۱۷؛ ۴۲:۱۱؛ میک۴:۴؛ صف۳:۱۳؛ ۱:۸؛ نا۱:۹؛ ۹:۱۵

فقط تو را قلع و قمع نخواهم کرد،
بلکه تو را بر طبق عدالت اصلاح خواهم نمود[o]،
و تو را بی مجازات نخواهم گذارد.
[۱۲]زیرا یهوه چنین سخن می‌گوید:
شکستگی‌ات درمان ناپذیر است[p]،
و زخمت، لاعلاج!
[۱۳]هیچ کس از دعوای تو دفاع نمی‌کند،
و برای جراحتت مرهمی نیست،
زخمت التیام نمی‌یابد[q].
[۱۴]جمله عاشقانت[r] تو را از یاد برده‌اند،
دیگر به فکرت نیستند.
چرا که تو را زده‌ام، آن سان که دشمن می‌زند،
با مکافاتی بی‌رحمانه،
به سبب بزرگی خطایت،
چرا که گناهانت سنگین بود.
[۱۵]از چه روی به سبب شکستگی‌ات فریاد برمی‌آوری،
به سبب درد درمان ناپذیرت؟
این را به تو کردم
به سبب بزرگی خطایت،
از آنجا که گناهانت سنگین بود!
[۱۶]اما آنان که تو را می‌درند، دریده خواهند شد،

۵:۱۰،۱۸؛ خرو۳۴:۷؛ اعد۱۴:۱۸؛ ۱۰:۱۹؛ نا۳:۱۹؛ ۴۶:۱۱؛ ۴:۳۰؛ مرا۱:۲،۱۹؛ ایو۱۹:۱۱؛ ۷:۱۲؛ ۵:۶؛ ۳۰:۱۲؛ ۲۲:۲۲؛ ۱۰:۲۵

l ر.ک. توضیحات خروج ۳:۱۲؛ لو ۱:۷۴.
m قرائت عبری: «از گردنت؛ بندهایت». این اصطلاحات از ۲:۲۰ و ۲۸:۱۱ اخذ شده، اما با مفهومی جدید، به این ترتیب که خداوند خودش، در زمان مناسب، آزادی واقعی را خواهد آورد؛ ر.ک. اش ۱۰:۲۷؛ نا ۱:۱۳.
n ر.ک. ۲۳:۵-۶؛ حزق ۳۷:۲۴؛ هو ۳:۵. ـ آیات ۸-۹ احتمالاً ملحقات ویراستاران است، زیرا به نظر می‌رسد که از خاطراتی به سبک ارمیا و انبیا به طور کلی تشکیل یافته باشد.
o ترجمه‌های احتمالی دیگر، «تو را خواهم آموخت تا نظم را محترم بداری»؛ یا «تو را به اندازه اصلاح خواهم نمود» (ر.ک. توضیحات ۱۰:۲۴؛ مز ۶:۲؛ ۹۹:۸؛ ۱۱۸:۱۸؛ ایوب ۵:۱۷؛ ۳۳:۱۹-۳۰.
p ر ک ۳۰:۱۵؛۱۵:۱۸؛میک۱:۹و۱۰؛اش۱۷:۱۱.لاعلاج:ر ک ۱۰:۱۹؛۱۴:۱۷؛نا۳:۱۹.
q این ترجمه‌ای است احتمالی.
r اشاره‌ای است به متحدانش؛ ر.ک. توضیحات ۲۲:۲۰.

اش۲۰:۴؛ نا۳:۱۰ و همهٔ مخالفانت، جملگی به اسارت خواهند رفت؛
آنان که تو را تاراج می‌کنند، تاراج خواهند شد،
نا۲:۱۱ و تمام آنان که تو را غارت می‌کنند، ایشان را به غارت خواهم سپرد.
۶:۳۳ [۱۷]زیرا که زخمت را التیام خواهم بخشید
و تو را از جراحت‌هایت شفا خواهم داد ـ وحی یهوه ـ
۱۹:۱۴ تو را که «رانده شده» می‌خوانند،
و «صهیونی[s] که کسی را دربارهٔ آن دغدغه خاطر نیست!»

احیای قوم خداوند...

[۱۸]یهوه چنین سخن می‌گوید:
عا۹:۱۱ اینک بخت خیمه‌های یعقوب را تغییر خواهم داد
و بر اقامت‌گاه‌هایش ترحم خواهم فرمود؛
شهر بر تپه خود بازسازی خواهد شد[t]
و قصر مکان خود را باز خواهد یافت.
[۱۹]از آنجا سرودهای ستایش بیرون خواهد آمد
و خنده‌های بلند.
۳:۱۶:۲۹:۶؛ لاو۲۶:۹؛ حز۳۶:۱۱،۳۷؛ ۲۶:۳۷ آنان را کثیر خواهد ساخت و کاهش نخواهند یافت،
ایشان را جلال خواهم داد و خوار نخواهند شد.
[۲۰]پسرانش همچون روزگاران کهن خواهند بود،
اش۱:۲۶ و اجتماعش در حضور من استوار خواهد بود،
۱۲:۲۵ و جمله ستمگرانش را مجازات خواهم نمود.
تث۱۷:۱۵ [۲۱]«رئیسش» از او صادر خواهد شد
زک۱۰:۴ و «حاکمش» از بطن او بیرون خواهد آمد،
و من او را نزدیک خواهم ساخت، و او به سوی من پیش خواهد آمد؛
زیرا کدام است آن کس که زندگی خویش را به خطر اندازد
تا به سوی من پیش آید[u] ـ وحی یهوه.
۳۱:۱؛ لاو۲۶:۱۲؛ تث۲۹:۱۲؛ ۲-پا۱۱:۷ [۲۲]شما قوم من خواهید بود، و من خدای شما خواهم بود.

s قرائت یونانی: «طعمهٔ ما». شاید این کلمه. اصطلاح اولیه ای باشد که در اثر غم هجران تبعیدیون یهودا دستخوش تغییر شده، ر.ک. مز ۱۳۷؛ در این صورت، این تغییر علامتی است از بازخوانی متن اصلی از سوی اهالی یهودا؛ ر.ک. توضیحات ۱:۳۰. در زبان عبری، شکل کلمات «طعمهٔ ما» و «صهیون» بسیار مشابه است. باید اذعان داشت که اشاره به صهیون در چنین مجموعه‌ای، باعث تعجب است.

t ر.ک. توضیحات ۲:۴۹.

u تحت‌اللفظی: «چه کسی دل خود را در گرو خواهد گذارد تا به من نزدیک شود». ـ افعال «پیش آمدن» و «نزدیک شدن» جزو واژگان عبادت است (ر.ک. لاو ۹:۵-۹؛ اعد ۸:۱۹)، اما برای شرفیابی به حضور پادشاه نیز به کار می‌رود (۲ـ سمو ۵:۱۵؛ ر.ک. پید ۴۳:۱۹؛ ۴۴:۱۸؛ اش ۴۸:۱۶)؛ برای نزدیک شدن و تقرب جستن به شخصیتی والامقام، رعایت تشریفات لازم ضروری است (ر.ک. استر ۴:۱۱). هر آن کس که جرأت کند به خدا نزدیک شود، «زندگی خود را در گروه می‌گذارد»، زیرا هر کس که خدا را ببیند، در معرض خطر مرگ قرار می‌گیرد (ر.ک. خروج ۳۳:۲۰؛ داور ۶:۲۲-۲۳؛ ۱۳:۲۲؛ اش ۶:۵)، مگر آنکه خود خدا او را «نزدیک سازد» تا بتواند در مشورت‌های دربار آسمانی شرکت جوید، ر.ک. زک ۴:۷.

... پس از طوفان[v]

۳۲:۵ [۲۳]اینک تند باد یهوه؛ وحشت بیرون آمده، طوفان بیداد می‌کند،
بر سر بدکاران قهر خود را تخلیه می‌کند.
[۲۴]شدت خشم یهوه بر نخواهد گشت
تا به انجام نرسانده باشد و تحقق نبخشیده باشد
طرح‌های دلش را؛
یو۱۳:۷ در ادامهٔ ایام این را درک خواهید کرد.

استقرار جدید در زمینی کشت شده

۳۱:۳۳؛ ۳۲:۳۸؛ حز۱۱:۲۰ **۳۱** [۱]در آن زمان ـ وحی یهوه ـ من خدای تمامی خانواده‌های اسرائیل خواهم بود و ایشان قوم من خواهند بود.
[۲]یهوه چنین سخن می‌گوید:
هو۲:۱۶ قومی که از شمشیر رهیده،
در بیابان فیض یافته است؛
اسرائیل به سوی آسودگی خود راه می‌رود.
[۳]یهوه از دور بر او ظاهر شده است[w].
تث۷:۸؛ ۱۰:۱۵؛ اش۴۳:۴؛ هو۱۱:۴؛ ملا۱:۲ با محبتی ابدی تو را محبت نموده‌ام؛
از این رو تو را با وفاداری جذب کرده‌ام[x].
[۴]بار دیگر تو را بنا خواهم کرد و بنا خواهی شد،
۳۱:۲۱ ای باکرهٔ اسرائیل[y]؛
بار دیگر، خود را با دف‌هایت خواهی آراست
و با رقص‌هایی شادمانه بیرون خواهی آمد،
[۵]بار دیگر تاکستان‌ها خواهی کاشت
بر کوه‌های سامره؛
آنان که [آنها] را می‌کارند، از نوبرش برخوردار خواهند شد.
[۶]زیرا روزی می‌آید که
نگهبانان بر کوه افراییم فریاد خواهند زد:
۳۳:۱۱؛ ۵۰:۴-۵؛ طو۱:۶ «برخیزید! به صهیون برآییم
به سوی یهوه، خدای ما!»

آمدن خداوند به صهیون با قومش

[۷]زیرا یهوه چنین سخن می‌گوید:
برای یعقوب فریاد شادمانی سر دهید،
عا۶:۱ نخستین ملت‌ها را با هلهله بستایید!
بگذارید صدایتان را بشنوند، و بستایید و بگویید:
«یهوه قوم خود را نجات داده است[z]،
بقیهٔ اسرائیل را!»
۳:۱۸ [۸]اینک من ایشان را از سرزمین شمال خواهم آورد

v تکراری تقریباً لغوی از ۲۳:۱۹-۲۰ (ر.ک. توضیحات). ویراستاری که این بخش را در اینجا قرار داده، احتمالاً می‌خواسته یادآوری کند که نجاتی که خدا عنایت می‌فرماید، به معنی رفع داوری نیست.

w ترجمهٔ ما مبتنی است بر قرائت یونانی. این جمله از زبان مردمان بیان می‌شود، گویی نوعی مکاشفهٔ گروهی دریافت می‌دارند. اما در قرائت عبری، این جمله از زبان نبی بیان می‌شود: «یهوه از دور بر من ظاهر شده است». چنین قرائتی می‌تواند به این معنی باشد که نبی، وحی خود را در مورد نجات مشروعیت می‌بخشد.

x ر.ک. به ساختاری مشابه در مز ۳۶:۱۱ و ۱۰۹:۱۲.

y «بنا کردن» در اینجا معنایی دوگانه دارد: همان گونه که خدا در گذشته زن را از دندهٔ مرد بنا کرد (پید ۲:۲۲)، همان گونه نیز باکرهٔ اسرائیل را بنا خواهد کرد تا از او شخصی کامل بسازد؛ در ضمن، او این کار را با «بازسازی» سرزمین انجام خواهد داد.

z ترجمه بر اساس قرائت یونانی. ـ قرائت عبری: «ای یهوه، قوم خود را نجات ده!» (ر.ک. توضیحات متی ۲۱:۹).

از انتهای اقصای زمین ایشان را گرد خواهم آورد، با کوران و لنگان،
زن باردار و زائو را، همگی را با هم: ۶:۳۰
جماعتی بزرگی که به اینجا خواهد آمد!
[۹] با گریه رفته بودند، ۱۸:۳۱؛ ۴:۵۰
و با تسلیات ایشان را باز خواهم آورد؛
ایشان را به سوی آب‌های روان هدایت خواهم کرد اش۴۹:۱۰
از راهی متحد
که در آن نخواهند لغزید.
چرا که من برای اسرائیل پدر هستم[a]، ۲۰:۳۱؛ خرو۴:۲۲
و افراییم نخست‌زادهٔ من است. بنسی۳۶:۱۷

ابلاغیهٔ رسمی: اسرائیل بازسازی شده است

[۱۰] بشنوید، ای ملت‌ها، کلام یهوه را، ۱۵:۴۲
آن را در جزیره‌های دوردست اعلام دارید؛ بگویید:
«او که اسرائیل را پراکنده ساخته، ۷:۱۵
ایشان را گرد خواهد آورد،
و آنان را حفظ خواهد کرد، همچون چوپانی گله‌اش را». بنسی۱۸:۱۳
[۱۱] زیرا یهوه یعقوب را رهایی داده،
آنان را از دست کسی نیرومندتر از ایشان بازخرید کرده است. خرو۶:۶؛ اش۴۹:۲۵
[۱۲] با غریو شادی، به بلندی‌های صهیون می‌رسند، ۳۲:۲۹
و به سوی احسان‌های یهوه سرازیر خواهند شد،
به سوی گندم و به سوی شراب نو، و به سوی روغن تازه،
به سوی گوسفندها و گاوها؛
جانشان همچون باغی آبیاری شده خواهد بود اش۵۸:۱۱
و دیگر درماندگی را نخواهند شناخت.
[۱۳] آنگاه دختر جوان به رقصیدن شادمان خواهد شد، مز۱۴۸:۱۲
جوان و پیر شادی خواهند کرد؛
سوگ ایشان را به وجد بدل خواهم ساخت، اش۳۵:۱۰؛ مز۳۰:۱۲
و ایشان را تسلی خواهم بخشید و پس از مصیبتشان، ایشان را شاد خواهم ساخت.
[۱۴] گلوی کاهنان را از چربی سیراب خواهم ساخت[b]
و قومم از احسان‌های من سیر خواهند شد
- وحی یهوه.

گریه و تسلی

[۱۵] یهوه چنین سخن می‌گوید:
گوش کنید! در رامه ناله‌ها به سمع می‌رسد، مت۲:۱۸
گریه هایی تلخ:
راحیل است که برای پسرانش می‌گرید؛
از تسلی یافتن سر باز می‌زند،
زیرا که ایشان دیگر نیستند.
[۱۶] یهوه چنین سخن می‌گوید:
صدای خود را از گریستن باز دار

a ر ک ۳:۱۹؛تث۳۲:۶؛اش۱:۲؛۶۴:۷؛۶۳:۱۶؛ملا۱:۶؛۲:۱۰؛هو۱۱:۱. (نخست زاده) ر ک خرو۴:۲۲.
b کاهنان تمام چربی‌های قربانی را بر قربانگاه می‌سوزانند و بخشی از گوشت قربانی نیز به ایشان می‌رسید.

و چشمانت را از ریختن اشک؛ مکا۲۱:۴
زیرا که عملت اجرتش را خواهد داشت ـ ۲تو۱۵:۷؛
وحی یهوه مکا۱۴:۱۳
ایشان را سرزمین دشمن باز خواهند آمد.
[۱۷] آری، برای آینده ات امید هست – ۱۱:۲۹
وحی یهوه–
پسران به زمینشان باز خواهند آمد!
[۱۸] می شنوم، می شنوم افراییم را که
اندوهگین است: ۹:۳۱؛ ۲۱:۳
«مرا اصلاح کردی، و اصلاح پذیرفتم
به سان گاو نر جوان تربیت نشده. ۱۹:۱۵؛ ۱۴:۱۷؛ مز۸۰:۴؛ مرا۵:۲۱
مرا باز آور و باز خواهم گشت،
چرا که تو یهوه، خدای من هستی!
[۱۹] آری، پس از آنکه منحرف شدم، توبه
کردم،
و چون تعلیم یافتم، بر ران خود زدم[c].
شرمسار بودم و حتی سرخ شدم
چرا که ننگ جوانی ام را حمل
می کردم».
[۲۰] پس آیا افراییم برایم پسری گرانقدر
است و فرزندی عزیز، ۳:۳۱؛ اش۴۹:۱۵؛ ۶۳:۹؛ مرا۳:۳۲
که هر بار که بر علیه او سخن می گویم،
باز باید او را به یاد آورم[d]؟
به همین سبب است که احشایم برای او
می لرزد؛
ترحم خواهم نمود، بر او ترحم خواهم
نمود[e] ـ وحی یهوه.

دعوت از اسرائیل باکره

[۲۱] برای خود نشانه ها بر پا کن،
برای خویش علامت ها قرار بده،
مراقب جاده باش،
به راهی که دنبال کرده ای.
باز آ، ای باکرهٔ اسرائیل، ۱۳:۱۸
باز آ به سوی این شهرهایی که از آن تو
است.
[۲۲] تا به کی خود را پنهان می سازی[f]،
ای دختر مرتد؟ ۲۲:۴
زیرا یهوه امر تازه ای در سرزمین
می آفریند: اش۴۱:۲۰؛ ۷:۴۸
زن مرد را احاطه می کند[g]!

احیای یهودا

[۲۳] چنین سخن می گوید یهوهٔ لشکرها،
خدای اسرائیل: آن زمان که بخت ایشان را
تغییر دهم، بار دیگر این سخن را در سرزمین
یهودا و در شهرهایش خواهند گفت:
بادا که یهوه تو را برکت دهد،
ای مسکن عدالت، ۷:۵۰
ای کوه تقدس!

c ر.ک. حزق ۲۱:۱۷.
d ر.ک. ۱۵:۱۵.
e می توان این گونه نیز ترجمه کرد: «او را محبت می نمایم، آری، محبت می نمایم». محبت خدا نسبت به اسرائیل، محبت پدری است که نسبت به پسر مسرف و گمشده اش، ترحمی عمیق دارد.
f معنای فعل عبری مبهم است. ریشهٔ آن به معنی «نفهم بودن» است، اما مفسران یهودی آن را در معنای «گشتن دور خود» استنباط کرده اند.
g منظور از «احاطه کردن» اظهار عشق کردن می باشد. این اصطلاح که کاربردش باعث حیرت است، احتمالاً به این معنی است که از این پس این زن است (یعنی قوم اسرائیل) که به دنبال جلب نظر مرد (یعنی خدا) خواهد بود، حال آنکه تا کنون این خداوند بوده که به دنبال جلب نظر قومش بوده است.

[۲۴]در آنجا یهودا و تمامی شهرهایش جملگی استقرار خواهند یافت[h]، کشتکاران و آنان که با گله ها حرکت می کنند[i].
[۲۵]زیرا جان تشنگان را سیراب خواهم ساخت، و هر جان درمانده را سرشار خواهم نمود.
اش۲۸:۱۲؛ مز۳۶:۹؛ مت۱۱:۲۸
[۲۶]در اینجا، بیدار شدم و چشمانم را گشودم؛ و خوابم برایم دلپذیر بود[j].

نظام نوین، عدالت نوین

[۲۷]اینک روزهایی می آید ـ وحی یهوه ـ که خاندان اسرائیل و خاندان یهودا[k] را با بذر انسان ها و با بذر حیوانات بذرپاشی خواهم کرد. [۲۸]آنگاه، به همان گونه که بر آنان برای بر کَندن و کوفتن و ویران کردن و برای هلاک نمودن و مصیبت رساندن نظارت کردم، به همان گونه نیز بر آنان برای بنا کردن و کاشتن نظارت خواهم نمود ـ وحی یهوه.
۱۹:۳۰
۱۰:۱

[۲۹]در آن روزها دیگر نخواهند گفت:
پدران انگور ترش خوردند
و دندان پسران کند شد[l].
[۳۰]بلکه هر کس به سبب خطای خود خواهد مرد:
هر کس که انگور ترش بخورد،
دندان خودش کند خواهد شد.
تث۲۴:۱۶؛ ۲-پا۱۴:۶

عهد جدید[m]

[۳۱]اینک روزهایی می آید ـ وحی یهوه ـ که با خاندان اسرائیل و با خاندان یهودا عهدی جدید خواهم بست، [۳۲]نه همچون عهدی که با پدرانشان بستم، در آن روز که دستشان را گرفتم تا از سرزمین مصر خارج سازم، عهدی که ایشان گسستند، با اینکه من ارباب ایشان بودم ـ وحی یهوه. [۳۳] بلکه این است آن عهدی که بعد از این روزها با خاندان اسرائیل خواهم بست ـ وحی یهوه ـ شریعت خود را در درون ایشان خواهم نهاد
۲-قر۳:۶؛ عبر۹:۱۵
۱۰:۱۱

h منظور احتمالاً این است که ساکنان تمام شهرهای یهودا (یعنی کشاورزان) و آنان که در صحراها زندگی می کنند (کوچ نشینان)، هر دو در کنار هم در آرامش زندگی خواهند کرد. ترجمهٔ دیگر که احتمالش کمتر است، می توان چنین باشد: «در آنجا در کنار هم ساکن خواهند شد ـ (در) یهودا و تمام شهرهایش ـ کشاورزان و کوچ نشینان».

i احتمالاً منظور گروه های کوچ نشین می باشد.

j خواب برای نبی دلپذیر بود زیرا مکاشفهٔ مربوط به آیندهٔ پرشکوه یهودا، در خواب به او اعطا شده بود.

k قرائت ترجمه یونانی: «اسرائیل و یهودا».

l اهالی یهودا، خصوصاً تبعیدی ها، این برداشت را داشتند که مجبورند جور گناهان پدرانشان را بکشند (آیه ۲۹؛ ر.ک. حزق ۲:۱۸). ارمیا تصدیق می کند که می توانست چنین بوده باشد (ر.ک. خروج ۲۰:۵؛ ۳۴:۷)، اما اعلام می دارد که برای آینده، هر گونه مجازات گروهی یا متأخر منسوخ است. حزقیال از این نیز فراتر رفته، می گوید که جزا و پاداش اساساً امری فردی است (حزق ۱۸).

m عهد جدیدی که خدا پس از آنکه حاکمانه (آیه b۳۲) شکستن عهد قدیم از سوی قوم را ببخشد (آیه ۳۴)، مبتنی است نه بر تغییر رهنمودهای اعطا شده در سینا و تعهداتی که قوم در آنجا بر عهده گرفتند، نه بر آیینی جدید و کاملاً روحانی؛ بلکه مبتنی است بر اینکه رهنمودها و تعهدات گذشته اینک در عمق وجود ایشان ثبت خواهد شد (ر.ک. اش ۴۸:۱۷؛ ۵۱:۷؛ ۵۴:۱۳؛ ۵۵:۳؛ امث ۹:۱-۶؛ غزل ۸:۲؛ روم ۸:۲؛ ۱ـ قرن ۹:۲۱ و توضیحات). ساختار شخصیت فرد چنان احیا و نو خواهد شد که بدون اینکه نیاز به تعلیم شخصی دیگر داشته باشد، ارادهٔ خداوند را خواهد شناخت و آن را به جا خواهد آورد (ر.ک. زک ۹:۱۳ و توضیحات؛ ۱ـ یو ۲:۲۰، ۲۷ و توضیحات؛ ۹:۳ و توضیحات). عیسی به هنگام بنیان نهادن قربان مقدس که نشانهٔ تحقق عهد جدید می باشد، به همین نبوت اشاره می فرماید (لو ۲۲:۲۰؛ ۱ـ قرن ۱۱:۲۵). آیات ۳۱-۳۴ به طور کامل در عبر ۸:۸-۱۲ در بخشی که مربوط به توصیف عهد جدید می باشد، نقل قول شده است.

۲۳:۷؛ ۳۸:۳۲؛ حز۳۶:۲۸؛ زک۸:۸

و آن را بر دلشان خواهم نوشت؛ من خدای ایشان خواهم بود و ایشان قوم من خواهند بود. [۳۴] و دیگر نه کسی همسایه خود را تعلیم خواهد داد و نه کسی برادر خود را و نخواهد گفت: «یهوه را بشناسید»؛ زیرا ایشان همگی مرا خواهند شناخت، از کوچکترین تا بزرگتریشان ـ وحی یهوه. چرا که خطایشان را خواهم بخشید، و دیگر گناهشان را به یاد نخواهم آورد.

۷:۲۴؛ اش۱۱:۹؛ یو۶:۴۵؛ ۲۰:۵۰.

دلبستگی تزلزل‌ناپذیر خداوند به اسرائیل[n]

[۳۵] یهوه چنین سخن می‌گوید،
او که خورشید را قرار داد تا روز را روشن سازد،
و ماه و ستارگان را تا شب را روشن سازند،
او که دریا را می‌شکافد[o]، و موج‌هایش به غرش می‌آیند؛
یهوهٔ لشکرها نام او است:
[۳۶] اگر این قوانین روزی از حضور من منسوخ می‌شد ـ وحی یهوه ـ
آنگاه نسل اسرائیل نیز برای همیشه باز می‌ایستاد
از اینکه در حضور من ملت باشد.
[۳۷] یهوه چنین سخن می‌گوید:
اگر کسی بتواند آسمان‌ها را در آن بالا اندازه بگیرد
و در این پایین بنیادهای زمین را کاوش کند،
آنگاه من نسل اسرائیل را رد خواهم نمود[p]
به سبب تمام آنچه که کرده‌اند[q] ـ وحی یهوه.

پید۱:۱۶

۱۸:۳۲؛ عا۵:۸، ۲۷

شهر محفوظ و مقدس آینده

[۳۸] اینک روزهایی می‌آید ـ وحی یهوه ـ که شهر برای یهوه بازسازی خواهد شد، از برج حَنَنئیل[r] تا دروازهٔ زاویه[s]. [۳۹] ریسمان اندازه‌گیری باز صاف نگاه داشته خواهد شد تا تپهٔ جارَب، و به سوی جوعَت دور خواهند زد. [۴۰] و تمامی درهٔ اجساد و خاکستر چرب[t]، و تمام مزارع تا آبکند قدرون، تا زاویهٔ دروازهٔ اسبان، در مشرق[u]، برای یهوه وقف خواهند شد: دیگر بر نخواهند کند، دیگر هیچ گاه ویران نخواهند ساخت[v]!

یول۴:۱۷

n دلبستگی تزلزل ناپذیر خداوند به قومش، از یک سو مرتبط شده به قدرت خالق که با اصطلاحات عبادی و آیینی تبیین شده (آیه ۳۵)، و از سوی دیگر با گسترهٔ عالم هستی مقایسه شده که برای روح انسان غیرقابل دسترس است (آیه ۳۷؛ ر.ک. اش ۴۰:۱۲-۱۶؛ امث ۳۰:۴).

o سنت یهود در اصطلاح «دریا را می‌شکافد» اشاره‌ای مشاهده می‌کند به گذر از دریای قلزم (ر.ک. ایوب ۲۶:۱۲).

p ترجمهٔ ما مبتنی است بر قرائت یونانی. ـ قرائت عبری: «تمام نسل اسرائیل را...»

q یعنی «تمام آنچه که پدران کرده‌اند».

r ر.ک. توضیحات نح ۳:۱.

s ر.ک. توضیحات ۲ـ پاد ۱۴:۱۳.

t ر.ک. لاو ۱:۱۶ و توضیحات؛ منظور بقایای قربانی‌ها است. در مورد این دره، ر.ک. توضیحات ۲:۲۳.

u ر.ک. توضیحات ۲ـ پاد ۱۱:۱۶.

v این اصطلاح که الهام یافته از ۱:۱۰ می‌باشد (ر.ک. ۱۲:۱۴-۱۷؛ ۱۸:۷، ۱۴؛ عا ۹:۱۵؛ دان ۱۱:۴) به این معنی است که شهری که بازسازی شده و وقف خداوند گردیده، برای همیشه محفوظ و مصون از تعرض خواهد بود.

عملی نمادین در بیان احیای یهودا[w]

۱:۳۰ **۳۲** [۱]کلامی که از سوی یهوه در سال دهم صدقیا، پادشاه یهودا، بر ارمیا فرا رسید؛ این در سال هجدهم نبوکدنصر بود. [۲]در آن زمان، لشکر پادشاه بابل اورشلیم را در محاصره داشت، و ارمیای نبی در صحن نگهبانان که در خانهٔ پادشاه یهودا بود در حبس به سر می برد، [۳] یعنی آنجا که صدقیا، پادشاه یهودا او را محبوس نموده بود و گفته بود: «چرا نبوت می کنی و می گویی: یهوه چنین سخن می گوید: اینک این شهر را به دست پادشاه بابل خواهم سپرد و او آن را خواهد گرفت؛ [۴]و صدقیا، پادشاه یهودا، از دست کلدانیان رهایی نخواهد یافت، بلکه یقیناً به دست پادشاه بابل سپرده خواهد شد. او با وی دهان با دهان سخن خواهد گفت و چشمانش چشمان وی را خواهد دید[x]. [۵]و صدقیا را به بابل خواهند برد و در آنجا خواهد ماند[z] تا آنکه به کار او رسیدگی کنم[y] ـ وحی یهوه. اگر بر ضد کلدانیان بجنگید، ۲۹:۵۲ کامیاب نخواهید شد[a]!»

[۶]ارمیا گفت[b]: «کلام یهوه به این مضمون به من فرا رسید: [۷]اینک حَنَمئیل، پسر شَلّوم، عمویت، نزد تو خواهد آمد تا بگوید: مزرعهٔ مراکه در عناتوت است بخر، ۲۱:۱۱ زیرا تو برای خریدن، حق باز خرید داری». [۸]حَنَمئیل، پسر عمویم، مطابق کلام یهوه نزد من در صحن محافظان آمد و مرا گفت: «مزرعهٔ مرا که در عناتوت، در سرزمین بنیامین است بخر، زیرا که تو حق اکتساب و حق بازخرید داری؛ آن را بخر». من پی بردم که این کلام یهوه است؛ [۹]من از حَنَمئیل، پسر عمویم مزرعه ای را که در عناتوت است خریدم و نقره را برایش وزن کردم، (یعنی) هفده مثقال نقره. [۱۰]قباله را نوشتم و آن را مهر و موم کردم؛ شاهدانی گرفتم و نقره را در ترازو وزن کردم. [۱۱]سپس قبالهٔ خرید را گرفتم، آن را که مهر ۴۴:۳۲ و موم شده بود و حاوی شروط و مفاد بود[c]، و آن دیگری را که باز بود. [۱۲]قبالهٔ خرید را در حضور حَنَمئیل، پسر عمویم، و در حضور ۵۹:۵۱

w در بحبوحهٔ محاصره اورشلیم (۵۸۸-۵۸۷ ق.م.) ارمیا دعوت می شود تا دست به معامله ای ظاهراً غیرمعقول بزند؛ یکی از خویشان نزدیکش مجبور بود به دلایلی که بر ما پوشیده است، قطعه ای زمین بفروشد. لذا ارمیا از حق (یا وظیفهٔ) فدیهٔ خود استفاده می کند و زمین را مالک می شود. این معامله که هیچ نفع شخصی در بر ندارد، عنصری است از پیشگویی نبوتی او، و عملی است نمادین که روشنگر وحی ای در مورد نجات می باشد؛ طبق این وحی، علی رغم زمان های دشواری که یهودا پشت سر می گذارد، زندگی به زودی در آنجا به حالت عادی باز خواهد گشت.

x ر.ک. توضیحات ۳:۳۴.

y تحت الفظی: (بازدید کردن) واین بازدید میتواند دومعنا داشته باشد ،یابازدید رضایت بخش جهت ازاد کردن یا دخالت تنبیهی که آخرش مرگ میباشد. طبق اعداد ۲۹:۱۶ که ظاهرا در این متن معنی دوم دارا میباشد.

z عبارت پایانی این آیه در ترجمهٔ یونانی نیست؛ بازتاب ۵:۳۴ را در این عبارت می بینیم (ر.ک. توضیحات) ر.ک ۲۷:۲۲؛ ۱۰:۲۹.

a این توضیح که طبق آن، ظاهراً صدقیا ارمیا را به علت پیامش در مورد اورشلیم محبوس کرد، با سایر مندرجات کتاب سازگار نیست. طبق این مندرجات، ارمیا را به این علت بازداشت کردند که او را خائن می پنداشتند، و صدقیا در کل نظر مساعدی نسبت به نبی داشت. به نظر می رسد که آیات ۲-۵ اثر ویراستار باشد.

b بعد از مقدمه (آیات ۱-۵)، به روایت خود ارمیا می رسیم.

c این عبارت فرعی که در ترجمهٔ یونانی نیست و ممکن است توضیح قاری باشد، ظاهراً می خواهد بگوید: «امان از این تشریفات اداری!» مگر آنکه خواسته باشد صرفاً بر جدی بودن سند خرید که با دقیق ترین روش قانونی انجام شده، تأکید بگذارد.

شاهدانی که قباله خرید را امضا کرده بودند، و در حضور تمام اهالی یهودا که در صحن نگهبانان نشسته بودند، به باروک پسر نیریا، پسر معسیا سپردم.

[۱۳] سپس در حضور ایشان، این حکم را به باروک دادم: ۱۴ «چنین سخن می‌گوید یهوهٔ لشکرها، خدای اسرائیل: این قباله ها را بر گیر، این قبالهٔ خرید را که مهر و موم شده و این قباله را که باز است، و آنها را در ظرفی از خاک رس قرار بده تا روزهایی طولانی دوام بیاورند. [۱۵] زیرا چنین سخن می‌گوید یهوهٔ لشکرها، خدای اسرائیل: بار دیگر در این سرزمین خانه ها و مزرعه ها و تاکستان ها خواهند خرید».

۴۳:۳۲

[۱۶] پس از آنکه قبالهٔ خرید را به باروک، پسر نیریا سپردم، این دعا را به حضور یهوه کردم: [۱۷] «آه، ای خداوند یهوه، اینک تو آسمان و زمین را با قدرت عظیمت و با بازوی دراز شده ات[d] ساخته ای؛ چیزی برای تو غیرممکن نیست. [۱۸] تو به هزاران وفاداری نشان می‌دهی و خطای پدران را در بطن پسران ایشان پس از ایشان تسویه می‌کنی، تو، خدا، عظیم، قهرمان، که نامت یهوهٔ لشکرها است، [۱۹] که عظیم در مشورت و غنی در کارهای بزرگ می‌باشی، که چشمانت به روی هر رفتار بنی آدم گشوده است، تا به هر یک مطابق رفتارش و مطابق ثمرهٔ اعمالش بدهی. [۲۰] تو در

۲۷:۳۲؛ مت۱۹:۲۶
۱۱:۲۰
۲:۳۳؛ اش۵۴:۵؛ ۱۷:۱۶؛ مز۵:۲۱
۱۰:۱۷؛ ایو۳۴:۱۱

سرزمین مصر و تا به امروز در اسرائیل و در میان مردمان، نشانه ها[e] و عجایب قرار داده ای، و برای خود نامی ساخته ای همان گونه که امروز [می باشد]. [۲۱] تو قوم خود، اسرائیل را از سرزمین مصر با نشانه ها و عجایب، و با دست نیرومند و بازوی دراز شده، و با وحشت عظیم بیرون آوردی[f]. [۲۲] تو این سرزمین را به ایشان داده ای که برای پدرانشان قسم خورده بودی که به ایشان بدهی، سرزمینی که در آن شیر و عسل جاری است[g]. [۲۳] ایشان وارد آن شدند و آن را به مالکیت درآوردند، اما ایشان به صدای تو گوش نگرفته اند، و مطابق شریعت تو سلوک نکرده اند؛ از آنچه ایشان را امر فرموده بودی که انجام دهند، هیچ انجام نداده اند. و تو بر ایشان تمام این مصیبت را واری آوردی.

[۲۴] «اینک خاکریزها به شهر می‌رسند تا آن را بگیرند، و با شمشیر و قحط و طاعون، شهر می‌رود که به دست کلدانیان که با آن می‌جنگند، سپرده شود. آنچه تو گفتی به انجام می‌رسد، و تو آن را می‌بینی. [۲۵] و ای خداوند یهوه، این تو هستی که مرا گفتی: مزرعه را به بهای نقره بخر و شاهدان بگیر، حال آنکه شهر به دست کلدانیان سپرده می‌شود!»

[۲۶] کلام یهوه به این مضمون به ارمیا فرا رسید[h]: [۲۷] اینک من، یهوه، خدای تمامی

اع۷:۳۶
نح۹:۳۰
۶:۶
اع۱۶:۲۲؛ ۱۷:۳۲؛ پید۱۸:۱۴؛ زک۸:۶

d مانند ۵:۲۷؛ ر.ک. آیه ۲۱؛ ۵:۱۷؛ توضیحات ۵:۲۱.
e ر.ک.خرو۱۰:۲؛مز۷۸:۴۳ با توجه به تفاوتهای اصطلاحات میتوان گفت نشانه کردن (ر.ک.خرو۴:۱۷و۳۰)یا نشانه ها را ارائه دادن(اش۷:۱۴؛تث۱۳:۲)ویا نشانه ها در میان ظاهر ساختن خرو۱۰:۱.
f ر.ک. توضیحات آیه ۱۷.
g مانند ۵:۱۱؛ ر.ک. خروج ۳:۸ و توضیحات.
h قرائت ترجمهٔ یونانی: «به من فرا رسید».

بشر هستم؛ آیا امری نزد من غیرممکن می باشد؟ [۲۸] به این سبب، یهوه چنین سخن می گوید: اینک این شهر را به دست کلدانیان و به دست نبوکدنصر، پادشاه بابل خواهم سپرد، و او آن را خواهد گرفت. [۲۹] کلدانیان که بر علیه این شهر می جنگند وارد خواهند شد، و آن را به آتش خواهند کشید و آن را به آتش خواهند سوزاند، و نیز تمامی خانه هایی را که بر بامشان برای بعل بخور سوزانده اند و برای خدایان دیگر هدایای ریختنی ریخته اند، تا مرا به خشم آورند. [۳۰] زیرا که پسران اسرائیل و پسران یهودا از جوانی خود، کاری جز شرارت در نظر من نکرده اند. زیرا که پسران اسرائیل با اعمال دست خود کاری جز به خشم آوردن من نکرده اند[i] - وحی یهوه. [۳۱] آری، برای من این شهر موجب خشم و غضب بوده، از آن روزی که آن را بنا کردند تا به امروز[j]، تا آن حد که آن را از مقابل روی خود دور خواهم ساخت، [۳۲] به سبب تمام شرارتی که پسران اسرائیل و پسران یهودا برای خشمگین ساختن من کرده اند، ایشان و پادشاهان و بزرگانشان و کاهنانشان و انبیایشان، و مردمان یهودا و ساکنان اورشلیم. [۳۳] ایشان پشت خود را به من کرده اند و نه روی خود را؛ کوشیدم تا ایشان را بدون خستگی تعلیم دهم، (اما) ایشان گوش نگرفتند تا درس را بگیرند. [۳۴] آنان «آشغال های» خود را در خانه ای که به نام من خوانده شده، قرار داده اند[k]، تا آن را نجس سازند. [۳۵] ایشان مکان های بلند را برای بعل ساخته اند که در وادی ابن - حنّوم می باشد، تا پسران و دخترانشان را برای مولک[l] بگذرانند، امری که به ایشان امر نفرموده بودم و به فکرم خطور نکرده بود، (یعنی) ارتکاب این (کار) نفرت انگیز تا یهودا را به گناه وادارند!

[۳۶] و اینک چنین سخن می گوید یهوه، خدای اسرائیل، خطاب به این شهر که درباره اش می گویید[m]: «با شمشیر و قحط و طاعون به دست پادشاه بابل سپرده شده است». [۳۷] اینک ایشان را از تمام سرزمین هایی که در خشم و در غضب و در غیظ عظیم خود، ایشان را به آنها رانده ام، گرد خواهم آورد؛ ایشان را به این مکان باز خواهم آورد و ایشان را در امنیت ساکن خواهم ساخت. [۳۸] ایشان قوم من خواهند بود و من خدای ایشان خواهم بود. [۳۹] به آنان یک دل خواهم داد و در یک راه[n] سالک خواهم ساخت، تا در تمامی روزها از من بترسند، برای سعادتشان و سعادت پسرانشان پس از ایشان. [۴۰] با آنان عهدی دائمی خواهم بست[o] و به واسطهٔ آن از

۱۳:۱۹
۲۵:۳
۲۰:۷
۲پا۱۷:۱۸،۲۳؛ ۲۷:۲۳
۳:۴۴
۴:۴
۶:۱۵:۲۷:۲
۳:۵
۷:۳۰-۳۱
۱۵:۳۴؛ تث۱۲:۵،۱۱؛ با۲:۲۶
لاو۱۸:۲۱
۵:۲۱
۱۵:۱۶
۶:۲۳
۴:۱۱؛ حز۳۷:۲۳،۲۷
۷:۲۴
۵:۵۰

i مانند ۶:۲۵ (ر.ک. توضیحات). این عبارت پایانی در ترجمهٔ یونانی نیست.
j ر.ک. ۲:۲۰؛ حزق ۱۶:۳-۵، ۴۵؛ ۲۳.
k ر.ک. توضیحات ۷:۱۰ - در اینجا نیز منظور از «کثافات»، بتها می باشد؛ ر.ک. توضیحات ۱۶:۱۸.
l ر.ک. توضیحات ۲- پاد ۲۳:۱۰
m قرائت ترجمهٔ یونانی: «می گویی». ر.ک. آیه ۲۴.
n ر.ک. توضیحات ۱۷:۹. قرائت ترجمهٔ یونانی: «راهی دیگر و دلی دیگر». ر.ک. ۳۱:۳۳؛ حزق ۱۱:۱۹؛ ۳۶:۲۶.
o ر.ک. توضیحات اش ۲۴:۵.

۳۲،۱۱:۲۹ دنبال کردن ایشان برای خیریت رساندن به ایشان باز نخواهم ایستاد؛ و ترس خود را در دل ایشان قرار خواهم داد[p]، تا از من دور نشوند. [۴۱]شادی خود را در این خواهم نهاد که به ایشان نیکویی کنم، و آنان را استوار در این سرزمین خواهم کاشت[q]، با تمام دلم و با تمام جانم. [۴۲]زیرا که یهوه چنین سخن می‌گوید: همان گونه که بر این قوم تمام این مصیبت عظیم را وارد ساختم، به همان گونه تمام خیریتی را که درباره‌اش با ایشان سخن می‌گویم، خواهم آورد. [۴۳]در این سرزمینی که درباره‌اش می‌گویید[r]: سرزمینی است ویران، بدون انسان و حیوان که به دست کلدانیان سپرده شده، مزرعه‌ها خواهند خرید. [۴۴]به بهای نقره مزرعه‌ها خواهند خرید، قباله‌ها خواهند نوشت، آنها را مهر و موم خواهند کرد، شاهدان خواهند گرفت در سرزمین بنیامین، در حوالی اورشلیم، در شهرهای یهودا، در شهرهای کوهستان، در شهرهای دشت، و در شهرهای نِگِب. زیرا بخت ایشان را تغییر خواهم داد - وحی یهوه.

صف۱۷:۳ ۲۱:۲ ۲۸:۳۱ ۱۵:۳۲ ۱۰:۳۳ ۱۰:۳۲ ۱۴:۲۹

احیای پرجلال در آینده[s]

۳۳ [۱]کلام یهوه برای بار دوم به ارمیا فرا رسید، آن هنگام که او هنوز در صحن محافظان در بازداشت بود، تا [به او] بگوید: [۲]چنین سخن می‌گوید یهوه که زمین[t] را ساخته و آن را شکل بخشیده تا آن را برقرار سازد؛ یهوه نام او است! [۳]مرا بخوان و تو را پاسخ خواهم داد، و به تو امور بزرگ و کاوش ناپذیر را اعلام خواهم داشت، (اموری) که نمی‌دانی. [۴]زیرا چنین سخن می‌گوید یهوه، خدای اسرائیل دربارهٔ خانه‌های این شهر و خانه‌های پادشاهان یهودا که فرو کوفته شده تا خاکریزها و سنگرها برپا شود، [۵]تا با کلدانیان بجنگند و شهر[u] را از اجساد مردمانی که من در خشم و غضب خود زده‌ام پر کنند، زیرا روی خود را از این شهر با سبب تمام شرارتش پنهان ساخته‌ام: [۶]اینک زخم ایشان را التیام خواهم بخشید و شفا خواهم داد؛ آنان را شفا خواهم داد و برایشان گنج‌های آرامش و امنیت را مکشوف خواهم ساخت. [۷]من بخت یهودا و بخت اسرائیل را تغییر خواهم داد، و ایشان

۱۲،۸،۲:۳۲؛ ۲۱:۳۷ ۱۸:۴۶؛ عا۹:۶ ۱۲:۲۹؛ مز۱۵:۵۰ اش۶:۴۸ ۲۴:۳۲ ۳۱:۳۲؛ تث۱۷:۳۱ ۲۲:۳؛ ۲۲:۸؛ ۱۷:۳۰ ۲۶،۱۱:۳۳

p ر.ک. ۲۲:۵، ۲۴؛ توضیحات ۱۹:۲؛ توضیحات اع ۲:۱۰.
q ر.ک. توضیحات ۱:۱۰؛ ۶:۲۴؛ عا ۱۵:۹.
r قرائت ترجمهٔ یونانی: «می‌گویی»، مانند آیه ۳۶ (ر.ک. توضیحات).
s این فصل شامل مجموعه‌ای از وحی‌های مربوط به نجات است و توصیف کنندهٔ سعادتی است که برای اسرائیل نگاه‌داری شده، یعنی: کامیابی شهرهایش (آیات ۱-۱۳)، استقرار مجدد و قطعی سلطنتی که به دست داود آغاز شده و نیز استقرار مجدد کهانت لاویان (آیات ۱۴-۲۲)، برگزیدگی تغییرناپذیر قوم و سلسلهٔ داود (آیات ۲۳-۲۶). بخشی از این متون ممکن است اثر ویراستاران باشد.
t تحت‌اللفظی: «که آن را می‌سازد». ترجمهٔ ما مبتنی است بر قرائت ترجمه یونانی. در نظر قیمهی و سایر مفسران یهود، آنچه یهوه می‌سازد، اورشلیم است، ر.ک. آیات ۱۰-۱۱.
u تحت‌اللفظی: «تا آنها را ... پر کنند». متن دشوار است و تا حدی غیرقابل بازسازی؛ ترجمه ما مبتنی است بر حدس و گمان. تصور می‌رود که محصره شدگان برای دفاع از شهر، بخشی از خانه‌های شهر را ویران کردند (ر.ک. اش ۱۰:۲۲) این کار نتیجه‌ای جز افزایش ندارد.

را همچون ابتدا بنا خواهم نمود. [۸]آنان را از هر خطایی که به واسطهٔ آنها نسبت به من مجرم شده‌اند طاهر خواهم ساخت، و تمام خطاهایی را که به واسطهٔ آنها نسبت به من مجرم شده‌اند و به من بی‌وفا گردیده‌اند، خواهم بخشید. [۹][اورشلیم] برایم نامی شادمانه و افتخار و جلال خواهد گشت نزد تمام ملت‌های زمین که از تمام سعادتی که به ایشان[v] می‌دهم آگاهی یابند؛ ایشان در برابر تمام سعادت و تمام آرامشی که به آنان می‌دهم، خواهند ترسید و خواهند لرزید.

[۱۰]یهوه چنین سخن می‌گوید: در این مکان که درباره‌اش می‌گویید: «بیابانی است بدون انسان و بدون حیوان»، بار دیگر شنیده خواهد شد، و در شهرهای یهودا و در کوچه‌های اورشلیم که ویران شده‌اند، بدون انسان و بدون سکنه و بدون حیوان[w]، [شنیده خواهد شد] [۱۱]فریاد شادمانی و فریاد وجد، و ترانهٔ داماد و ترانهٔ عروس، و ترانهٔ آنان که می‌گویند:

«یهوهٔ لشکرها را بستایید،
زیرا که نیکو است، یهوه،
و وفاداری‌اش ابدی!»

و (فریاد) آنانی که قربانی ستایش به خانهٔ یهوه می‌آورند. زیرا بخت این سرزمین را تغییر خواهم داد، و مانند ابتدا [خواهد بود] یهوه می‌فرماید.

[۱۲]چنین سخن می‌گوید یهوهٔ لشکرها: در این مکان که بیابانی است بدون انسان و حیوان، و در تمام شهرها، بار دیگر چراگاه‌هایی خواهد بود که در آنها چوپانان گله‌های خود را خواهند خواباند. [۱۳]در شهرهای کوهستان، در شهرهای دشت، در شهرهای نِگِب، در سرزمین بنیامین، در حوالی اورشَلیم و در شهرهای یهودا، گوسفندان بار دیگر از زیر دست آن کس که آنها را می‌شمارد، عبور خواهند کرد، یهوه می‌فرماید.

[۱۴]اینک[x] روزهایی می‌آید - وحی یهوه - که آن سخن نیکویی را که خطاب به خاندان اسرائیل و دربارهٔ یهودا گفته‌ام به انجام خواهم رساند:

[۱۵]در آن روزها و در آن زمان،
برای داود جوانهٔ عدالت خواهم رویاند،
و او انصاف و عدالت را در سرزمین به اجرا درخواهد آورد.
[۱۶]در آن روزها، یهودا نجات خواهد یافت
و اورشلیم در امنیت ساکن خواهد شد؛
و آن را این چنین خواهند نامید:
«یهوه - عدالت - ما[y].»

[۱۷]زیرا یهوه چنین سخن می‌گوید: داود هرگز از کسی که بر تخت سلطنت خاندان اسرائیل بنشیند، بی بهره نخواهد ماند. [۱۸]و کاهنان لاوی هرگز در برابر من، از کسی که من قربانی سوختنی تقدیم کند و

حز۳۶:۲۵
۳۱:۳۴
۱۳:۱۱؛ صف۳:۲۰
۳۳:۱۲؛ ۳۲:۴۳
۷:۳۴
۲توا۵:۱۳؛ ۲۹:۳۱؛ ۱مکا۴:۲۴
۳۳:۱۰
۳۲:۴۴
۲۹:۱۰
اش۱:۲۶؛ هو۲:۱؛ بار۵:۴؛ مت۵:۴۸
بنسی۵۱:۱۲

v بر اساس آیه ۷، منظور اسرائیل و یهودا است.
w ر.ک. ۵۱:۶۲.
x آیات ۱۴-۲۶ در ترجمهٔ یونانی نیست.
y در خصوص این دو آیه، ر.ک. ۲۳:۵-۶ و توضیحات.

۱۶:۱ هدیهٔ آردی بسوزاند و هر روزه قربانی کند، بی بهره نخواهد ماند.

[۱۹]کلام یهوه به این مضمون به ارمیا فرا رسید: [۲۰]یهوه چنین سخن می گوید: اگر ۳۶:۳۱ بتوانید عهد مرا با روز و میثاق مرا به شب فسخ کنید، آن گونه که روز و شب دیگر در زمان خود نباشد، [۲۱]آنگاه عهد من نیز با مز۸۹:۳۵؛ بنسی۴۵:۲۴-۲۵ خدمتگزارم داود فسخ خواهد شد، آن گونه که دیگر پسری نداشته باشد که بر تخت او سلطنت کند، (و نیز عهدم) با خدمت کنندگانم لاویان کاهن. [۲۲]همان سان که ۸:۱۵ نمی توان لشکر آسمان و ریگ دریا را شمرد، به همان سان اعقاب خدمتگزارم ۱۹:۳۰ داود را کثیر خواهم ساخت و (نیز) لاویان را که خدمت کنندگان من می باشند.

[۲۳]کلام یهوه به این مضمون به ارمیا فرا رسید: [۲۴]آیا نمی بینی که این مردم چه می گویند: «آن دو خاندانی که یهوه ۴:۵۰ برگزیده بود، آنها را رد کرده است!» بدینسان قوم مرا تحقیر می کنند، به گونه ای که در برابر ایشان دیگر قومی نیست. [۲۵]یهوه چنین سخن می گوید: اگر عهد مرا ۲۰:۳۳ با روز و شب، و اگر قوانین آسمان و زمین را من برقرار نکرده باشم، [۲۶]آنگاه اعقاب یعقوب و خدمتگزارم داود را نیز خواهم کرد، به گونه ای که از این اعقاب، برزگانی ۳۳:۷،۱۱؛ ۲۹:۱۴؛ ۳۱:۲۰ برای اعقاب ابراهیم و اسحاق و یعقوب نخواهم گرفت! زیرا که بخت ایشان را تغییر خواهم داد و بر ایشان رحم خواهم فرمود.

آنچه که در انتظار صدقیا است[z]

۳۴ [۱]کلامی که از سوی یهوه به ارمیا ۱:۳۲ فرا رسید، آن گاه که نبوکدنصر، پادشاه بابل، و تمام لشکر او، و نیز تمام ممالک زمین که تحت سلطهٔ او بودند، و ۱۳:۴۹ تمام قوم ها، بر علیه اورشلیم و تمام شهرهای تابع آن می جنگیدند: [۲]چنین ۱۳:۳۵ سخن می گوید یهوه، خدای اسرائیل: برو و به صدقیا، پادشاه یهودا بگو؛ به او بگو: یهوه چنین سخن می گوید: اینک این شهر را به دست پادشاه بابل خواهم سپرد و او آن را به آتش خواهد سوزاند. [۳]تو خودت از دست او رهایی نخواهی یافت، زیرا یقیناً گرفته شده و به دست او سپرده خواهی شد. چشمانت چشمان پادشاه بابل را خواهد دید، و او را با تو دهان به دهان سخن خواهد گفت[a]. و به بابل خواهی رفت. [۴]با ۲:۲۲ این حال، ای صدقیا، پادشاه یهودا، به کلام یهوه گوش فرا ده! یهوه دربارهٔ تو چنین سخن می گوید: تو با شمشیر نخواهی مرد؛ [۵]در آرامش خواهی مرد. و همان گونه که برای پدرانت [عطریات] سوزاندند، (یعنی برای) پادشاهان قدیمی که پیش از تو

z این بخش (۳۴:۱-۷) شامل وحی ای است خطاب به شخص صدقیای پادشاه در طول محاصرهٔ اورشلیم در سال های ۵۸۸-۵۸۷ ق.م. موقعیت نظامی به بن بست رسیده؛ اکثر شهرهای یهودا پیش از این به تصرف نیروهای مهاجر در آمده، و فقط دژهای حصاردار لاکیش و عزیقه هنوز مقاومت می کنند. صدقیا دیگر هیچ امیدی به حفظ تاج و تخت خود و دفع حملات بابلی ها ندارد، اما لااقل زندگی اش در امان خواهد بود. این وحی مشابه است با وحی هایی که ارمیا خطاب به عَبدمَلَک (۳۹:۱۵-۱۸) و با باروک (ر.ک. ۴۵) بیان خواهد داشت.

a مقدمه فصل ۳۲ که احتمالاً متأخر است، از همین اصطلاحات استفاده می کند.

بوده‌اند[b]، همان گونه برای تو نیز خواهند سوزاند و برای تو مرثیه خواهند خواند (که): «افسوس! ای سَروَر!» چنین است کلامی که من گفته‌ام ـ وحی یهوه.

۱۸:۲۲

[۶]ارمیای نبی تمامی این سخنان را در اورشلیم به صدقیا، پادشاه یهودا گفت. [۷]در آن زمان، لشکر پادشاه بابل بر علیه اورشلیم و تمامی شهرهای[c] یهودا که هنوز مقاومت می‌کردند، بر علیه لاکیش و بر علیه عَزیقَه، می‌جنگید؛ زیرا اینها تنها شهرهای حصارداری بودند که از میان شهرهای یهودا باقی مانده بودند.

۵:۴

در مورد بردگان عبرانی که آزاده شده و بار دیگر گرفته شده بودند

۱:۳۴

[۸]کلامی که از سوی یهوه به ارمیا فرا رسید، پس از آنکه صدقیای پادشاه عهدی با تمام مردم اورشلیم بست تا آزادی ایشان را اعلام دارد: [۹]هر کس می‌بایست بردهٔ عبرانی خود را ـ چه مرد و چه زن ـ آزاد سازد، به گونه‌ای که هیچ کس برادر خویش، (یعنی) فردی از اهالی یهودا را در بندگی نگاه ندارد. [۱۰]تمام بزرگان و تمام قوم که داخل این عهد شده بودند، پذیرفتند که هر کس بردهٔ خود را ـ چه مرد و چه زن ـ آزاد کند، به گونه‌ای که دیگر ایشان را در بندگی نگاه ندارد؛ ایشان پذیرفتند و آنان را آزاد کردند. [۱۱]پس از آن، تغییر عقیده دادند، و برده‌ها را که آزاد

نح۵:۸

کرده بودند ـ چه مرد و چه زن ـ باز پس آوردند، و ایشان را برده ساختند ـ چه مرد و چه زن.

[۱۲]کلام یهوه به این مضمون به ارمیا فرا رسید: [۱۳]چنین سخن می‌گوید یهوه، خدای اسرائیل: من در روزی که پدران شما را از سرزمین مصر و از خانهٔ بردگان بیرون آوردم، با پدران شما عهدی بستم و گفتم: [۱۴]«در پایان هفت سال، هر یک از شما برادر عبرانی خویش را که خود را به او فروخته، رها سازد؛ او شش سال تو را خدمت کند، سپس تو او را از نزد خود آزاد خواهی کرد». اما پدران شما به من گوش نگرفتند و گوش نسپاردند. [۱۵]شما امروز باز گشتید و کاری را کردید که در نظر من درست است و هر یک آزادی همسایه خود را اعلام داشت؛ شما در برابر من، در خانه‌ای که به نام من خوانده شده، عهدی بستید. [۱۶]سپس با تغییر عقیده دادن و با اهانت به نام من، هر یک بردهٔ خود را که از شخصشان آزاد کرده بودید، باز آورید ـ چه مرد و چه زن ـ و ایشان را واداشتید تا بردگان شما شوند ـ چه مرد و چه زن.

تث۱۵:۱۲؛ ۲پا۴:۱

۱۵:۳۵

۷:۱۰،۱۲؛ ۱پا۸:۴۳؛ لاو۱۹:۱۲

[۱۷]به این سبب، یهوه چنین سخن می‌گوید: شما به من گوش نگرفتید تا هر یک از شما آزادی برادر خود و هر یک از شما آزادی همسایه‌اش را اعلام کند؛ اینک من برای شما آزادی را اعلام می‌دارم ـ وحی یهوه ـ به نفع شمشیر و طاعون و قحط، و از

b ر.ک. ۲ـ توا ۱۴:۱۶؛ ۱۹:۲۱. این وعده‌ها شاید حالت شرطی داشتند (ر.ک. ۹:۲۱؛ ۱۷:۳۸)؛ ۵:۳۲ که بازتابی است از این امر، دعوتی نیز هست به عدم مقاومت، و در ابتدای آیه پیشین، حالتی از پند و اندرز احساس می‌شود.

c ترجمهٔ ما مبتنی است بر ترجمهٔ یونانی که با مضمون متن سازگارتر است (ر.ک. توضیحات ۱:۳۴)؛ قرائت عبری: «تمامی شهرها».

۴:۱۵ شما وحشتی برای تمامی ممالک زمین خواهم ساخت. [۱۸]و مردمانی که از عهد من تخطی ورزیده‌اند و مفاد عهدی را که در برابر من بسته‌اند به اجرا در نیاورده‌اند، ایشان را مانند آن گاو نر جوانی خواهم ساخت که دو نیم کردند و از میان قطعات آن عبور نمودند[d]؛ [۱۹]بزرگان یهودا و بزرگان اورشلیم، خواجه سرایان و کاهنان، و تمام مردم سرزمین[e] که از میان قطعات گاو نر جوان عبور کردند، [۲۰]ایشان را به دست دشمنانشان و به دست آنانی که در قصد جانشان می‌باشند خواهم سپرد، و اجسادشان خوراک پرندگان آسمان و حیوانات زمین خواهد شد. [۲۱]در خصوص صدقیا، پادشاه یهودا، و بزرگانش، ایشان را به دست دشمنانشان و به دست آنانی که در قصد جانشان می‌باشند، و به دست لشکر پادشاه بابل که اخیراً از شما دور شده، خواهم سپرد. [۲۲]اینک امر خواهم کرد -وحی یهوه- و ایشان را به سوی این شهر باز خواهم آورد؛ بر علیه آن خواهند جنگید و آن را خواهند گرفت و به آتش خواهند سوزاند. و از شهرهای یهودا سرزمینی ویران و خالی از سکنه خواهم ساخت.

۳۳:۷؛ تث۲۸:۲۶

۲:۳۲، ۲۴؛ ۸:۳۷

درسی از رکابیان[f]

۳۵ [۱]کلامی که در روزگار یهویاقیم، پسر یوشیا، پادشاه یهودا، از سوی یهوه به این مضمون بر ارمیا فرا رسید: [۲]«نزد خاندان رکابی‌ها برو؛ با آنان سخن بگو و ایشان را به خانهٔ یهوه، به یکی از اتاق‌ها بیاور و به ایشان شراب بنوشان». [۳]من یازَنیا، پسر یرمیاهو، پسر حَبَصّنیا، و نیز برادرانش و تمام پسرانش و تمام خاندان رکابی‌ها را گرفتم، [۴]و ایشان را به خانهٔ یهوه، به اتاق پسران حانان، پسر یجدَلیاهو، مرد خدا[g]، آوردم، آن اتاق که مجاور اتاق بزرگان است و بر بالای اتاق مَعَسیاهو، پسر شَلّوم، محافظ آستانه می‌باشد[h]. [۵]در مقابل ایشان لگن‌های پر از شراب و جام‌ها گذاردم، و ایشان را گفتم: «شراب بنوشید».

۸:۳۴

[۶]گفتند: «شراب نخواهیم نوشید، زیرا یوناداب، پسر رکاب، پدر ما، به ما این حکم را داده: هرگز شراب منوشید، نه شما و نه پسرانتان؛ [۷]خانه مسازید، کشت مکنید، تاکستان مکارید، و آن را نداشته باشید؛ بلکه در طول زندگی‌تان زیر خیمه ساکن باشید، تا بر روی زمینی که در آن

d ر.ک. پید ۱۵:۱۰، ۱۷. شخصی که عهدی با خدا می‌بست، «با عبور از میان قطعات حیوان قربانی شده»، در واقع می‌گفت که در صورت شکستن عهد، قبول می‌کند که دچار سرنوشت آن حیوان شود.
e ر.ک. توضیحات ۱:۱۸.
f فصل ۳۵ به شرح گفت و گویی میان ارمیا و رکابیان می‌پردازد، گفت و گویی که دارای ارزش و نقش عملی نمادین می‌باشد: رکابیان به اصول نیاکان خود وفادار می‌مانند و قاطعانه از تخطی از آنها سر باز می‌زنند (آیات ۸-۱۱)، در حالی که اسرائیلیان با بی‌شرمی، خداوند و اوامرش را نادیده می‌گیرند. - رکابیان با دقت بسیار آرمان‌های مذهب اسرائیل را آن گونه که مورد اجرای پدران کوچ نشین و قبایل صحرانشین بود، جامهٔ عمل می‌پوشاندند و از آنها دفاع می‌کردند، یعنی تمدن کنعانی و شهرهایش و کشتهایشان را در می‌کردند، خصوصاً تاکستان و ثمرهٔ آن را. ایشان برای خداوند غیرتی سازش ناپذیر داشتند (ر.ک. ۲-پاد ۱۰:۱۵-۱۶).
g ر.ک. توضیحات ۲-پاد ۱:۹.
h ر.ک. توضیحات ۲-پاد ۱۲:۱۰.

ساکنید، روزهای طولانی زندگی کنید. [۸]ما از تعالیم یوناداب، پسر رکاب، پدرمان، در هر آنچه که به ما حکم کرد، اطاعت کرده‌ایم: در طول زندگی مان شراب نمی‌نوشیم، نه ما، نه زنانمان، نه پسرانمان، و نه دخترانمان. [۹]خانه‌ها برای سکونت نمی‌سازیم، نه تاکستان داریم، نه مزرعه‌ای برای کشت، [۱۰]و زیر خیمه ساکنیم. ما اطاعت کرده، در هر چیز مطابق آنچه که یوناداب، پدر ما، ما را حکم کرده، عمل می‌کنیم. [۱۱]اما زمانی که نبوکدنصر، پادشاه بابل، بر علیه سرزمین برآمد، گفتیم: بیایید، به اورشلیم داخل شویم تا از لشکر کلدانیان و لشکر ارام[i] رهایی یابیم. و ساکن اورشلیم شدیم».

[۱۲]کلام یهوه به این مضمون به ارمیا فرا رسید: [۱۳]چنین سخن می‌گوید یهوهٔ لشکرها، خدای اسرائیل: برو و به مردمان یهودا و به ساکنان اورشلیم بگو: آیا عبرت نمی‌گیرید تا به سخنان من گوش فرا دهید؟ ـ وحی یهوه. [۱۴]سخنان یوناداب، پسر رکاب را اجرا می‌کنند: او به پسرانش حکم کرد که شراب ننوشند، و ایشان تا به امروز شراب ننوشیده‌اند، و حکم نیای خود را اطاعت کرده‌اند؛ و من بدون خستگی با شما سخن گفته‌ام. و شما گوش فرا نداده‌اید! [۱۵]من تمام خدمتگزارانم، انبیا را بدون خستگی برای شما گسیل داشتم تا بگویم: هر یک از شما از راه بد خود باز گردید، و اعمال خود را اصلاح کنید[j]، و به دنبال خدایان دیگر نروید تا آنها را خدمت کنید، و بر زمینی که به شما و به پدران شما داده‌ام، ساکن خواهید بود. اما شما گوش نسپارید و نشنیدید! [۱۶]این چنین، پسران یوناداب، پسر رکاب، حکمی را که پدرشان داده بود اجرا کرده‌اند، و این قوم به من گوش فرا نداده‌اند! [۱۷]به این سبب، چنین سخن می‌گوید یهوه، خدای لشکرها، خدای اسرائیل: اینک بر یهودا و بر تمام ساکنان اورشلیم، تمام مصیبتی را که بر علیه آنان گفته‌ام خواهم آورد، زیرا که با ایشان سخن گفتم و ایشان گوش فرا ندادند؛ ایشا را خواندم و ایشان پاسخ ندادند!

[۱۸]و ارمیا به خاندان رکابی‌ها گفت: «چنین سخن می‌گوید یهوهٔ لشکرها، خدای اسرائیل: از آنجا که از حکم یوناداب، پدرتان، اطاعت کردید و تمامی احکامش را به‌جا آوردید، و مطابق آنچه که به شما حکم کرده بود عمل نمودید، [۱۹]بسیار خوب! چنین سخن می‌گوید یهوهٔ لشکرها، خدای اسرائیل: یوناداب، پسر رکاب، هرگز از کسی که در تمامی روزها در حضور من بایستد، بی‌بهره نخواهد ماند».

۱-توا۲:۵۵؛ عبر۱۳:۱۱؛ ۱-پط۲:۱۱
۱۶:۳۹
۲۸:۷
۳:۳۶:۱۱:۱۸؛ ۲-پا۱۷:۱۳،۲۲
۶:۲۵؛ تث۱۴:۶
۲۶:۷؛ ۱۴:۳۴
۱۳:۷
۱۰:۷؛ ۱۹:۱۵

i لشکریان ارامی احتمالاً در خدمت ارتش بابلی‌ها (کلدانی‌ها) درآمده بودند.
j اصطلاحات مشابه با ۱۱:۱۸؛ نیز ر.ک. ۳:۷، ۵؛ ۵:۲۵؛ ۳:۳۶، ۷؛ زک ۴:۱. در مورد توبه، ر.ک. توضیحات اع ۱۹:۳؛ توضیحات روم ۴:۲.
k ر.ک. توضیحات حزق ۹:۲.

در پیرامون دو نسخهٔ اول وحی‌های ارمیا (۶۰۵-۶۰۴ ق.م)

۳۶ [۱] باری، در سال چهارم یهویاقیم، پسر یوشیا، پادشاه یهودا، این کلام از سوی یهوه به این مضمون به ارمیا فرا رسید: [۲] برای خود طومار کتابی[k] تهیه کن، و در آن تمامی سخنانی را که بر علیه اورشلیم[l]، و بر علیه یهودا، و بر علیه تمام ملت‌ها گفته‌ام بنویس، از آن روزی که با تو سخن گفتم، از روزگار یوشیا تا به امروز. [۳] شاید خاندان یهودا تمام مصیبتی را که در فکر دارم به ایشان برسانم بشنوند، تا هر یک از راه بدش بازگشت کنند و من خطایشان و گناهشان را بیامرزم.

۲:۳۰؛ ۶۰:۵۱

۳۶:۷؛ ۳۵:۱۵؛ صف۲:۳

[۴] ارمیا باروک، پسر نیریا را فرا خواند، و باروک تحت فراخوانی ارمیا، تمام سخنانی را که یهوه به او گفته بود، در طومار کتاب نوشت.

[۵] ارمیا این حکم را به باروک داد: «من منع شده‌ام[m]، و نمی‌توانم به خانهٔ یهوه بروم. [۶] تو برو، و از طوماری که تحت فروخوانی من نوشته‌ای، تمام سخنان یهوه را، در روز روزه، به سمع مردم، در خانهٔ یهوه بخوان؛ آنها را به سمع تمام اهالی یهودا که از شهرهایشان می‌آیند بخوان. [۷] شاید استغاثهٔ ایشان به حضور یهوه برسد و هر یک از راه بدش بازگشت کنند؛ زیرا عظیم است خشم و عظیم است غضبی که یهوه خطاب به این قوم گفته است». [۸] باروک، پسر نیریا، در همه امور، مطابق آنچه که ارمیای نبی امر کرده بود، عمل نمود و از کتاب، سخنان یهوه را در خانهٔ یهوه خواند.

۳:۳۶ ۱۸:۴۲

[۹] باری، در سال پنجم یهویاقیم، پسر یوشیا، پادشاه یهودا، در ماه نهم، روزه‌ای در حضور یهوه برای تمام جمعیت اورشلیم و تمام جمعیتی که از شهرهای یهودا به اورشلیم می‌آمدند، اعلام کردند. [۱۰] باروک از کتاب، سخنان ارمیا را در خانهٔ یهوه، در اتاق جَمَریاهوی کتاب، پسر شافان، در صحن فوقانی، در مدخل دروازهٔ «نو» در خانهٔ یهوه خواند؛ او در سمع تمام قوم [خواند].

۲-پا۵:۲۱؛ ۲-تو۵:۲۰

[۱۱] میکایاهو، پسر جَمَریاهو، پسر شافان[n]، با شنیدن تمام این سخنان یهوه که در کتاب نوشته شده بود، [۱۲] به خانهٔ پادشاه، به اتاق کاتب، فرود آمد، و اینک در آنجا همهٔ بزرگان نشسته بودند، (یعنی) الیشاماع کاتب، دلایاهو، پسر شَمَعیاهو، و الناتان، پسر عکبور، و جمریاهو، پسر شافان و صدقیاهو، پسر حَنَنیاهو، و تمام بزرگان. [۱۳] میکایاهو همهٔ سخنانی را که شنیده بود به ایشان گزارش داد، آن هنگام که باروک از کتاب به سمع قوم می‌خواند. [۱۴] همهٔ بزرگان، یهودی[o]، پسر نَتَنیاهو، پسر شَلَمیاهو، پسر کوشی را نزد باروک

l در متن عبری، به جای «اورشلیم»، «اسرائیل» قرائت شده؛ ر.ک. ۳:۶-۱۳؛ ۳۰:۱ تا ۳۱:۲۲. ترجمهٔ ما مبتنی است بر دو نسخهٔ خطی مهم از ترجمهٔ یونانی (ر.ک. ۲:۲۵).

m ر.ک. توضیحات نح ۶:۱۰؛ یا شاید در اینجا اشاره به ممنوعیتی است که بر ورود ارمیا به معبد وضع شده بود، ر.ک. ۲۰:۱-۶.

n پدر او از جملهٔ مدافعین ارمیا بود (آیه ۲۵، ر.ک. آیات ۱۰ و ۱۹)؛ ر.ک. توضیحات ۲۶:۲۴.

o به احتمال قوی این شخص (پسر کوشی) یعنی حبشی که در نسل سوم یهودی شد.

فرستادند تا [به او] بگویند: «آن طوماری را که از آن به سمع قوم خواندی، با خود بر دار و بیا.» باروک، پسر نیریاهو، طومار را با خود برداشت و نزد ایشان رفت. [۱۵]ایشان به او گفتند: «بنشین و آن را به سمع ما بخوان». باروک به سمع ایشان خواند. [۱۶]پس چون تمامی این سخنان را شنیدند، لرزیدند و به یکدیگر نگاه کردند و گفتند: «قطعاً ما را لازم است تا تمامی این سخنان را به پادشاه گزارش دهیم». [۱۷]و از باروک پرسیده، گفتند: «برای ما مشخص نما که چگونه تمامی این سخنان را نوشتی». [۱۸]باروک ایشان را گفت: «او با صدای بلند این سخنان را بر من فرو میخواند، و من با مرکب در کتاب می نوشتم». [۱۹]بزرگان به باروک گفتند: «برو و خود را مخفی ساز، همچنین ارمیا را و هیچ کس نداند شما کجا هستید». [۲۰]و بعد، پس از آنکه طومار را در اتاق الیشامع کاتب قرار دادند، نزد پادشاه به دربار رفتند، و تمام ماجرا را به سمع پادشاه گزارش دادند.

۲۴:۳۶

[۲۱]پادشاه یهودی را فرستاد تا طومار را بردارد، و وی آن را از اتاق الیشامع کتاب برداشت. یهودی آن را به سمع پادشاه و به سمع همهٔ بزرگانی که نزد پادشاه ایستاده بودند، خواند. [۲۲]پادشاه در خانهٔ زمستانی نشسته بود ـ ماه نهم بود ـ و در مقابل او، منقلی افروخته[p] قرار داشت. [۲۳]پس به محض اینکه یهودی سه یا چهار ستون خوانده بود، [پادشاه] آنها را با قلمتراش کتاب می برید و آنها را در آتش منقل می انداخت، تا اینکه تمام طومار کاملاً در آتش منقل ناپدید شد. [۲۴]پادشاه و تمام خدمتگزارانش که همهٔ این سخنان را شنیدند، نلرزیدند و جامه های خود را پاره نکردند. [۲۵]با وجود این، الناتان و دلایاهو و جَمَریاهو نزد پادشاه وساطت کردند تا طومار را نسوزانند؛ اما او به ایشان گوش نگرفت. [۲۶]آنگاه پادشاه به یرَحمئیل، پسر پادشاه[q]، و به سرایاهو، پسر عَزَرئیل، و به شَلَمیاهو، پسر عَبدئیل دستور داد تا باروک کاتب و ارمیای نبی را بگیرند. اما یهوه ایشان را پنهان ساخت.

۱۶:۳۶؛ ۱۹:۲؛ ۲۲:۵

[۲۷]پس از آنکه پادشاه طومار حاوی سخنانی را که ارمیا تحت فروخوانی باروک نوشته بود سوزاند، کلام یهوه به ارمیا فرا رسید: [۲۸]طومار دیگری برای خود تهیه کن و بر روی آن تمامی سخنانی را که روی طومار اول بود و به دست یهویاقیم، پادشاه یهودا سوزانده شد، بنویس. [۲۹]و بر علیه یهویاقیم، پادشاه یهودا بگو: یهوه چنین سخن می گوید: تو این طومار را سوزاندی و گفتی: چرا در آن نوشتی: پادشاه بابل یقیناً خواهد آمد؛ او این سرزمین را ویران خواهد کرد و از آن انسان و حیوان را نابود

۹:۹؛ ۲۳:۱۱

p قرائت ترجمه یونانی و آرامی و سریانی: «آتشی در منقلی افروخته». در عبری، یک حرف بی صدا ظاهراً به طرز بدی انتقال یافته است.

q «پسر پادشاه» قرائتی است تحت اللفظی، اما الزاماً این شخص پسر پادشاه وقت نبوده، زیرا طبق ۲ـ پاد ۳۶:۲۳، این پادشاه هنوز از مرز سی سالگی نگذشته بود.

خـواهـد سـاخت؟ [۳۰] به این سـبب، چـنـین سخن می‌گـویـد یـهـوه بـر عـلـیه یـهـویـاقـیم، پادشاه یهودا: برای او هیچ کس نخواهد بود که بـر تـخت سـلـطـنت داود بـنـشـیـنـد، و جسـدش به گـرمای روز و به سـرمای شب افکـنده خواهد شد[r]. [۳۱] او، و اعقابش، و خـدمتگزارانش را به مجازات خطایشان خواهم رساند، و بـر ایشان، و بر ساکنان اورشلیم، و بر مردمان یهودا، تمام مصیبتی را که درباره‌اش با ایشان سخن گفته‌ام، بدون آنکه ایشان گوش سپرده باشند، وارد خواهم آورد.

۸:۲؛ با۲:۲۵

۱۷:۳۵

[۳۲] ارمیا طومار دیگری بر گرفت و آن را به باروک کاتب، پسر نیریاهو، سپرد؛ و وی، تحت فروخوانی ارمیا، تمام سخنان طوماری را که یهویاقیم، پادشاه یهودا، به آتش سوزانده بود، در آن نوشت. و بسیاری سخنان مانند آنها باز به آنها افزوده شد.

صدقیا به ارمیا گوش نمی‌سپارد، اما ارتباطش را با او قطع نمی‌کند[s]

۳۷ [۱] صدقیا پادشاه، پسر یوشیا، بر جای کُنیاهو[t]، پسر یـهـویـاقـیم، سلطنت کرد؛ او را نبوکدنصر، پادشاه بابل، در سرزمین یهودا پادشاه ساخته بود. [۲] اما نه او، و نه خدمتگزارانش، و نه مردم سرزمین[u]، به سخنانی که یهوه به واسطهٔ خـدمت ارمیـای نبی فرمـوده بـود، گـوش نسپردند. [۳] صدقیا پادشاه یهوکَل، پسر شَلَمیا، و صَفَنیاهوی کاهن، پسر معسیا[v]، را نزد ارمیا فرستاد تا [به او] بگوید: «برای ما نزد یهود، خدای ما، دعا کن[w].» [۴] در آن هنـگـام، ارمـیـا در مـیـان قـوم آمـد و شـد می‌کرد؛ او را [هنوز] به زندان نینداخته بودند.

۷:۱۶؛ ۲:۴۲؛ ۱-پا۱۳:۶؛ ۲-پا۱۹:۴

تـوقف مـحـاصـره ... این تـوقف کوتاه مدت خواهد بود

[۵] با این حال (یا: در این میان؟)، سپاه فرعون از مصر بیرون آمده بود، و کلدانیان که اورشلیم را در محاصره داشتند، با شنیدن این خبر، از اورشلیم دور شدند. [۶] کلام یهوه به این مضمون به ارمیای نبی فرا رسید: [۷] یهوه، خدای اسرائیل، چنین سخن می‌گوید: به پادشاه یهودا که شما را نزد من فرستاده تا از من مشورت بگیرد، چنین بگویید: اینک سپاه فرعون که برای یاری شما حرکت می‌کرد، به سرزمین خود، مصر، باز خواهد گشت. [۸] کلدانیان مراجعه کرده، بر علیه این شهر خواهند جنگید و آن را گرفته، به آتش خواهند سوزاند. [۹] یهوه چنین سخن می‌گوید: خود را فریب مدهید و مگـوییـد: کـلـدانـیـان به یـقـین از ما دور خواهند شد؛ زیرا نخواهند رفت. [۱۰] حتی

۲:۲۱

۳۲:۲،۲۴

r ر.ک. توضیحات ۲۲:۱۹. البته پسر او بر جایش نشست، اما فقط سه ماه سلطنت کرد (ر.ک. توضیحات ۱:۳).
s ر.ک. توضیحات ۱:۳.
t ر.ک. توضیحات ۱:۳.
u ر.ک. توضیحات ۱:۱۸.
v ر.ک. توضیحات ۱:۲۱.
w در زمینهٔ روابط میان ارمیا و صدقیا، ظاهراً پیش از وقفه در محاصره، ر.ک. ۳۴ و ۲۱:۱-۱۰.

اگر تمام لشکر کلدانیان را که بر علیه شما می‌جنگند شکست بدهید و از ایشان جز مجروحانی رو به مرگ باقی نماند، هر یک در خیمهٔ خود بر نخواهند خاست و این شهر را به آتش خواهند سوزاند.

ارمیا را به جرم خیانت بازداشت کرده، در سیاهچال حبس می‌کنند

[۱۱]پس چون لشکر کلدانیان، با نزدیک شدن سپاه فرعون، دور شد، [۱۲]ارمیا بر آن شد تا از اورشلیم خارج شده، به سرزمین بنیامین برود و در آنجا در میان خویشانش به امور تقسیم (ارث) رسیدگی کند. ۸:۳۲ [۱۳]چون در دروازهٔ بنیامین بود، جایی که رئیس نگهبانان به نام یرئیا، پسر شَلَمیا، پسر حَنَنیا بود، وی ارمیای نبی را گرفت و گفت: «نزد کلدانیان می‌روی!» [۱۴]ارمیا گفت: «درست نیست! نزد کلدانیان نمی‌روم». یرئیا به او گوش نکرد؛ او ارمیا را گرفت و نزد بزرگان برد. [۱۵]بزرگان بر ارمیا خشم گرفتند و او را زدند و در خانهٔ یهوناتان کاتب حبس کردند، زیرا آنجا را تبدیل به زندان نموده بودند. [۱۶]بدینسان، ارمیا به سیاهچالی با سقفی گنبدی شکل وارد شد. ارمیا روزهای بسیار در آنجا ماند.

گفتگوی پنهانی با صدقیا و انتقال به صحن نگهبانان

[۱۷]صدقیا پادشاه فرستاد و او را برگرفت و پادشاه در خانهٔ خویش، در نهان از او سؤال کرد و گفت: «آیا از جانب یهوه کلامی هست؟» ارمیا گفت: «آری!» سپس گفت: «تو به دست‌های پادشاه بابل سپرده خواهی شد». [۱۸]ارمیا به صدقیا پادشاه گفت: «در چه امری در حق تو و در حق خدمتگزارانت و در حق این قوم گناه کرده‌ام که مرا به زندان انداخته‌ای؟ [۱۹]پس کجایند انبیای شما که نبوت کرده‌اند و گفته‌اند: پادشاه بابل بر علیه شما و بر علیه این سرزمین نخواهد آمد؟ [۲۰]و اینک، ای سرورم پادشاه، لطف کرده، بشنو! باشد که استدعایم به پیشگاهت برسد: مرا به خانهٔ یهوناتان کاتب باز مگردان، مبادا که در آنجا بمیرم!» [۲۱]صدقیا پادشاه امر کرد که ارمیا را در صحن نگهبانان تحت نظر نگاه دارند و هر روز از کوچهٔ نانوایان به او گرده‌ای نان کوچک بدهند، تا آن هنگام که تمامی نان شهر به انتها برسد. ارمیا در صحن نگهبانان ماند. ۲۸،۱۳،۶:۳۸

ارمیا را به آب انبار می‌افکنند، اما عبدملك او را بیرون می‌آورد

۳۸ [۱]شَفطایا، پسر مَتّان، و جَدَلیاهو، پسر فَشحور، یوکَل، پسر شَلَمیاهو، و فَشحور، پسر مَلکیا[x]، سخنانی را که ارمیا به تمام قوم می‌گفت شنیدند: [۲]یهوه چنین سخن می‌گوید: آن کس که در این شهر بماند، با شمشیر و با قحط و با طاعون خواهد مرد؛ آن کس که به کلدانیان تسلیم شود، زنده خواهد ماند؛ زندگی‌اش را به غنیمت خواهد برد، و زنده خواهد ماند[y]. ۹:۲۱

x ر.ک. توضیحات ۱:۲۱.
y ر.ک. توضیحات ۹:۲۱. ارمیا از همان آغاز محاصره، همین پیغام را اعلام می‌کند.

[۳]یهوه چنین سخن می‌گوید: این شهر به یقین به لشکر پادشاه بابل سپرده خواهد شد و او آن را خواهد گرفت».
[۴]بزرگان به پادشاه گفتند: «بادا که این مرد کشته شود، چرا که مردان جنگی را که در این شهر مانده‌اند، و نیز تمام قوم را، با گفتن چنین سخنانی به ایشان، دلسرد می‌کند[z]. در واقع، این مرد در پی نجات این قوم نیست، بلکه در پی تیره بختی‌شان می‌باشد». [۵]صدقیا پادشاه گفت: «اینک او در دست شما است، زیرا پادشاه نمی‌تواند کاری بر علیه شما بکند[a].»
دان۶:۱۶؛ ۳۰:۱۴
[۶]ایشان ارمیا را گرفتند و او را در آب‌انبار مَلکیاهو، پسر پادشاه[b]، در صحن نگهبانان افکندند؛ ایشان ارمیا را با طناب به داخل فرو فرستادند. در آب انبار آب نبود، اما گل بود، و ارمیا در گل فرو رفت.
[۷]عَبَدملک کوشی، خواجه سرایی در خانهٔ پادشاه، آگاهی یافت که ارمیا را در آب انبار افکنده‌اند. هنگامی که پادشاه بر دروازهٔ بنیامین نشسته بود. [۸]عَبَدملک از خانهٔ پادشاه خارج شد و به این مضمون با پادشاه سخن گفت: [۹]«ای سرورم، پادشاه، این مردان در هر آنچه که با ارمیای نبی انجام داده‌اند، بد کرده‌اند؛ او را در آب انبار انداخته‌اند و در آنجا بی‌درنگ از گرسنگی خواهد مرد، زیرا در شهر دیگر نان نیست». [۱۰]پادشاه این فرمان را به عبدملک کوشی داد: «از اینجا سه مرد بر گیر و ارمیای نبی را پیش از آنکه بمیرد، از آب انبار بیرون آور». [۱۱]عبدملک مردانی با خود برداشت و به خانهٔ پادشاه، به لباس خانه[c] درآمد؛ از آنجا پارچه‌های کهنه و رخت‌های قدیمی برگرفت و آنها را با طناب‌ها به آب انبار برای ارمیا فرستاد. [۱۲]عبدملک کوشی به ارمیا گفت: «این پارچه‌ها و رخت‌ها را از روی طناب‌ها زیر بغلت بگذار». ارمیا چنین کرد. [۱۳]ارمیا را با طناب‌ها کشیدند و از آب‌انبار بر آوردند. ارمیا در صحن نگهبانان ساکن شد.
۲۸:۳۸

آخرین دیدار با صدقیا

[۱۴]صدقیا پادشاه فرستاد تا ارمیای نبی را بیاورند، [و او را] نزد خود، به ورودی سوم خانهٔ یهوه [آورد]. پادشاه به ارمیا گفت: «چیزی دارم از تو بپرسم، از من هیچ چیز را مخفی مدار». [۱۵]ارمیا به صدقیا گفت: «اگر آن را به تو بگویم، آیا مرا نخواهی کشت؟ و اگر به تو مشورت بدهم، به من گوش نخواهی سپرد!» [۱۶]صدقیا پادشاه در نهان این سوگند را برای ارمیا یاد کرد: «به حیات یهوه که این زندگی را به ما داده است! تو را نخواهم کشت و تو را به دست‌های این مردان که قصد جانت را دارند نخواهم سپرد».
۴:۲؛ ۱۴:۱۶؛ ۲۶:۴۴

z تحت‌اللفظی: «دستها را سست می‌کند (یا: شل می‌کند)» (ر.ک. ۶:۲۴؛ ایوب ۱۲:۲۱).
a در ترجمهٔ یونانی، این عبارت اخیر توضیحی است از جانب راوی. لذا چنین قرائت می‌شود: «زیرا پادشاه نمی‌توانست کاری بر علیه ایشان انجام دهد».
b در مورد «پسر پادشاه» ر.ک. توضیحات ۲۶:۳۶. مطابق ۲-پاد ۱۸:۲۴، صدقیا می‌بایست در این زمان ۳۰ ساله بوده باشد.
c کلمه اصلاح شده طبق ۲پا ۱۰:۲۲.

[۱۷]ارمیا به صدقیا گفت: «یهوه، خدای لشکرها، خدای اسرائیل چنین سخن می‌گوید: اگر بپذیری که به بزرگان پادشاه بابل تسلیم شوی، زندگی‌ات در امان خواهد بود، و این شهر به آتش نخواهد سوخت؛ تو زنده خواهی ماند، هم تو و هم خویشانت. [۱۸]اما اگر به بزرگان پادشاه بابل تسلیم نشوی، این شهر به دست کلدانیان سپرده خواهد شد و آن را به آتش خواهند سوزاند؛ و تو از دست ایشان رهایی نخواهی یافت». [۱۹]صدقیا پادشاه به ارمیا گفت: «من به سبب اهالی یهودا که به کلدانیان پیوسته‌اند نگرانم؛ شاید مرا به دست ایشان بسپارند و مرا استهزاء کنند». [۲۰]ارمیا گفت: «[تو را] نخواهند سپرد. پس به صدای یهوه در آنچه تو را می‌گویم گوش فرا ده؛ برای تو خیریت خواهد شد و زندگی‌ات در امان خواهد بود. [۲۱]اما چنان چه از تسلیم شدن سر باز بزنی، این است آنچه که یهوه به من نشان داده: [۲۲]تمام زنانی که در خانهٔ پادشاه یهودا مانده‌اند، نزد بزرگان پادشاه بابل برده خواهند شد و خواهند گفت:

۶:۴۲

تو را فریفتند و بر تو غالب شدند،
آن دوستان صمیمی‌ات[d]!
همین که پای‌هایت در لجن فرو رفت،
پا به فرار گذاشتند!

عو۷

[۲۳]جمله زنان و پسرانت را نزد کلدانیان خواهند برد؛ خودت (نیز) از دست ایشان نخواهی رست، بلکه به دست پادشاه بابل گرفتار خواهی آمد؛ اما درباره این شهر، آن به آتش خواهد سوخت».

[۲۴]صدقیا به ارمیا گفت: «مبادا کسی از این سخنان آگاهی یابد، و تو نخواهی مرد. [۲۵]اگر بزرگان بشنوند که با تو سخن گفته‌ام و بیایند و تو را بیابند و به تو بگویند: ما را از آنچه به پادشاه گفته‌ای و از آنچه پادشاه به تو گفته، اطلاع بده؛ از ما چیزی را مخفی مکن و تو را نخواهیم کشت ـ [۲۶]به ایشان بگو: استدعای خود را نزد پادشاه مطرح کردم تا مرا به خانهٔ یهوناتان باز نگرداند تا در آنجا بمیرم».

[۲۷](پس) تمام بزرگان آمده، ارمیا را یافتند و او را مورد پرسش قرار دادند. او ایشان را طبق همان مضمونی که پادشاه تصریح کرده بود اطلاع داد، و ایشان او را راحت گذاردند، زیرا گفتگو شنیده نشده بود. [۲۸]ارمیا در صحن نگهبانان (یا: صحن زندان) ماند تا روزی که اورشلیم گرفته شد.

۱۳:۳۸؛ ۱۴:۳۹-۱۵

پس چون اورشلیم گرفته شد...

پس از تصرف اورشلیم (و پیش از آن)

۳۹ [۱]در سال نهم صدقیا، پادشاه یهودا، در ماه دهم[e]، نبوکدنصر، پادشاه بابل به تمامی لشکرش به مقابل اورشلیم رسیدند و آن را به محاصره درآوردند. [۲]در

d تحت‌اللفظی: «مردان صلح توش (۲۰:۱۰؛ ر.ک. توضیحات ۱۳:۱۴). منظور آن محفل کوچکی است که همه امور با ایشان در میان گذاشته می‌شد.

e در ۴:۵۲ و ۲ـ پاد ۱:۲۵ چنین تصریح شده: «ده ماه» (لذا در پایان دسامبر ۵۸۹ ق.م.، ر.ک. توضیحات ۲ـ پاد ۱:۲۵). در خصوص آیات ۱ و ۲ که در حکم پرانتز هستند، ر.ک. ۴:۵۲-۷ و ۲ـ پاد ۱:۲۵-۴.

سال یازدهم صدقیا، در ماه چهارم، روز نهم ماه[f]، شکافی در دیوار شهر زده شد. [۳]آنگاه جمله بزرگان پادشاه بابل وارد شدند و در دروازهٔ «میانی»[g] استقرار یافتند، (یعنی) نَرجَل شَراَصَر و سَمجَرنَبو[h]، و سرسَکیم، خواجهٔ بزرگ[i]، و نَرجَل شَراَصَر، مجوسی بزرگ، و سایر بزرگان پادشاه بابل.

[۴]چون صدقیا، پادشاه یهودا، و تمامی مردان جنگی این را دیدند، گریختند و شبانه از راه باغ پادشاه، از دروازهٔ میان دو دیوار[j] از شهر خارج شدند و راه عربه را در پیش گرفتند. [۵]سپاه کلدانیان ایشان را دنبال کردند و در صحرای اریحا به صدقیا رسیدند. پس او را گرفتند و نزد پادشاه نبوکدنصر، بابل در ربله، در سرزمین حَمات آوردند، و او داوری‌ها بر وی اعلام نمود. [۶]پادشاه بابل در مقابل چشمان صدقیا، پسران اورا در ربله گردن زد؛ پادشاه بابل همچنین کلیهٔ اشراف یهودا را گردن زد. [۷]سپس چشمان صدقیا را درآورد و او را با زنجیر برنجین دو لایه بست تا او را به بابل ببرد.

[۸]کلدانیان خانهٔ پادشاه و خانه‌های خواص را به آتش سوزاندند و سپس دیوارهای اورشلیم را فرو کوبیدند. [۹]بقیهٔ جمعیتی را که در شهر مانده بودند، و خائنانی را که به او پیوسته بودند، و بقیه صنعتگران را، نبوزَرَدان، فرمانده محافظان به بابل تبعید کرد. [۱۰]اما مردمان حقیر را که چیزی نداشتند، نبوزَرَدان[k]، فرمانده محافظان بخشی از ایشان را در سرزمین یهودا باقی گذارد و در آن روز، به ایشان تاکستان و مزرعه داد.

[۱۱]نبوکدنصر، پادشاه بابل، دربارهٔ ارمیا به نبوزردان، فرمانده محافظان چنین دستور داد: [۱۲]«او را بگیر و به او توجه کن و هیچ آسیبی به او مرسان، بلکه با او آن گونه رفتار کن که به تو گوید». [۱۳]پس نبوزَرَدان، فرماندهٔ محافظان[l]، و نبوشَزبان، خواجهٔ بزرگ، و نَرجَل ـ شَر ـ اَصَر، مجوس بزرگ، و تمام افسران بزرگ پادشاه بابل[m]، [۱۴]فرستادند و ارمیا را از صحن محافظان برگرفتند و او را به جُدُلیا، پسر اخیقام، پسر شافان[n] سپردند تا او را به خانهٔ خود ببرد. پس او در میان قوم ساکن شد.

۳۰:۴۴ ۹:۵۲ ۵:۶ ۴:۴۰ ۱:۳۳

f پایان ژوئن ۵۸۷ ق.م.
g احتمالاً منظور دروازه‌ای است در داخل شهر که معمولاً در مقابل آن، محوطه‌ای عمومی قرار داشت.
h قرائت عبری: «نرجل ـ شر ـ اصر سَمجَر».
i ر.ک. دان ۳:۱ و توضیحات. طبق آیه ۱۳، این مقام را نبوشزبان دارا بود.
j ر.ک. توضیحات ۲ـ پاد ۴:۲۵، و برای آیات بعدی تا آیه ۱۰، سایر توضیحات ار ۵۲:۷-۱۶ و ۲ـ پاد ۲۵:۴-۱۲.
k این نام فقط در متن عبری تکرار شده است.
l طبق ۵۲:۱۲ (۲ـ پاد ۸:۲۵)، وی قاعدتاً باید یک ماه پس از زمان گشوده شدن شکاف، به اورشلیم رسیده باشد (آیه ۲).
m آیه ۱۳ تقریباً همان عناوین آیه ۳ را تکرار می‌کند. در شکل نخستین متن، آیه ۱۴ می بایست درست بعد از آیه ۳ آمده باشد، به این شکل: «و سایر بزرگان پادشاه بابل، و فرستادند و ارمیا را ...» آیات ۴-۱۳ در ترجمه یونانی نیست.
n ر.ک. توضیحات ۲۶:۲۴.

نجات عَبَدملك[o]

[۱۵]در طول مدتی که ارمیا در صحن محافظان در بازداشت بود، کلام یهوه به این مضمون به او فرا رسید: [۱۶]«برو به عَبَدملک کوشی بگو: یهوهٔ لشکرها، خدای اسرائیل چنین سخن می‌گوید: اینک سخنانم را دربارهٔ این شهر به انجام خواهم رساند، برای تیره بختی و نه برای سعادت؛ در آن روز، آنها در مقابل چشمانت خواهند بود. [۱۷]اما در آن روز تو را نجات خواهم داد - وحی یهوه - و تو به دست مردمانی که از ایشان می‌هراسی سپرده نخواهی شد؛ [۱۸]چرا که به یقین تو را رهایی خواهد داد و به شمشیر نخواهی افتاد، و زندگی‌ات را به غنیمت خواهی برد[p]؛ زیرا به من اعتماد کرده‌ای - وحی یهوه.

۱۳:۲۸
۱۳:۲۰

دربارهٔ جُدُلیا

۴۰ [۱]کلامی[q] که از سوی یهوه به ارمیا فرا رسید، بعد از آنکه نبوزَرَدان، فرمانده محافظان، او را از رامه باز پس فرستاد، و گفت که او را برگیرند، آن هنگام که او در میان تمامی تبعیدیان اورشلیم و یهودا که به بابل می‌فرستادند با زنجیر بسته شده بود.

[۲]فرماندهٔ محافظان ارمیا را برگرفت و به او گفت: «یهوه، خدایت، دربارهٔ این مصیبت برای این مکان سخن گفته بود، [۳]و آن را به انجام رساند؛ یهوه مطابق آنچه گفته بود عمل کرده است. این برای شما روی داده به آن سبب که به یهوه گناه کرده‌اید و به صدایش گوش نگرفته‌اید. [۴]و اینک، من امروز تو را از زنجیرهایی که بر دستت است رهایی می‌دهم. اگر راضی هستی که با من به بابل بیایی، بیا و به تو توجه خواهم نمود؛ اما اگر راضی نیستی که با من به بابل بیایی، خود را هیچ مرنجان. ببین، تمام سرزمین در برابر تو است؛ هر جا که تو را پسند آید و هر جا که برایت مناسب است که بروی برو». [۵]و چون هنوز باز نمی‌گشت[r]، [گفت]: «باز گرد نزد جُدُلیا، پسر اخیقام، پسر شافان، که پادشاه بابل او را بر تمام شهرهای یهودا حاکم[s] مقرر کرده و با او در میان قوم سکونت بگزین، یا به هر جا که برایت مناسب است که بروی، برو». فرمانده محافظان به او توشه و هدیه‌ای داد و او را مرخص کرد. [۶]ارمیا نزد جَدُلیا، پسر اخیقام، به مصفه رفت و با او ساکن شد، در میان قومی که در سرزمین باقی مانده بودند.

[۷]تمام رؤسای نظامیان که در صحرا بودند، هم ایشان و هم مردانشان، آگاهی یافتند که پادشاه بابل، جُدُلیا، پسر اخیقام را حاکم سرزمین ساخته و به او مردان و

۱۲:۳۹
پید۱۳:۹؛ ۱۵:۲۰
۲-پا۲۵:۲۳

o ر.ک. ۳۸:۷-۱۳
p ر.ک. ۲۱:۹.
q مشخص نشده که این کلام چه بوده است. لذا بعضی دیگر چنین ترجمه کرده‌اند: «کلام از جانب یهوه بر ارمیا فرا رسید، بعد از آنکه ...».
r این قرائت متن عبری نامفهوم است و درک آن مستلزم توسل به حدسیات بسیار می‌باشد. طبق ترجمه یونانی و آرامی و وولگات، و با جابجایی دو کلمه، بعضی دیگر این عبارت را این چنین ترجمه کرده‌اند: «اگر نمی‌خواهی با من بمانی،...»
s این شخص نماینده گروه طرفدار بابلی‌ها است که موقتاً برای ادارهٔ امور مناطق تصرف شده گمارده شده است.

زنان و فرزندان سپرده، و (نیز) آن مردمان حقیر سرزمین را که به بابل تبعید نشده بودند. [۸]ایشان نزد جدلیا به مصفه[t] رفتند؛ ایشان اسماعیل پسر نَتَنیاهو، و یوحَنان، پسر قاریح، و سرایا پسر تَنحومت، و پسران عیفای نَطوفاتی، و یزَنیاهو پسر مَعکاتی، بودند، هم ایشان و هم مردانشان. [۹]جدلیا پسر اخیقام، پسر شافان برای ایشان و نیز برای مردانشان این سوگند را یاد کرد: «از خدمت کردن به کلدانیان مترسید؛ در سرزمین بمانید، و پادشاه بابل را خدمت کنید، و از آن برای شما خیریت خواهد رسید. [۱۰]من نیز اینک در مصفه ساکنم تا تحت اوامر کلدانیان باشم که نزد ما خواهند آمد. اما شما شراب و میوه و روغن برداشت کنید و آنها در ظرف‌ها بگذارید[u]، و در شهرهایی که اشغالشان کرده‌اید ساکن شوید».

[۱۱]تمامی اهالی یهودا که در موآب، نزد بنی عَمّون و در ادوم بودند، و آنانی که در همهٔ سرزمین‌ها بودند، ایشان نیز آگاهی یافتند که پادشاه بابل بازمانده‌ای را در یهودا باقی گذاشته است[v] و برای ایشان جدلیا، پسر اخیقام، پسر شافان را در مقام حاکم قرار داده است. [۱۲]همهٔ اهالی یهودا[w] از تمام مکان‌هایی که به آنها رانده شده بودند، بازگشتند؛ چون به سرزمین یهودا، نزد جدلیا به مصفه رسیدند، شراب و میوه به مقدار زیاد برداشت کردند.

قتل جدلیا

[۱۳]یوحَنان پسر قاریح و تمامی رؤسای نظامیان که در صحرا بودند، نزد جدلیا به مصفه رفتند؛ [۱۴]و به او گفتند: «آیا می‌دانی که بَعلیس، پادشاه بنی عمّون، اسماعیل پسر نَتَنیا را فرستاده تا به جان تو سوء قصد کند؟» جدلیا پسر اخیقام ایشان را باور نکرد. [۱۵]یوحنان پسر قاریح به جدلیا در نهان در مصفه گفت: «به من اجازه بده تا بروم اسماعیل پسر نتنیا را بزنم، بدون آنکه کسی بداند. چرا باید به جان تو سوء قصد کرد؟ چرا باید تمامی اهالی یهودا که نزد تو گرد آمده‌اند پراکنده شوند، و چرا باید بازماندهٔ یهودا هلاک گردند؟» [۱۶]جدلیا پسر اخیقام به یوحنان پسر قاریح گفت: «این کار را مکن، زیرا در مورد اسماعیل دروغ می‌گویی». ۲:۴۲

۴۱ [۱]باری، در ماه هفتم[x]، اسماعیل پسر نتنیا پسر الیشاماع، که از نسل شاهان بود، با ده مرد نزد جُدُلیا پسر اخیقام ۲-پا۲۵:۲۵

t در مورد این آیه، ر.ک. توضیحات ۲- پاد ۲۳:۲۵.
u منظور تدارک دیدن ذخیره است.
v در اینجا منظور آن «بازمانده‌ای» نیست که قرار است جوانهٔ قوم وعده باشد (ر.ک. ۳:۲۳؛ ۷:۳۱؛ توضیحات اش ۲:۴). طبق فصل ۲۴، این بازمانده قوم وعده در میان تبعیدیان سال ۵۹۷ ق.م. می‌باشد؛ ر.ک. توضیحات حجی ۱:۱۲.
w تکرار این عبارت در متن عبری آمده است.
x ماه‌های سپتامبر- اکتبر (ر.ک. توضیحات زک ۵:۷). سال این رویداد تصریح نشده است. اگر این امر در همان سال تصرف شهر روی داده باشد (۵۸۷ ق.م) و با توجه به اینکه جدلیا در ماه پنجم از سوی نبوزردان به این مقام گمارده شد (ر.ک. توضیحات ۱۳:۳۹)، در این صورت او بیش از دو ماه در این منصب نمانده است، ر.ک. توضیحات ۲- پاد ۲۵:۲۵.

به مصفه رفت، و در آنجا، در مصفه، با یکدیگر ضیافت تدارک دیدند. [۲]اسماعیل پسر نتنیا برخاست، همچنین آن ده مرد که با او بودند؛ ایشان جدلیا پسر اخیقام پسر شافان را به شمشیر زدند، و او را به قتل رساندند، هم او را که پادشاه بابل حاکم سرزمین مقرر کرده بود. [۳]و تمامی اهالی یهودا که با در مصفه بودند، و همچنین تمام کلدانیانی که در آنجا بودند، (یعنی) مردان جنگی را، اسماعیل ایشان را زد.

[۴]و در فردای آن روز که جدلیا را به قتل رسانده بودند، بدون آنکه کسی از آن باخبر شود، [۵]مردانی از شکیم و شیلوه و سامره، که تعدادشان هشتاد نفر بود، با ریش تراشیده و جامه های چاک زده و [بدن های] پوشیده از جراحات، آمدند و با خود هدیه آردی و بخور داشتند تا آنها را به خانهٔ یهوه[y] ببرند. [۶]اسماعیل پسر نتنیا به استقبال ایشان از مصفه بیرون آمد؛ ایشان گریه کنان راه می پیمودند[z]. چون به آنان رسید، او به ایشان گفت: «نزد جدلیا پسر اخیقام بیایید». [۷]پس وقتی به میان شهر رسیدند، اسماعیل پسر نتنیا، ایشان را گردن زد و به وسط آب انبار [انداخت]، هم او و هم مردانی که با او بودند.

بنسی۱۲:۱۶

۱-مکا۷:۱۹

[۸]اما در میان ایشان ده مرد بودند که به اسماعیل گفتند: «ما را به قتل مرسان، زیرا ما را آذوقه ای پنهان در صحرا هست، (یعنی) گندم و جو و روغن و عسل». آنگاه او از کشتن ایشان در میان برادرانشان چشم پوشید. [۹]آب انباری که اسماعیل تمام اجساد مردانی را که زده بود در آن انداخت، آب انبار بزرگی[a] بود، همان که آسا پادشاه بر علیه بعشا، پادشاه اسرائیل[b] ساخته بود؛ همین بود که اسماعیل پسر نَتَنیاهو از قربانیان پر کرد. [۱۰]اسماعیل تمام بازماندهٔ قوم را که در مصفه بودند، و نیز دختران پادشاه را که بوزَرَدان، فرماندهٔ محافظان به جدلیا پسر اخیقام سپرده بود، به اسارت برد؛ اسماعیل پسر نتنیا ایشان را به اسارت برد و به راه افتاد تا نزد بنی عمّون برود.

[۱۱]وقتی یوحنان پسر قاریح و همهٔ رؤسای نظامیان که با او بودند، از تمام بدی که اسماعیل پسر نتنیا کرده بود مطلع شدند، [۱۲]جمیع مردان خود را برگرفتند و رفتند تا با اسماعیل پسر نتنیا بجنگند. ایشان او را در نزدیکی «آبهای» بزرگ جبعون یافتند. [۱۳]پس تمام قومی که با اسماعیل بودند، با دیدن یوحنان پسر قاریح و همهٔ رؤسای نظامیان که با او بودند، به وجد آمدند.

y منظور شاید معبد ویران شدهٔ اورشلیم یا عبادتگاهی در مصفه باشد. این راهپیمایی نیز شاید زیارتی سنتی و با تاریخی ثابت بوده، یا به مناسبت ویرانی معبد اورشلیم انجام می گرفته است. وارد ساختن جراحت بر خویشتن یکی از آیینهای بت پرستی کنعانیان وهمسایگانشان بود که انرا به افتخار خدایانشان به جا می آوردند(۴۷:۵؛ ۱-پادشاهان۱۸:۲۸). این عمل در شریعت منع شده بود(لاو۱۹:۲۸؛ ۲۱:۵؛ تث۱۴:۱)؛ بااینحال اسرائیلیان کماکان انرا بجا میآوردند(۴۱:۵؛ هو۷:۱۴).

z طبق متن عبری، این اسماعیل بود که گریان می رفت. ترجمه ما منطبق است با ترجمه یونانی.

a قرائت عبری: «به دست جدلیا» (که این متن ظاهراً مخدوش است).

b ر.ک. ۱-پاد ۱۵:۲۲؛ ۱۶:۱۸ و توضیحات.

[۱۴]تمام قومی که اسماعیل از مصفه به اسارت می برد، روی برگردانیدند و رفتند تا به یوحنان پسر قاریح بپیوندند. [۱۵]اما اسماعیل پسر نتنیا با هشت مرد از دست یوحنان گریخت و نزد بنی عَمّون رفت.

۱۶،۱۰:۴۱

[۱۶]یوحنان پسر قاریح و تمام رؤسای نظامیان که با او بودند، تمام بازماندهٔ قوم را که اسماعیل پسر نتنیا از مصفه به اسارت برده بود، بعد از آنکه جدلیا پسر اخیقام را زده بود، برگرفتند، (یعنی) مردان جنگی، زنان، کودکان و خواجگان را که از جبعون می بردند[c]. [۱۷]ایشان به راه افتادند و در جِیروت ـ کِمهام[d] که در کنار بیت‌لحم است، توقف کردند؛ قصد این بود که به مصر بروند، [۱۸]به دور از کلدانیان که از ایشان می ترسیدند، زیرا اسماعیل پسر نتنیا، جدلیا پسر اخیقام را که پادشاه بابل او را حاکم مقرر کرده بود، زده بود.

۱۱:۴۲

فرار به مصر علی‌رغم کلام خداوند

۴۲ [۱]آنگاه تمامی رؤسای نظامیان و نیز یوحنان پسر قاریخ و عزریا[e] پسر مَعسیا و تمام قوم، از کوچک ترین تا بزرگ ترین، پیش آمده، [۲]به ارمیای نبی گفتند: «بادا که استدعای ما به حضور تو برسد! برای تمام این بازمانده نزد یهوه، خدایت، دعا کن[f]؛ چرا که از آن عدهٔ بسیار [که بودیم]، تعداد اندکی باقی مانده‌ایم، چنان که آن را با چشمانت خودت می بینی. [۳]باشد که یهوه، خدایت، راهی را که باید دنبال کنیم و آنچه را که باید انجام دهیم، برای ما مشخص سازد!»

۱۳،۸:۴۰ — ۳:۳۷ — تث۲۸:۶۲؛ دان یونانی۳:۳۷

[۴]ارمیای نبی به ایشان گفت: «شنیدم. اینک نزد یهوه، خدایتان، مطابق سخنانتان دعا خواهم کرد، و هر کلامی که یهوه در پاسخ شما بگوید، آن را برایتان مشخص خواهم ساخت؛ هیچ چیز را از شما پنهان نخواهم کرد». [۵]و ایشان به ارمیا گفتند: «بادا که یهوه بر علیه ما شاهد راست و امین باشد اگر در هر امری مطابق کلامی که یهوه، خدایت، برای ما به تو بفرستد عمل نکنیم. [۶]چه نیک باشد و چه بد، صدای یهوه، خدایمان را که تو را نزد او می فرستیم خواهیم شنید، تا با اطاعت از صدای یهوه، خدایمان، برای ما سعادت حاصل شود».

۲۰:۳۸

[۷]پس بعد از ده روز، کلام یهوه بر ارمیا فرا رسید[g]. [۸]او یوحنان پسر قاریح و تمام رؤسای نظامیان را که با او بودند، و نیز تمام قوم را، از کوچکترین تا بزرگترین، فرا خواند. [۹]به ایشان گفت: «چنین سخن

c متن عبری را می توان به این دو صورت قرائت کرد: «... که او با خود باز آورده بود» یا «... که او با اسماعیل پسر نتنیا از مصفه برده بود». با اندکی تغییر در ترتیب حروف، به این شکل نیز می توان قرائت کرد: «آنان که اسماعیل پسر نتنیا از مصفه به اسارت برده بود».

d این دو کلمه در عبری مبهم می باشند. طبق ترجمه های آرامی و سیماک و وولگات، می توان به این شکل ترجمه کرد: «... و در اردوگاه کمهام که ...»

e قرائت متن عبری: «یزَنیا پسر هوشعیا» ر.ک. ۸:۴۰ ترجمهٔ ما مطابق است با ترجمه یونانی.

f ر.ک. توضیحات ۱:۱۵.

g ارمیا با اینکه برای بیان کلام خدا تخصیص یافته بود (ر.ک. توضیحات ۹:۱)، اما نمی توانست به خواست خود، از کلام خدا برخوردار شود، بلکه باید منتظر می ماند تا خداوند پاسخ دهد؛ ر.ک. توضیحات ۱۸:۱۱؛ توضیحات ۱:۲۸.

می‌گوید یهوه خدای اسرائیل، که مرا نزد او فرستادید تا استدعایتان را در پیشگاه او مطرح کنم. [۱۰]اگر بخواهید در این سرزمین ساکن شوید، شما را بنا خواهم کرد و ویران نخواهم نمود؛ شما را خواهم کاشت و بر نخواهم کند؛ زیرا از بدی که به شما کردم پشیمانم. [۱۱]از پادشاه بابل که از او می‌ترسید، مهراسید؛ از او مترسید ـ وحی یهوه ـ زیرا من با شما هستم تا شما را نجات دهم و از دست او برهانم [۱۲]کاری خواهم کرد که مورد ترحم قرار گیرید؛ او بر شما رحم خواهد کرد و خواهد گذاشت[h] که بر روی زمین خود ساکن شوید. [۱۳]اما اگر بگویید: در این سرزمین ساکن نخواهیم شد ـ به خاطر گوش نسپردن به صدای یهوه، خدایتان ـ [۱۴]اگر بگویید: نه! به سرزمین مصر داخل خواهیم شد؛ در آنجا جنگ نخواهیم دید و صدای کرنا نخواهیم شنید و تنگی نان نخواهیم داشت؛ و در آنجا است که ساکن خواهیم شد [۱۵]بسیار خوب! پس ای بازماندهٔ یهودا، کلام یهوه را بشنوید: چنین سخن می‌گوید یهوهٔ لشکرها، خدای اسرائیل: اگر به راستی نگاه‌های خود را به مصر بدوزید تا به آنجا داخل شوید، و اگر به آنجا داخل شوید تا در آنجا اقامت گزینید، [۱۶]شمشیری که از آن می‌ترسید، در آنجا، در سرزمین مصر به شما خواهد رسید، و قحطی که نگرانش می‌باشید، در آنجا، در مصر به پایهای شما خواهد چسبید، و در آنجا خواهید مرد! [۱۷]تمام افرادی که نگاه‌هایشان را به مصر می‌دوزند تا به آنجا داخل شوند و در آنجا اقامت گزینند، با شمشیر و قحط و طاعون خواهند مرد؛ و در آنجا، در میان ایشان کسی نخواهد بود که از مصیبتی که بر ایشان وارد خواهم آورد، زنده باقی بماند و از خطر رهایی یابد. [۱۸]زیرا چنین سخن می‌گوید یهوهٔ لشکرها، خدای اسرائیل: به آن سان که خشم و غضبم بر ساکنان اورشلیم فرو ریخت، به همان سان غضبم، آن گاه که به مصر داخل شوید، بر شما فرو خواهد ریخت؛ و شما نفرین و ویرانی و لعنت و رسوایی[i] خواهید بود، و دیگر این مکان را نخواهید دید».

[۱۹][ارمیا گفت]: «ای بازماندهٔ یهودا، این است کلام یهوه برای شما: به مصر داخل مشوید. خوب بدانید که امروز به شما با قاطعیت هشدار دادم! [۲۰]شما به خود زیان رساندید آن هنگام که مرا نزد یهوه، خدایتان فرستادید و گفتید: برای ما نزد یهوه، خدایمان، دعا کن، و هر آنچه یهوه خدای ما بگوید، آن را برای ما مشخص ساز و آن را به انجام خواهیم رساند. [۲۱]امروز آن را برای شما مشخص ساختم، و شما به صدای یهوه، خدایتان را در هیچ امری که مرا برای آن به سوی شما فرستاد، گوش نگرفتید. [۲۲]پس این را خوب بدانید: شما در آن مکانی که می‌خواهید داخل شوید تا در آن اقامت گزینید، با شمشیر و قحط و طاعون خواهید مرد».

۸:۱۸
۱:۸؛ ۲۰:۱۳؛ ۳۰:۱۰
۱۱:۲۷
۴۲:۲۱؛ ۴۳:۷
۲:۳۱
۴:۵
۴۴:۲۴
حز۱۱:۸
۱۱:۲۳؛ مرا۲:۲۲
۴۴:۶
۴۳:۴
۴۲:۱۶-۱۷

h قرائت متن عبری: «او شما را باز خواهد آورد»، ر.ک. ۱۵:۱۶. ترجمه ما منطبق است با ترجمه های آکیلا و سریانی و وولگات، اما این ترجمه ها ضمیر افعال را به اول شخص آورده اند.
i همانند ۴۴:۱۲؛ ر.ک. ۲۴:۹؛ ۲۹:۱۸.

۴۳

[۱] پس چون ارمیا از بیان تمامی سخنان یهوه، خدای ایشان را به مردم فارغ شد، (سخنانی) که یهوه، خدای ایشان، او را برای آنها نزد ایشان فرستاده بود -(یعنی) تمامی این سخنان را- [۲] زَریا پسر مَعسیا، و یوحنان پسر قاریح، و جمیع مردان متکبر به ارمیا گفتند: «آنچه به ما می‌گویی دروغ است. یهوه، خدای ما، تو را نفرستاده تا بگویی: به مصر داخل مشوید تا در ان اقامت گزینید. [۳] بلکه باروک پسر نیریا است که تو را بر علیه ما تحریک می‌کند، تا ما را به دست کلدانیان بسپارد تا ما را هلاک سازند یا ما را به بابل تبعید کنند».

۱:۴۲

اش۱۳:۱۱؛ میک۳:۱۹

[۴] اما یوحنان پسر قاریح، و تمامی رؤسای نظامیان و تمام مردم از شنیدن صدای یهوه برای سکونت در سرزمین یهودا سر باز زدند. [۵] یوحنان پسر قاریح و تمامی رؤسای نظامیان، تمام بازماندهٔ یهودا و آنانی را که از (نزد) جمیع ملت‌ها بازگشته بودند[j]، (ملت‌هایی) که نزد آنها رانده شده بودند، گرفتند، [۶] (یعنی) مردان و زنان و کودکان و دختران پادشاه و همهٔ کسانی را که نبوزَرَدان، فرماندهٔ محافظان نزد جُدَلیا پسر اخیقام پسر شافان گذارده بود، و نیز ارمیای نبی و باروک پسر نریاهو را. [۷] ایشان وارد سرزمین مصر شدند، زیرا صدای یهوه را نشنیدند؛ ایشان تا به تَحفَنحیس رسیدند.

۲۳:۴۴:۷:۴۳

۴:۴۳

۱۳:۴۲

۲پا۲۵:۲۶

کلام خداوند در مصر

[۸] کلام یهوه در تَحفَنحیس به این مضمون به ارمیا فرا رسید: [۹] سنگ‌های بزرگ در دستان خود برگیر و آنها را در مقابل چشمان مردمان یهودا، با سیمان در سنگفرشی[k] که در ورودی خانهٔ فرعون، در تحفَنحیس هست، در زمین فرو کن. [۱۰] و به ایشان بگو: چنین سخن می‌گوید یهوهٔ لشکرها، خدای اسرائیل: اینک خواهم فرستاد تا نبوکدنصر پادشاه بابل، خدمتگزار خویش را برگیرم، و او تخت سلطنت خود را بر بالای این سنگ‌ها که در خاک کرده‌ام خواهد گذارد، و سایبان خود را بر آنها برقرار خواهد ساخت. [۱۱] او آمده، سرزمین مصر را خواهد زد[l]:

آن کس را که برای مرگ است، به مرگ!

آن کس را که برای اسارت است، به اسارت!

آن کس را که برای شمشیر است، به شمشیر!

[۱۲] او خانه‌های خدایان مصر را به آتش خواهد کشاند و آنها را خواهد سوزاند و [خدایان] را به اسارت خواهد برد؛ او سرزمین مصر را شپش‌گیری خواهد کرد، به همان گونه که چوپان جامهٔ خود را شپش‌گیری می‌کند، و از آنجا در آرامش بیرون خواهد رفت. [۱۳] او ستون‌های یادبود

۹:۲۵

۱۳:۴۶

۲:۱۵؛ حز۵:۱۲؛ ۶:۱۱؛ زک۱۱:۹

۲۵:۴۶؛ حز۳۰:۱۳

j با توجه به ۱۱:۴۰، منظور بازگشت از نزد ملت‌های مجاور است، نه آن بازگشت بزرگ از تبعید.

k ترجمهٔ این عبارات مبتنی است بر حدسیات. ارمیا مأموریت می‌یابد تا شالوده‌ای را بنا نهد که نبوکدنصر، ابزار مجازات الهی، تخت سلطنتش را بر آن قرار خواهد داد. رویدادی که با این «عمل نمادین» اعلام می‌شود، از هم اکنون شروع به تحقق یافتن می‌کند؛ ر.ک. توضیحات ۱۳:۱.

l این پیشگویی عملاً به هنگام جنگ نبوکدنصر بر علیه مصر، در زمان فرعون آماسیس، در سال‌های ۵۶۸ تا ۵۶۷ ق.م. جامهٔ عمل پوشید؛ ر.ک. حزق ۲۹:۱۹-۲۰.

بیت ـ شمش[m] را که در سرزمین مصر است، خرد خواهد ساخت، و خانه های خدایان مصر را به آتش خواهد سوزاند.

۴۴

[۱]کلامی که بر ارمیا خطاب به تمامی اهالی یهودا که در سرزمین مصر، و در سرزمین مجدُل[n]، در تَحفَنحیس و نوف[o] و در سرزمین فَتروس[p] ساکن بودند، به این مضمون فرا رسید: [۲]چنین سخن می گوید یهوهٔ لشکرها، خدای اسرائیل: شما تمام مصیبتی را که بر اورشلیم و بر تمام شهرهای یهودا وارد آوردم دیدید، و اینک امروز آنها ویران هستند و در آنها سکنه ای نیست. [۳]این به سبب شرارتی است که مرتکب شده اند تا مرا به خشم آورند، چرا که رفته اند و برای خدایان دیگر که نمی شناختند، نه ایشان و نه شما و نه پدران شما[q]، بخور سوزاندند. [۴]من بدون خستگی خدمتگزارانم انبیا را نزد شما فرستادم تا بگویند: این کار نفرت انگیز را که از آن متنفرم انجام مدهید. [۵]اما ایشان نشنیدند و گوش نسپاردند تا از شرارت خود بازگشت کنند و از سوزاندن بخور برای خدایان دیگر باز ایستند. [۶]آنگاه غضب و خشم من فرو ریخت و شهرهای یهودا و کوچه های اورشلیم را سوزاند و اکنون خراب و ویران[r] شده اند، همان گونه که امروز [شده است].

[۷]و اینک، چنین سخن می گوید یهوه، خدای لشکرها، خدای اسرائیل: از چه سبب این شرارت بزرگ را بر علیه خودتان مرتکب می شوید تا خود را، مرد و زن و کودک و شیرخواره را در بین یهودا از میان بردارید، بی آنکه از شما بازمانده ای باقی بماند، [۸]چون با اعمال دست خود مرا به خشم می آورید[s] و برای خدایان دیگر در سرزمین مصر که برای اقامت به آنجا داخل شده اید بخور می سوزانید، تا خود را از میان بردارید و در بین تمامی ملت ها زمین، تبدیل به نفرین و رسوایی[t] گردید؟ [۹]آیا شرارت های پدرانتان و شرارت های پادشاهان یهودا و شرارت های برزگانشان و شرارت های خودتان و شرارت های زنانتان را که در سرزمین یهودا و در کوچه های اورشلیم به عمل آمده، فراموش کرده اید؟ [۱۰]ایشان تا به امروز نه ندامتی نشان داده اند و نه ترسی، و مطابق شریعت من و مطابق فرایض من که در برابر شما و در برابر پدرانتان قرار داده بودم، سلوک نکرده اید. [۱۱]به همین سبب، چنین سخن می گوید یهوهٔ لشکرها، خدای اسرائیل:

۱:۳۵
۱۴:۴۶
۸:۴۴؛ ۱۰:۱۱، ۱۷؛ ۴:۱۹
۱۵:۳۵؛ ۲-توا۳۶:۱۵
۲۲:۴۴؛ ۶:۱۵؛ ۷:۱۰؛ حز۸:۶
۷:۲۶؛ ۱۸:۸
۷:۲۰؛ ۳۶:۷
۲۲:۴۴-۲۳
حب۲:۱۰
مرا۲:۱۱؛ ۴:۴
۱:۱۶؛ ۲۶:۶-۷

m نامی است عبری به معنی «خانهٔ خورشید». این شهر که به مصری «اون» خوانده می شود (ر.ک. پید ۴۱:۴۵؛ حزق ۳۰:۱۷) و به یونانی «هلیوپولیس»، در اطراف معبد بزرگ خدای خورشید بنا شده بود.
n شهری واقع در شرق تحفنحیس (یونانی: دافنه)، در منتها الیه شمال مصر ر.ک. حزق ۲۹:۱۰؛ ۳۰:۶.
o ر.ک. توضیحات ۲:۱۶؛ توضیحات اش ۴۹:۱۲.
p مصر عُلیا؛ ر.ک. توضیحات پید ۱۰:۱۴؛ اش ۱۱:۱۱؛ توضیحات حزق ۲۹:۱۴.
q ر.ک. توضیحات ۷:۹ در ترجمه یونانی فقط آمده: «... که شما نمی شناختید»، ر.ک. ۷:۹.
r ر.ک. آیه ۲۲؛ ۲۵:۱۱، ۱۸.
s مانند ۲۵:۶ (ر.ک. توضیحات)
t ر.ک. آیه ۱۲؛ ۲۴:۹؛ ۴۲:۱۸.

اینک روی خود را به سوی شما برای مصیبت نگاه خواهم داشت، تا شما را از تمام یهودا از میان بر دارم. [۱۲]من بازماندهٔ یهودا را که نگاه هایش را به سوی سرزمین مصر دوخته تا به آنجا داخل شده، در آنجا اقامت گزینند، بر خواهم گرفت؛ ایشان در سرزمین مصر به کلی نابود خواهند شد، و با شمشیر خواهند افتاد؛ ایشان، از کوچک ترین تا بزرگ ترین، با قحط به کلی نابود خواهند شد؛ با شمشیر و با قحط خواهند مرد، و تبدیل به نفرین و نابودی و لعنت و رسوایی[u] خواهند گشت. [۱۳]من تمام آنانی را که در سرزمین مصر ساکن اند مجازات خواهم کرد، همان گونه که اورشلیم را با شمشیر و قحط و طاعون مجازات نمودم. [۱۴]از بازمانده یهودا، از آنانی که به سرزمین مصر داخل شده اند تا در آن اقامت گزینند، کسی نه رهایی خواهد یافت و نه زنده خواهد ماند. و اما دربارهٔ بازگشت به سرزمین یهودا که ایشان آرزو دارند به آنان باز گردند و در آن ساکن شوند، نه، به آنجا باز نخواهند گشت، به جز چند تن که رهایی خواهند یافت.

۱۰:۲۱ ۱۳:۲۷

[۱۵]تمام مردانی که می دانستند زنانشان برای خدایان دیگر بخور می سوزانند و تمام زنان حاضر - (یعنی) جماعتی عظیم - و تمامی قومی که در سرزمین مصر، در فَتروس ساکن بودند، به این مضمون به ارمیا پاسخ دادند: [۱۶]«در مورد کلامی که به نام یهوه به ما گفتی، آن را گوش نخواهیم گرفت. [۱۷]بلکه می خواهیم هر کلامی را که از دهان خودمان خارج می شود، آن را به جا آوریم، (یعنی اینکه) برای ملکهٔ آسمان ها[v] بخور بسوزانیم و برای او هدایای ریختنی بریزیم، همان گونه که ما و پدرانمان، پادشاهانمان و بزرگانمان، در شهرهای یهودا و در کوچه های اورشلیم می کردیم؛ در آن زمان نان کافی داشتیم، و سعادتمند بودیم و مصیبت را نمی دیدیم. [۱۸]اما از آن هنگام که از سوزاندن بخور برای ملکهٔ آسمانها و از ریختن هدایای ریختنی برای او باز ایستادیم، محتاج همه چیز شده ایم و به طور کامل با شمشیر و قحط از میان می رویم!» [۱۹]و زنان گفتند[w]: «وقتی برای ملکهٔ آسمان ها بخور می سوزانیم و برای او هدایای ریختنی می ریزیم، مگر بدون آگاهی شوهرانمان است که برای او شیرینی هایی می سازیم که به شکل او هستند[x]؛ و برای او هدایای ریختنی می ریزیم؟»

۴۴:۳،۸،۲۱، ۲۳ ۴۴:۶ ۱۷ ۲:۳۱:۵:۲۳؛ مز۵۰:۱۷ هو۲:۷ ۴۴:۲۵ ۱-مکا۱:۱۱

[۲۰]ارمیا به تمام قوم، به مردان و زنان و تمام کسانی که به او پاسخ داده بودند، گفت: [۲۱]«مگر بخوری که در شهرهای یهودا و در کوچه های اورشلیم سوزاندید، شما و پردانتان، پادشاهان و بزرگانتان، همچنین مردم سرزمین، همین نیست که یهوه به یاد آورده و به فکرش رسیده است؟ [۲۲]و چون یهوه دیگر نمی توانست شرارت اعمالتان و مکروهاتی را که مرتکب

۱۱:۱۳ ۱۵:۶ ۴۴:۴

u تحت اللفظی: «تبدیل به خرابه و ویرانه و لعنت شده است». مانند ۴۲:۱۸ (ر.ک. توضیحات)
v ر.ک. توضیحات ۷:۱۸.
w مطابق چند نسخه خطی یونانی و سریانی؛ در عبری نیست.
x یا: «برای اینکه با او همچون خدا رفتار کنیم». در ترجمه یونانی نیست.

می شدید تحمل کند، سرزمینتان تبدیل به خرابه و ویرانه و لعنت شده[y]، و خالی از سکنه، آن چنان که امروز [شده است].
[۲۳]از آنجا که بخور سوزاندید و بر علیه یهوه گناه ورزیدید، و از آنجا که صدای یهوه را نشنیدید و مطابق شریعت و فرایض و احکام او سلوک نکردید، به همین سبب است که این مصیبت بر شما وارد آمده، آن چنان که امروز [شده است]».

[۲۴]ارمیا به تمامی قوم و به همهٔ زنان گفت: «ای تمامی شما اهالی یهودا که در سرزمین مصر هستید، کلام یهوه را بشنوید: [۲۵]چنین سخن می گوید یهوهٔ لشکرها، خدای اسرائیل: شما زنان[z]، به دهان خویش آن را اعلام کرده و با دست خود آن را به انجام رساندید و گفتید: می خواهیم نذرهایمان را ادا کنیم، (نذرهایی) که کرده ایم، تا برای ملکهٔ آسمان ها بخور بسوزانیم و برای او هدایای ریختنی[a] بریزیم. پس نذرهای خود را ادا کنید و هدایای ریختنی تان را به عمل آورید[b]!
[۲۶]اما کلام یهوه را بشنوید، ای همهٔ شما اهالی یهودا که در سرزمین مصر ساکن اید: اینک این را به نام عظیم خود[c] سوگند می خورم: نام من دیگر از دهان هیچ یک از مردمان یهودا ذکر نخواهد شد؛ در تمامی سرزمین مصر، هیچ کس نخواهد گفت: به حیات خداوند یهوه (سوگند)[d]! [۲۷]اینک بر ایشان نظر خواهم داشت برای مصیبت و نه برای سعادت؛ جمیع مردمان یهودا که در سرزمین مصر هستند، به طور کامل با شمشیر و با قحط از میان خواهند رفت، تا اینکه کاملاً قلع و قمع شوند. [۲۸]چند تن که از شمشیر خواهند رست ـ (یعنی) تعداد اندکی از افراد ـ از سرزمین مصر به سرزمین یهودا باز خواهند گشت. و تمام آنان که از یهودا باقی می مانند، (یعنی) آنانی که به سرزمین مصر داخل شده اند تا در آن اقامت گزینند، خواهند دانست که کلام چه کسی تحقق می یابد کلام من یا کلام ایشان!

[۲۹]«و نشانه برای شما –وحی یهوه– که شما را در این مکان مجازات خواهم کرد، تا بدانید که سخنان من بر علیه شما برای تیره روزی تان به یقین خواهد یافت، این است: [۳۰]یهوه چنین سخن می گوید: اینک فرعون حُفرَع، پادشاه مصر را به دست دشمنانش و به دست آنانی که قصد جانش را دارند[e] خواهم سپرد، همان گونه که صدقیا، پادشاه یهودا را به دست نبوکدنصر، پادشاه بابل، دشمن او که قصد جانش را داشت، سپردم».

y ر.ک. آیه ۶ و توضیحات؛ ۹:۲۴؛ ۱۸:۴۲.
z مطابق ترجمه یونانی؛ قرائت عبری: «شما و زنانتان».
a َر.ک۴۴.:۱۹:۱۸:۱۹:۷:۱۸:۱۹:۱۳:۳۲:۲۹.ملکه اسمانهار.ک. تفسیر۷:۱۸.
b قرائت چند نسخه خطی فقط می گوید: «هدایای ریختنی تان»، و قرائت چند نسخه خطی دیگر فقط: «نذرهایتان».
c ر.ک. توضیحات ۵:۲۲.
d ر.ک. ۱۶:۱۲. مهاجرین علاوه بر عبادت «ملکه آسمان ها» (ر.ک. آیات ۱۷–۱۹) که همان ایشتار یا انات می باشد، یهوه را نیز عبادت می کردند؛ در خصوص آیین های مشابه در فلسطین، ر.ک. توضیحات ۲۰:۲. اسناد یهودی به دست آمده در الفانتین در مصر علیا، که کمی متأخرتر است، بیانگر اختلاط عبادت دو الهه با عبادت یهوه می باشد.
e حفَرع به دست آماسیس در سال ۵۷۰ ق.م. از سلطنت خلع شد، یعنی دو سال پیش از حمله نبوکدنصر، به مصر (ر.ک. توضیحات ۱۱:۴۳). این تغییر در خاندان سلطنتی مؤید نبوت ۸:۴۳–۱۳ بود و تحقق قریب الوقوع آن را اعلام می کرد.

نجات باروک[f]

۴۵ [۱] کلامی که ارمیای نبی به باروک پسر نریا گفت، آن هنگام که وی، در سال چهارم یهویاقیم پسر یوشیا، پادشاه یهودا، چون ارمیا بر او میخواند، این سخنان را در کتابی نوشت: [۲] «چنین سخن می‌گوید یهوه، خدای اسرائیل، در مورد تو، ای باروک. [۳] تو می‌گویی: وای بر من، چرا که یهوه محنت را به درد من می‌افزاید! از ناله کردن خسته شده‌ام و استراحت نیافتم! [۴] این است آنچه به او خواهی گفت: یهوه چنین سخن می‌گوید: آنچه بنا کردم، اینک آن را خراب خواهم ساخت؛ آنچه کاشتم، آن را بر خواهم کند[g]. [۵] اما تو برای خویش چیزهای بزرگ می‌طلبی! آنها را مَطلَب[h]؛ زیرا اینک مصیبتی بر تمامی بشر خواهم آورد ـ ای یهوه ـ اما جان تو را، ب هر جا که بروی، به تو به غنیمت خواهم بخشید[i].»

۱:۳۶ — ۱۹:۱۰ — مرا۵:۵ — روم۱۲:۳،۱۶ — ۶:۱۹؛۲۵:۲۹

وحی‌های مربوط به ملت‌ها (دنباله)

۴۶ [۱] کلام یهوه به ارمیا نبی بر علیه ملت‌ها چنین بود.

۱۳:۲۵

مصر
شکست در کَرکمیش[j]

[۲] برای مصر. بر علیه لشکر فرعون نکو، پادشاه مصر، که بر رود فرات در کَرکَمیش بود و نبوکدنصر، پادشاه بابل، در سال چهارم یهویاقیم پسر یوشیا، پادشاه یهودا، شکست داد.

[۳] سپرهای بزرگ و کوچک را آماده سازید
و به جنگ بروید.
[۴] اسب‌ها را زین کنید،
سوار شوید، ای اسب‌سواران!
در صفوف خود، کلاهخود بر سر،

۱:۳۶ — ۱۱:۵۱

f محتوای این وحی به وحی‌هایی که ارمیا خطاب به صدقیا (۳۴:۱-۷) و عبدملک (۳۹:۱۵-۱۸) بیان کرد، نزدیک است؛ پس شاید مربوط به همان تاریخ باشد (۵۸۸-۵۸۶ ق.م.) در این صورت، مقدمه‌ای که آن را مربوط به سال ۶۰۵ ق.م. می‌سازد، می‌تواند الحاقیه‌ای از سوی ویراستار تلقی شود. ـ باروک کاتب ظاهراً جاه‌طلبی‌هایی سیاسی در سر می‌پروراند (آیه ۵؛ ر.ک. ۴۳:۳). به دنبال رویدادهایی که یا در سال ۶۰۵ ق.م. رخ داد (در زمان قرائت علنی وحی‌های ارمیا، فصل ۳۶) یا در سال‌های ۵۸۷-۵۸۶ ق.م. (در زمان مهاجرت اجباری به مصر، فصل ۴۳)، او می‌دید که حیات سیاسی‌اش نابود می‌شود. ارمیا با بیان قصد الهی، او را تسلی می‌دهد و می‌گوید که لااقل جانش در امان خواهد بود.

g در متن عبری، این عبارت به دنبال این جمله می‌آید: «و این در تمام زمین (به عمل خواهم آورد)». این عبارت در ترجمه یونانی نیست. آن را می‌توان مربوط به «سرزمین» اسرائیل دانست (ر.ک. ترجمه آرامی) که خداوند در حال ویران کردنش بود و آن را پس از بنا و کاشتن، ریشه کن می‌ساخت.

h انتقاد ارمیا بر ضد باروخ جدی میباشد: وقتی دشمن در شرف حمله کردن میباشد چگونه میتواند امتیازهای بزرگ برای خود بطلبد.

i ر.ک. توضیحات ۹:۲۱.

j کرکمیش شهری مهم در بین‌النهرین بود و امروزه جرابلوس نامیده می‌شود و شهری مرزی میان سوریه و ترکیه می‌باشد. در اینجا بود که در سال ۶۰۵ ق.م. مصری‌ها و آشوری‌ها از بابل‌ها متحمل شکستی شدند که دیگر نتوانستند از آن سر برآورند؛ ر.ک. توضیحات ۱:۲۵.

سرنیزه ها را صیقل دهید[k]،
جوشن ها را بر دوش نهید[l].
۵ اما چه می بینم؟
ایشان هراسانند،
عقب می نشینند!
شجاعانشان له شده اند،
پریشان حال می گریزند[n]
بی آنکه باز گردند. (نا۲:۹)
وحشت از هر سو[m]! (۶:۲۵:۴۹:۲۹)
- وحی یهوه.
۶ نه مرد چابک می تواند بگریزد (عا۲:۱۵)
و نه مرد شجاع می تواند رهایی یابد؛
در شمال، در کرانهٔ رود فرات،
ایشان می لغزند؛ ایشان می افتند. (۱۲:۴۶)
۷ کیست آن کس که همانند نیل بر می آید (۴۷:۲؛ اش۸:۷؛ دان۱۱:۱۰)
[و] آب هایش به سان رودها به تلاطم می آید[o]؟
۸ این مصر است که همانند نیل بر می آید
و آب هایش به سان رودها به تلاطم می آید.
او گفت: بر خواهد آمد و زمین را خواهد پوشاند،
و شهرها و ساکنان را هلاک خواهد ساخت!
۹ ای اسبان جنگی، حمله کنید،
ای ارابه ها، بیداد کنید، (نا۲:۵؛۳:۲)
ای شجاعان، پدیدار شوید،
ای مردمان کوش و فوت،
که سپرها را به کار می گیرید،
و شما، ای لودیان[p] که کمان را می کشید[q]!
۱۰ اما امروز، روز خداوند یهوهٔ لشکرها است،
روز انتقام که در آن از خصمان خویش انتقام می گیرد.
شمشیر می درد و سیر می شود، (۱۲:۱۲؛۴۷:۶؛ تث۳۲:۴۲)
از خون آنان سیراب می گردد!
زیرا خداوند یهوهٔ را قربانی ای[r] است
در سرزمین شمال، در کنار رود فرات.
۱۱ به جلعاد بر آی و روغن بَلَسان[s] برگیر، (۵۱:۸؛ پید۳۷:۲۵)
ای باکره، ای دختر مصر[t].
مرهم ها را بیهوده اسراف می کنی: (۱۵:۱۸؛ ۳۰:۱۳؛ ۵۱:۹)
جراحت تو التیام نمی پذیرد!

k قرائت یونانی: «نیزه های تیز، به پیش»، ر.ک. مز ۳۵:۲.
l پوششی چرمی مجهز به قطعات فلزی.
m این اصطلاح در ارمیا تکرار شده: ۶:۲۵؛ ۲۰:۳ و ۱۰؛ ۴۹:۲۹.
n تحت اللفظی: «به پناهگاه می گریزند». اما سنت یهوه آن را در این معنا تفسیر می کند: «فرارکنان می گریزند».
o این تصویر یادآور طغیان های رود نیل و شاخه های متعدد آن می باشد. نبی ادعاهای سلطه جویانهٔ مصر را به این شکل تعبیر می کند.
p «فوت» احتمالاً همان لیبی است؛ «لود» مکانی مسکونی ناشناخته ای است در آفریقا. ر.ک. توضیحات اش ۶۶:۱۹.
q در برخی نسخ چنین آمده: «به دست می گیرند و می کشند». عبارت اخیر احتمالاً حالتی تکراری دارد و می توان آن را حذف کرد.
r واژهٔ عبری اشاره دارد به خوراکی که از گوشت قربانی تهیه می شود (ر.ک. صف ۱:۷). قربانی شامل دو بخش می شد: یکی عمل قربانی و ذبح کردن و دیگری خوردن آن. در اینجا، نگارنده پس از توصیف جنبهٔ ذبح شدن قربانی با شمشیر، با ارائهٔ تصویری انسان گونه انگارانه از جنبهٔ خوردن قربانی، نشان می دهد که خود خداوند در این امر بی تفاوت نیست.
s برای ارمیا، روغن التیام بخش بلسان، با جلعاد مترادف است.
t تحت اللفظی: «ای باکرهٔ مصر دختر». ر.ک. توضیحات آیه ۱۴:۱۷؛ ۱۱:۴:۲۴.

۱۲ ملت‌ها از شرمساری تو آگاهی
یافته‌اند،
زمین از فریادهای تو پر است؛
زیرا مرد شجاع بر مرد شجاع می‌لغزد (۱۶:۴۶؛ نا۲:۶)
و هر دو با هم می‌افتند!

هجوم بر مصر[u]

۱۳ کلامی که یهوه به ارمیای نبی گفت، (۱:۵۰)
آن گاه که[v] نبوکدنصر، پادشاه بابل آمد تا
سرزمین مصر را بزند. (۱۱:۴۳)
۱۴ آن را مجدُل اعلام کنید،
آن را نوفَ[w] انتشار دهید؛ (۲:۵۰)
بگویید: راست بایست، آماده باش،
زیرا شمشیر در پیرامون تو[x] می‌دَرَد. (۱۴:۲۱)
۱۵ آپیس از چه سبب گریخته است[y]؟
«قوچ»[z] تو از چه سبب ایستادگی نکرده
است؟
به این سبب که یهوه آن را سرنگون
ساخته است.
۱۶ قوم مختلط[a] تو می‌لغزند و می‌افتند؛ (۱۲،۶:۴۶)
به یکدیگر می‌گویند:
به پا خیزیم! به سوی قوم خود باز گردیم
و به سوی زادگاه خویش، (۱۶:۵۰)
به سبب شمشیر ویرانگر.
۱۷ به فرعون، پادشاه مصر، این نام را (اش ۷:۳۰)
بدهید[b]:
«هیاهو... که می‌گذارد ساعت بگذرد[c]!»
۱۸ به حیات خویش سوگند! ـ وحی
«پادشاه»
که نامش یهوهٔ لشکرها است ـ (۱۵:۴۸؛ اش۲:۴۸)
آری، به سان تابور در میان کوهساران،
و همچون کَرمِل که در دریا پیشروی
می‌کند،
او می‌آید[d]!

u این بخش احتمالاً متأخرتر از بخش پیشین است.

v می‌توان این گونه نیز ترجمه کرد: «کلامی که یهوه به ارمیای نبی خطاب کرد: باشد که نبوکدنصر، پادشاه بابل، بیاید تا سرزمین مصر را بزند»، یا «کلامی که یهوه به ارمیای نبی خطاب کرد: هنگامی که نبوکدنصر بیاید تا مصر را بزند، آن را در مصر اعلام کنید...».

w در سنت کتاب مقدس، «مجدُل» شهری است در مرز مصر (خروج ۲:۱۴). تعیین محل آن دشوار است (احتمالاً در شمال شرقی القنطره، بر سر راه فسلطین). «نوف» (این تلفظ عبری نامی مصری است به معنی «دیوارِ سفید»؛ به یونانی: ممفیس) مرکزی اداری است، واقع در ۲۰ کیلومتری جنوب قاهره (ر.ک. هو ۶:۹). در متن عبری، نام تَحفَنحیس (به یونانی: دافَنه) نیز آمده، اما در نسخ خطی یونانی حذف شده است.

x قرائت یونانی: «محل‌های انبوه جنگل‌هایت را می‌درد».

y حروف بی‌صدای متن ماسورتی می‌تواند این معنی را نیز بدهد: «... برده شده است؟» ترجمه ما مبتنی است بر ترجمه یونانی. آپیس نام قوچی است مقدس در نوف (مِمفیس) که به تدریج مترادف شد با «پتاه» خدای محافظت کنندهٔ شهر، و همچنین با اُوزیریس.

z منظور همان «آپیس» است.

a منظور اختلاط مردان لود و فوت و کوش است که قبلاً از آنها نام برده شده است.

b قرائت عبری: «او را در آنجا نام می‌نهند». ما مطابق ترجمه یونانی و وولگات، فعل را در وجه امری قرائت می‌کنیم؛ و واژهٔ «شَم» (یعنی نام) را به جای «شم» (یعنی در آنجا) ترجمه می‌کنیم.

c اشاره به قرار ملاقات تاریخ است که در پندار آن روزگار، از سوی ستارگان تعیین می‌شد. منظور این است که فرعون اجازه داد تا آن لحظه‌ای که می‌بایست ضربه را وارد کند، بگذرد.

d مشخص نیست منظور چه کسی است: دشمن (یعنی نبوکدنصر)؟ یا خدا؟ متن این نکته را تصریح نمی‌کند. «کوهساران» احتمالاً تصویری است از استحکام مداخلهٔ مورد نظر.

۱۷:۱۰؛ حز۱۲:۳
[۱۹] بار و بنهٔ تبعیدت را ببند،
ای زن سکونت کننده، ای دختر مصر[e]،
زیرا که نوف تبدیل به ویرانه خواهد شد،
خواهد سوخت، بدون سکنه.

هو۱۱:۱۰
[۲۰] مصر گوسالهٔ ماده ای عالی بود،
از شمال، خرمگسی بر او آمده است.
[۲۱] حتی مزدورانش در میان او،
همانند گوساله های پرواری بودند؛
اما ایشان نیز پشت می کنند،
همگی با هم می گریزند

۱۲:۲۳؛ ۲۷:۵۰
زیرا که روز تیره بختی شان بر ایشان فرا رسیده است،
زمان مجازاتشان!
[۲۲] گوش کنید! گوی ماری که سوت می زند؛
چرا که با قدرت می آیند[f]،

مز۷۴:۶
و با تبرها بر او می آیند
همچون هیزم شکنان؛
[۲۳] جنگل او را فرو می کوبند[g]
- وحی یهوه -
حال آنکه نفوذناپذیر بود[h]؛

۵۱:۱۴؛ داور۷:۱۲؛ یول۱:۱۴؛ مکا۹:۳
چرا که ایشان از ملخ ها بیشتر می باشند،
کسی نمی تواند ایشان را بشمارد.
[۲۴] از شرمساری پوشیده شده، دختر مصر[i]:
او به دست قوم شمال سپرده شده است!

یهوه سخن می گوید

[۲۵] یهوهٔ لشکرها، خدای اسرائیل گفته است: اینک من آمونِ نُو[j] را مجازات خواهم کرد، فرعون و مصر را خدایانش و پادشاهانش[k] را فرعون و آنانی را که بر او اعتماد دارند. [۲۶] ایشان را به دست آنانی که قصد جانشان را دارند خواهم سپرد، به دست نبوکدنصر، پادشاه بابل، و به دست خدمتگزارانش. بعد از آن، مصر همچون روزهای کهن مسکونی خواهد شد[l]. وحی یهوه.

۸:۹ ؛ ۱۲:۴۳ ؛ ۳۰:۴۴ ؛ ۱۵:۱۲

۳۰:۱۰-۱۱
اش۴۱:۱۳-۱۴
[۲۷] و تو، ای خدمتگزارام یعقوب، مترس،
و هراس به خود راه مده، ای اسرائیل
زیرا اینک تو را از (سرزمین) دور نجات خواهم داد،
و اعقابت را از سرزمینی که در آن اسیرند.

e تحت اللفظی: «ساکنهٔ مصر دختر» ر.ک. ۱۸:۴۸.
f تحت اللفظی: «صدایش همچون صدای ماری است که می رود». اشاره به مصر است که حتی بدون اینکه صدایی بکند، می گریزد.
g وجه فعل عبری مبهم است؛ آن را می توان هم در وجه امری ترجمه کرد و هم در وجه اخباری.
h می توان این گونه نیز ترجمه کرد. جنگل او را می برند ... آری، ایشان بی شمار می باشند» ترجمه ما مبتنی است بر ترجمه یونانی.
i تحت اللفظی: «مصر، آن دختر» (ر.ک. ۳۱:۴ و توضیحات). منظور این اصطلاح، ساکنان مصر است (ر.ک. آیه ۱۹؛ ۱۸:۴۸). شخصیت بخشیدن به مصر به صورت یک زن، این امکان را می دهد تا تصویر شرمساری تشدید شود: مصر همانند دختری عریان است!
j «آمون» خدای تبس یا نو است (با اشکال مختلف انسانی و حیوانی). می پنداشتند که او تمام خدایان دیگر را در بر دارد.
k ظاهراً این عبارتَ به متن عبری اضافه شده، چون در ترجمه یونانی نیست.
l این وحی اعلام کنندهٔ احیای مصر است. وحی های اش ۱۶:۱۹-۲۵ و حزق ۱۳:۲۹-۱۵ نیز که مربوط به همین دوره می باشند، همین نکته را اعلام می دارند. این توضیحی است دربارهٔ جایگاه سایر ملت ها در طرح الهی (نیز ر.ک. ار ۴۷:۴۸؛ ۶:۴۹، ۳۹).

یعقوب بازگشته، در آرامی خواهد زیست
آسوده خاطر، بی‌آنکه کسی او را مضطرب سازد
[۲۸]تو، ای خدمتگزارام یعقوب، مترس!
- وحی یهوه. زیرا من با تو هستم،
چرا که در میان تمامی ملت‌ها به قلع و قمع خواهم پرداخت
در جاهایی که تو را رانده‌ام؛
اما تو را قلع و قمع نخواهم کرد،
بلکه تو را مطابق عدالت اصلاح خواهم نمود[m]!

لاو۲۶:۶؛ حز۳۴:۲۸؛ ایو۱۱:۱۹
اش۴۱:۸؛ ۴۳:۵
نا۱:۳؛ مز۹۹:۸

فلسطینیان[n]

۴۷ [۱]چنین بود کلام یهوه به ارمیای نبی، در مورد فلسطینیان، پیش از آنکه فرعون غزه را بزند[o]. [۲]یهوه چنین سخن می‌گوید:
اینک آب‌ها از شمال بر می‌آید
و به سیلابی غوطه‌ور کننده بدل می‌شود
سرزمین و آنچه را که آن را پر می‌کند،
غوطه‌ور می‌سازد
شهر و آنان را که در آن ساکن‌اند.
مردمان فریاد برمی‌آورند؛ زوزه سر می‌دهند
جمله ساکنان سرزمین.
[۳]در برابر کوبش سُم اسبانش
در برابر خروش ارابه‌هایش،
در برابر غرش گردونه‌هایش،
پدران دیگر به سوی پسرانشان برنمی‌گردانند،
زیرا که دست‌ها بیش از حد سست شده است[p]!
[۴]این به سبب آن روزی است که می‌آید
برای نابودی تمام فلسطینیان،
برای ستاندن از صور و صیدون
هر آنچه که از متحدین [برایشان] باقی مانده؛
چرا که یهوه فلسطینیان را نابود می‌سازد،
بازماندهٔ جزیرهٔ کفتور[q] را.
[۵]غزه سر خود را تراشیده[r]،

اش۳۰:۲۸؛ ۴۶:۷؛ نا۱:۸؛ مز۱۲۴:۴-۵
۸:۱۶
داور۵:۲۲؛ حز۲۶:۱۰
نا۲:۵؛ ۳:۲

m این امر با آنچه که در انتهای آیه ۲۶ آمده متناقض نیست، بلکه مرحله‌ای را که درست پیش از آن اعلام شده، از سر می‌گیرد. وانگهی، آیه‌های ۲۷-۲۸ در ار ۳۰:۱۰-۱۱ نیز یافت می‌شود و یادآور سبک اش فصل‌های ۴۰-۵۵ می‌باشد. لذا در اینجا، پس از اعلام واقعیت احیای مصر، احیای اسرائیل، یعنی قوم خدا، مطرح می‌شود. آنچه در اینجا مورد تأکید است، طرح الهی برای احیای ملت‌ها است و اسرائیل در میان این طرح قرار می‌گیرد.

n ر.ک. توضیحات یوشع ۱۳:۳.

o مشکل بتوان تعیین کرد که این نکته به کدام رویداد تاریخی اشاره می‌کند احتمالاً اشاره به یک رشته از شکست‌های مصر به دنبال شکستشان در کرکمیش است، زیرا نبوکدنصر ایشان را تعاقب کرد و اشقلون و سایر شهرها را به تصرف درآورد (آیه ۵). اما می‌دانیم که در سال‌های بعدی، فلسطین از سوی مصری‌ها اشغال شده بود (آیه ۱ و شاید آیه ۵). لذا در این بخش، یا بحث درباره هجوم بابلی‌ها نیست، یا در این زمینه فقط در آیات ۲ تا آیه a۴ سخن می‌گوید، و در آیات b۴ تا ۷ به عمل مصری‌ها اشاره می‌کند.

p ر.ک. توضیحات ۶:۲۴.

q احتمالاً منظور جزیره کرِت، موطن اولیهٔ فلسطینیان است (ر.ک. تث ۲:۲۳؛ عا ۹:۷). پس از عبارات مترادف «فلسطینیان» می‌باشد.

r تحت‌اللفظی: «تیغ بر سر غزه می‌آید». این اشاره‌ای است به رسوم تشییع جنازه (ر.ک. ۴۸:۳۷؛ اش ۳:۲۴؛ عا ۸:۱۰).

اَشقَلون مفقود شده؛
ای اشدود، ای بازماندهٔ عناقیم[s]،
تا به کی خود را مجروح خواهی ساخت[t]؟
[۶]آه! ای شمشیر یهوه،
تا به کی آرام نخواهی گرفت؟
به غلاف خود باز گرد،
بیاسا و آرام بگیر!
[۷]چگونه بیارامد[v]
آن گاه که یهوه به او امر می کند؟
به سوی اَشقَلون و کرانهٔ دریا،
در آنجا است که برای او قرار ملاقات تعیین کرده است[u].

۶:۴۶؛ ۲:۴۸؛ ۵۰:۳۵-۳۸ زک۱۳:۷

موآب

۴۸

[۱]برای موآب[w]. چنین سخن می گوید یهوهٔ لشکرها، خدای اسرائیل:

وای بر نبو[x]، چرا که ویران شده است!
قریه تاییم[y] از شرمساری پوشیده شده؛
گرفته شده است؛
پوشیده از شرمساری، له شده است، آن دژ!
[۲]جلال موآب دیگر نیست!
در حشبون بر علیه او بدی را می اندیشند[z]:
«بیایید، آن را از میان ملت ها بر کنیم!»
تو نیز ای مَدمِن، خاموش خواهی شد[a]،
از پس تو شمشیر پیش می آید!
[۳]به هیاهوی حُورُونایِیم[b] گوش دهید:
ویرانی و پریشانی عظیم!
[۴]موآب خرد شده!
تا به صوغر[c] فریادها را به گوش می رسانند.

۶:۴۷

اش۲۵:۱

s قرائت یونانی: «عناقی هایی که جان سالم بدر برده اند». عناقی ها که به خاطر قامت بلندشان مشهور بودند، مدتی مدید در فلسطین باقی ماندند (ر.ک. ۱۶:۶؛ تث ۱۴:۱).
t اشاره دیگری به رسوم تشییع جنازه (ر.ک. ۱۶:۶؛ تث ۱۴:۱؛ر.ک۴۱:۵وتفسیرy).
u در این سخن خدا هیچگونه کج دهنی وکج خلقی برضد دشمن دیرینه اسرائیل وجود ندارد.
v قرائت عبری: «آیا می توانی بیارامی...؟» ترجمه ما مبتنی است بر ترجمه های کهن (یونانی، سریانی، وولگات).
w موآب سرزمینی است مجاور یهودا، واقع در شرق دریای مرده. خصومت میان موآب و یهودا به اوائل تاریخ اسرائیل باز می گردد (ر.ک. اعد ۲۲ تا ۲۴؛ نیز ر.ک پید ۱۹:۳۰-۳۸؛ تث ۲۳:۴-۷). اما میان این دو همیشه روابطی برقرار بوده (ر.ک. روت). به هنگام تبعید، ساکنان یهودا توانستند در آنجا پناه بگیرند (ر.ک. ار ۴۰:۱۱). تاریخ آن، به علت موقعیت جغرافیایی اش، بدون فاجعه ای مهم سپری شد (ر.ک. آیه ۱۱). به نظر نمی رسد که این وحی ناشی از رویداد خاصی باشد، بلکه می تواند ناشی از اشتیاق نبی برای بسط دیدگاه های الهیاتی اش باشد تا شرح دهد که خدا، سرور همهٔ ملت ها است. وانگهی، این فصل حاوی شمار زیادی عاریت های ادبی (خصوصاً از اش ۱۵ و ۱۶) و تکرارها است.
x شهری است واقع بر نشیب کوه نبو، در شرق رود اردن.
y از این شهر در یوشع ۱۹:۱۳ و اعد ۳۷:۳۲ و نیز در سنگ یادبود معروف «مِشا» پادشاه موآب نام برده شده است. محل آن را نمی توان با قطعیت تعیین کرد.
z در عبری نوعی بازی با کلمات وجود دارد: «حشبون» و «طرح اندیشیدن» دارای آوایی همسان می باشد. حشبون تپه ای است واقع در ۳۰ کیلومتری شرق اریحا، بر «راه شاه».
a در اینجا نیز میان «مدمن» و «خاموش و ساکت شدن»، بازی با کلمات به چشم می خورد. تعیین محل قطعی مدمن میسر نیست. نام آن شاید تغییر شکلی از نام «دیبون» باشد که شهری است در وسط موآب. در این صورت، باز با کلمات بازی شده است. ر.ک. توضیحات اش ۲۵:۱۰.
b شهری است که تعیین محل قطعی آن میسر نیست. این شهر شاید در بخش جنوبی موآب واقع بوده است. از آن در سنگ یادبود «مشا» نام برده شده است.
c این محل (پید ۱۳:۱۰؛ ۱۹:۳۰) در منتهای الیه جنوب شرقی دریای مرده قرار داشت. در متن عبری، کلمهٔ «کوچکان» آمده. ترجمه ما مبتنی است بر ترجمه یونانی و اش ۱۵:۵ . اگر متن عبری را مد نظر قرار دهیم، باید متذکر شد که طبق ترجمه آرامی و نظر مفسران یهودی، «کوچکان» عنوانی است هجوآمیز برای اشاره به بزرگان یا رؤسا.

۵آری، بر فراز لوحیت[d]،
از آن با گریه ها بالا می روند[e]؛
آری، در سراشیبی حوروناییم،
هیاهوی اضطراب به گوش می رسد.
۶بگریزید، جان خود را نجات دهید،
همچون گورخر[f] در بیابان باشید.
۷از آنجا که به کارها و گنجهایت تکیه کردی، ۵:۱۷؛ ۴:۴۹
تو نیز گرفتار خواهی شد.
کموش به تبعید خواهد رفت[g]، ۳:۴۹
کاهنان و بزرگانش، همگی با هم.
۸شخصی ویرانگر[h] وارد هر شهر خواهد شد
و هیچ شهری رهایی نخواهد یافت؛
دشت نابود خواهد شد و جلگه[i] ویران خواهد گشت،
چنان که یهوه گفته است.
۹بال ها[j] بدهید به موآب،
چرا که آرزو دارد پرواز کند؛
شهرهایش به ویرانه بدل خواهد شد،
خالی از سکنه خواهد بود. ۲۸:۴۸

۱۰ملعون باد آن کس که کار یهوه را با سهل انگاری انجام دهد!
ملعون باد آن کس که خون را از شمشیر خود دریغ دارد! ۱۰:۴۶؛ ۱سمو۳:۱۵، ۹، ۱۱؛ ۱-پا۳۲:۲۰
۱۱موآب از جوانی اش آسوده خاطر بود،
بر دُرد خود می آرمید؛
او را از ظرفی به ظرفی دیگر خالی نمی کردند، صف۱۲:۱
و به تبعید نرفته بود.
لذا طعمه او باقی مانده بود،
و عطرش تغییر نیافته بود.
۱۲به همین سبب، اینک روزهایی می آید ـ وحی یهوه ـ که بر او خالی کنندگان ظرف خواهم فرستاد که او را از ظرفی به ظرف دیگر منتقل خواهند کرد؛ ظرف های او را خالی کرده، و سبوهایش[k] را خرد خواهند کرد. ۱۳و موآب از کموش شرمسار خواهد شد، همان گونه که خاندان اسرائیل از بیت ئیل[l]، امیدش شرمسار شد. ۲:۳۶-۳۷
۱۴چگونه توانید گفت: ما شجاع هستیم ۲:۲۳
و مردان دلیر در جنگ؟

d شهر دیگری در جنوب موآب که تعیین محل آن مقدور نیست (ر.ک. توضیحات اش ۵:۱۵).
e این آیه را به کمک اش ۵:۱۵ و ترجمهٔ یونانی برگردانده ایم. متن عبری را این گونه نیز می توان ترجمه کرد: «سربالایی لوحیت، گریه کنان گریه ها سر می دهد؛ در سراشیبی حوروناییم، صدای دشمنان شنیده می شود که مصیبت را فریاد می کنند».
f مراد این است که بهتر است چون وحشی ها زندگی کرد، مانند گورخر در بیابان، تا اینکه به دست دشمن افتاد. کلمه «گورخر» را در متن عبری، می توان عروعیر (نام یک شهر) نیز خواند.
g کموش خدای ملی موآب بود که به واسطهٔ سنگ یادبود «مشا»، پادشاه موآب، به خوبی مورد شناسایی قرار گرفته است.
h اشاره به نبوکدنصر است.
i کلمهٔ «جلگه» اغلب دلالت دارد به منطقهٔ اصلی سرزمین موآب، واقع در شمال ارنون.
j قرائت متن عبری: «به موآب گلی بدهید». به نظر نمی رسد که این قرائت مفهومی داشته باشد. طبق قرائت یونانی، می توان ترجمه کرد: «برای موآب مقبره ای بنا کنید». این قرائت احتمالاً به متن اولیه وفادارتر است.
k برخی از مناطق موآب برای نشاندن تاک مساعد بود (ر.ک. اش ۶:۱۶-۱۲).
l بر اساس توازی با کموش، در اینجا آشکار است که بیت ئیل به عنوان نام یک خدا گرفته شده است. نبی در تمام وحی های علیه ملت ها می خواهد نشان دهد که خدا نه فقط سرور تمام این اقوام بیگانه است، بلکه خدایانی نیز که تکریم می کنند (علاوه بر کموش و بیت ئیل، آپیس در ار ۱۵:۴۶؛ ملکُم در ار ۱:۴۹؛ مردوک در ار ۲:۵۰)، چیزی جز بت نیستند، یعنی «نیستی». فقط یهوه خدا است. این نکته یکی از عناصر اصلی در پیام این بخش از کتاب است.

[۱۵]ویرانگر موآب بر علیه او برآمده است[m]،
و نخبهٔ جوانی‌اش به کشتارگاه فرود می‌آید،
- وحی پادشاه که نامش یهوهٔ لشکرها است.
۳:۱۲؛ ۳۴:۵۰؛ ۳۷:۵۱؛ اش۱۵:۵۱
[۱۶]نزدیک است فرا برسد، تیره بختی موآب،
و مصیبتش با شتاب عظیم می‌آید.
[۱۷]بر او دل بسوزانید، ای جمیع شما همسایگان[n] او،
جمیع شما که نامش را می‌دانید؛
بگویید: «چگونه[o] خُرد شده آن عصای سلطنتی[p]،
آن چوبدست پرجلال[q]؟»
۳۹:۴۸
[۱۸]از جلال فرود آی، در کثافت بنشین،
ای زن سکونت کننده، ای دختر دیبون[r]؛
زیرا ویرانگر موآب بر علیه تو برآمده،
قلعه های مستحکمت را ویران ساخته است.
[۱۹]بر راه بایست و کمین کن،
ای دختر ساکن و در عَرُوعیر؛
از فراری و رهایی یافته سؤال کن،
بگو: «چه رخ داده؟»

[۲۰]موآب پوشیده از شرمساری است، چرا که له شده؛
زوزه بکشید و فریاد برآورید!
۳۹:۴۸
در اَرنون[s] اعلام نمایید
که موآب ویران شده است!
[۲۱]داوری‌ای به سوی سرزمین جلگه می‌آید، سوی حُولُون و سوی یهصَه، بر میفاعَت، [۲۲]بر دیبون، بر نَبو، بر بیت‌دبلَتایم، [۲۳]بر قریه تایِم، بر بیت‌جامول، بر بیت‌مَعون، [۲۴]بر قریوت، بر بُصره و بر تمامی شهرهای سرزمین موآب، دور و نزدیک.
[۲۵]کوبیده شده، شاخ موآب[u]
و بازویش خُرد شده است!
- وحی یهوه.
حز۲۱:۳۰؛ مز۱۷:۳۷
[۲۶]او را مست سازید، زیرا بر یهوه کبر فروخته است؛ بادا که موآب در قی خود در غلطد و او نیز موجب تمسخر عموم گردد.
۵۷:۵۱
۴۲:۴۸؛ دان۲۳:۵
[۲۷]آیا اسرائیل موجب تمسخر عموم نگردید؟ آیا در میان دزدان یافت شد که دربارهٔ او فقط با تکان دادن سر سخن می‌گویی؟
۲۶:۲
[۲۸]شهرها را ترک گویید و در صخره ها مسکن گزینید،

m متن عبری مخدوش است؛ می‌گوید: «موآب ویران شده و شهرهایش برآمده». ما این آیه را به کمک مصرع سوم از آیه ۱۸، اصلاح کرده‌ایم.
n تحت‌اللفظی: «ای جمیع شما ای احاطه‌اش کرده‌اید...»
o این کلمه، وجه مشخصهٔ سوگواری‌ها است. همین کلمه است که در عبری، نام کتاب «مراثی» را به آن داده است.
p تحت‌اللفظی: «عصای قوت».
q تحت‌اللفظی: «چوبدست جلال».
r تحت‌اللفظی: «ساکنهٔ دیبون دختر»؛ ر.ک. ۱۹:۴۶.
s رودخانهٔ موآب که از جلگهٔ آن عبور می‌کند و بسترش میان دو کرانهٔ بلند قرار دارد و به دریای مرده می‌ریزد.
t مراد این است که موآب قوت خود را از کف داده است.
u برخی دیگر از نسخ خطی آورده‌اند: «ناله سر خواهند داد».

ای ساکنان موآب؛
همچون کبوتری باشید که آشیانه اش را
در جداره های گردنه ای باز می سازد.
۲۹از تکبر موآب آگاهی یافته ایم، (اش ۱۶:۶؛ صف ۲:۱۰)
او که بسیار متکبر است،
از بلندی اش، تکبرش، خودبینی اش
و دل مغرورش.
۳۰من می شناسم - وحی یهوه - خشم او را،
پرگویی های نامناسبش را، (۶:۸)
و کارهای باطلش را.
۳۱به همین سبب است که بر موآب فریاد می کشم،
و برای کل موآب فریاد بر می آورم،
و دربارهٔ مردمان قیرحارَس[v]، ناله سر می دهم[u].
۳۲به گریه های یعزیر برای تو می گریم،
ای تاکستان سبمه؛
شاخه های تو از دریا فراتر می رفت، (مز ۸۰:۱۲)
و به یعزیر[w] می رسید.
بر برداشت محصولت و برخوشه چینی ات
ویرانگری فرود آمده است.

۳۳شادی و شعف دور شده[x]
از باغ های میوهٔ سرزمین موآب.
شراب خمره ها را خشکانده ام،
لگد کننده دیگر لگد نمی کند،
فریاد لگدکننده دیگر فریاد لگد کننده نیست[y]!
۳۴هیاهوی[z] حشبون تا به العاله[a] می رسد؛
تا به یاهَص[b] صدا می دهند،
از صوغر تا به حُورُونایِیم،
و عجلَت شَلیشیا[c]؛
زیرا حتی آب های نِمریم[d] تبدیل به ویرانه خواهد شد.
۳۵از نزد موآب نابود خواهم ساخت - وحی یهوه - (۳:۱۷)
آن کس را که به مکان بلند برمی آید
و برای خدایان بخور می سوزاند.
۳۶به همین سبب است که دل من، برای موآب (۱۹:۴؛ اش ۱۶:۱۱)
همچون نای می لرزد،
و دل من، بر مردمان قیرحارَس
همچون نای می لرزد؛

[v] این شاید پایتخت موآب بوده باشد. طبق ترجمهٔ یونانی، نام آن «شهر نوین» است (قیرحادَس)؛ «قیر حارَس» در عبری به معنی «شهر تکه سفال ها» می باشد و این حاکی از بازی ای است که نویسنده با کلمات کرده، می گوید که برای سفال های خرد شده، ناله سر می دهد.

[w] در برخی از نسخ خطی آمده: «و به دریای یعزیر می رسد». ما مطابق با برخی نسخ خطی عبری و ترجمه یونانی و اش ۸:۱۶، این کلمه را حذف کرده ایم.

[x] نبی به شور و شعف جشن خوشه چینی اشاره می کند که در آنها مردم مست شراب می شدند (ر.ک. یول ۱:۱۶).

[y] مراد از «فریاد لگد کننده» فریاد فاتحی است که موآب را لگدمال می کند؛ این فریادی است وحشیانه که هیچ شباهتی به فریاد شادمانهٔ لگدکنندگان انگور برای تهیه شراب ندارد. در خصوص این تصویر، ر.ک. ۳۰:۲۵؛ مرا ۱:۱۵؛ یول ۱۳:۴؛ اش ۶۳:۲-۳؛ مکا ۱۴:۱۹-۲۰؛ ۱۹:۱۵.

[z] تحت اللفظی: «از فریاد کمک».

[a] شهری واقع در ۳ کیلومتری شمال شرقی حشبون.

[b] شهری واقع در ۲۵ کیلومتر به سوی جنوب.

[c] شهرهای صوغر و حورونایِیم در جنوب غربی قلمرو موآب قرار داشت. عجلت شلیشیا به معنی «گوسالهٔ مادهٔ سه ساله» است. این یا صفتی است برای حورونایِیم، یا نام شهری است؛ این در هر حال، اشاره به دامداری در این ناحیه دارد.

[d] واحه ای است در جنوب شرقی دریای مرده.

به همین سبب است که سودهایی که به دست آورده بودند،
از میان رفته است[e].
[۳۷]زیرا همهٔ سرها تراشیده شده
و همهٔ ریش‌ها بریده شده؛ اش۱۵:۲
بر همهٔ دست‌ها جراحات (هست)،
و بر همهٔ کمرها، پلاس.
[۳۸]بر تمامی بام‌های موآب و بر میدان‌هایش، ۴۹:۳
همه چیز مرثیه است؛
زیرا موآب را خُرد کرده‌ام
همانند ظرفی که کسی نمی‌خواهدش ۲۲:۲۸
ـ وحی یهوه.
[۳۹]چه له شده است! زوزه سر دهید!
چگونه پشت خود را برگردانده است، موآب، شرمسار! ۴۸:۲۰؛ ۴۹:۲۵
موآب به تمسخر و وحشت بَدَل شده
برای تمام همسایگانش.
[۴۰]زیرا یهوه چنین سخن می‌گوید:
اینک همچون عقاب بر بال‌های باد سوار است، ۴۹:۲۲؛ تث۲۸:۴۹
بال‌های خود را به سوی موآب می‌گشاید.
[۴۱]شهرها گرفته شده
و مکان‌های مستحکم[f] برده شده است؛
و دل شجاعان موآب، در آن روز، ۴۹:۲۲
به سان دل زنی است که درد زایمان می‌کشد.

[۴۲]موآب نابود شده، دیگر قومی نیست،
چرا که بر یهوه کبر فروخته است. ۴۸:۲۶؛ ۵۰:۲۹
[۴۳]وحشت، گودال و تله
بر تو، ای ساکن موآب! اش۲۴:۱۷-۱۸؛ مرا۳:۴۷
ـ وحی یهوه.
[۴۴]هر که از برابر وحشت بگریزد، در گودال خواهد افتاد، عا۵:۱۹
و هر که از گودال بر آید، در تله گرفتار خواهد شد.
زیرا این را بر موآب وارد خواهم ساخت،
در سال مجازاتش ۱۱:۲۳؛ ۲۳:۱۲
ـ وحی یهوه.
[۴۵]گریزندگان، بدون قوت،
در سایهٔ حشبون متوقف خواهند شد؛
اما از حشبون آتشی بیرون می‌آید اعد۲۱:۲۸
و شعله‌ای از شهر سیحون؛
شقیقه‌های موآب را خواهد درید اعد۲۴:۱۷
و جمجمهٔ پسران هیاهو را[g].
[۴۶]وای بر تو، ای موآب!
قوم کموش هلاک شده است! اع۲۱:۲۹
زیرا که پسرانت به اسیری برده شده‌اند،
و دخترانت به اسارت!
[۴۷]اما در دنبالهٔ ایام، سرنوشت موآب را
تغییر خواهم داد ـ وحی یهوه[h]. ۱۲:۱۵؛ ۲۹:۱۴؛ ۴۹:۶
در اینجا داوری موآب متوقف می‌شود.

e برگردان ما مبتنی است بر ترجمه یونانی. بعضی دیگر چنین ترجمه کرده‌اند: «به سبب سودهایی که به دست آورده‌اند، از میان می‌روند».
f قرائت عبری: «قریوت» (یعنی شهرها) و «مسادوت» (یعنی کُنج‌ها)
g «شقیقه» و «جمجمه» شاید اشاره دارند به دامنهٔ غربی و جلگهٔ این سرزمین.
h طرح این تغییر سرنوشت و احیا به همان چشم‌اندازی تعلق می‌یابد که در ار ۴۶:۲۶ آمده است.

عمّون

۴۹ [۱] برای بنی عمّون[i]،
چنین سخن می‌گوید یهوه:
آیا اسرائیل را پسری نیست،
آیا وارثی ندارد؟
از برای چه ملکُم[j] از جاد[k] میراث برده
و قومش در شهرهایش ساکن شده است؟
[۲] به همین سبب، اینک روزهایی می‌آید
- وحی یهوه -
در رَبّهٔ بنی عمّون
هیاهوی جنگ را به گوش‌ها خواهم رساند. (۱۵:۵۰؛ اش۱۳:۴۲)
آن به تلّی[l] متروک بَدَل خواهد گشت،
دخترانش[m] به آتش کشیده خواهند شد، (عا۱۴:۱)
و اسرائیل از وارثانش[n] میراث خواهد گرفت
- وحی یهوه.

[۳] زوزه سر ده، ای حشبون[o]، چرا که ویرانگری[p] برآمده است؛
فغان برآورید، ای دختران رَبّه، (۸:۴؛ حز۱۸:۷)
پلاس در بر کنید، سوگواری نمایید،
و در محوطه‌های محصور[q] بگردید؛ (۷:۴۸)
زیرا مَلکُم به تبعید خواهد رفت،
کاهنانش و بزرگانش، جملگی با هم.
[۴] چگونه با دشتت خود را جلال می‌دهی،
ای دختر مرتد
که به گنجهایت اعتماد می‌کنی و می‌گویی:
«چه کس می‌تواند بر علیه من بیاید؟» (۱۳:۲۱)
[۵] اینک هراس[r] را از تمامی حوالی
بر تو خواهم آورد (۵:۴۶)
- وحی خداوند یهوهٔ لشکرها؛
هر یک در جلو خویش رانده خواهید شد،

i عمونی‌ها که سرزمینشان در شرق دریای مرده قرار داشت و پایتختشان شهر رَبّه عمون بود (عمّان امروزی)، دشمنان سنتی اسرائیل بودند (ر.ک پید ۳۸:۱۹؛ تث ۱۹:۲ و غیره و اشارات مکرر در ارمیا). در اینجا، نبی ایشان را به سبب اشغال قلمرو جاد نکوهش می‌کند؛ این رویداد ممکن است بعد از ۷۲۱ ق.م. رخ داده باشد (حالت خصمانهٔ ایشان به هنگام سقوط یهودا به سال ۵۸۷ ق.م. نیز مشهود است؛ ر.ک. ۲-پاد ۲:۲۴).

j قرائت ماسورتی: «مَلکَم» (یعنی پادشاه ایشان). متن اولیه قطعاً به مَلکُم اشاره دارد، چنان که ترجمه‌های یونانی و وولگات و سریانی نیز چنین قرائت کرده‌اند. ملکُم خدای ملی عمّونی‌ها بود (ر.ک. ۱-پاد ۵:۱۱، ۷، ۳۳؛ ۲-پاد ۱۳:۲۳). این نام از کلمه «مَلک» یعنی پادشاه، مشتق شده است. عبارت «از جاد میراث برده» به این معنی است که آن را به تصرف درآورده است، احتمالاً در ۷۲۱ ق.م.

k جاد منطقه‌ای واقع در شرق رود اردن و در برابر اریحا بود. قبیلهٔ جاد به هنگام ورود قوم اسرائیل به کنعان، در آنجا ساکن شد (ر.ک. اعد ۲۴:۲۱؛ ۳۲:۳۴-۳۵؛ یوشع ۲۴:۱۳-۲۸). این سرزمین همواره مورد تهدید همسایگانش قرار داشت؛ نخست از سوی «مشا»، پادشاه موآب (ر.ک. سنگ یادبود مشا) در قرن ۹ ق.م. و بعد از سوی حزائیل، پادشاه ارامیان در قرن ۸ ق.م.

l این کلمه دلالت بر تپه‌ای مصنوعی دارد که از ویرانه‌های شهرهای پیشین تشکیل یافته. ر.ک. ۱۸:۳۰؛ توضیحات یوشع ۲۸:۸.

m مراد شهرهای تابع آن است.

n یعنی اسرائیل میراث خود، جاد را از عمّون که آن را تسخیر کرده بود، باز به دست خواهد آورد.

o حشبون یکی از شهرهای موآب بود که احتمالاً به تصرف عمّونی‌ها درآمده بود.

p قرائت عبری: «... زیرا که عای ویران شده است». ما بر اساس ۱۸:۴۸ متن را اصلاح کرده‌ایم. به هر حال، «عای» به معنی «ویرانه» می‌باشد.

q منظور محوطه‌ای است محصور میان دیوارهایی از سنگ‌های نتراشیده.

r «هراس» می‌تواند، در ضمن، یکی از القاب خدای پدران باشد (ر.ک. پید ۴۲:۳۱، ۵۳). در این صورت، جمله مفهومی اندکی متفاوت می‌یابد و باید این کلمه را نام خاص تلقی کرد و آن را اشاره به خدا دانست.

و کسی برای گرد آوردن فراریان نخواهد بود!
[۶]اما پس از این سرنوشت بنی عّمون را تغییر خواهم داد[s]
- وحی یهوه.

ادوم

ادوم متروک می‌شود[t]

[۷]برای ادوم[u].
چنین سخن می‌گوید یهوهٔ لشکرها:
آیا در تیمان دیگر حکمت نیست؟
آیا مشورت از مردان هوشمند روی بر تافته؟
آیا حکمتشان زایل شده است؟
[۸]بگریزید، پشت خو درا بر گردانید
و خود را عمیق در زمین پنهان سازید،
ای ساکنان دَدان[v]،
زیرا که بر عیسو[w] شوربختی‌اش را می‌آورم،
آن زمان را که مکافاتش می‌دهم[x].
[۹]اگر انگورچینان نزد تو آیند،
چیزی برای چیدن نخواهند گذارد؛
اگر دزدان شب هنگام باشند،
به دلخواه خویش ویران خواهند ساخت.
[۱۰]آری، عیسو را من کاویده‌ام،
و نهانگاه‌هایش را عریان ساخته‌ام؛
نمی‌تواند خود را پنهان سازد.
نسلش نابود شده، هم چنان که برادرانش،
و همسایگانش: او دیگر نیست[y]!
[۱۱]یتیمانت را واگذار، من خود آنان را زنده نگاه خواهم داشت،
و باشد که بیوگانت به من اعتماد کنند!
[۱۲]زیرا یهوه چنین سخن می‌گوید: ببین؛ آنانی که محکوم به نوشیدن جام نبودند، باید که بنوشند[z]، و آیا تو می‌توانی بدون تنبیه باقی بمانی؟ بدون تنبیه باقی نخواهی ماند، بلکه باید که بنوشی. [۱۳]آری، به خود سوگند می‌خورم[a] - وحی یهوه - بُصره[b] بَدَل به ویرانی و رسوایی و خرابه و لعنت[c]

نا۳:۱۸ ؛ ۴۸:۴۷ ؛ عو۸؛ با۳:۲۲ ؛ ۴۹:۳۲ ؛ میک۱:۳ ؛ عو۶ ؛ ۲۵:۲۹ ؛ ۲۵:۱۵،۲۱؛ اش۶۳:۶؛ نا۳:۱۱؛ مرا۴:۲۱ ؛ ۱۹:۱۵؛ ۳۴:۱

s این طرح تغییر سرنوشت جزو همان چشم‌اندازی می‌باشد که در ۴۶:۲۶ توصیف شده است.
t بخش‌هایی از آیات ۷ تا ۱۶ در عو ۱-۶ آمده است.
u ادوم با قوم اسرائیل نسبت برادری دارد (ر.ک. پید ۲۵:۳۰؛ ار ۴۰:۱۱) و قلمرو آن در جنوب شرقی فلسطین واقع است. قوم اسرائیل با ایشان اختلاف‌های متعدد داشته است (۲ـ سمو ۸:۱۴؛ ۱ـ پاد ۹:۲۶؛ ۲ـ پاد ۸:۲۰-۲۲؛ ۱۶:۶). در اینجا وحی به رفتار ادومیان به هنگام سقوط اورشلیم اشاره دارد (ر.ک. توضیحات عو ۱۱).
v شهری در ادوم، واقع در جنوب آن و در شمال عربستان. امروزه، ال الا (؟) نامیده می‌شود.
w مراد همان ادوم است.
x تحت‌اللفظی: «لحظه‌ای را که از او حساب خواهم خواست» ر.ک. ۵۰:۳۱ و توضیحات؛ ۲۳:۱۲ و توضیحات.
y در برخی ترجمه‌های دیگر، بر اساس سنت یهود، چنین برگردانده‌اند: «... و کسی نخواهد بود که بگوید: ۱۱ـ نگران یتیمانت مباش...»
z نبی به اسرائیل اشاره می‌کند که با اینکه قوم نخست‌زاده بوده و از سوی خدا مبارک شده، باز باید جام سقوط اورشلیم و تبعید را بنوشد؛ ر.ک. ۲۵:۱۵-۲۹.
a ر.ک. ۲۲:۵ و توضیحات.
b پایتخت ادوم؛ ر.ک. پید ۳۶:۳۳؛ اش ۳۴:۶.
c ر.ک. ۲۴:۹ و ۲۵:۹.

خواهد شد، و تمامی شهرهایش تبدیل به خرابه های ابدی خواهند گشت.

ادوم مورد حمله قرار می‌گیرد

[۱۴]از جانب یهوه خبری شنیدم
و پیام‌آوری به میان ملت‌ها گسیل شد:
«گرد آیید و بر علیه او بیایید؛
برای جنگ بر پا ایستید!»
[۱۵]زیرا که اینک تو را در میان ملت‌ها کوچک ساخته‌ام،
خوار در میان مردمان.
[۱۶]نخوتت تو را فریفته،
تکبر دلت[d]؛
تو که در شکاف های صخره ساکنی، عو۳
تو که بلندی های تپه را اشغال می کنی.
آن هنگام که آشیانه ات را به سان عقاب برافرازی،
از آنجا تو را فرود خواهم آورد ـ وحی یهوه.

ادوم ویران می‌شود.

[۱۷]ادوم تبدیل به ویرانه خواهد شد؛ هر که از کنار او عبور کند، حیران خواهد شد و در مقابل تمام این جراحاتش سوت خواهد زد[e]. ۱۹:۸؛ ۵۰:۱۳

[۱۸]یهوه می گوید، به سان زمان واژگونی سدوم و غموره و [شهرهای] مجاور، هیچ بشری در آن ساکن نخواهد شد، و هیچ بنی آدمی در آن اقامت نخواهد گزید. ۵۰:۴۰ صف۲:۹ ۴۹:۳۳؛ ۵۱:۴۳

[۱۹]اینک، به سان شیری که از انبوهی اردن به سوی چراگاهی دائمی برمی‌آید، در یک آن ایشان[f] را از آنجا[g] گریزان خواهم ساخت، و در آنجا کسی را برقرار خواهم داشت که برگزیده ام[h]. ۵۰:۴۴-۴۶ ۱۲:۵

زیرا کیست همچون من؟ ۱۰:۶
چه کس مرا [برای عدالت] به محاکمه خواهد کشاند؟
کدامین چوپان[i] است که تواند در برابر من ایستاد؟
[۲۰]به همین سبب، به سرنوشتی که یهوه برای ادوم تعیین کرده، گوش فرا دهید،
به طرح هایی که او برای ساکنان تیمان ریخته:
آری، گوسفندان ـ حتی نحیف ترین آنها[j] ـ کشیده خواهند شد،
آری، چراگاهشان به سبب آنها حیران خواهد شد.
[۲۱]با صدای سقوط ایشان، زمین به لرزه می‌آید،

d تحت‌اللفظی: «لرزه‌ای که می دهی، تو را می فریبد، آن بی شرمی دلت».
e ر.ک. ۱۹:۸؛ توضیحات ۱۸:۱۶.
f قرائت عبری: «... او را». ترجمه او مبتنی است بر ترجمه یونانی و آرامی و سریانی، مشابه ۵۰:۴۴. منظور ساکنان ادوم است.
g مراد ادوم است؛ ر.ک. آیه ۱۷.
h برخی دیگر ترجمه کرده‌اند: «جوانان جنگ آور را بر علیه او خواهم شتاباند» با تغییر یک حرف صدادار در متن، می توان چنین قرائت کرد: «به برگزیده ام (یعنی اسرائیل، یا فرمانروایی خاص) بر او حاکمیت خواهم بخشید».
i یعنی: «کدامین پادشاه».
j ر.ک. توضیحات ۵۰:۴۵.

پژواکش در دریای نیزارها شنیده می شود[k].
[۲۲]اینک او به مانند عقاب بر می آید، بر باد سوار است، ۴۰:۴۸
و بال هایش را بر بُصره می گشاید،
و دل دلاوران ادوم، در آن روز، ۴۱:۴۸
همچون دل زنی در حال زایمان می باشد. ۳۱:۴

دمشق

[۲۳]برای دمشق[l].
حمات و ارفاد[m] از شرمساری پوشیده شده اند،
زیرا که خبر بدی شنیده اند؛
دلشان از نگرانی ذوب می شود،
نمی تواند آرام گیرد[n].
[۲۴]دمشق، ناتوان، برمی گردد تا بگریزد،
وحشت او را فرو می گیرد،
اضطراب و درد او را در گرفته، همچون زنی که می زاید. ۴۳:۵۰؛ اش۱۳:۸
[۲۵]زیرا آن شهر پرشکوه رها شده،
آن شهر شادمانی[o]! ۲۳:۵۰
[۲۶]به این سبب، جوانانش در میدان هایش خواهند افتاد، ۳۰:۵۰
و جمله مردان جنگی اش در آن روز از پای در خواهند آمد
- وحی یهوهٔ لشکرها،
[۲۷]حصار دمشق را به آتش خواهم کشید،
و آن، کاخ های بِنهَدَد را نابود خواهد ساخت.

عرب ها[p]

[۲۸]برای قیدار[q] و ممالک حاصور[r] که نبوکدنصر، پادشاه بابل مغلوب ساخت.
یهوه چنین سخن می گوید:
بر پا ایستید! به سوی قیدار برآیید
و بنی مشرق[s] را ویران سازید.
[۲۹]بادا که خیمه ها و گله هاشان را بگیرند، ۲۰:۴
پرده ها و تمامی بار و بنه شان را؛
بادا که شترانشان را بر دارند
و بر آنان فریاد زنند: «وحشت از هر سو!»
[۳۰]بگریزید، به شتاب بگریزید
و خود را عمیق در زمین پنهان سازید،
ای ساکنان حاصور - وحی یهوه -
زیرا نبوکدنصر، پادشاه بابل،

k تحت اللفظی: «فریادی! سر و صدای او در دریای نیزار شنیده می شود» (ر.ک. خروج ۱۹:۱۰).
l این وحی قطعاً به دنبال پیروزی نبوکدنصر در ۶۰۵ ق.م. در کرکمیش، بر مصریان و آشوریان بیان شده است. اندکی پس از آن بود که وی شروع به تصرف شهرهای ارامی کرد.
m حمات که امروز نیز به همین نام خوانده می شود، بر رود اُرونت قرار دارد، و ارفاد نیز در ۳۰ کیلومتری شمال حلب.
n تحت اللفظی: «ایشان مضطرب اند. در دریا، وحشت وجود دارد». برخی دیگر، با تغییر در یک حرف بی صدا در متن، چنین ترجمه کرده اند: «ایشان به سان دریا متلاطم اند. چه وحشتی! ممکن نیست که آرام ماند» (ر.ک. اش ۲۰:۵۷).
o ترجمه ما مبتنی است بر ترجمه های قدیمی. قرائت عبری: «شهر شادمانی من» اما در هیچ جا اشاره ای نیست به اینکه دمشق چگونه می توانسته شادمانی خداوند باشد.
p در ۵۹۹ ق.م. نبوکدنصر دست به حملاتی پراکنده به اعراب زد. این وحی احتمالاً بازتابی است از این امر.
q نام قبیله ای چادرنشین در شمال عربستان (ر.ک. ار ۱۰:۲).
r تحت اللفظی: «بیشهٔ احشام» در اینجا اشاره به نامی است گروهی مربوط به قبایل عرب نیمه اسکان یافته.
s تحت اللفظی: «بنی قیدیم» قیدیم که به معنی مشرق است، دلالت بر منطقه ای واقع در شرق عربستان دارد. منظور مردمان بیابان نشین است.

بر علیه شما قصدی اندیشیده
و طرحی بر علیه شما[t] ریخته است.
۳۱بر پا ایستید! به سوی ملتی آسوده خاطر برآیید
که در امنیت ساکن است[u] - وحی یهوه -
که نه دروازه ای دارد و نه چفتی،
و در انزوا ساکن است.
۳۲شترانشان به غنیمت خواهند رفت،
و انبوه گله هاشان طعمه خواهند بود.
ایشان را به هر بادی پراکنده خواهم ساخت،
این «شقیقه تراشیدگان[v]» را؛ ۱۰:۳۱
از هر سو شوربختی شان را خواهم آورد ۸:۴۹
- وحی یهوه.
۳۳حاصور تبدیل به مَغارۀ شغالان خواهد شد،
ویرانه ای همیشگی،
هیچ بشری در آنجا ساکن نخواهد شد، ۱۸:۴۹؛ ۴۰:۵۰
و هیچ بنی آدمی در آن اقامت نخواهد گزید.

عیلام[w]

۳۴این چنین بود کلام یهوه به ارمیای نبی برای عیلام، در آغاز سلطنت صدقیا، پادشاه یهودا:

۳۵چنین سخن می گوید یهوۀ لشکرها:
اینک کمان عیلام را خرد خواهم ساخت[x]، اش۲۲:۶
آن اصل قدرتش را.
۳۶از چهار گوشۀ آسمان
چهار باد بر عیلام خواهم آورد.
ایشان را به تمامی این بادها پراکنده خواهم ساخت،
و ملتی نخواهد بود
که طردشدگان عیلام بر آنجا نرسند.
۳۷عیلام را از برابر دشمنانش وحشت زده خواهم ساخت ۱۷:۱
و از برابر آنان که قصد جانش را دارند؛
بر ایشان مصیبتی خواهم آورد، ۱۳:۱۲
شدت خشمم را - وحی یهوه.
از پس ایشان تیغ را خواهم فرستاد، ۱۵:۹
تا آن هنگام که قلع و قمعشان کنم.
۳۸سپس تخت سلطنت خود را بر عیلام خواهم نهاد
و از آنجا پادشاه و بزرگانش را نابود خواهم ساخت
- وحی یهوه.
۳۹اما در دنبالۀ ایام، واقع خواهد شد که سرنوشت عیلام را تغییر خواهم داد[y] - وحی یهوه. ۴۷:۴۸

t عبارت «بر علیه شما» اضافه ای است که در چند نسخه خطی عبری وجود دارد.
u ر.ک. داور۱۸:۷و۲۷؛حزق۳۸:۱۱.
v ر.ک. توضیحات ۲۵:۹.
w عیلام سرزمینی است واقع در شرق بابل که از هزارۀ سوم وجود داشته و پایتختش شوش بوده است. به هنگام اعلام این وحی (در ۵۹۷ ق.م.) عیلام از گذشته ای پرافتخار برخوردار بوده و استقلال خود را که در زمان آشوریان از دست داده بود، باز یافته بود، اما دیگر نقشی ایفا نکرد. اشاره نبی به این سرزمین شاید علت الهیاتی داشته؛ او احتمالاً می خواسته نشان دهد که قدرت خدا جهان شمول بوده، همۀ مردمان را در بر می گیرد.
x مهارت کمانداران عیلامی در تاریخ تبدیل به ضرب المثل شده است. تصویر ایشان کراراً در نقوش پارسی یافت می شود.
y در اینجا باز همان پیامی را که در ار ۲۶:۴۶ و ۶:۴۹ آمده، باز می یابیم.

سقوط بابل و رهایی اسرائیل[z]

۵۰ [۱]کلامی که یهوه خطاب به بابل و خطاب به سرزمین کلدانیان، به واسطهٔ خدمت ارمیای نبی گفت[a].

۱۳:۴۶
اش۱۳:۱-۲۱:۱-۱۰

بابل

[۲]این را در میان ملت‌ها اعلام نمایید،
آن را منتشر سازید، مخفی مکنید، ۱۴:۴۶
بگویید:
بابل گرفته شده!
بل[b] از شرمساری پوشیده شده! اش۴۶:۱
مَرودک[c] له شده!
بت‌هایش از شرمساری پوشیده شده!
«کثافاتش»[d] له شده اند! ۵۰:۳۸؛ اش۲۱:۹؛ ۵۰:۹
[۳]زیرا که از شمال[e] ملتی بر علیه او می‌آید
که سرزمینش را به ویرانی خواهد سپرد،
و در آنجا دیگر سکنه ای نخواهد بود:
از انسان گرفته تا حیوان،
گریخته اند؛ از آنجا رفته اند[f]!

اسرائیل

[۴]در آن روزها و در آن زمان
- وحی یهوه -
بنی اسرائیل خواهند آمد،
ایشان و پسران یهودا، جملگی با هم[g]؛
گریان، ره خواهند سپرد ۳۱:۹؛ هو۳:۵
و یهوه، خدایشان را خواهند طلبید[h].
[۵]روی خود را به سوی صهیون خواهند گرداند ۳۱:۶
و دربارهٔ آن خبر خواهند گرفت:
«بیایید به یهوه بپیوندیم[i]

z بخش نبوت‌ها بر علیه ملت‌ها، با مجموعه ای از وحی‌های خطاب به بابل به پایان می‌رسد که دو فصل طولانی را در بر می‌گیرد. این دو فصل که از کیفیت ادبی بالایی برخوردار بوده و به سبک‌های مختلف نوشته شده، دائماً حول دو موضوع می‌گردد: سقوط بابل و نجات اسرائیل پراکنده. اگر این متون را ارمیا در زمانی که بابل دراوج قدرتش بود نوشته باشد، قصدش این بوده که به واسطهٔ آنها، ویرانی بابل و احیای اسرائیل را به دست آورد. اما این امکان نیز هست که این وحی‌ها به دست یکی از شاگردان ارمیا، در زمانی که سقوط بابل نزدیک به نظر می‌رسید نوشته شده باشد. در هر حال، این وحی‌ها از یک سو آشکار کنندهٔ تأملی بشری آکنده از واقع بینی است، یعنی انتقاد بنیادین از هر گونه توسعه طلبی سیاسی و خودمحورانه و به ضرر سایر اقوام؛ و از سوی دیر، نگرش الهیاتی عمیقی است در این خصوص که خدا به خاصان خود نزدیک است، حتی در مواقع بحرانی تاریخشان، تا ایشان را نجات بخشد.

a آنچه که عمل می کند، کلام خدا است؛ ارمیا فقط ابزاری است برای آن.

b «بل» در اصل به معنی «مالک» است مانند «بعل» این عنوان به خدایان متعددی اطلاق شده اما خصوصاً به مردوک.

c «مردوک» خدای شهر بابل است؛ از زمان حمورابی به بعد، او خدای ملی تمام مملکت بابل گردید.

d اصطلاح عبری که در اینجا به کار رفته، به معنای «چیزی شدیداً نفرت انگیز» می باشد (احتمالاً با «مدفوع» مرتبط است). آن را کراراً در کتاب حزقیال باز می یابیم (نیز ر.ک. لاو ۲۶؛ ۱ـ پاد ۱۵:۱۲ و توضیحات؛ ۱ـ پاد ۲۱:۲۶؛ ۲ـ پاد ۲۱:۱۱).

e مصیبت از شمال می‌آید (ر.ک. توضیحات ۴:۶) در اینجا فقط معنای استعاری مد نظر است، زیرا دشمن، یعنی پارسیان، عملاً از جنوب شرقی می‌آیند.

f ر.ک. ۹:۹. در عبری، معنای خاص «رفتن» همان «گریختن» است، و در معنای مجازی، «مردن».

g در خصوص رؤیای اتحاد اسرائیل و یهودا، ر.ک. ار ۳:۱۸؛ ۲۳:۶؛ ۳۱:۶؛ اش ۱۱:۱۳؛ حزق ۳۷:۱۵-۲۸؛ هو ۲:۲؛ زک ۹:۱۳؛ ۱۰:۶.

h نبی با این تصویر، توبه تبعیدیان را توصیف می کند، توبه ای که از دور مشاهده می کند (ر.ک. ۳:۲۱-۲۵).

i ترجمهٔ ما با تغییری در یک حرف صدادار در کلمهٔ دوم متن عبری صورت گرفته است. قرائت متن عبری: «بیایید و ایشان می‌پیوندند». برخی دیگر، بر اساس آکیلا و با اعمال تغییری در حروف صدادار کلمه اول، چنین ترجمه کرده اند: «ایشان می‌آیند و به یهوه می پیوندند».

با عهدی دائمی و فراموش نشدنی».
۶گوسفندان[j] گمشده؛ این چنین بودند قوم من؛
چوپانانشان ایشان را سرگردان می‌کردند،
برروی کوه‌ها، ایشان را گرد خودشان می‌گرداندند؛
از کوه به تپه می‌رفتند
و آغل خود را از یاد می‌بردند.
۷هر که ایشان را می‌یافت، می‌دریدشان،
و دشمنانشان می‌گفتند: «ما مقصر نیستیم،
چرا که به یهوه گناه ورزیده‌اند،
به آن مسکن عدالت و امید پدرانشان[k].»

۴۰:۳۲
۱۷:۵۰
۱:۲۳؛ زک۲:۱۰
۳:۲؛ ۱۶:۳۰
۸:۱۴؛ ۲۳:۳۱

بابل

۸از میان بابل بگریزید،
و از سرزمین کلدانیان بیرون آیید!
همچون بزهای نر باشید
در رأس گله[l].
۹زیرا اینک من بر علیه بابل
قشونی از ملت‌های بزرگ را
که از سرزمین شمال [آمده‌اند]
بر خواهم انگیخت و بر خواهم آورد؛
ایشان بر علیه او صف‌آرایی خواهند کرد؛
این چنین است که گرفته خواهد شد[m].
تیرهاشان به سان تیرهای جنگاوری ماهر است[n]
که دست خالی باز نمی‌گردد.
۱۰کلده به یغما گذارده خواهد شد،
جمله غارتگرانش به سیری خواهند رسید
- وحی یهوه.
۱۱می‌توانید شادی کنید، می‌توانید هلهله کنید،
ای غارترگران میراث من[o]!
می‌توانید همچون گوساله‌ای ماده در سبزه‌زار بجهید،
و همچون اسبان نر شیهه بکشید!
۱۲مادر شما تماماً از شرمساری پوشیده شده؛
خجل‌زده است آن زن که شما را زایید!
اینک او واپسین ملت‌ها است،
بیابان است و زمین خشک و صحرا!
۱۳به سبب خشم یهوه، آن دیگر مسکون نخواهد شد،
تماماً ویرانه خواهد گشت؛
هر آن کس که از کنار بابل بگذرد، حیران خواهد شد
و در برابر تمام جراحاتش سوت خواهد زد[p].
۱۴بر علیه بابل، گرداگرد آن، صف‌آرایی کنید،

۱۶:۵۰؛ ۴۵،۶:۵۱؛ اش۲۰:۴۸؛ زک۲:۱۰-۱۱
۴۱:۵۰؛ ۱۴:۲۵؛ ۴۸،۲۷:۵۱
مرا۲۱:۴
۴۳:۵۱
۱۰:۱۰؛۲۶:۴؛ ۱۳:۱۲؛ ۳۷:۲۵؛ اش۱۳:۱۳
۱۷:۴۹
۲۹،۹:۵۰

j تحت‌اللفظی: «احشام کوچک» (یعنی گوسفند و بز).
k این جمله احتمالاً از سوی نبی ادا شده، نه از سوی دشمنان.
l این تصویر بازگو کنندهٔ شجاعت و شور و شوقی است که نبی آرزو دارد در تبعیدیان برای خروج از اسارت ببیند.
m تحت‌اللفظی: «از آنجا گرفته خواهد شد».
n این گونه نیز می‌توان ترجمه کرد: «... جنگاوری است که از فرزندان محروم می‌سازد».
o یعنی بابلی‌ها در فلسطین.
p ر.ک. توضیحات ۱۶:۱۸.

ای همگی شما که کمان را می کشید؛
تیرها را به سوی او پرتاب کنید و آنها را دریغ مدارید،
زیرا که به یهوه گناه ورزیده است[q]. ۷:۵۰
[۱۵]بر او فریاد بزنید، در گرداگردش! ۱۹:۴؛ ۱۶:۲۰؛ یوشع۶:۵،۲۰؛
دست خود را دراز می کند[r]، ستون هایش فرو می ریزد، اش۴۴ ۲۳:
حصارهاش تخریب شده است.
زیرا این انتقام یهوه است؛ از او انتقام بگیرید، ۹:۵؛ ۶:۵۱
مطابق آنچه کرده با او انجام دهید! ۲۹:۵۰
[۱۶]از بابل محو کنید آن کس را که بذر می پاشد
و آن کس را که به هنگام درو، داس را به کار می برد!
به سبب شمشیر ویرانگر، ۲۸:۵۰؛
بادا که هر کس به سوی قوم خود باز گردد، ۳۸:۲۵؛ ۹:۵۱،۴۵؛ اش۱۳ ۱۴:
هر کس به سرزمین خود بگریزد.

اسرائیل

[۱۷]اسرائیل گوسفندی گمشده بود ۶:۵۰؛ ۱۵:۲؛ اش۵ ۲۹:
که شیرها تعاقبش می کردند.
پادشاه آشور، اول از همه، آن را درید[s]؛
سپس این آخرین، نبوکدنصر، پادشاه بابل، استخوان هایش را خُرد کرد[t]. [۱۸]به همین سبب، چنین سخن می گوید یهوهٔ لشکرها، خدای اسرائیل: اینک من پادشاه بابل و سرزمینش را مجازات خواهم کرد، همان سان که پادشاه آشور را مجازات نمودم. ۸:۹ اش۱۰ ۱۲:
[۱۹]من اسرائیل را به چراگاهش باز خواهم گرداند؛ ۳:۲۳
بر کرمل و در باشان[u] خواهد چرید،
در کوهساران افرایم و جلعاد[v] سیر خواهد شد.
[۲۰]در آن روزها و در آن زمان -وحی یهوه-
به دنبال خطای اسرائیل خواهند گشت، و خطایی نخواهد بود، ۲۲:۳؛ مز۱۰ ۱۵:
و (به دنبال) گناهان یهودا، و نخواهند یافت؛
چرا که [بازمانده] را که باقی می گذارم، خواهم آمرزید[w]. ۳۴:۳۱؛ اش۳۳ ۲۴:

بابل

[۲۱]به سزمین مراتاییم[x] بر آی،
بر علیه او بر آی
و بر علیه ساکنان فقود[y].

q این جمله در ترجمه یونانی نیست؛ احتمالاً حالت توضیحی دارد.
r احتمالاً یعنی «تسلیم می شود».
s اشاره با سقوط سامره در ۷۲۲ ق.م. و تبعیدی است که متعاقب آن رخ داد.
t اشاره با سقوط اورشلیم در ۵۹۷-۵۸۷ ق.م. و تبعیدی است که متعاقب آن رخ داد.
u باشان به کوه های کرانه شرقی رود اردن دلالت دارد که به سبب چراگاه هایش شهرت داشت (ر.ک. میک ۱۴:۷؛ مز ۱۳:۲۲).
v جلعاد در جنوب باشان واقع بود که این نیز در شرق رود اردن قرار داشت.
w این بدان معنی نیست که برخی از آمرزش برخوردار خواهند شد به این دلیل که این بخت را داشته اند که زنده باقی بمانند، بلکه فقط می خواهد بگوید که آمرزش و زنده ماندن مرتبط اند (ر.ک. اش ۴:۴-۶؛ صف ۱۳:۳).
x در اصل «مرّاتیم» که در زبان اکدی یعنی «مناطق ساحلی» و دلالت دارد بر منطقه دهانه رودهای دجله و فرات. قرائت سنتی یهود معنای جغرافیایی «مرّاتیم» را از دست داده و آن را تبدیل به کلمه «مراتاییم» کرده، یعنی «ارتداد مضاعف» یا «تلخی (مرارت) مضاعف».
y «فقود» دلالت دارد به بخشی از منطقه مرایتم. در حزق ۲۳:۲۳ به ساکنان این دیار اشاره شده است.

بکش و قلع و قمع کن[z] آنچه را که از آن باقی مانده
-وحی یهوه-
و مطابق آنچه تو را امر کرده ام، عمل نما.
۲۲هیاهوی رزم در سرزمین
و بلایی عظیم!
۲۳چگونه فرو کوبیده و خرد شده
آن چکش تمامی زمین؟
چگونه تبدیل به ویرانه شده،
بابل، در میان ملت ها؟
۲۴برایت دامی گستردم[a] و گرفتار شده ای،
ای بابل، بی آنکه متوجه شوی؛
یافت شده و گرفته شده ای،
از آنجا که یهوه را تحریک کرده ای.
۲۵یهوه زرادخانهٔ خود را گشوده
و [از آنجا] ابزارهای[c] غضب خود را بیرون کشیده است؛
زیرا خداوند یهوه را کاری است
در سرزمین کلدانیان.
۲۶همگی، بدون استثناء به آنجا بیایید[b]،
انبارهایش را بگشایید،
آن را همچون بافه ها توده کنید،
آن را قلع و قمع کنید تا چیزی از آن باقی نماند[d]!
۲۷همهٔ گاوهای نر[e] آن را بکشید،
بادا که به کشتارگاه فرود آیند!
وای بر آنان، زیرا روزشان[f] فرا رسیده،
زمان مکافاتشان!

اسرائیل

۲۸گوش کنید! گریزندگان و رهایی یافتگان از سرزمین بابل،
می آیند تا در صهیون اعلام دارند
انتقام یهوه، خدای ما را،
انتقام معبدش[g] را.

بابل

۲۹کمانداران را بر علیه بابل احضار کنید،
تمام آنان را که کمان را می کشند؛
در تمام پیرامون آن، بر علیه آن اردو زنید،
کسی نگریزد!
مطابق رفتارش به او باز پس دهید،
مطابق هر آنچه کرده، با او انجام دهید؛
زیرا نسبت به یهوه متکبر بوده است،
نسبت به قدوس اسرائیل!

۵۰:۲۶-۲۷؛ ۳:۵۱ — ۵۴:۵۱ — ۴۱:۵۱؛ اش۵:۱۰؛ ۵:۱۴ — ۵۰:۳،۱۳؛ مکا۱۸:۱۹ — ۵۰:۲۱ — ۴۸:۱۵؛ اش۳۴:۷ — ۲۳:۱۲؛ ۴۶:۲۱ — ۵۰:۸ — ۵۰:۲؛۵۱:۱۰ — ۵۰:۱۴؛ ۴۹:۳۵ — ۵۰:۱۵؛ ۲۵:۱۴؛ ۵۱:۶؛ مز۱۳۷:۸؛ ۴۸:۲۶،۴۲ — ۵۱:۵

z تحت اللفظی: «به ممنوعیت نذر کن» یعنی «وقف خدا کن»؛ ر.ک. توضیحات ۲۵:۹.
a ترجمه های دیگر: «دام ها گستردی» یا «در دام خودت گرفتار شدی». قرائت ترجمه یونانی برای اجتناب از نسبت دادن عملی خائنانه به خدا: «دامی خواهند گستراند».
b قرائت عبری: «بدون انتها به آنجا بیایید». ترجمه ما مبتنی است بر ترجمه سریانی.
c ابزار بمعنی اسلحه ر.ک۲.سمو۱:۲۷.
d تحت اللفظی: «آن را به ممنوعیت (یا لعنت) نذر کنید»؛ ر.ک. توضیحات ۲۵:۹.
e اصطلاحی که مراد از آن یا بازرگان قوم است، یا نخبگان نظامی.
f یعنی روز مرگشان؛ ر.ک. ۴۶:۲۱.
g تحت اللفظی: «انتقام کاخش» یعنی کاخ خدا که درآسمان است، و نیز بر زمین، یعنی همان معبد که در ۵۸۷ ق.م. به دست بابل ها به آتش کشیده شد.

۳۰به همین سبب، جوانانش در میدان هایش خواهند افتاد،
و جمله مردان جنگی اش در آن روز از پای در خواهند آمد
ـ وحی یهوه.
۳۱اینک من بر ضد تو هستم[h]، ای «تکبر»،
ـ وحی خداوند یهوهٔ لشکرها ـ
زیرا روز تو فرا رسیده،
زمانی که تو را مکافات دهم[i].
۳۲ آنگاه «تکبر» خواهد لغزید، خواهد افتاد،
و کسی نخواهد بود که او را بر خیزاند!
شهرهایش را به آتش خواهم کشاند،
آن همهٔ پیرامونش را خواهد درید.

۴۹:۲۶؛ ۵۱:۴ — ۵۱:۲۵؛ حز۲۶:۳؛ ۲۹:۸ — ۵۱:۶۴ — ۲۱:۱۴

یهوه، نجات دهندهٔ اسرائیل

۳۳چنین سخن می گوید یهوهٔ لشکرها:
بنی اسرائیل ستم کشیده اند،
و پسران یهودا نیز به همان شکل؛
همهٔ آنان که ایشان را اسیر ساخته اند،
ایشان را نگاه می دارند،
و از آزاد ساختنشان سر باز می زنند.
۳۴اما فدیه دهندهٔ[j] ایشان توانمند است،
یهوهٔ لشکرها نام او است؛
او از امر ایشان نیک دفاع خواهد کرد،
تا به زمین آسودگی بدهد
و ساکنان بابل را بلرزاند.

اش۱۴:۱۷ — ۵۱:۱۹،۳۶؛ اش۵۱:۲۲

بابل

۳۵شمشیر بر علیه کلدانیان ـ وحی یهوه ـ
و بر ساکنان بابل،
و بر بزرگانش و بر حکیمانش!
۳۶شمشیر بر پُرگویانش[k]، و بادا که دیوانه شوند!
شمشیر بر قهرمانانش، و بادا که هراسان شوند!
۳۷شمشیر بر اسبانش و بر ارابه هایش،
و بر تمام [قوم] مختلط که در میان او است،
و بادا که تبدیل به زن گردند!
شمشیر بر گنجهایش، و بادا که آنها را به غارت ببرند!
۳۸شمشیر بر آبهایش، و بادا که بخشکند!
چرا که سرزمین بتها است،
و با «وحشت های»[l] خود، خویشتن را جلال می دهند!
۳۹به همین سبب، حیوانات بیابان با کفتارها در آنجا ساکن خواهند شد؛
شترمرغان در آنجا ساکن خواهند شد[m]؛
دیگر هرگز مسکونی نخواهد گردید، و نسل

۱۲:۱۲ — ۵۱:۵۷ — اش۴۴:۲۵ — ۲۵:۲۰ — ۵۱:۳۰ — ۵۱:۳۶ — ۵۰:۲ — ۱۰:۲۲؛ اش۱۳:۲۱-۲۲

h تحت اللفظی: «من بر ضد تو».
i تحت اللفظی: «لحظه ای که از تو حساب خواهم خواست»؛ ر.ک. ۴۹:۸ و توضیحات؛ ۲۳:۱۲ و توضیحات.
j ر.ک.اش۴۱:۱۴؛۴۳:۱۴.
k با اعمال تغییری در یک حرف صدادار، می توان مانند ترجمه های کهن (سریانی، آرامی و وولگات) ترجمه کرد: «غیب گویانش».
l اصطلاحی است طعنه آمیز که دلالت دارد بر «بتها». کاربرد عبارت «خویشتن را جلال می دهند» منطبق است با ترجمه های کهن. قرائت عبری: «مانند دیوانگان رفتار می کنند».
m منظور از این تصاویر این است که بابل تبدیل به بیابان شده است.

اندر نسل در آن سکونت نخواهند گزید.

[۴۰] به سان زمانی که خدا سدوم و غموره و [شهرهای] مجاور را واژگون ساخت ـ وحی یهوه ـ هیچ کس در آن ساکن نخواهد شد، و هیچ بنی آدمی در آن اقامت نخواهد گزید.
۱۶:۲۰؛ ۱۸:۴۹؛ اش۱۹:۱۳ — ۳۳،۱۸:۴۹

[۴۱] اینک قومی از شمال فرا می‌رسد[n]؛
ملتی بزرگ و پادشاهان بی‌شمار
او دوردست‌ترین نقطهٔ زمین سر بر می‌آورند.
۳:۵۰

[۴۲] کمان و زوبین[o] را به دست دارند،
سنگدل و بی‌رحم‌اند،
بانگشان همچون دریا می‌خروشد،
بر اسبان بر آمده‌اند،
به سان مردی واحد برای نبرد صف‌آرایی کرده‌اند،
بر علیه تو، ای دختر بابل!
۲۲:۵ — ۲۴:۴۶

[۴۳] آن هنگام که پادشاه بابل خبر را شنید،
دستانش سست شد[p]،
اضطراب او را فرا گرفت،
و لرزه، همچون زنی که می‌زاید.
۲۴:۶؛ میک۴:۹-۱۰

[۴۴] اینک، به سان شیری که از انبوهی اردن[q] به سوی چراگاهی دائمی بر می‌آید، در یک آن ایشان را از آنجا گریزان خواهم ساخت[r]، و در آنجا کسی را برقرار خواهم داشت که برگزیده‌ام.
۷:۴

زیرا کیست همچون من؟
چه کسی مرا برای عدالت به محاکمه خواهد کشاند؟
ایو۹:۱۹

کدامین چوپان است که تواند در برابر من ایستاد؟
۲:۴۱

[۴۵] به همین سبب، به سرنوشتی که یهوه برای بابل تعیین کرده، گوش فرا دهید،
به طرح‌هایی که او برای ساکنان کلدانیان ریخته:
آری، گوسفندان ـ حتی نحیف‌ترین آنها[s] ـ کشیده خواهند شد،
آری، چراگاهشان به سبب آنها حیران خواهد شد.
۲۹،۱۲:۵۱؛ اش۱۴:۲۴

[۴۶] با صدای گرفته شدن بابل، زمین به لرزه می‌آید،
و پژواکش در میان ملت‌ها شنیده می‌شود.
۲۹:۵۱

۵۱

[۱] یهوه چنین سخن می‌گوید:
اینک بر علیه بابل
و بر علیه ساکنان لب ـ قمایی[t]
روح شخصی ویرانگر را بر می‌انگیزانم؛
۳۲:۲۵:۱۱:۴

[۲] باد دهندگان[u] غله را به بابل خواهم فرستاد که آن را باد خواهند داد
۷:۱۵

n آیات ۴۱-۴۳ تقریباً عیناً ۶:۲۲-۲۴ را تکرار می‌کند.
o به عبارتی دقیق‌تر، اشاره به سلاحی است به شکل داس که دسته بلند دارد.
p ر.ک. ۴:۳۸؛ ۳:۴۷.
q آیات ۴۴-۴۶ با تغییرات اندک، ۴۹:۱۹-۲۱ را تکرار می‌کند.
r یعنی از بابل؛ ر.ک. آیه ۴۲.
s برخی چنین ترجمه می‌کنند: «به یقین کوچکان در گله ایشان را خواهند کشید». اگر چنین ترجمه‌ای را مدنظر قرار دهیم، منظور از «کوچکان در گله» طبق سنت یهود، می‌تواند پارسی‌ها باشند که جوان‌ترین پسر یافث بودند و بابل را ساقط کردند. طبق نظر داوید قیمهی، این اشاره‌ای است به یهودیان ستمدیده، خصوصاً برای ۴۹:۲۰، که می‌روند تا انتقام خود را بگیرند.
t یعنی «دل دشمنانم» این نوعی عبارت رمزی است که بر اساس کلمهٔ «کلده» ساخته شده است.
u این کلمه را با همین حروف بی‌صدا، می‌توان «بیگانگان» نیز ترجمه کرد. ترجمه ما مبتنی است بر ترجمه‌های آکیلا، سریانی و وولگات.

و زمینش را ویران خواهند ساخت؛
زیرا که در روز مصیبت
او را از هر سو احاطه خواهند کرد.
[۳] بادا که کماندار، کمان خویش را بکشد
و جوشنش را در بر کند[v]!
جوانانش را معاف مدارید،
تمامی لشکرش را قلع و قمع کنید.
[۴] بادا که بیفتند، قربانیان شمشیر، در سرزمین کلدانیان،
شمشیر خورده، در کوی‌هایش.
[۵ج] زیرا که سرزمینشان از جنایات آکنده است
[۵د] بر ضد قدوس اسرائیل[w]؛
[۵الف] زیرا که اسرائیل بیوه[x] نیست،
[۵ب] و نه یهودا [بیوه] از خدای خویش،
از یهوهٔ لشکرها.
[۶] از میان بابل بگریزید
و هر یک جان خود را نجات دهید،
به سبب خطای او هلاک مشوید[z].
چرا که زمان انتقام[y] برای یهوه است:

۱۴:۱۳ — ۲۱:۵۰ — ۵۲:۵۱؛ ۳۰:۵۰ — ۲۹:۵۰ — اش۵۴:۴-۸ — ۸:۵۰؛ پید۱۹:۱۵-۱۷؛ مکا۱۸:۴ — ۱۱:۵۱

حق او را به او خواهد پرداخت!
[۷] بابل جامی زرین بود در دست یهوه،
تمام زمین را سرمست می‌ساخت؛
ملت‌ها از بادهٔ او نوشیدند،
به همین سبب دیوانه شده‌اند.
[۸] ناگاه بابل افتاده و خُرد شد.
بر او زوزه بکشید!
بروید و برای دردش به دنبال مرهم بگردید[a]؛
شاید که شفا یابد!
[۹] می‌خواستیم بابل را شفا دهیم، اما شفا نیافت!
رهایش کنیم، هر یک به سرزمین خود برویم؛
چرا که داوری‌اش تا به آسمان‌ها می‌رسد
و تا به ابرها بالا می‌رود[b].
[۱۰] یهوه عدالت ما را پدیدار ساخت:
بیایید و در صهیون بازگو کنیم
عمل یهوه، خدایمان را[c].
[۱۱] تیرها را تیز کنید،

۲۴:۵۱؛ ۲۹:۵۰ — مز۷۵:۹ — مکا۱۴:۸ — ۱۶:۲۵ — مکا۱۸:۲،۹ — ۲۲:۸ — ۳۰:۱۲؛ ۴۶:۱۱ — ۴۵:۵۱ — یون۱:۲؛ مکا۱۸:۵ — ۲۳:۶؛ مز۳۷:۶

v متن عبری که درکش دشوار است، چنین قرائت می‌کند: «کماندار کمان خویش را نکشد و جوشنش را در بر نکند»، در این معنا که هیچ مقاومتی فایده نخواهد داشت. ترجمه ما مبتنی است بر قرائت یونانی.
w ما دو مصرع آخر را در آغاز آورده‌ایم چرا که دنبالهٔ منطقی آیه ۴ است.
x این تنها نمونه در کتاب مقدس است که در آن کلمهٔ «بیوه» مذکر است. این بدان معین نیست که خدا زن قوم خویش می‌باشد. این امر فقط به این دلیل است که این کلمه به نام اسرائیل مربوط می‌شود و این نام همیشه مذکر است. مفهوم مورد نظر این است که خدا نمرده و اسرائیل تنها نیست؛ خدا با او است.
y ر.ک ۴۶:۱۰؛ ۵۰:۱۵و۲۸؛ اش۳۴:۸؛ ۶۱:۲؛ ۶۳:۴.
z تحت‌اللفظی: «در فساد او به خاموشی نگرایید».
a وجه امری این افعال خطاب به متحدین و مزدوران بابل بیان شده است.
b این اصطلاحات مبهم هستند. دو تعبیر برای آنها متصور است: «صدای خرد شدنش چنان عظیم است که عالم هستی را پر می‌سازد»؛ یا «مرمت آن فقط می‌تواند در اثر داوری خدا به انجام برسد، خدایی که ساکن در آسمان‌ها است و امانتش تا به ابرها می‌رسد» (ر.ک. مز ۳۶:۶؛ ۵۷:۱۱؛ ۱۰۸:۵).
c این آیه مضمون ۵۰:۲، ۲۸ را همچون بندگردان تکرار می‌کند. این عبارات بیانگر عمق ایمان اسرائیل است، ایمانی که مکاشفهٔ عمل نجات بخش خدا است و نیز شهادت است. ر.ک. مز ۹:۱۵؛ ۷۳:۲۸.

۳:۴۶ خود را به سپرها[d] مجهز نمایید!
یهوه روح پادشاه مادی ها[e] را برانگیخته،
زیرا بر علیه بابل طرحی ریخته تا آن را
۲۹:۵۱ نابود سازد؛
۶:۵۱؛ ۱۰:۴۶؛ ۱۵:۵۰ زیرا که این انتقام یهوه است،
انتقام معبدش[f].
[۱۲] بر علیه حصارهای بابل نشانه ای بر پا
۲۷:۵۱ دارید[g]،
بیشتر کشیک بدهید،
قراولان بگمارید،
کمین گاه ها بر پا کنید؛
زیرا یهوه مصمم شده
۱۱:۵۱؛ ۴۵:۵۰ و آنچه را که بر علیه ساکنان بابل گفته،
به عمل می آورد.
مکا۱۷:۱،۱۵ [۱۳] ای تو که در کنار آب های عظیم[h]
ساکنی،
که از گنج ها غنی هستی،
پید۱۳:۶؛ نا۱۴:۲ انتهایت رسیده،
پایان سودهایت[i].
[۱۴] یهوهٔ لشکرها آن را به خویشتن سوگند
۵:۲۲ خورده:
«تو را از انسان ها، همچون ملخ ها، پر
۲۷:۵۱؛ نا۱۷:۳ خواهم ساخت،
و بر علیه تو فریاد لگدکننده را سر
۳۰:۲۵ خواهند داد».

سرود[j]

اش۱۸:۴۵ [۱۵] او زمین را با قوت خویش ساخته،
و جهان را با حکمت خود برقرار داشته،
و با هوشمندی خویش آسمان ها را
گسترده است.
[۱۶] هر گاه آوا دهد،
خروش آب ها در آسمان پدید می آید؛
۲۲:۱۴؛ تث۱۲:۲۸؛ ایو۳۴:۳۸-۳۵ ابرها را از اقصای زمین بر می آورد،
و برق ها را برای باران به وجود می آورد،
و باد را از خزانه های خویش می کشد.
[۱۷] هر بشری ابله است، به سبب نبود
دانش،
۵:۲؛ اش۲۰:۲؛ ۱۷:۴۲؛ ۱۶:۴۵ هر ریخته گری شرمسار است از تندیس
خویش؛
زیرا دروغ را می ریزد،
در آن نَفَسی نیست.
[۱۸] بطالت هستند، اثری مضحک،
۲۷:۵۰ در زمان مکافاتشان هلاک خواهند شد.

d معنی این اصطلاح قطعی نیست. همراه با یونانی و وولگات و سنت یهود، می توان چنین قرائت کرد: «تیردان ها را پر کنید».
e «مادیها» (ر.ک. پید ۲:۱۰؛ ۲ـپاد ۶:۱۷؛ اش ۱۷:۱۳) قبلاً به سقوط نینوا در ۶۱۲ ق.م. کمک کردند. در ۵۸۵ ق.م. بر لیدیها پیروزی یافتند و بعد قدرتشان رو به افول گذارد. لذا این وحی را می توان مربوط به اوائل تبعید دانست.
f ر.ک. توضیحات ۲۸:۵۰.
g این روشی بود به نشانهٔ حمله. به این منظور، پرچمی را تکان می دادند؛ تصور می شد که این حرکت، اثری جادویی دارد.
h منظور فرات و شعباتش است. این اصطلاح نمادین، اشاره دارد به تمام ثروت های مادی بابل، یعنی ثروت کشاورزی و بازرگانی و غیره. ر.ک. آیه ۳۶ و توضیحات.
i نگرش نبی که مبتنی بر ایمان است، بازتاب نگرشی است که در تمام انجیل در مورد ثروت به چشم می خورد؛ ثروتی که بدون توجه به خدا جمع آوری شده باشد، به هیچ دردی نمی خورد (ر.ک. مثلاً مت ۲:۶، ۱۹، ۲۴؛ لو ۱۲:۲۰-۲۱؛ ۲۵:۱۶؛ یع ۱:۵-۵ و غیره).
j آیات ۱۵-۱۹ تکرار ۱۲:۱۰-۱۶ است. اگر این سرود در اینجا آورده شده، به این سبب است که ارتباط الهیاتی عمیقی با محتوای وحی های علیه بابل دارد، به این معنی که نشان می دهد خدا سرور امپراطوری های بزرگ و تاریخ است (خصوصاً تاریخ اسرائیل)، همان گونه که سرور خلقت می باشد.

۱۹ سهم یعقوب این چنین نیست:
همه چیز را «او» شکل بخشیده،
و اسرائیل[k] قبیلهٔ میراث او است،
و یهوهٔ لشکرها نام او است.

تث۳۲:۹؛ زک۲:۱۲
۵۷:۵۱

مرثیهٔ بابل

۲۰ تو برای من چکش بودی،
سلاح جنگی.
با تو ملت‌ها را چکش زدم،
با تو مملکت‌ها را ویران ساختم،
۲۱ با تو اسب و اسب سوار را چکش زدم،
با تو ارابه و ارابه‌ران را چکش زدم،
۲۲ با تو زن و مرد را چکش زدم،
با تو سالخورده و طفل را چکش زدم،
با تو مرد جوان و دختر جوان[l] را چکش زدم،
۲۳ با تو چوپان و گله را چکش زدم،
با تو کشتگر و گاوش را چکش زدم،
با تو حاکم و والی را چکش زدم.
۲۴ اما در مقابل چشمان شما، کاری خواهم کرد که بابل و به تمام ساکنان کلده همهٔ بدی را که به صهیون کرده‌اند، بپردازند ـ وحی یهوه[m].
۲۵ اینک بر ضد تو هستم،
ای «کوه ویرانی»[n] ـ وحی یهوه ـ
تو که تمام زمین را ویران می‌ساختی؛
دست خود را بر علیه تو دراز خواهم کرد،
تو را از بالای صخره‌ها خواهم غلطاند
و از تو کوهی سوخته خواهم ساخت.
۲۶ از تو نه سنگ زاویه خواهند گرفت
و نه سنگ شالوده؛
زیرا که ویرانهٔ ابدی خواهی بود
ـ وحی یهوه.
۲۷ نشانه‌ای در سرزمین بر پا کنید،
در میان ملت‌ها کرنا بنوازید.
ملت‌ها را بر علیه او وقف کنید،
مملکت‌ها را بر علیه او احضار نمایید،
آرارات، مینّی، اشکناز[o] را،
بر علیه او کاتبان تعیین کنید،
اسبان را بار کنید، همچون ملخ هایی با موهای براق.
۲۸ ملت‌ها را بر علیه او وقف کنید،
پادشاه ماد را،
حاکمان و جمله والیانش را،
تمام سرزمین تحت سلطه‌اش را.
۲۹ زمین می‌لرزد و مرتعش است،
زیرا طرح یهوه بر علیه بابل به انجام می‌رسد:
تبدیل نمودن سرزمین بابل به مکانی ویران، خالی از سکنه،

۲۳:۵۰ — اش۱۳:۱۸؛ ۲تو۳۶:۱۷ — ۲۸:۵۱ — ۵۶:۵۱ — ۱۳:۲۱؛ اش۱۳:۸؛ ۲۲:۲۸ — ۶:۱۵ — مکا۸:۷-۸؛ ۹:۱۸ — اش۲۸:۱۶ — ۵۱:۱۲:۴:۵-۶ — ۶:۴ — ۹:۵۰ — ۲۳:۴۶ — ۴۵:۵۰-۴۶؛ ۱۱:۵۱ — ۳۷:۵۱

k ما کلمه «اسرائیل» را بر اساس متن مشابه آن در ار ۱۰:۱۶ و نسخ خطی متعدد، اضافه کرده‌ایم.
l می‌توان این گونه نیز ترجمه کرد: «پسران نوجوان و دختران نوجوان». معنی کلمات عبری بیانگر سنی میان کودکی و بزرگسالی است.
m این آیه یکپارچگی وحی را می‌گسلد. به نظر می‌رسد که توضیحی متأخر به دست کاتب الهام یافته‌ای باشد.
n نویسنده این تصویر را که با موقعیت جغرافیایی بابل سازگار نیست، از تجربه‌ای که از شهرهای فلسطین دارد، ارائه داده، شهرهایی که بر بلندی‌ها بنا شده است.
o «آرارات» یا به آشوری مملکت اورارتو، همان ارمنستان است؛ «مینّی» ناحیه‌ای بود در ارمنستان واقع در پیرامون دریاچه وان، و جزو متحدین آشوری‌ها بر علیه بابل در ۶۱۶ ق.م. بود. «اشکناز» قومی چادرنشین سَکایی، از ریشه‌ای ایرانی بودند که در پایان سدهٔ هفتم ق.م. به آسیای صغیر نفوذ کردند و بعد تا به سوریه و فلسطین منتشر شدند.

۳۰شجاعان بابل از جنگیدن دست
کشیده‌اند؛
در دژها می‌مانند،
شجاعتشان به انتها رسیده،
زن شده‌اند؛ ۳۷:۵۰؛ نا۱۳:۳
مسکن‌هاشان سوخته،
چفت درهایش خرد شده است.
۳۱پیک پیشاپیش پیک می‌دود،
قاصد پیشاپیش قاصد[p]، ایو۱:۱۴-۱۹
تا به پادشاه بابل اعلام نمایند
که شهرش از یک سو تا سوی دیگر ۲۴،۲:۵۰
گرفته شده است.
۳۲گذرگاه‌ها اشغال شده،
باروها به آتش سوخته[q]،
و مردان جنگی وحشت‌زده شده‌اند.
۳۳زیرا چنین سخن می‌گوید یهوهٔ
لشکرها، خدای اسرائیل: ۴۲:۵۰
دختر بابل به سان خرمنگاه است اش۲۱:۱۰
در زمان لگدمال کردنش؛
پس از زمانی کوتاه، زمان درو او فرا
می‌رسد[r].

اسرائیل
۳۴مرا دریده، مرا فرو برده، ۴۴:۵۱؛ ۷:۵۰
نبوکدنصر، پادشاه بابل،
مرا ظرفی تهی ساخته است؛ اش۲۷:۱؛ ایو۷:۱۲
مرا فرو بلعیده همچون اژدها،
شکم خود را پر ساخته است[s]؛
مرا از خوشی‌هایم رانده است.
۳۵زن ساکن در صهیون[t] خواهد گفت:
بادا که خشونتی که به جسم من[u] روا
داشته شده، بر بابل باشد؛
و اورشلیم خواهد گفت: مت۲۷:۲۵
و خون من بر ساکنان کلده باشد!
۳۶به همین سبب، یهوه چنین سخن
می‌گوید:
اینک از امر تو دفاع خواهم کرد؛ ۳۴:۵۰
یقیناً انتقامت را خواهم گرفت،
دریای او را خواهم خشکانید ۳۸:۵۰؛ اش۴۴:۲۷
و چشمه‌اش را خشک خواهم ساخت[v].
۳۷بابل بَدل به توده‌ای سنگ خواهد شد، ۹:۱۰؛ اش۲۵:۲؛ ۳۹،۱۳:۵۰
مَغارهٔ شغال‌ها،
ویرانه و ریشخند[w]،
[مکانی] خالی از سکنه.

p این اصطلاحات را می‌توان به سه طریق تعبیر کرد: ۱) پیک‌ها و قاصدان پیغام را به یکدیگر تحویل می‌دهند؛ ۲) پیک‌ها و قاصدان در کاخ پادشاه به یکدیگر می‌رسند؛ ۳) پیک‌ها و قاصدان، در حالت پریشانی، به هر سو می‌دوند.

q متن دشوار است. برخی بر این عقیده‌اند که شاید چند کلمه در متن جا افتاده. با تغییر جای دو حرف بی‌صدا، می‌توان این گونه ترجمه کرد: «زورق‌ها (سوار کشتی شدن در رود فرات) به آتش کشید شده‌اند». بعضی دیگر ترجمه کرده‌اند: «باروها به آتش کشیده شده‌اند»، یا «نی‌ها به آتش کشیده شده‌اند».

r قرائت عبری: «پس از اندک زمانی، زمان درو» ترجمه ما مطابق است با ترجمه‌های یونانی و سریانی و آرامی. این تصویر یادآور ویرانی بابل است؛ بابل مانند خرمنگاه تسطیح شده، لگدمال حیواناتی خواهد شد که برای برگرفتن دانه از بافه‌ها بر آن خواهند گذشت.

s برخی دیگر چنین ترجمه کرده‌اند: «شکم خود را از خوشی‌های من پر ساخته و مرا رانده است».

u ر.ک. ۱۹:۴۸.

t طبق ترجمه‌های یونانی و آرامی، می‌توان این گونه نیز تعبیر کرد: «بادا که دردها و مصیبت‌های من بر بابل وارد آید».

v «دریا» و «چشمه» احتمالاً به رودهای بابل اشاره دارد. در هر حال، منظور به طور نمادین، ثروت و غنای بابل است؛ ر.ک. توضیحات آیه ۱۳.

w تحت‌اللفظی: «ویرانه و سوت زدن»؛ ر.ک. ۸:۱۹؛ توضیحات ۱۶:۱۸.

بابل

[۳۸]جملگی با هم به سان شیربچگان می‌غرندx،
به سان بچه‌های شیران ماده غرش می‌کنند.
[۳۹]در آن حال که خود را گرم می‌کنند،
ضیافتی برایشان تدارک می‌بینم،
مستشان خواهم کرد تا کودن شوندy
و به خوابی ابدی بخسبند
و دیگر بیدار نشوندz
- وحی یهوه.
[۴۰]ایشان را همچون بره‌ها به کشتارگاه فرود خواهم آورد،
همچون قوچ‌ها و بزها.

۱۵:۲؛ مز۱۰۴:۲۱؛ اش۵:۲۱
۵۷:۵۱، ۶۴؛ ۱۳:۱۳؛ نا۱۲:۲
۲۷:۵۰

سوگواری بر بابل

[۴۱]شیشکa چگونه گرفته شده و گرفتار آمده،
آن جلال تمامی زمین؟
چگونه تبدیل به ویرانه شده،
بابل، در میان ملت‌ها؟
[۴۲]دریا بر علیه بابل برآمده،
او را با خروش موج‌هایش پوشانده است.
[۴۳]شهرهایش بدل به ویرانه شده،
زمینی خشک، صحرا،
جایی که کسی در آن ساکن نمی‌شود،
جایی که هیچ بنی بشری از آن نمی‌گذرد.
[۴۴]بِل و بابل را مجازات خواهم نمود،
آنچه را که بلعیده از دهانش بیرون خواهم آورد،
و ملت‌ها دیگر به سوی او حرکت نخواهند کرد،
حتی حصار بابل نیز خواهد افتاد!
[۴۵]از میان او بیرون آیید، ای قوم من،
و هر یک جان خود را نجات دهید
از شدت غضب یهوه!
[۴۶]دلتان سست نگردد!
از خبرهایی که در سرزمین شنیده خواهد شد، مهراسید؛
یک خبر در یک سال خواهد رسید،
سپس، سال بعد، خبر دیگری:
خشونت در سرزمین،
حاکم بر علیه حاکم!
[۴۷]زیرا اینک روزهایی فرا می‌رسد
که در آنها بت‌های بابل از مجازات خواهم نمود؛
تمام سرزمینش از شرمساری پوشیده خواهد شد
و همهٔ قربانیانش در میانش خواهند افتاد.
[۴۸]آسمان‌ها و زمین و هر آنچه در آنها یافت می‌شود

۲۱:۵۱؛ ۲۶:۲۵؛ ۱۷:۴۸
نا۷:۲
۱۲:۵۰، ۴۰
۶:۲
۲:۵۰
۳۴:۵۱؛ عز۷:۱
۵۸:۵۱
۹:۵۱؛ ۳۸:۲۵؛ ۱۳:۵۰، ۱۶
مت۶:۲۴
۲۶:۴۹
اش۲۳:۴۴؛ مکا۲۰:۱۸

x منظور اهالی بابلی است.
y تحت‌اللفظی: «... تا فراوان گردند» یا «... تا بسیار شاد شوند». مطابق ترجمه‌های یونانی و سریانی و وولگات، می‌توان چنین تعبیر کرد: «... تا کودن شوند»، یا «... تا سر حد مرگ مست شوند».
z این تصویر بیانگر تمام تاریخ بابل است که به گونه‌ای سیرناپذیر، ممالک را یکی پس از دیگری از میان برد؛ اما این امر نتیجه‌ای جز فراهم ساختن موجبات نابودی خودش نداشت.
a نوعی کلمه رمزی برای بابل.

بر بابل فریاد شادی سر خواهند داد،
زیرا که از شمال ویرانگران بر او خواهند رسید
- وحی یهوه.
[۴۹] بابل نیز باید که بیفتد
برای قربانیان اسرائیل،
به همان سان که برای بابل افتادند
قربانیان تمامی زمین[b].
[۵۰] ای رهایی یافتگان از تیغ،
بروید، توقف مکنید،
از دوردست‌ها یهوه را به یاد آورید،
و بادا که اورشلیم به خاطرتان برسد.
[۵۱] چون ناسزا می‌شنیدیم، شرمسار می‌شدیم،
خجالت رویمان را می‌پوشاند،
زیرا که بیگانگان می‌آمدند
بر علیه مکان‌های مقدس خانهٔ یهوه.
[۵۲] به همین سبب، اینک روزهایی می‌آید
- وحی یهوه -
که در آن بت‌هایش را مکافات خواهم رساند
و قربانیان در تمامی سرزمینش ناله سر خواهند داد.
[۵۳] گرچه بابل خود را تا به آسمان بالا برد
و گرچه دژهای رفیعش را دست نیافتنی سازد،
از جانب من بر او ویرانگران فرا خواهند رسید
- وحی یهوه.
[۵۴] هیاهویی را که از بابل می‌آید، بشنوید!
صدای عظیم خُرد شدن سرزمین کلدانیان را!
[۵۵] زیرا یهوه بابل را ویران می‌سازد
و صدای بلندش را ساکت می‌سازد؛
موج‌هایش[c] به سان آب‌های عظیم می‌خروشد،
قیل و قال صدایشان طنین می‌افکند[d].
[۵۶] زیرا شخصی ویرانگر بر علیه بابل می‌آید؛
شجاعانش گرفته شده و کمان‌هایش خرد شده است.
چرا که یهوه، خدای تقاص است:
او به دقت می‌پردازد!
[۵۷] بزرگان و حکیمانش را مست خواهم ساخت،
حاکمان و والیان و دلاورانش را،
و به خوابی ابدی خواهند خوابید،
و دیگر بیدار نخواهند شد
- وحی پادشاه
که نامش یهوهٔ لشکرها است.
[۵۸] چنین سخن می‌گوید یهوهٔ لشکرها:

۳:۵۰ — ۲۴:۵۱ — ۲۸:۴۴ — مز۱۳۷:۵ — مز۷۹:۱؛ مرا۱:۱۰ — ۴۷:۵۱؛ ۲:۵۰،۳۸؛ ایو۲۴:۱۲ — ۴۹:۱۶؛ اش۱۴:۱۳؛ ایو۲۰:۶ — ۲۲:۵۰ — ۶:۲۳؛ ۴۲:۵۰ — ۶:۵۱ — اش۵۹:۱۸؛ ۶۶:۶ — ۳۹:۵۱؛ ۲۶:۴۸؛ نا۳:۱۱،۱۸ — ۱۰:۱۶؛ ۱۸:۴۶

b این آیه را می‌توان به گونه‌های مختلف ترجمه کرد. مطابق ترجمه آرامی می‌توان گفت: «در بابل قربانیان اسرائیل افتاده‌اند»، یا «برای بابل قربانیان تمام زمین افتاده‌اند» مطابق وولگات: «همان سان که بابل زخمیان رو به مرگ اسرائیل را افکند، به همان سان زخمیان رو به مرگ تمامی زمین برای بابل خواهند افتاد». ترجمهٔ تحت اللفظی دیگر: «بابل نیز باید که بیفتد، ای شما قربانیان اسرائیل، به همان سان که قربانیان تمام زمین برای بابل افتادند». برخی نیز با بخش کردن یک حرف بی‌صدا و تغییر جای مصرع‌ها، چنین ترجمه کرده‌اند: «قربانیان تمامی زمین برای بابل افتاده‌اند؛ بابل نیز به نوبهٔ خود باید برای قربانیان اسرائیل بیفتد».
c با تغییر حروف صدادار در این کلمه، می‌توان آن را «هیاهو» ترجمه کرد. ترجمه ما مطابق قرائت عبری است.
d تحت‌اللفظی: «از قیل و قالش به او آسودگی داده خواهد شد».

۴۴:۵۱؛ ۱۵:۵۰

حصارهای بابل، آن وسیع،
بالکل با خاک یکسان خواهد شد؟
و دروازه هایش بلندش را
و آتش خواهند کشید.
بدینسان قوم ها خود را برای هیچ خسته می کنند
و ملت ها خود را برای آتش درمانده می سازند.

حب۲:۱۳؛ بنسی۱۴:۱۹

نبوت بر علیه بابل به شکل عملی نمادین[e]

[۵۹] [این است] دستوری که ارمیای نبی به سرایا پسر نریا پسر مَعَسیا داد، آن هنگام که وی با[f] صدَقیا، پادشاه یهودا، در سال چهارم سلطنتش، به بابل رفت. سرایا مسئول اردوگاه بود. [۶۰] ارمیا تمام مصیبتی را که می بایست بر بابل وارد آید، در کتابی نوشته بود، (یعنی) تمام این سخنان مکتوب را دربارهٔ بابل. [۶۱] ارمیا به سرایا گفت: «وقتی به بابل برسی، دقت کن که تمام این سخنان خوانده شود. [۶۲] بگو: ای یهوه، این تو هستی که این سخنان را دربارهٔ این مکان گفته ای، که آن را نابود خواهند ساخت، آن سان که در آن دیگر سکنه ای نباشد، نه انسان و نه حیوان، بلکه ویرانه ای ابدی خواهد بود. [۶۳] و چون از خواندن این کتاب فارغ شدی، سنگی به آن ببند و آن را به میان فرات بینداز؛ [۶۴] بگو: به این شکل است که بابل غرق خواهد شد، و از مصیبتی که بر آن وارد خواهم آورد، دیگر سر بر نخواهد افراشت[g]».
در اینجا سخنان ارمیا پایان می پذیرد[۱].

۱۲:۳۲ — ۲:۴۶ — ۲:۳۶ — ۲۶:۵۱؛ ۳:۵۰ — ۳۲:۵۰؛ مکا۲۱:۱۸

ضمیمه

تحقق نبوت‌های ارمیا بر علیه اورشلیم و یهودا[h]

۵۲ [۱] صدقیا به هنگام آغاز سلطنتش، بیست و یک ساله بود، و یازده سال در اورشلیم حکومت کرد. مادرش حموطال نام داشت، دختر ییرمیاهو؛ وی از لِبنَه[i] [بود]. [۲] او آنچه را که در نظر یهوه بد بود، انجام داد، مطابق هر آنچه یهویاقیم کرده

e این عمل نمادین (ر.ک. توضیحات ۱:۱۳) که مربوط به ۵۹۴ ق.م. می گردد، یعنی ۵۵ سال پیش از سقوط بابل، نمایانگر ایمان نبی به تحقق کلام خداوند است.

f قرائت یونانی: «از سوی صدقیا». شاید این قرائت ارجح باشد زیرا این سفر صدقیا در جای دیگر مورد تصدیق قرار نگرفته است.

g در متن عبری، در اینجا این عبارت وجود دارد: «درمانده می باشند». این عبارت در ترجمه یونانی نیست؛ در ضمن، با آنچه که قبل از آن آمده، ارتباطی ندارد؛ احتمالاً تکرار بخش پایانی آیه ۵۸ است تا آیات ۵۹-۶۴ را (که حالتی الحاقی دارد) به بخش پیشین آن مرتبط سازد. تحت اللفظی: «تا اینجا سخنان ارمیا» ر.ک۴۸.:۴۷. این جمله که در هفتادتنان نیامده، بیشتربا انتهای ایه۵۸مناسبت دارد که در ان،وحی های ارمیا به پایان میرسد.

h در این فصل، روایت کتاب پادشاهان (۲ـ پاد ۱۸:۲۴ تا ۳۰:۲۵) با اندک تغییراتی، تکرار شده است. این مطالب در اینجا آورده شده تا تحقق نبوت های ارمیا را نشان دهد. در ضمن، همین مطالب، به نوبهٔ خود، بر نگارش نهایی ار ۳۹ تأثیر گذارده است.

i شهری واقع در ساحل مدیترانه (ر.ک. یوشع ۲۹:۱۰ و غیره).

۱۷-۱۳:۲۲ بود. [۳] به سبب خشم یهوه بود که در اورشلیم و یهودا چنین شد، آن سان که سرانجام او ۳۱:۳۲ ایشان را از روی خود دور کرد[j]. صدقیا بر علیه پادشاه بابل قیام کرد.

[۴] باری، در سال نهم سلطنت [صدقیا]، در ماه دهم[k]، روز دهم ماه، نبوکدنصر، پادشاه بابل، هم او و هم تمامی لشکرش، بر علیه اورشلیم آمد؛ ایشان در مقابل [شهر] اردو زدند و در تمام پیرامونش، بر علیه آن تجهیزات بنا کردند. [۵] شهر تا سال یازدهم صدقیا پادشاه در حالت محاصره بود. [۶] در ماه چهارم، روز نهم ماه، آن هنگام که قحطی در شهر بیداد می‌کرد و دیگر برای مردمان سرزمین نان نبود، [۷] شکافی به شهر زده شد، و تمام مردان جنگی گریختند و شبانه، از راه «دروازه» میان دو دیوار[l]، که نزدیک باغ پادشاه است، از شهر خارج شدند ـ آن هنگام که کلدانیان شهر را در محاصره داشتند ـ و ایشان راه عربه[m] را در پیش گرفتند. [۸] لشکر کلدانیان به تعقیب پادشاه برآمدند و در بیابان اریحا به صدقیا رسیدند؛ در آنجا تمام سپاهش به دور از او پراکنده شدند. [۹] پادشاه را گرفتند و او را نزد پادشاه بابل به ربله، در سرزمین حمات[n]، برآوردند، و وی بر او داوری‌ها اعلام داشت. [۱۰] پادشاه بابل پسران صدقیا را در مقابل چشمان او گردن زد، و نیز تمام بزرگان یهودا را در ربله گردن زد. [۱۱] سپس چشمان صدقیا[o] را در ۵:۳۲؛ حز۱۳:۱۲ آورد و او را با زنجیر برنجین دولایه بست، و پادشاه بابل او را به بابل برد و در آنجا او را تا به روز مرگش در خانهٔ محافظان نگاه داشت.

[۱۲] در ماه پنجم، روز دهم ماه ـ که سال نوزدهم نبوکدنصر[p]، پادشاه بابل بود ـ نبوزرَدان، فرمانده محافظان که جزو اطرافیان پادشاه بابل بود[q]، وارد اورشلیم شد. [۱۳] او خانهٔ یهوه و خانهٔ پادشاه و تمام ۱۷:۲۷:۳۷:۸؛ ۸:۳۹؛ حز۴۱:۱۶ خانه‌های اورشلیم را سوزاند؛ او تمام خانه‌های بزرگان را به آتش سوزاند. [۱۴] سپس تمام لشکر کلدانیان که با فرمانده محافظات بودند، کلیهٔ حصارهایی را که اورشلیم را در احاطه داشت، فرو کوبیدند. ۱۰:۱

[۱۵] بقیهٔ جمعیتی که در شهر باقی گذاشته شده بودند، و خائنانی که جانب پادشاه بابل را گرفته بودند، و باقی صنعتگران

j ر.ک.۲. پا۱۷: ۲۰؛ ۱۸:۱۷ و۲۳؛ ۳:۲۴. دراین باب اخر به این اشاره شده است که نبوت ارمیا به تحقق رسیده است.
k پایان دسامبر ۵۸۹ ق.م.
l دروازه‌ای واقع در جنوب که فراریان ترس کمتری از برخورد با دشمن داشتند، زیرا که دشمن احتمالاً شکاف را در دیوار شمالی شهر به وجود آورده بودند.
m یعنی به سمت دره اردن.
n ربله شهری است واقع بر رودخانه اُرونت (العاصی)، در سوریه.
o این صحنهٔ خشونت‌بار، در آن روزگار در خاور نزدیک، امری متداول بود. این عمل را در نقش برجسته‌های آشوری مشاهده می‌کنیم، خصوصاً نقش برجسته‌ای مربوط به سَرگُن.
p لذا در پایان ژوئیه ۵۸۷ ق.م.؛ ر.ک. توضیحات ۱:۲۵.
q قرائت ماسورت‌ها: «نبوزردان رسید و در مقابل پادشاه بابل در اورشلیم ایستاد». این امر در مضمون متن روشن نیست. ترجمه ما مبتنی است بر ترجمه‌های یونانی و وولگات که احتمالاً متن اولیه را بهتر برگردانده‌اند.

را نبوزَرَدان، فرماندهٔ محافظان، به تبعید برد[r]. [۱۶] اما[s] از مردمان پست سرزمین، نبوزردان، فرماندهٔ محافظان، بخشی را به عنوان رَزبان و کشتگر واگذارد.

[۱۷] ستون های برنجین خانهٔ یهوه، و پایه ها و «دریای برنجین» که در خانهٔ یهوه[t] بود، کلدانیان آنها را خُرد کردند و تمام برنج را به بابل بردند. [۱۸] همچنین دیگ ها و بیلچه ها و چاقوها و جام های پاشیدن و کاسه ها و تمام اشیا برنجین را که برای عبادت بود، گرفتند. [۱۹] فرماندهٔ محافظان همچنین لگن ها و آتشدان ها و جام های پاشیدن و دیگ ها و شمعدان های چند شاخه و کاسه ها و پیاله ها، و هر آنچه را که از طلا بود و هر آنچه را که از نقره بود، گرفت. [۲۰] در مورد آن دو ستون و «دریای» واحد و دوازده گاو برنجین که زیر [دریا] بود و پایه هایی که سلیمان پادشاه برای خانهٔ یهوه ساخته بود، کسی نمی توانست وزن برنج تمام این اشیا را برآورد کند. [۲۱] در مورد ستون ها، ارتفاع هر ستون هجده ذراع بود؛ ریسمانی دوازده ذراعی، پیرامون آن را می پیمود؛ ضخامت (ستون) چهار انگشت بود؛ آن میان تهی بود. [۲۲] بر بالای آن سرستونی برنجین بود، و ارتفاع هر سرستون پنج ذراع بود. بر روی سرستون، در پیرامون آن، رشته ای و انارهایی وجود داشت؛ همه از برنج بود. ستون دوم و انارها نیز این چنین بود. [۲۳] نود و شش انار وجود داشت که آزادانه آویزان بود. جمع انارها بر روی رشته، در تمام اطراف آن، یکصد بود.

[۲۴] فرماندهٔ محافظان، سرایا، رئیس کاهنان، و صَفَنیاهو، کاهن دوم، و سه محافظ آستانه را گرفت. [۲۵] از شهر خواجه ای[u] گرفت که بر مردان جنگی گماشته شده بود، و (نیز) هفت مرد از آنان که روی پادشاه را می دیدند و در شهر یافت بودند. [۲۶] چون نبوزَرَدان، فرماندهٔ محافظان، ایشان را گرفت، نزد پادشاه بابل، به ربله، برد. [۲۷] پادشاه بابل، در ربله، در سرزمین حمات، دستور داد تا آنان را بزنند و بمیرانند[v].

یهودا به دور از زمین خود تبعید شد.

[۲۸] این است رقم جمعیتی که نبوکدنصر تبعید کرد:

سال هفتم[w]:

اهالی یهودا: ۳/۲۳ (نفر)؛

[۲۹] سال هجدهم نبوکدنصر[x]:

از اورشلیم: ۸۳۲ (نفر)؛

[۳۰] سال بیست و سوم نبوکدنصر[y]،

۲۲:۲۷

۱:۲۱

مر۱:۳۱

r در متن عبری، در آغاز آیه، عبارت «مردمان پست قوم» آمده؛ این عبارت در بخش های موازی (ار ۹:۳۹ و ۲ـ پاد ۱۲:۲۵) وجود ندارد و با مضمون متن متناقض است. این احتمالاً تحت تأثیر آیه بعدی اضافه شده است.

s متن عبری تکرار می کند: «نبوزردان، فرماندهٔ محافظان».

t ر.ک. ۱ـ پاد ۲۱:۷، ۲۳، ۲۷ و توضیحات.

u منظور شخصی مهم در دربار پادشاه میباشد. ر.ک۳۹.:۳و۱۳؛۲پا۲۵:۱۹؛۱۸:۱۷.

v ترجمه یونانی فقط آورده: «بزنند». در پایان آیه نیز موضوع تبعید، و نیز آیات ۲۸-۳۰ را از قلم انداخته است.

w احتمالاً منظور سال هفتم نبوکدنصر است، یعنی سال ۵۹۷ ق.م. که تاریخ نخستین تبعید ساکنان اورشلیم می باشد.

x یعنی سال ۵۸۷ ق.م. تاریخ دومین تبعید ساکنان اورشلیم. ر.ک. توضیحات ۱:۲۵.

y یعنی سال های ۵۸۲-۵۸۱ ق.م. از شرایط این تبعید سوم که در روایت کتاب های پادشاه ذکر نشده، آگاهی نداریم. اما می دانیم که در این سال بود که نبوکدنصر، موآبیان و عمّونیان را به تبعید برد.

نبوزَرَدان فرماندهٔ محافظان، (اینها را) تبعید کرد:

اهالی یهودا: ۷۴۵ (نفر)؛
جمعاً: ۴٫۶۰۰ (نفر)[z].

سرنوشت نسل داود[a]

[۳۱] باری، در سال سی و هفتم تبعید یهویاکین، پادشاه یهودا[b]، در ماه دوازدهم، (روز) بیست و پنجم ماه، اویل ـ مرودَک، پادشاه بابل، در سال آغاز سلطنتش، سر یهویاکین، پادشاه یهودا را بر افراشت، و او را از زندان بیرون آورد. [۳۲] او با وی با نیکویی سخن گفت و برای او جایگاهی رفیع تر از جایگاه پادشاهانی که با او در بابل بودند[c]، تعیین کرد. [۳۳] او جامه های زندانی وی را عوض کرد، و [یهویاکین] در تمامی روزهای زندگی اش، دائماً خوراک خود را در حضور او می خورد.

[۳۴] معیشت او، روزانه، تا به روز وفاتش، در تمامی روزهای زندگی اش، دائماً از سوی پادشاه بابل تأمین می شد.

z در مقایسه با رقم «ده هزار تبعیدی» (رقم گرد شده) که در ۲ـ پاد ۱۴:۲۴ آمده، این ارقام هم دقیق تر می نماید و هم محدودتر، باید در نظر داشت که یهودا سرزمین کوچکی بود و فقط صاحبان منصب ها و حرفه ها به تبعید رفتند.

a با اینکه مؤخره کتاب ارمیا حزن آلود است، اما با چهار آیهٔ امیدبخش خاتمه می یابد (آیات ۳۱-۳۴) زیرا یکی از اعقاب داود از افتخار و امتیاز برخوردار می شود؛ ر.ک. توضیحات ۲ـ پاد ۳۰:۲۵.

b یعنی در ۵۶۱-۵۶۰ ق.م.

c ترجمه ما تحت اللفظی است. برخی دیگر چنین ترجمه کرده اند: «... که با او سرنوشتی مشابه داشتند».